

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0929

<http://hdl.handle.net/2333.1/d7wm389d>

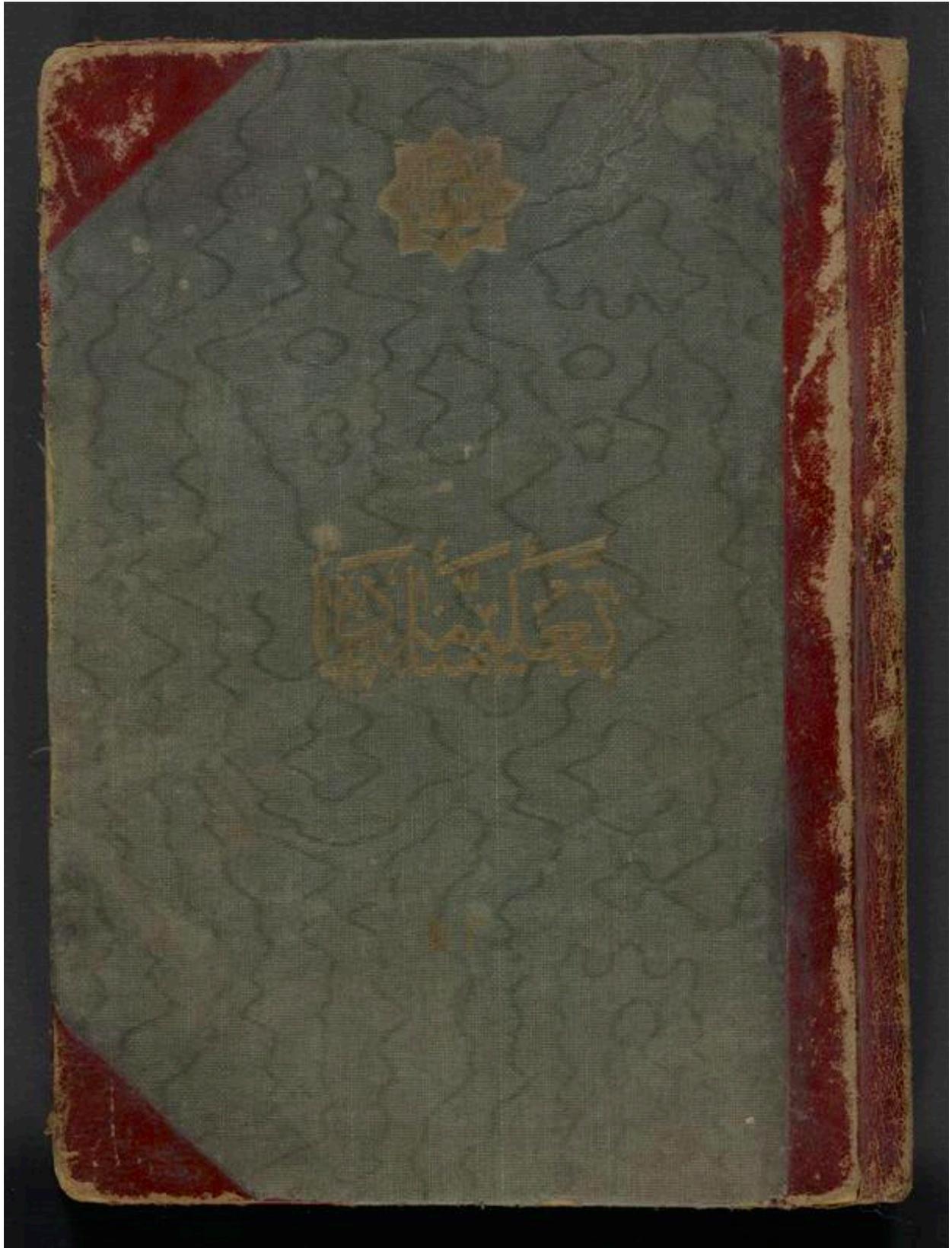


This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu



حسب الامر در اراده سینه اعلم حضرت سراج الملة والدين ادام الله قبلة
 بحمايت حضرت معين السلطنة صاحب انجم نظارت جناب سردار محمد نادر خان

تَعْلِيْقَاتُهَا

نائب سالار حضور دكران مکتب
 ميرزا سراجيه

حسب الامر و اراده سینه اعلم حضرت
 سراج الملة والدين ام تشه قبالة
 ۱۳۱۴

بحمايت حضرت معين السلطنة صاحب انجم و
 نظارت جناب سردار محمد نادر خان نائب
 سالار حضور دكران مکتب حرميه سراجيه

بار اول در مطبعة دار السلطنة كامل
 طبع شد
 تهره ميرزا
 ۱۳۳۱
 نسخته ميرزا
 ۱۳۳۱

بسم الله الرحمن الرحيم

از زراعت و باغبانی و کاشت و زراعت و باغبانی

جناب عبدالمجید خان لالہ ادریش صاحب

کہ برائے نیندہ مبلغ تیس ہزار روپے

نہ لکھتے زیادہ امیدوار ہوں کہ ہر ایک

محمد عبدالرحمن

عبدالرحمن

عبدالرحمن

۱
بسم الله الرحمن الرحيم

تعلیمنامه پیاده

مدخل

۱- تعلیمنامه ، اصول تعلیم و تربیه پیاده و قواعد
اساسیه محاربه پیاده را محتوی میباشد . اما پیاده
چونکه ذاتاً با صنوف سائره متفقاً محاربه میکند ، صورت
و حرکت صنوف مذکوره بدرجه تعلق شان بجاربه
پیاده نیز ملاحظه کرده شده است .

۲- حرب ، یک الضباط سخت و شدید
و صرف و استعمال کل توای مادیه و معنویه را مستلزم
است علی الخصوص در محاربه تحصیل نظف و غالبیت ،
متوقف است باینکه کافه افسران و افراد در راه
ذات حضرت پادشاهی که افسر اقدس عمومی است
و در راه وطن و ملت بکمال شوق جانفشانی کنند .

و باینکه کافه اصحاب رتب یعنی منصبداران تا خورد
 ترین شان بالذات اعمال فکر نموده نظر بقضای
 حال، خود بخود با شناختند آسیر آموخته باشند باینکه
 نفقات تیر مالک عزم قطعی احراز ظرف بوده حتی
 در حال مجروحیت و یا شهادت مافوقان نیز
 حاضر یعنی فراکیرنده چنین اوصاف بوده باشند
 که بعزم مذکور شان ضل نرسد .

۳ - در حرب، تنها بساطت ضامن موفقیت

یعنی باعث کامیابی است ازین سبب نظام
 باینکه تعلیم و استعمال کرده میشود باید که بسیط باشند.
 بر نوع مصلح حرکات ممنوعست [یعنی حرکاتی که نظر به
 مقصد حرب نافع نبوده تنها در نظر خوش نیاید]
 میباشد که کسب قدرت کرده شود باینکه نظامها باینکه
 در تعلیمنامه مندرج اند بکمال منیت و احاطه تطبیق کرده
 شوند. برای تا کسب و تأیید انضباط باید که در خصوص
 تعلیم و تطبیق نظامهای مذکوره رعایت تأمیت و تکمیلت
 کرده شود .

۴ - افسر تولى و افسران كافة قطعاً تيکه از تولى
 مافوق اند موافق احکام تعليمنامه از تعليم دادن تربيه
 دادن خود مسئول اند بر اى بهين مقصد مو ما اليهم
 در انتخاب و سايط و تدابير تا که ممکن است بايد که
 از اوده و مختار باشند . مگر وقتيکه دیده و دانسته
 شود که وسايط بخلط انتخاب کرده شد و يا در
 پيشرفت امور قصور پيدا شد فى الفور مداخله کرد
 بايد شد - همچنان افسر هر جزو تام يعنى هر منصباً
 کلان مسئول است از نيکه بقدر امکان كافة معيت
 موجوده اش در تعليمها حاضر باشند . بناء عليه
 وقت کرده شود با نيکه كافة افسران و حواله داران
 و نايکها در تعليم حاضر باشند و با نيکه بر اى خدمات
 داخلية و خدمت پاره ما ممکن مرتبه کم عسکر جدا کرده
 شود و با نيکه تنها مريضانکه رپوت طبيب را دارند
 با کسانیکه چارنا چار استخدا ام شان در ديگر خدمت
 عسکرية مجبورى باشد معاف کرده شوند .
 ۵ - معلمانى را که قواعد جنگ بسپاه نوآموز

با ایشان مفوض گشته و بجهت پیش برد این امر
 متکفل شده اند لازم است که از آنچه می آموزند
 و تعلیم میکنند اولاً بنفس خود بهره وانی داشته
 تمام جزئیات قواعد را کماحقه بدانند، و بطوریکه
 آنچه میگویند سپاهیان بشنوند و بفهمند و توجه تمام بسوی
 احکام بردارند و چون بدانند که سپاهیان در تعلیم
 خود کوشش بلنج بکار میبرند و با وجود آن بزودی
 و بخوبی یاد گرفته می توانستند باید که متحمل شده غضب
 و قهر را بر دل راه نداده اغماض نمایند که در ابتدا
 خود ازین امور چاره نیست زیرا که چستی و چالاکتی
 و فرمان برداری، حاصل و نتیجه این مشقتهاست که
 بعد از یاد گرفتن همه قواعد ب حصول می پیوند و آن
 در ابتدا متوقع نباشد و باید که بتدریج تعلیم می
 نموده باشند.

۱۰ - در ابتدا که سپاهی برای تعلیم استاده
 شود باید که تفنگ و انگشتان و آرنج و غیره هر یک
 از اعضا را معلم بدست خود بمواقع خود نهاده برابر نماید و

بعد از آن که بیاد گرفتن کارهای دیگر مشغول شد که
 در هیئت استادان فرقی بوقوع رسد بجز در آواز تنبیه
 نمایند که خود را بموجب تعلیمی که بوی نموده شده خود
 درست کنند. و انساب آن است که سپاهیانرا
 در یک هیئت قوا عد بسیار مدت نکند از نذات مانده
 نشوند و بشوق کار کنند، بلکه از یک حکم بدیکر حکم
 انتقال نموده در قوا عد بدون اسلحه و با اسلحه نیز اکثر
 آمیخته باشند تا فراموش نشود.

۷ - سپاهی باید که اول بجهت های خور و دو بعد
 از آن به (دلکی) تا قوا عد بیا موزند تا که در جمیع کارها
 قوا عد دسترس تمام نیافته و بعلل نیادرده در (تولی)
 داخل نشوند زیرا که بسبب یک شخص خام طبع نوا موز
 که در گردش و رفتار غلط کند کل تولی بی نظام میشود
 از جمله لوازم است که چون سپاهی که رخصت گرفته
 رفته از خانه خود باز مراجعت کنند تا ثانیاً امتحان قوا عد
 را از نو بگیرند در تولی داخل نکنند.

۸ - سپاهی را قوا عد کم کم بیا موزند و استعمال

بسیار بکنانند آنچه آن که سبق بسیار بگویند و بعمل
کم آرند که باین طریق تشویش خاطر متنا و متعلم بهم میرسد .
هر سپاهی را بموجب لیاقت و قابلیت وی
در تعلیم ترقی داده از یک جماعت بدیکر جماعت که در
تعلیم برتر از دست داخل نمایند و با کسانی که کند
ذهن اند اگر چه بهم جمع ویند یکجا نگذارند تا از سبب بعضی
که شست و کند ذهن اند دیگران که چابک و هوشیار
و صاحب ترقی اند و افسر نمایند .

۹ - برای سپاهیان در هر قسم زمین تعلیم داد
ضروریست که در هر قسم زمین سپاهی بدون تشویش
کار کرده بتوانند . اکثر در شب بهم کارهای نظامی با لای
سپاهی اجرا کرده شود که سپاهی در شب بهم کار
نظامی خود را به بسیار آرامی و چالاکي اجرا
نموده بتوانند و تمهیل حکم را بدرستی در شب نموده
بتوانند .

۱۰ - اکثر حکمها بدو حصه منقسم است یعنی اخبار
و اجرا ، اخبار را دراز و اجرا کوتاه و شدت

داده میشود . در متن تعلیم نامه در میان حکم اخبار و اجرا
 اشارت (-) نهاده شده است . در تعلیم نامه
 حکمها بجزوف جلی تحریر شده .
 ۱۱ - حکمها صریحانه داده شود اما با و از یکدیگر
 تر از لزوم باشد داده نشود .
 تا وقتیکه حکم اول اجرا نشده باشد حکم دیگر
 داده نشود .
 ۱۲ - برای سوق و اداره قطعات بدون
 حکم و امر ، خیف صد کردن (مانند صوت است)
 و اشارت دادن تیر جائز است .
 انسر ، اشپلاق استعمال کرده توجه سپاهی را
 بر خود مائل نموده میتواند . و اشارت ذیل را بکار
 برده میتواند . ملاحظه کنید فقره (۲۳ - اشارت)
 . ۱۱

ادوار تعلیمه عسکریه

- ۱- دور زمستان ،
 - ۲- دور بهار ،
 - ۳- دور تابستان ،
 - ۴- دور تیر ماه ،
 - ۱۳- دور زمستان در دور مذکور به
- جائهای خنک ، تعلیم افراد جدیده بدین تفصیل است :
- ۱- تعلیم وضعیت اساسی گرزها ، سلامتی دست .
 - ب- تعلیم نظریات انداخت یعنی اصول تطهیر اسلحه ، دانستن محرک مرمی .
 - ج- افراد عتیقه کتسبات سته سابقه خود را تکرار و تقویه کرده کبود و نواقص اسلحه و تجهیزات حضریه و سفریه خود را اكمال کرده اسلحه و تجهیزات سائره مالزمنه خود را تطهیر مینمایند .

و - در جاهای گرم زمستان از غیر معلومات
 فوق ، افراد جدید در تعلیم و حرکات تفنگ و غیره
 چنین تعلیم و تربیه کرده شوند که با افراد قتیقه یکجا تعلیم کرده
 بتوانند .

دور بهار ، در دور مذکور ، افراد جدید را
 به همراه افراد قتیقه آمیخته حرکات تعلیمه که داخل
 دلگی و پرک و بلوک و تولی مخصوصند اجرا کرده تکرار
 بنمایند . در ماه اخیر همین دور به تعلیمهای کندک
 شروع نمایند .

۱۵ - دور تابستان ، در دور مذکور
 به تعلیمهای تولی و کندک دوام کرده در ماه اخیر
 دور مذکور ، به تعلیمهای غنند شروع نمایند هرگاه
 افراد جدید باشد به تعلیمهای خود بقرار یک در دور
 زمستان و بهار بیان شد دوام میکنند .

۱۶ - دور تیر ماه ، در دور مذکور به تعلیمهای
 کندک و غنند دوام کرده در ماه اخیر همین دور
 با نوره اجرا کرده شود .

درین دور ما افراد جدید بعد از گرفتن تعلیم
 کافی به بلوک و تولی و کندک و غنم و غنم کردن تعلیم داد
 شود. تمهنا به تعلیم حرکات تعلیمنامه: حصر نمودن این
 دور جائز نیست بلکه در خصوصات تعلیم، سفریه، اندخت،
 ادمان و در سایر شعبات تعلیمیه، به تربیه افراد باید
 که از بدایت سنه تعلیمیه تا نها قیش تدریجا دوام کرده
 شود. برای اینکه تعلیم و تربیه که در هر دور اجرا
 کرده میشود منتظا جاری شود. باید افسر یکمیه اداره
 تعلیم نامور است یک پروگرام یعنی دستور العمل ترتیب
 و تنظیم نموده تعلیمها را موافق پروگرام مذکور اداره کنند.
 در ترتیب بهین پروگرام:

۱ - از نظام نامه های خدمات مختلفه، که ام فقهه،

و حرکات تا ختام دور اجرا کرده خواهد شد.

ب - کدام فقره، و حرکات در عین میدان تعلیم

و کدام شان بر اراضی تعلیم کردن شان

مقتضی خواهد شد.

ج - برای هر فقره و هر حرکت، در صورت عمومیته

چقدر مدت بکار خواهد شد .

همه اینها را تعیین نموده احوال اقلیمیه و خصوصیات
سائره موقع عسکری نیز به نظر دقت آورده اول بادل
تقیمات یک هفته و نظر باین یومی تقیقات (تقسیم ساعات
تعلیمهای یک روزه) اجرا کرده میشود . تعلیمهای افراد
جدیده و بعد از آن سراز تولی تعلیمهای جزو تامهای
مختلف ، در تمام مدت معین اصولاً تفتیش یعنی امتحان
کرده میشود .

تفتیش تعلیمهای ادمان ، انداخت و سفریه با و آخر
دورتا بستان اجرا نموده میشود . تفتیش تعلیمهای افراد
جدیده و تعلیمهای تولی از طرف افسر غنند و در غیبتش
از طرف افسر کندک ، و تفتیش جزو تامهای بزرگتر از
طرف مافوق کلانتر ، (سرغت مشرب یعنی نائب سالار و قول مشرب
یعنی سپاه سالار) اجرا کرده میشود . کافه مافوقان
خواه خورد باشند خواه بزرگ و کل افسران آن
غنند ، که منسوب است بآن جزو تام که تفتیش آن اجرا
کرده خواهد شد در اثنای تفتیش حاضر میباشند .

به تفتیش های قمره های مندرجه تعلیمنامه ، بعد از معاینه
عسکر بنظام معاینه ، آغاز کرده میشود ، حرکات تیکه از طرف
مفتش خواسته میشود بعد از ملاحظه کردن آنها ؛
تفتیش مذکور بواسطه یک پریت اکمال کرده میشود .
و حرکات مذکوره در مواجئه عموم افسران ، مفضلاً
تنقید و تصحیح نموده میشود . تعلیمهای ادمان تربیه خدمت
سفریه و اقتدار نفقات در انداخت منفرد ؛ از طرف
افسر عند تفتیش کرده میشود . برای آنکه صنوف مختلفه متحداً
اجرای تعلیم کنند ؛ (تعلیمهای کلان خریف یعنی مانور) .
خاصه از دور خریف یعنی تیر ماه استفاده کرده میشود .
برای این ؛ مفرزه ها و مختلط (غذا - و لوازم) حرکات
عسکریه اجرا میدارند . مع مافیه در اثنای سائر
ادوار تعلیم نیز ، صنوف مختلفه که در هر موقع عسکریه میباشد
باید که گاه گاه با هم یکجا شده بر اراضی مختلفه ، همچو ار
موقع مذکور ، تعلیمهای مفرزه بمقیاس خود اجرا نمایند
و درین خصوص فوت فرصت نباید کرد . اما در قطعات
عسکریه مفرزه باید که بودن صنوف مختلفه را فرض خیال

کرد بدین طرز تعلیمها اجرا کرده شود. زمان اواخر
 تیرماه؛ با اینکه به تعلیمهای خفیف دوام کرده میشود.
 نیز به تعمیر و اصلاح اسلحه و تجهیزات و ملبوسات و تطهیر
 اساسا رخصت کرده میشود و نیز درین زمان با حضرات
 استقبال افراد جدید و آما دگی تعلیمهای شان
 اشتغال (یعنی با حضرات بهیئت معلمه) کرده میشود.
 ۱۷ - اصل حرکات تعلیمی در تولی اختتام میاید.
 در کندک و در جزواتهای کلانتر؛ از روی عین مقصد
 مجاربه، توحید اعمال حرکات نمودن اقسام منفرد
 تعلیم کرده میشود.

۱۸ - عین خصوص را متصل تعلیم نمودن؛ چونکه
 ذهن و بدن را مانده میسازد، بنا برین باید که فقره های
 تعلیمی متنوع باشد. اما مدت و انواع حرکات
 باید که بقوت و ادمان فقرات تناسب بوده باشد
 و افزودن آن نیز باید که بستد ریج کرده شود؛ زیرا
 که در عکس تقدیر، حصول رخاوت غیر قابل جناب است؛
 و این هم با انضباط، ایراث خلل میکند.

۱۹ - تعلیمها بر قدر که بر اراضی مختلفه اجرا گردد
میشود استفاده متعلمین نیز، بهمان قدر می افزاید. بناءً
علیه برای اجرای چنین تعلیمها از هر فرصت و هر موسم
استفاده باید کرد.

۲۰ - باید که قطعات، آموخته کرده شوند که در
اشنای شب نیز با قیوت و بی غلغله اجرای حرکات کرده
بتوانند.

۲۱ - اجرا نمودن تعلیمها بجزو تا همانیکه در وجود
سفری باشند؛ حائز قیمت مخصوصه است. اجرای
چنین تعلیمها حتی در داخل قوای نیز فایده مند است،
چنانکه اگر بعضاً یک و یا دو بلوک را بوجود سفری ابلاغ
نموده و متباقی بلوک و یا بلوکها بحال بیولا مفروضه نشانند
و باخاصه افسر بلوک، و پرکشران شان بوجود کامل ارائه
کرده اجرای تعلیم نموده شود مهارت و تربیت افسران
بلوک و اکثر پرکشران تأمین کرده میشود. درکنندگ
و درجزو تا همای بزرگ ازکنندگ، برای حاصل نمودن
عمق رفتار قطعات سفری، آن مسافه تا که مابین توپها

میباشند آنها را افزوده گاه گاه اجرای تعلیماتشان
توصیه است .

۲۲ - در تعلیمهای حضری ، اگر اراکه تلفات امر
کرده نشده باشد ، افراد خطهای اخیر به سبب
تقوی ، آندرجه با هم ملاصق و پیوسته میباشند که
از اوده استعمال تفنگ کرده نمی توانند ، پس درین
بنگام نفراتیکه خارج خط اخیر میمانند فقط در عقب
خط مذکور و با نفری اخیر بمشابه وضعیت میباشند .
و بدون حرکت آور ؛ به حرکت اشتراک میدارند .

اشارات

۲۳ - برای پیش روان کردن ، افسر
دست خود را بالا بر میدارد . برای اینکه قطعه عسکریه ؛
افسر را تعقیب کنند ، افسر دست خود را بالا برده
استقامت رفقار را مینماید . برای استاده کردن
دست بالا برده پایان آورده میشود . برای اخیر
کردن ، هر دو دست را به تسویه شان برده بجانبین

کشاده میشود؛ در عین لزوم؛ استقامتیکه بالآخره
 پیشرفت نفری اچپور بران لازم باشد بیک دست
 اشارت کرده میشود. برای جمع کردن؛ بالای سر
 در هوا بدست، یک دایره کشیده میشود. همین
 اشارات به تفنگ و یا کریچ نیز داده میتوان شد.
 برای سایر خصوصیات اشاراتیکه داده خواهد شد
 لازم است که بنور پیشتر قرار داد کرده شوند؛ اشارتیکه
 بیک قطعه که در مجتمع نظام باشد داده خواهد شد
 اساساً با فسر قطعه عائد است.

۲۴ - در مسافه های بزرگ تعاطلی امر و تقریباً
 بواسطه برتهای خورد اشارات (مدرجه تعلیمات اشارات)
 موجب تصرف زمان قوت است. اما در زیر
 آور موثر، بقرار قاعده اشارت دادن چونکه
 نادر امکان میباشد برای چابک فهمیدن احوال
 محاربه که زود زود تکرار خواهد کرد بواسطه بصر
 خورد اشارت و یا بدست و یا بسره پیشرو یا
 بغیره چیزها؛ اشارات نیز داده میتوان شد.

در صورت عمومی اشارات آینه که معلوم هر
افسر باید بود استعمال کرده میشود .

۱۱۱ = : او طر اند !

ش ش ش = اگر از خط محاربه بدنبال داده
شود بمعنی توپچی پیشتر او در بکند می آید .

دد = در شیر !

ج ج ج = اگر از خط محاربه بدنبال داده شود:
مراد اینکه جباخانه لازم اگر از دنبال به پیشروی داده
شود : مراد : جباخانه می آید .

۵۵۵ = اگر از خط محاربه بدنبال داده شود:

مراد : میخواستیم که هجوم کنیم . اگر از دنبال به پیشروی
داده شود : مراد هجوم قریب شد . اگر اشارت
فهمیده شود این جواب که : (فهمیده شد) داده
میشود . بدون اینها بر اشارتیکه بحاجت باشد باید که
پیشتر قرار داد کرده شود .

باب اول

تربیه منفرده
قواعد عمومی

۲۵ - در تعلیم قواعد منفرده نهایت سعی کوشش
مبنوده شود زیرا که اگر تعلیم ابتدائی غلط برای سپاهی
نشان داده شد برای همیشه تعلیم غلط باعث بی تربیتی
سپاهی میشود. و برای تعلیم ابتدائی معلم لایق
بکار است و سعی زیاد در تعلیم منفرده ابتدائیه مبنوده
شود. در وقت تعلیم ابتدائی از هر قسم خدمت
حتی الامکان سپاهی آزاد بوده و در وقت روزها
تعلیم قواعد را بیاموزد.

طریق چالاک غلط بکار نمی آید. همیشه طریق
درست برای سپاهی نوآموز تعلیم داده شود.
۲۶ - مراد از افضال صف مفرد سپاه
نوآموز آنست که هر سپاهی دست راست

خود را بجانب راست خود برابر خط افق دراز
 کرده مقدار درازی دست راست خود دور
 بوده باشد و پس دست خود را به پهلوئی خود
 بیاورد .

بی تفنک تعلیم و تربیه

وضعیت ساس

۲۴ - در حکم : تیار - سی ! تفروضیت
 آینه را گرفته دیگر حرکت نمیکند .
 پای - هر دو پاشنه ممکن مرتبه پیوسته
 باشد و پنجه های پای از قائمه چیزی کمتر بجانبین کشاده
 و ثقلت بدن بر هر دو پاشنه و پنجه قدم مساوات
 انداخته میشود . هر دو زانو قدری شخ گرفته ممکن
 مرتبه پیوسته میباشد .

تمنه - راست بوده سینه بحال طبیعی
 خود قدری پیش بر آمده و هر دو شاننه با هم برابر بود

بی آنکه به بالا بر آید قدری طرف پشت برده
شود .

دست - هر دو دست آزاده او نیز
باشد . هر دو آرنج اندکی قات شده قدری
پیش رو برده شود . پنجه های دست با بند
تا سر انگشتان بران چسبیده باشند . انگشتان
متصل بوده بحال طبیعی خود قات میباشند . و
انگشت میانه بدرز پتلون برابر باشد .
گردن - میان هر دو شانه فروز رفته
آزاده و راست گرفته شود .

سر - باید برداشته زنج قدری طرف
گردن کش گرفته شود .

نظر - از ادا نه پیش روی دوخته شود .
۲۸ - هرگاه حکم : تیار - سی ! داده
نشده باشد و ناگاه اخبار یک حکم داده شود عسکر
میاید که خود بخود وضعیت اساس را بگیرد .

۲۹ - حکم : آرام - سی ! که داده شد

عسکر پای حسب خود را بجانب نیم کین میکشد عسکر در
 حال آرام - سی اگر چه حرکت کرده میتواند اما
 بدون اجازت حرکت زده نمی تواند .

رفقار ما

۳۰ - چهار قسم رفقار در نظام ، مروج

میباشد بقرار ذیل :

۱ - ارو - زاو ! برای تعلیم ابتدائی

کار قدم مستعمل است .

ب - زر - زاو ! برای اکثر اوقات

بلکه اصلی رفقار سپاهی همین است .

ج - دو اگرای - زاو ! برای

جلد رفتن و موزون دو اندن قدم مذکور مستعمل
 است .

د - زاو - زاو ! سر نخود بسیار

چالاک و دیدن و خود را بمقصد جا رساندن اندازه
 و غیره ندارد مگر بر تقریب پوره قوت خود میدود .

تفصیل بر چهار نوع رفتار بدین قسم است :

۲۱ - ارو - زاو ! در یک دقیقه

۷۵ قدم برداشته میشود . دستها به پهلو جسم چسبیده میباشند . دست و بازو حرکت نمیکند نوکهای پنجه پاهای بطرف زمین باشد طول قدم مثل قدم ژر زاو است یعنی از ۳۸ الی ۳۰

اینج میباشند :

۲۲ - ژر - زاو ! برای موزن

رفتن است رفتار مذکور در تعلیمهای آمادگی که در مجتمع نظام اجرا کرده میشود در رسم تعظیم و پرعتها و گذشت از عمارات جسم مستعمل است . برای رفتار مذکور حکم و نگی (ژر - زاو !) داده میشود .

پای چپ را اندکی خم داده و نوک پنجه پای طرف زمین مائل بوده قدری طرف خارج بشتر طیکه گری و پنجه بیک سطح باشد و برود دراز کرده میشود . همان وقت لنگر جسم پیش انداخته میشود . پای چپ از پای راست ۲۲ اینج بجانب پیش و همه کف

مکرر
اتا

روح

ندانی

وقا

ی

خل

یار

ازه

د

پای بزین ، خفیف نهاده میشود . درین وقت لنگر
 جسم بر پای چپ انداخته شده میباشد . در اثنا
 پای چپ بزین نهاده میشود و گری پای راست از
 زمین بر میخیزد پای راست اندکی خمیده و نوک پنجه
 اش بشرطیکه بزین محور و قریب زمین بوده بجانب
 پیش روی دراز کرده میشود . بعد پای راست
 مانند پای چپ بزین نهاده میشود . باید زانوها از
 اندازه لازمی زیاده برداشته نشوند و پایها بزین
 بشدت زده نشوند اندازه رفتار مذکور بیک دقیقه
 عدا اکام است .

۳۳ - به حکم : پشه پر - زای ! دگی
 - ز او ! که در پریتها داده میشود .

در اثنا رفتار : پشه پر زای سپاهی به
 شرطیکه زانوها و یکف پای خود را بسیار بر نوازند
 و بشدت نزنند و سرعت یعنی تیزی رفتار را نگاه
 کنند پای خود را جا بجا متواتر برداشته می نهند .
 حکم : ار اوند - ز او ! باید که وقت رسیدن

پای چپ بزین گفته شود . چون سپاهی پای
راست خود را بزین باند از پای چپ برقرار اصلی
آغاز بکنند .

۳۴ - برای عادی قدم حکم : عادی
- قدم ! داده میشود مگر همیشه شروع برقرار
حکم : ثرر - زاو ! نموده میشود . طول دست
کام عادی قدم تعلق به قسم بزین دارد . حرکت
سست نباشد و وضعیت وجود تیر سست چو
پرونده نباشد . از عادی قدم بموزون قدم آوردن
صرف حکم : موزون - قدم ! داده میشود .
۳۵ - داکر از دو اگرای زاو ! حکم موزون
قدم داده شود . هر نفر بعد از سوم کام بموزون
قدم میرود .

۳۶ - دو اگرای - زاو ! برای
موزون دو اسندن حکم دو اگرای زاو داده
میشود . در اخبار حکم ، سپاهی ، برد و آرنج را
بجسم خود خفیف بچسپانند و باقی حصه دست از آرنج

تا بند دست بموار باشد قریباً مثل قائمه گرفته شود.
 پنجه های دست بصورتیکه نر انگشت یعنی انگشت ابهام
 بطرف بالا باشد. همه انگشت تا به نرمی یکجا جمع
 باشند. یعنی مشت بسته شود بعد هر دو مشت
 اندکی بطرف درون تاب داده شود و در حکم
 زاو! از پای چپ بدوین شروع میکنند.
 کل کف پای بزین چسپیده زانو تا اندکی خم کرده
 میشود. طول کام نظر بحال زمین از ۳۰ : ۳۸
 نج میباشد و سرعش در دقیقه ۱۴۰ : ۱۸۰ کام
 میباشد.

۳۷ - زاو - زاو! حکم زاو
 زاو که داده شد هر نفر بشتر طیکه در صف حتی الا
 مکان جای خود را نگاه کنند تا که میتواند بجای لاکی میدود
 از بزین دویدن برای ایستادن و یا برای اینکه
 پس بجادی قدم رقرار نماید حکم مقرر می ندارد بلکه در
 حال توسیع جبهه یعنی (لیک) شدن هر نفر بجای
 اصلی خود که رسید استاده میشود. و یا هر رقرار که مقتضی

باشد انتقال کرده می رود .

کردشها یعنی کار و گرز

با استاد کی

۳۸ - ششی (کین) گرز ! حکم مذکور

برای گردشها بجا بنین داده میشود .

کین گرز در اثناییکه کرنی راست از زمین اندکی برداشته میشود و پنجه اش بزین میچسبد بدین اسطه جسم برای (۹۰) گردشش قوت میکیرد کرنی چپ ننگر جسم را برداشته با بجا میکردد . و درین اثنای سر پنجه پای چپ اندکی برداشته میشود .

پای راست از جای خود برداشته شده در ختم کردشها به پهلوئی پای چپ بسرعت آورده میشود . سو جیها و شانها همراه پایها برابر میکردد .

۳۹ - کین شتا - گرز ! حکم مذکور برای

گردانیدن پس پشت داده میشود . و بر سر پنجه

دو
بهام
ح
ت
لم
ا
ده
۳
کام
او
الا
می رود
نیکه
ور
ی
مقتضی

پای راست و گرمی چپ ۳۸۰ درجه کشته شده
میشود . در ختم کردش پای راست بچالای
به پهلوی پای چپ آورده میشود .

گردشها
در انشائی قنار

۳۰ - ششی (کین) کرز! یا ششی نیم
(کین) نیم کرز! حکمای مذکور وقتیکه پای
راست یا چپ بزین برسد داده میشود . نفر
یک کام دیگر نیز زده بر نیجه پای چپ یا راست
بها نظر که امر شده میکردد . و بطرف استقامت
جدید میرود .

۳۱ - کین شاشا - کرز! برای کشتاندن
به پس پشت ، حکم مذکور داده میشود . درین حکم
مذکور هر نفر بعد از آنکه پای راست خود را
پیش انداخته بسر نیجه هر دو پای از طرف چپ پس

پشت بگردود . از پای راست بطرف جدید رفت
نماید .

۴۲ - کین شا - در شیر ! برگاه پایها
در حرکت ، متفق باشد حکم اجرا وقتیکه پای چپ
بر زمین برسد داده میشود . یک کام دیگر زده
شده بر پنجه پای راست ، از طرف چپ بس
پشت کشته پای چپ به پهلو پای راست
بچالاک آورده میشود .

از استادی که به جانب برقار شروع نمودن

۱ - شی (کین) خوا - زاو ! به طرف
که حکم داده شد بقرار فقره ۳۸ کشته از پای چپ
برقار آغاز نماید .

ب - شی (کین) خوا - در شیر !
به طرف که حکم داده شد بهما نظر کشته پای

پسینه را همراه پای پیش یکجا کرده استاده شود.
 ج - کین شا - زاو! مانند فقره
 ۳۹ کشته از پای چپ برقرار آغاز نماید.
 ۴۲ - برای حصه مانیکه لازم شود یار است
 و چپ چند کام حرکت داده شود. برای کار
 مذکور حکم: شی (کین) المخ داده میشود.
 اگر بطرف راست لازم بود اول از پای راست
 حرکت شروع میشود. اگر بطرف چپ لازم
 بود از پای چپ حرکت شروع میشود. برای
 پیش بردن و پس بردن اگر لازم شد حکم:
 تک پرخ و تک پز شا داده میشود.
 برای تیزی رفتار حکم: تک او تر د!
 و برای کندنی رفتار تک کند داده میشود.

باب دوم

بمراه تفنگ، تعلیم پنجم

۴۴ - پشو - یک! در وضعیت مذکور
 تفنگ، شاقولی و پناه بجانب پیش متوجه و کف
 قذاغ به پهلو پای راست بوده پنجه آن بر پنجه پای راست
 بیک برابری باشد. دست راست بشرطیکه
 هر دو آرنج بیک اندازه باشند آویزان می باشد
 پنجه دست راست بشرطیکه ابهامش پس پشت میل
 تفنگ و یا دستگیر قذاغ نظر بقدر نظر بوده دیگر
 انگشتان با هم یکجا و بحال طبیعی خمیده و انگشت شهادت
 با انگشت میانه که بر بند تفنگ باشد تفنگ را
 میگیرد.

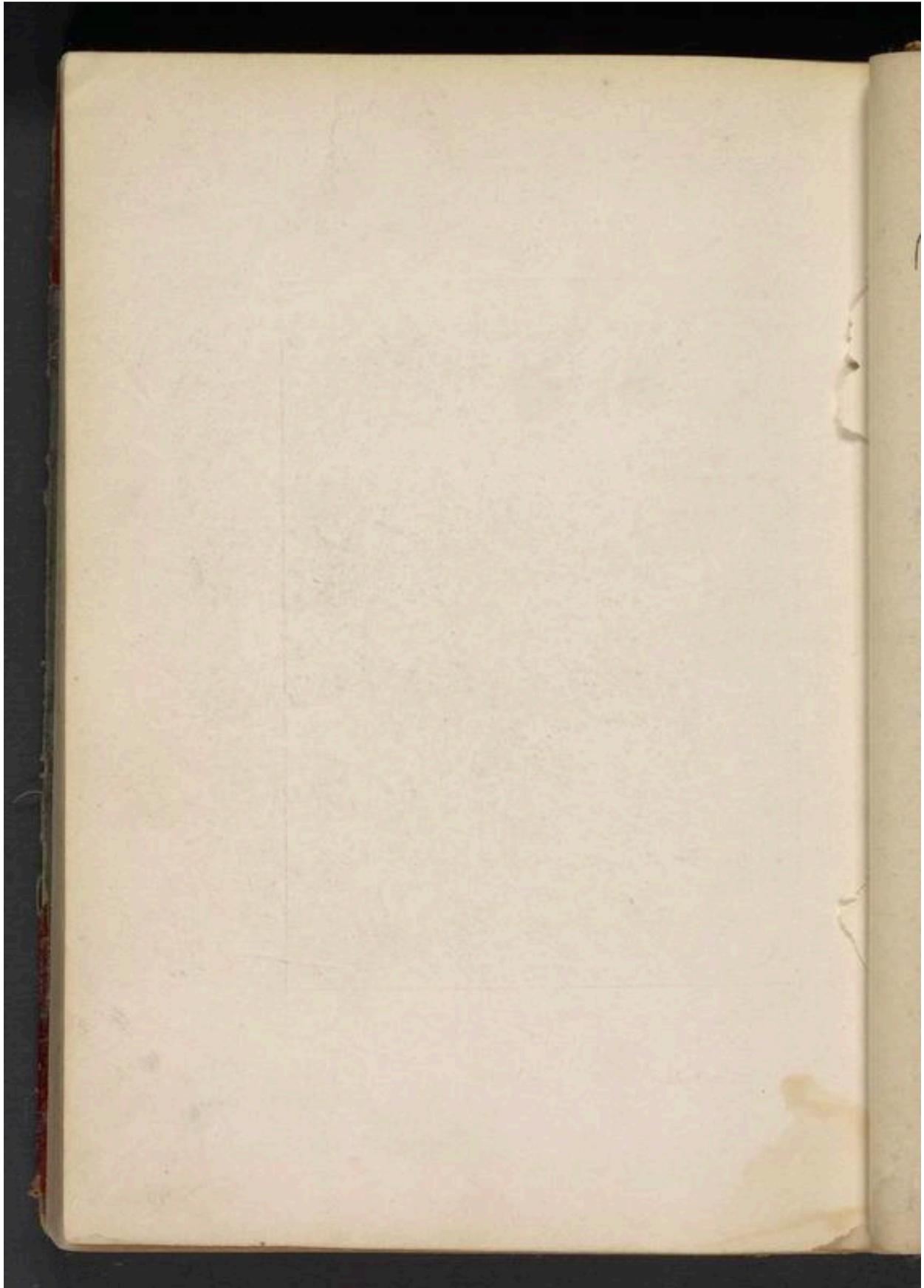
۴۵ - در حرکات تفنگ، تنها دست و
 پنجه با حرکت کرده باقی جسم سست و بی حرکت
 باید باشد. برای آواز شنیدن، دست
 راست به تفنگ و کف قذاغ را بر زمین زدن

چونکه برای تفنگ ، مضرست باکل ممنوعست . اقسام
 هر حرکت تفنگ ، کوتاه و نرم و معین اما باطمینان
 اجرا کرده شود و حرکات باید پیانی بدستی اجرا
 نموده شود .

۴۶ - از پشتویک - اوژ ایک !

حرکت اول ، بدست راست تفنگ را بالا
 حرکت داده و آنرا از زیر دیدبان بدست
 چپ بگیرد و دست راست در قبضه تفنگ که
 انگشت ابهام طرف چپ و آرنج ، طرف پشت
 باشد .

حرکت دوم ، تفنگ را روی جستم برد
 در شان چپ هموار بگذارند و جاغور آن از بدن
 بیرون باشد . تفنگ را بدست چپ بگیرد و انگشت
 ابهام یک انج از نیجه قذاع بلند باشد و حصه بالای
 بازوی چپ پیوست بغل او باشد باقی حصه او که
 از آرنج تا بند دست است هموار باشد و بین کف
 قذاع در وسط ران باشد .



شکل ۴

از اوژبک! - بشو - پک صحیفه (۳۲) فقره (۴۷)



وضعت
اوژبه - پک ،

حرکت
[۱]

حرکت
[۲]

سید کاظم میرزا

حرکت سوم، دست راست را کوتاه و تیز
 به پهلوی راست بیاورد .
 ۳۷ - از اوژا یک - پشتویک !
 حرکت اول، بازوی چپ را بچالاکلی فرو نموده
 تفنگ را پایان آورده همان وقت دست راست
 را به نسبت اول پیوست کنند که بازوی پیوست
 جسم باشد .

حرکت دوم، تفنگ را به پهلوی راست
 آورده به همین وقت نوک کف قندارغ طرف پشت
 بگردد . و کف قندارغ با بسته کی برین گذاشته
 شود .

۳۸ - برای تفنگ ناده فی، تیر بهین قسم که
 تحریر شد معمول بداند مگر عوض نیک در وقتیکه تفنگ
 جاغور دار باشد بر شانه به بغل گذاشته میشود
 که جاغور تفنگ، بطرف بیرون بر آمده باشد که
 شانه را تکلیف ندهد مگر چون تفنگ ناده فی جاغور نذر
 بنا بر آن تفنگ مذکور راست بر شانه گذاشته

میشود که میل تفنگ طرف بالا باشد و حصه چوب
زیر میل سرشانه برسد .

طریق سلامی گرفتن یعنی (رسم تعظیم) همراه
تفنگ بدو نوع اجرا کرده میشود :

یک قسم از پشتویک و یک قسم از اوژاپیک .
اکثر نوع معتبر از اوژاپیک سلامی لازمی است . مگر
در بعضی اوقات که بچالاک سلامی ضرورت شود
از پشتویک سلامی گرفته میشود .

۳۹ - طریق اول : از اوژاپیک سلامی
بدو حرکت اجرا کرده میشود :

حرکت اول ، دست راست ، بچالاک از
قبضه تفنگ بگیرد در عین گرفتن ، دست چپ ، تفنگ
را بطرف زانوی چپ قدری طرف راست تاب داده
پایان کش کند که تفنگ عمود یعنی شاقولی شود .

حرکت دوم ، تفنگ را به وضعیت استادی
رو بروی جسم این قسم پایان کند که پشت تفنگ
بیرون و میل تفنگ طرف بدن مقابل بینی یعنی میل

تفنگ از بینی و پیشانی سه چهار انگشت دور باشد.
 قبضه تفنگ به نرمی بدست راست گرفته شود و
 دست راست با اندازه اصلی خود دراز گرفته شود
 که نوکهای انگشتان دست راست طرف
 زمین نکلن باشد. دست چپ همان وقت بجای لاک
 از زیر دیدبان بگیرد و نوک انگشت بهام دست چپ
 و طرف دهن تفنگ، بالا باشد. وزن تفنگ بدست
 چپ محکم گرفته شود.

۵۰ - از سلام کی اوژاپک . حرکت اول
 تفنگ را بشانه چپ چنان بگذارند مثل یک از شوپک
 با اوژاپک کرده بود .
 حرکت دوم، دست راست را بجای لاک به پهلو
 راست بیاورد .

۵۱ - طریق دوم از شوپک سلام کی حرکت
 اول ، تفنگ را به پنجه دست راست گرفته به
 شرطیکه تفنگ عمود و میانش بطرف بدن و نسبت
 دهنش تقریباً برابر پیشانی باشد بوسیله بدن آرد

در عین زمان پنجه چپ بجا لیکه انگشت ابها مشن بر
 فصل مشترک یعنی در مابین میل و قندارخ به بالا کشیده
 و باقی انگشتها دستگیر قندارخ را احاطه کرده باشند
 یعنی چوب زیر میل تفنگ را بگیرد. حرکت دوم، پنجه
 راست بجای خود بقبضه میرود.

۵۲ - از سلام کی پشوپک، حرکت اول
 پنجه راست بجای خود را گذاشته، تفنگ را
 از بالای بست میانه، حلقه زده میگیرد. حرکت
 دوم، پنجه راست، تفنگ را بوضعیت نمود به
 پهلوئی راست بجای خود میبرد و در عین زمان،
 دست چپ به پهلوئی چپ بجای خود میبرد.

۵۳ - برای رسم تعظیم، حکم: سلام - کی!
 داده میشود.

صرف برای ذات معظم پادشاه حکم: لوی سلامی
 سلام سه کی! داده میشود. و برای دیگر ذاتها نیز
 مستحق سلامی هستند سلام کی کافیهست درین حکم
 سپاهی سر خود را بطرف ذاتیکه می آیند گشته اند

می بیند . برکاه لازم باشد حکم : ششی (کین)
 خوا - کور ! افزودد میشود . نقر روی خود را
 طرف همان ذات کرد اینست و تا اینکه ذات
 مذکور از خود نقرسه قدم بگذرد می بیند . بعد
 از آن خود بخود رود بر و سر خود را میگرداند .

۵۴ - زنگون پاک از پیشو پاک بیک حرکت
 اجرا کرده میشود باین قسم که تفنگ را بچالاکي قدری
 طرف بالا حرکت داده رو برو حرکت بدهد . در
 عین زمان دستگیر تفنگ را از حد میزان پنجه
 راست بگیرد دست راست را مست باندازه قدرتی
 آویزان باشد . اکثر کار زنگون پاک در وقت
 انچپور و یا هجوم بکار می آید . در انصورت قدری
 دهن تفنگ بالا باشد و پنجه دست چپ خلاف برجه
 را گرفته باشد .

۵۵ - زنگون پاک از اوژا پاک . حرکت
 اول ، بچالاکي دست راست را بالا برده همراه
 پنجه راست ، تفنگ را از جای دستگیر بگیرد در

همان وقت تفنگ همراه دست چپ قدری فر
آورده شود که نیجه را است بهسولت دستیکیر بگیر
حرکت دوم، تفنگ را به پهلوی راست
مثل فقره ۵۴ بگیرد
۵۶ - از زنگون یک شوپک . دهن
تفنگ را قدری بالا کرده قنداغ را به پهلوی پای
خود آورده تفنگ را بوضع فقره ۵۴ بگیرد
۵۷ - از زنگون یک اوژ ایک، حرکت
ادل، تفنگ را مثل حرکت اول فقره ۵۴
گرفته مثل فقره مذکور، اجرا نماید
۵۸ - لندپک ! عسکر، دانا وضعیت
اوژ ایک می رود مگر هرگاه خواسته شود که یک
قطعه عسکر که در وضعیت شوپک باشد و چندکا
پیش و یا پس برده شود حرکت مذکور را بوضعیت
لندپک اجرا کردن مناسب است . بحرکت
لندپک صرف یک انج تفنگ از زمین بالا میشود
۵۹ - برچه پک - برچه کش ! خوا

در ایستادگی و خواه در رفتار از هر وضعیت
وجود به تفنگ، برچه سوار کرده کشیده شود.
برچه به حکم و یا با شارت طرم خاص بحال راحت
سوار کرده میشود. بعد از برچه سوار کردن،
تفنگ بوضیقه پیشتر بود برده میشود. برای اینکه
دین تفنگ خراب نشود در تعلیمهای حضری از
برچه سوار کردن، صرف نظر کرده شود.
برای آموختن بهین خصوص چند بار بطرز حقیقی
منفذ اجرا نمودن کفایت میکند. اما در مانوردها
یعنی نایش جنک مصنوعی هر وقتیکه برچه سوار کردن
لازم آید بهین کیفیت بحکم و یا با شارت طرم باید که
امر کرده شود و هر نفر این را بصورت تقلید اجرا
نماید.

۶. - برچه - یک! برچه یک از
پشویک، حرکت اول، همراه پنجه چپ قبضه برچه را
این قسم بگیرد که بندهای انگشت پیش روی باشد
و انگشت ابهام و نوک انگشتها طرف عقب باشد

ی فرود
بگیرد
ست
بهین
پای
د
مکت
ع
نیت
ب
کام
حیت
ت
و
وا

همان وقت دهن تفنگ را قدری پیش حرکت
 داده سر و چشم طرف راست بگرداند. اول
 نفر جناح راست طرف چپ می بیند .
 حرکت دوم ، اندازه را از نفر دست راست
 گرفته بر چه کشیده شود و نوک بر چه را بالا گرفته
 قبضه بر چه را بالای میل تفنگ گرفته چپ کند
 تا که بر چه بجای خود بشیند سر و چشم طرف راست باشد
 حرکت سوم ، اندازه را از نفر پهلوی راست
 گرفته تفنگ پس بقسم شوپک آورده شود و دست
 چپ به پهلوی چپ برده شود سر و چشم را رو
 برو بگرداند در وقتیکه تولی یا کندک بقسم (یک)
 ایستاده باشند بکلم بر چه یک نفر جناح راست
 سه قدم رو برو یعنی تک پر خ می شود . وقتیکه
 حرکت سوم تمام شد پس بجای اصلی خود بیاید .
 ۶۱ - بر چه - کاتر ! حرکت اول ،
 بزنگری بسته پیوسته بوده تفنگ را میان هر دو
 زانو گرفته که جا خور رو برو باشد همراه دست

راست قبضه برچه را گرفته انگشت ابهام دست
 چپ بسردگمه کمان برچه باشد. تفنگ را همراه
 زانوها محکم کرده دکمه را پهنی کند و برچه را یک انج
 از دهن تفنگ بالا برداشته سر و چشم را طرف
 چپ بگرداند.

حرکت دوم، از نفر پهلوی چپ اندازه گرفته
 برچه را بغلاف بگذارد.

حرکت سوم اندازه را از نفر جناح چپ گرفته
 دست راست بحد بستر تفنگ گرفته شود.

حرکت چهارم، اندازه را از نفر جناح چپ
 گرفته دست چپ بر پهلوی چپ و تفنگ بر پهلوی
 راست بوضع پشتوپک آورده چشم و سر رو برد
 آورده شود.

در وقتیکه (تولی) یا کندک بقسم یک باشد
 بجای برچه کش نفر جناح چپ سه قدم پیش میشود.
 در وقتیکه حرکت چهارم تمام شد بجای خود می آید.
 ۶۲ - برای معاینه (جگر یک) بیک حرکت

اجرا کرده میشود یعنی تفنگ را از وضعیت پشتوپیک
 مثلثیکه در فقره ۳۷ بیان شده بقسم حرکت اول
 فقره مذکور، تفنگ را این قسم بالا حرکت داده
 بگیرند که تفنگ بقسم علیا باشد و دهن تفنگ برابر
 شانه چپ باشد. هر دو آرنج به جسم چسبیده
 باشد. همراه انگشت ابهام نخچه راست، قید
 تفنگ را دور بد بد و پترة سر کار توستد انرا همراه
 انگشت ابهام نخچه راست طرف پایان قدری دور
 کرده طرف راست کش کنند که تا بقدر اندازه
 مقرر پترة مذکور از سر کار توستد ان بر آید بعد
 از ان دستگیر چقماق را طرف بالا دور داده
 پس کش کنند که چقماق پس بر آید همان وقت،
 قبضه را گرفته برای معاینه افسر تیار باشد تا افسر
 تفنگ را ملاحظه نماید. بعد از ان که بقدر دو نفر،
 ذات مذکور گذشت تفنگ را نفر، بد رستی بسته
 وضعیت پشتوپیک آورد.

۶۳ - زنگون - کثیرد! درین حکم، نفر،

برخیه پای راست ، اندکی بطرف راست ،
 کشته در عین زمان ، پای چپ خود را تقریباً یک
 کام پیش روی سرخیه راست انداخته بر زانوی
 راست می نشیند . و تفنگ خود را در پیش زانو
 بطرف راستش عموداً نهاده بدست راست
 از دستگیر قنداغ ، میگیرد و دست چپ را بر آغوش
 چپ می نهد .

ولایت - سی !

درین حکم ، نفر ، بدست چپ بر زانوی چپ
 تکیه زده و بسرعیت بر غیبه پای راست خود و
 به پهلوی پای چپ برده می نهد و تفنگ خود را
 به پهلوی سرخیه پای راست می نهد .

زنگه - پروت ! درین حکم پروت
 نفر ، اولاً بقرار فقره شماره ۶ عمل زنگون - کتور را
 میکند . در عین زمان تفنگ را از مرکز تفلش بدست
 چپ گرفته بشرطیکه دهن تفنگ اندکی بالا باشد .

زیر بغل راست میگیرد . و تنه خود را بجانب پیش
 مائل میدارد . بجهه دست راست خود را بجانب
 پیش دراز کرده و زانوی چپ را اندکی طرف
 درون برده بر شکم ، بهمه قامت خود دراز می افتد
 بدینگونه : که اولاً زانوی چپ ، باز دست راست
 و در آخر آرنج چپ را بر زمین تکیه میدهد و کافه این
 حرکات یکدیگر را بسرعت تعقیب میکند . تفنگ
 بشرطیکه میانش بطرف چپ کشته میان هر دو دست
 بر قسم تحتانی دست چپ نهاده میشود . دست راست
 از قبضه قنداغ میگیرد . چشمها بشرطیکه سر اندکی
 بالا برداشته باشد به پیش روی متوجه میباشند .
 ولاثر - سی ! درین حکم ، نفر ، تفنگ خود
 را بشرطیکه دهن تفنگ اندکی بالا باشد بدست
 چپ میگیرد و در برنجه دست راست بر زمین تکیه میکند
 و در عین زمان ، بصورتیکه تنه خود را از زمین ، نه
 برداشته ران راست خود را کشیده ممکن
 مرتبه زیر شکم ، نزدیک می آرد . بجهه چپ دست

را بزین تکیه زده در اثنائیکه بجای لاک می ایستد پای
 خود را پیش انداخته به پهلو پای راست خود
 می آرد . در عین زمان دست راست ، تفنگ
 را گرفته به پهلو پای راست بوضعیت پشتوپک
 می آرد .

۶۴ - هرگاه نفر ، بصف اول بوده باشد
 پیشتر از پروت و اگر در صف دوم باشد بعد
 از ولاژ بجانب پیش یک کام دراز باید انداخت .
 ۶۵ - بعد از اجرای زنگون کثرد پروت
 تا که حکم آرام سی داده نشود حرکت نمودن
 نفر ، جائز نیست .

تفنگ پر کردن ، اور کردن تفنگ خالی کردن

۶۶ - در هر وضعیت وجود ، برای اینکه
 نفر ، بسرعت و امنیت ، تفنگ را پر کرده بتواند

استعمال تفنگ پر کردن و خالی کردن را بدست
 تعلیم بگیرد اما کار توس تعلیمی استعمال کرد و به
 شود در تعلیمهای پر کردن کوشش کرده شود بطرف
 که به تفنگ ضرر نرسد پس و پیش کردن چاق
 و پایان و بالانمودن قید بدون اینکه برای پر کردن کار تو
 تفنگ لازم باشد بدین صورت لازم ندارد
 ۶۷ - تفنگ پر کردن و قید کردن ، تفنگ
 پر کردن و قید کردن بحال آرام سی اجرا کرده
 میشود حرکات باید که به سرعت و بی تکلیف یکدیگر
 را تعقیب کنند

ضمیمه
 امر دگ و قید یک ! که داده شد قید جا
 فتریکه استاده و یازگون کثیره باشد یکی از کار توسدناست
 را باز کرده تفنگ را بشرطیکه دهن آن بطرف
 چپ به بالا متوجه باشد پیش روی سینه مانده بگیرد چاق
 و قید را باز کرده بدست راست بشرطیکه ابهانش
 بالای دسته چاق و انگشت شهادت با دیگر
 انگشتان پیوسته بریرش آید دسته چاق را
 اگر

بکف دست گرفته چقماق را اولاً بطرف چپ بجه
 بطرف پس پشت کش میکنند . و قید جاغور را
 باز میکنند . بعد از آن دست راست ، به
 کار تو سدان برده میشود و یک قطار وزنه کار تو س
 را از کار تو سدان کشیده بانگشتان ابهام و شهادت
 در میانه قطار وزنه ، کار تو س را استاده گرفته
 در میان جری پیشروی چقماق گذاشته همراه
 بگشت ابهام که دیگر انگشتان طرف پایان باشد
 ضبوط و برابر تضییق کنند . تا که کار تو س اول
 قید جاغور بیاید ، بعد از آن قطار وزنه را پس
 کشیده در کار تو سدان بگذارند . بعد دست
 راست باز بقرار فوق از دست چقماق میکشد
 نیز چقماق را پیش حرکت داده بطرف دست
 است دور میدهد . در جاغور دو قطار وزنه
 میشود . مگر اکثر یک قطار وزنه در جا مانده ضرور
 است احتمال کرده شود کمان جاغور درست میماند .
 لرسپاهی بخبط آور باشد و مدعا داشته باشد

که بدون اینکه میل تفنگ کارتوس، پر شود. بدرون
 جاغور تفنگ هم کارتوس پر باشد. در انصوت
 هر دو قطار و زنه را بدرون جاغور انداخته کارتوس
 سر را خوب بچق کنند. تا که قید کارتوس، بالای
 کارتوسهای مذکور آمده در جاغور باشد. و میل
 تفنگ، علیحده کارتوس گذاشته شود تفنگ را
 قید کرده بعد از آن بوضعیت سابقه آورده
 میشود. در آشنای رقرار، نیز تفنگ را پر کردن
 و قید کردن، بقرار فوق اجرا نموده بعد از پر کردن
 نفر، باز بوضعیت آرام سسی میباشد.
 ۶۸ - در آشنای رقرار و پروت تفنگ
 پر کردن و قید نمودن، خاص در آنچه اجرا کرد
 میشود. برای این، نفر، اندکی بطرف چپ تاب
 خورده و بر آرنج چپ تکیه کرده تفنگ را پیش
 میکند. دست راست از مابین تفنگ و وجود
 بکارتوسدان برده میشود. بعد از پر کردن،
 تفنگ بشرطیکه میانش بطرف چپ آید بقسمت تانی

دست چپ نهاده میشود. به فقره ۶۴ مراجعت شود.

باتفنگ پرومید شده تیار اوس کردن

۶۹ - برای اور کردن در مجتمع نظام، صف اول. زنگون کثیر میکند، صف دوم، استاژ میباشد. حکم: اور دپاره تیار - اوس! در اخبار اور دپاره نفر صف اول بقرار بیان فقره ۶۳ زنگون کثیر میکند، نفر صف دوم، شسته و ژند یک کام انداخته بصف اول نزدیک میشود. هرگاه حرکت مذکور از وضعیت او اثر ایک اجرا کرد شود. نفر صف دوم در عین زمان، زنگون یک میکند. هرگاه قطعه عسکر در وضع زنگون کثیر باشد تیار اوس کرده شود. در اخبار اور دپاره نفر صف دوم برخواسته و در عین زمان، به شئی اینده بصف اول نزدیک میشود. بحکم: تیار - اوس!

نفرصف اول بر پاشنه پای راست خود می نشینند.
 و تفنگ را بشرطیکه دهن میلش با ارتفاع چشم بوده باشد
 پیش میکنند چشم به پیشروی متوجه میماند. کف قنداغ
 بر کار تو سدان راست اندکی تماس کرده و با کنار
 پمپنش بیکجا بوده میباشد. دست چپ تفنگ را
 تقریباً از مرکز ثقلش میگیرد. انگشت ابهام دست
 چپ، به پهلوی میل میباشد. متعاقباً نفر، قید
 تفنگ را باز میکند. و تفنگ را آماده او میگرداند
 بعد از آن دست راست بقرار قاعده قبضه را
 میگیرد. آرنج راست، به پهلوی خارجی قنداغ،
 اندکی تماس میکند. نفرصف دوم به حکم تیار اوس
 بر پنجه پای چپ، ششی نیم ۴۴ درجه میگرد و پای
 راست خود را بقدر نیم کام به خط جدید بطرف راست
 می نهد، باید که سوجیها و شانها تیر همراه پایها
 متفق حرکت کنند. زانو نا اندکی شخ گرفته میشود.
 ثقلت بدن، بر پنجه نا و پاشنه نا مسا و نا انداخته
 میشود. و معه گردش، در عین زمان، دست

راست ، تفنگ را بقرار بیاینکه در فوق برای نفر
صف اول ذکر یافت پیش نموده تیار - اوس!
کرده میشود .

اور کردن

۷۰ - مخامخ اسپور نشانگاه .
نشان - نشی ! اور - دک ! در باب
انتخاب نشانگاه و وضعیت نشان و نوع اور و نقطه
نشان به تعلیمنامه انداخت مراجعت کرده شود
در حکم نشانگاه ! سپاهی نظر بمقدار بیکه امر شده
است نشانگاه را درست و برابر میکنند بدینموجب ؛
که نفر سر خود را بسوی نشانگاه ، خم میکند . بدست
چپ ، تفنگ را اندکی بسوی روی خود برداشته
و زیر بغل راست ، پس برده تا که تقییمات نشانگاه
و نوشته آن صاف معلوم شود . و بانگشان بهما
و شهادت دست راست است استخوانهای دو
طرف پتره نشانگاه یعنی پتره دیدبان را چاق کرده

حرکت بد بد تا که بهمان خط تقسیم لوله که فرموده شده
است درست نماید. و ملاحظه کنند که بهمان تیره
به جبری لوله بجای بنشینند. بعد از آن تفنگ
را باز پیش برده در عین زمان، سر خود را
بالا می برد و برای مسافه های دور، ویدبان
بغل تفنگ، بکار می آید. این قسم گرفته شود که
نشانه بغل تفنگ، بدرستی معلوم شود. بعد
شاخص نشانه جانب، آنگاه دور داده شود که
مشرآن بهمان خط تقسیم مسافه که فرموده شده برسد
بعد از آن فرجه عینیه بوضع عمود آورده میشود. یعنی
بهمان میلیکه برای چشم شکاف دارد استفاده
کرده میشود. فاصله که در میان حکم نشان - بنی
و حکم آور داده میشود نسبت بفاصله که در استعمال
نشانه های پست داده میشود در استعمال نشانگان
بلند درازتر داده شود. حکم : اور باید که اندکی
دراز کرده داده شود. نفر کصف اول، مستند
یعنی آرنج چپ را بر افوتکیه داده اور را میکند.

بحکم: ڈک تفنگ از وضعیت نشان ابو ضعیف و فقره
۶۹ مذکور است آورده میشود. بعدہ نفر سر خود را
بسوی چاق خم میکند. و تفنگ را ابو ضعیف تیار -
اوس! گرفته بقرار فقره ۶۷ پر میکند.

۷۱ - نیم کینتہ - اسپور! نشاگاہ

۵۰ - پہ خیل سر - اور! اور! - بند!
پہ ڈکولو - دوام! بہ حکم نیم (کینتہ) اسپور!
افراد ہر دو صف جینہ خود را یعنی رخ خود را ہتھیار
حکم دادہ شدہ است میگردانند. بہ حکم پہ خیل سر
اور، نفر سر بخود اور نمودہ و پر میکند بققره ۶۷
مراجعت شود.

بہ حکم اور بند، فی الفور از اور کردن فراغت
کرده میشود. و حرکت ڈک تیر تعطیل مییابد. و نفریکہ
نشان میگیرد نیز، تفنگ خود را پس میکند.
بہ حکم پہ ڈکولو - دوام آن حرکات ڈک
کہ بحکم اور بنشد تا تمام مانده بود آنرا تمام نمودہ نفر
با در کردن حاضر و آمادہ میباشند.

تفنک پس کردن و تفنک قید کردن پشوپک کردن

۷۲ - تفنک بوضعیت نشان باشد هرگاه لازم آید که تفنک را فرود آورد حکم: سیرته - کی! داده میشود. در اخبار سیرته چشم چپ باز کرده میشود. وانگشت شهادت دراز کرده میشود. در حکم کی! سر برداشته میشود و تفنک بان وضعیت که در فقرة ۶۹ مذکور است آورده میشود.

۷۳ - قید - یک! در اخبار قید! نفر سر خود را بسوی چقاق خم کرده نشانگاه را بوضعیت و حال سابق خود می آورد و قید را میگیرد. به حکم یک! چقاق را محکم نموده سر خود را بالای بردارد. نفر صف اول از بالایی پاشنه برخواستنه، بزاتوای خود راست میگردود. به حکم پشوپک بقرار فقرة ۶۳ دلاڑسی! میشود. نفر صف دوم، بمسافه اصلی پس پشت صف اول داخل استقامت شده در تانجیکه

وضعیت اساس را میگیرد تفنگ را بدست چپ بطرف
شانه راست خود میبراند. و بدست راست از بالای
دست چپ به پهلوئی سر نخچه پای راست می نهد دست
چپ را بجای خود که در وضع اساس است میبرد.

تفنگ خالی کردن

یعنی تش یک

۷۴ - حکم : تش - یک ! داده
شود. تفنگ، در حال آرام سی خالی کرده میشود.
تفنگ، بوضعیکه در فقره ۶۷ ذکر یافت آورده میشود.
و نفر سر خود را بسوی چقماق خم داده دست چپ را
بطرف پس می لغزاند. بعد چقماق باز کرده آهسته
آهسته پس نموده میشود. نفر، کار تو سیکه از میل
تفنگ می بر آید آنرا بدست راست میگیرد. همین
طرز حرکت را تکرار نموده در هر دفعه آن، چقماق را
پیش و پس کرده کار تو سهما که بداخل جاغور اندو
میباشند نیز کشیده میشوند. بعد از خالی کردن تفنگ،

ماشه کش کرده میشود و تفنگ ، قید نموده شود .
و در وضع سابق خود آورده میشود .

برای تفنگ ناوہ فی حکم
تفنگ پر کردن

۷۵ - حکم : اور دپارہ - ڈک !
رود ، میشود . در اخبار اور دپارہ قطعہ عسکر خواہ
در وضعیت پشوپک و خواہ در اوڑاپک و خواہ
زنگون پک باشد در ہر سہ حال ، باید کہ ہر دو
صف بقرار فقرہ ۶۹ عمل کنند . بحکم ڈک !
ہر دو صف بقرار فقرہ ۷۳ ندکور تیار - اوس !
نمودہ تفنگ را پر میکنند .

اور کردن

۷۶ - بقرار فقرہ ۷۰ ، ۷۱ عمل کرده میشود
۷۷ - بقرار فقرہ ۱۶۱ عمل کرده شود .

تفنک خالی کردن

یعنی تش - یک

۷۸ - حکم: تش - یک! داده میشود.

درین حکم، بر دو کصف نشانگاه از ابو ضح اصلی خود آورده تفنگها را خالی میکنند. و ماشه را کش کرده از قبضه میگیرند. حکم: پشو - یک! به نقره ۶۴ مراجعت شود.

با تفنگ رفتن و دیدن

۷۹ - در آشنای رفتن بوضع او را یک آرنج

چپ اندکی بحیم چسپیده میباشد و دست راست خوا در رسم تعظیم و خواه در پریتها حرکت میکند.

در رفتارهای دراز خارج ششم برای آرامی

تقری حکم: بدل - یک! داده میشود. در

حکم بدل یک تفنگ از شانه چپ بوضعیکه بود بشانه

راست آورده میشود. و اگر اضافی آرامی لازم

بود حکم : لار - قدم ! داده میشود . در وقت
 رفتار ، به حکم لار قدم جمیع حواله داران و ناگهنا ،
 دو تقسیم شده نصف بسر تولی و نصف شان با خر
 تولی میروند و نفری بی قید ، تفنگ خود را بر قسم
 که آسان باشد می بردارند . و بی قید میروند و به
 برابری پای و خدا ، تکلیف نیست و حرف زدن ،
 اجازه هست . اما از لاین بی اجازه بر آمده نمیتوانند .
 ۸۰ - دو گرامی - زاو ! در اخبار
 دو گرامی ، تفنگ بشانه راست برده میشود دست
 راست ، از قبضه میگیرد . بند دست خفیف بکار توستا
 نهاده میشود . دست چپ ، بر چه دادوات استحکامیه
 مثل (کلند ، بیل ، تبر) . را میگیرد . نوک بر چه
 قدری پیش و پایان متوجه باشد و هر دو دست باید
 حرکت نکنند . به حکم (دلگی) در شتر ! یا موزون
 - قدم ! و یا عادی - قدم ! تفنگ بوضع
 سابق خود آورده میشود .

۸۱ - برای دویدن ، حکم : زاو ! زاو !

داده میشود . در حرکات توسیع جبهه یعنی (لیک)
 شدن و در حرکات (بجوم) به برچه مجتمع نظام یعنی
 (خری) قطار وضعیت تفنگ ، تبدیل کرده میشود .
 و در دیگر حال در خصوص تبدیل کردن دیا نه کردن
 وضعیت تفنگ ، خود نفر ، مختار است .

۸۲ - هرگاه استادان و در عین زمان ،
 زنگون کیشد ! و یا پروت ! کردن لازم باشد حکم
 زنگون - کیشد ! و یا زنگون پروت ! داده
 میشود . حرکتها ، بقرار فقره های (۶۳ : ۶۴)
 اجرا کرده میشود .

۸۳ - از وضعیت زنگون کیشد ! و یا پروت !
 هرگاه خواسته شود که سریعاً برقرار شروع کرده
 شود حکم دلکی ژر - زاو ! دوا کرای -
 زاو ! داده میشود . و در حال اول به حکم ژر !
 نفر ، میخیزد او ژر ایک میکند . به حال دوم ، در اخبار
 دوا کرای نفر ، میخیزد و تفنگ را بشانه راست میبرد .
 به حکم زاو ! و یا زاو ! زاو ! بجز حرکت شروع کرده

میشود . برگاه افراد در وضع زنگون کثیرد! و یا پرو! باشد و حکم ، زاو! زاو! داده شود . بر نفر، در اثنای دویدن تفنگ خود را بهر طوریکه آسان تر است بهمان طور می بردارد .

بجوم

۸۴ - برگاه بموزون قدم رفته می شد حکم ، بجوم دپاره زنگون - یک! داده شود . نفر، بدست راست تفنگ را از حد شانه گرفته به پهلوی راست ، بقرار فقره ۵۵ بقسم زنگون یک گرفته دهن تفنگ قدری بالا گرفته شود . دست چپ غلاف برچه را میگیرد بموزون قدم میرود . سرعت رفتار ، در دقیقه ۱۲۰ کام است . بعد حکم زاو! زاو! داده میشود .

۸۵ - به حکم : تیار - اوسس! تنها تقریبی صف اول . وضع حکم مذکور را اجرا میکنند . یعنی تفنگ را بواسطه دست راست بشرطیکه قبضه

در قریب پیشروی کار تو سدان راست و دهن میل
تفنگ رو بروی شانه چپ و بجای چشم چپ بوده
باشد پیش میکند. و دست چپ تقریباً از مرکز نقل
و دست راست از قبضه میگیرد.

۸۶ - نشان - نشی! اور! به حکم
نشان نشی، تفنگ را بحالت اور نمودن، گرفته
باشد را به حکم اور به نرمی کش کند.

۸۷ - هرگاه تفنگ ما در وضعیت زنگون
یک! باشد حکم (ولگی) در شیر داده شود. نفری
استاده وضع تیار اوس را میگیرد.

حرکات کرج

۸۸ - پیرکها و قطعاتیکه از پیرک بزرگتر اند
هر وقتیکه مسلح بوده مجتمع نظام تعلیم میگیرند. و یا از
عملهای مسکون بموزون قدم میکند شتند. در چنین
اوقات، افسران، قاعده کرج میکشند. در آشنای
نخارید در هنگام هجوم ضرور کرج کشیده شود.

۸۹ - پشو - یک ! در وضعیت پشو
 یک کمرچ بدست راست از قبضه گرفته شده و
 طرف تیزی ، بجانب زمین بوده نوکش بر زمین تپاس
 میکند . در وضعیت اوژا یک پشت کمرچ بشانه
 راست بدرز شانه و قبضه آتش بشرطیکه انگشت
 ابهام بداخل پناه گذاشته باشد بقسم فوقانی بران
 تکیه داده میشود . و سر قبضه بصورتیکه دکمه آتش مابین
 انگشتان میانه و شهادت باشد کمرچ میان
 مشت گرفته میشود . در رفتار دست راست بحال
 طبیعی خود حرکت میکند . و دست چپ غلاف کمرچ
 را میگیرد .

۹۰ - بیشتر از ادای رسم تعظیم کمرچ به
 صورتیکه انگشتان میانه و شهادت در پیشروی و
 انگشت ابهام در پهلو و دیگر انگشتان در پس دکمه
 بوده باشند گرفته میشود .
 با کمرچ ادای رسم تعظیم بدو حرکت کرده
 میشود : حرکت اول ، کمرچ عموداً طرف تیزی آن

بجانب چپ بوده سر قبضه بصورتیکه بخدای سینه
 بیاید. در پیشروی بوسط بدن آورده میشود. حرکت
 دوم، دست راست بطرف راست دراز گردیده بصورتیکه
 طرف تیزی کمرچ بجانب چپ و نوکش بقدر
 یک دست قریب زمین بوده باشد. کمرچ
 مذکور پایان آورده میشود.

حرکت اول، همراه اول حرکت سلام عسکر،
 و تا که عسکر در وضع سلام باشند، افسران، نیز،
 که چپای خود را در وضع سلام گرفته میباشند. و هر
 وقتیکه عسکر، او را یک کرده در عین زمان کمرچ بازمانند
 اول حرکت سلام، در پیش روی بدن آورده
 میشود. و بعده به پهلوی راست برده میشود.

۹۱ - بر اسپ، افسران، قبضه کمرچ را
 بشرطیکه از مفصل سوجی بقدر دو بر دست دور باشد
 بران راست می نهند بدینموجب که: دوا نکشت
 پینه یعنی (خنصر) و (بصر) بعقب قبضه کمرچ
 متصل بوده همان دوا نکشت معنه بند دست بوسط

ران چسبیده باشند . پشت کرج بشانه راست
بدرز شانه تکیه داده شده و طرف تیز می آن به پیش
روی متوجه می باشد .

۹۲ - بر اسپ ، برای رسم تعظیم ، کرج بقرار
بیان سابق به پیش روی میانه بدن برداشته میشود
بعده بشرطیکه طرف تیز می آن در پس همین راست
بوده بطرف اسپ متوجه باشد به پس پشت ران
و بطرف پایان ، خمودا گرفته میشود .

۹۳ - افسران معیت ، بیعت ارکان عرس
یا دوران یعنی اصناف افسران ، کرج نمی کشند . به حکم
سلام کی ! و در پرتیها بدست ، سلام کرده ایفای
رسم تعظیم میکنند .

۹۴ - افسران خور و یعنی عمده دار و مثل
حواله دارها و نانگها در پرتیها که تفنگ نداشته باشند
و برچه به کمرشان باشد برچه را نمی کشند و عقلا
برچه را مع برچه بدست چپ میگیرند . و بر رسم تعظیم
بدست سلام نمی کنند . صرف سر و چشم خود را در

ذاتی که برای وی رسم تعظیم اجرا کرده میشود
میگرداند و با نظر تا وقت گذاشتن می بینند.

۹۵ - رسم تعظیم بدون اسلحه، برای سپاهی
تقریر ذیل تعلیم داده شود. و نفر قبضه در تعلیمنامه
تحریر است معمول بدارد.

سلام - کی! برای رو برو سلام کردن
حکم مذکور داده میشود. نفر بجای لاکتی به همراه دست
راست این قسم سلام میکند که انگشتهای دست
راست بهم پیوسته و انگشت شهادت از بروی
راست قریباً یک انج بالا شده آرنج قریباً برابر
شانه برداشته شود. سر، در وقت بالا شدن
دست، حرکت نکند.

لاسن - خلاص! که گفته شد دست
خود را بجای لاکتی به پهلوئی خود بوضع قدیم بیاورد!
۱ - وقتیکه سپاهی از رو بروی افسر بگذرد
دو سه قدم نارسیده برقرار، سلام بدست راست
گرفته سر و چشم خود را بطرف ذاتیکه میکنند

کلاً میگرداند چون سه قدم گذشته دست خود را
 به پهلوی خود آورده میرود .
 ۲ - اگر یک قطعه عسکریه برقرار باشد
 و ذات اعلی حضرت شهنشاهی و یا شهنزاده های
 عالی و یا علم مبارک از پهلوی آن بگذرد هرگاه
 باجه باشد حکم : موزون - قدم ! شتی
 (کین) خواگ - کور ! را داده سلامی اجرا
 نماید . و اگر باجه نباشد صرف حکم موزون قدم
 شتی (کین) خواگور را بدید . و اگر ذاتهای موصوف
 نشسته باشند مثل گذشته . و اگر قطعه استاده
 باشد و ذاتهای موصوف . مرور نمایند اگر باجه
 باشد بهراه باجه و اگر باجه نباشد بدون باجه سلامی
 اجرا نمایند . و همه نفری روی خود را بطرف
 ذاتیکمی آید با حکم و بدون حکم میگردانند .
 و اگر تنها تنها نفر را روان باشند برای آنها
 موصوف . هرگاه تفنگ داشته باشند بوضیعت
 تیار - سی ! و اگر تفنگ نداشته باشند بدست

راست سلام کرده استاده میشوند تا که ذاتهای
موصوف سه قدم بگذرند بعد از آن بر قنار خود
دوام کنند. بدون ذاتهای موصوف بدگیری
استاده شدن در رفقار، ممنوع است. برای
افسر تنها بر قنار، سلامی اجبرانایند.

۳ - اگر سپاهی نشسته باشد و افسر بگذرد
سپاهی استاده شده بوضع اساس آمده سلام
بدست راست بگیرد. همیشه سپاهی بر افسر
را در هر جا که بیند غزت و احترام او را بسیار
زیاده بکند. برای ذوات محترم مستحق احترام
تیر بقرار فوق رسم تعظیم اجبر کرده میشود.

۴ - اگر افسر، کدام سپاهی را برای
کدام کار، آواز داده میخواهد و یا بذریعہ اشارت
طلب کند. سپاهی بسیار به چالاکي تعمیل حکم افسر
را کرده چون سه قدم به نزدیک افسر رسید
مشلیکه بیان شده سلام میکنند. و بعد از آن
که رخصت میشود، تیر سلام کرده رخصت شود.

توقف دست در وقت سلامی به پیشانی بقدر و انداز
یک قدم و رویا باشد .

باب سوم

تعلیم دلکی بدو صف

۹۶ - بعد از تریب منفرده ، برای آمادگی
دلکی باید جمیع کار که قبل از آن شده یعنی
باب اول و دوم کامل برای سپاسی تعلیم داد
شود بعد از آن ، دلکی را که قریباً $\frac{1}{8}$ حصه تولی
است بدو صف ترتیب بدهند . هر آن دو نفر که
یکی پس دیگر استاده میشوند آنرا (انجبرک) میگویند .
و هر آن دو نفر که بطرف راست اول و بطرف چپ
آخر باشد آنها را (انجبرک) جناح راست یعنی

(شی و زر انبرک) و انبرک جناح چپ ، یعنی
 (کین و زر انبرک) میگویند . چون دلکی تریب
 داده میشود اول شی و زر انبرک و بعد از آن به
 پهلوی چپ انبرک اول سپاهی استاده شده
 که تا ختم شود . آخری انبرک را کین و زر انبرک
 میگویند . و اگر به آخر ، دو نفر مانند یک نفر ماند آنرا
 خالی انبرک میگویند و همان نفر طاق بصف
 اول با آخر دلکی به کین و زر استاده میشود .
 سپاهیان آنقدر جای در صفهای خود میگیرند
 که آرنجهای شان ، خفیف به آرنجهای رفیق شان
 تماس کنند . و فاصله در مابین صف از کمری نفر صف
 اول ، تا کمری نفر صف دوم تخمینا سه آرنج میباشد .
 و هر نفر صف دوم عین عقب نفر مقابل خود باشند .

هذا یعنی صف برابر کردن

۹۷ - هذا از شی و زر گرفته میشود . به حکم

هذا - شی ! نفر شی و زر انبرک ، اندازد خود را

را درست نموده حرکت نمیکند. و باقی اغبر که اطرف
 راست دیده خود را برابر میکند. و قدمهای کوتاه
 چالاک پیش و یا پس گرفته تا که خود را برابر کنند.
 اگر بچشم راست تنها نفر پهلوئی خود را و بچشم چپ کل
 خط را بدرستی دیده بتواند دلیل است که خدا
 درست است. و بطرف چپ اگر خدا بخواند
 که بگیرد بچشم چپ، نفر پهلو و بچشم راست کل خط
 را دیده توانست خدا درست است. تا وقتیکه
 بقدر فوق دیده نشود خود را پس و پیش نموده
 برابر کنند.

۹۸ - ر قنار (دلکی) به ترتیب صف حرب
 یعنی (لیک) بقدم تر زاو! همیشه وقتیکه برای
 دلکی حکم: تر - زاو! داده شود. برای
 خدا گرفتن یعنی لین برابر کردن از هر سمت که
 خواهش باشد اسم همان سمت گفته شود. و بعد
 از آن حکم حرکت داده شود زیرا که هر نفر خود را
 همان سمت که حکم داده شده خدا بگیرد. اگر چه

در وقت رفتار، سپاهی رو بر و دیده برود.
 مگر بعضی اوقات هدای خود را به سمتیکه حکم داده
 شده گاه گاه ملاحظه نموده اگر فرق داشت برابر
 میکند. مثال (دلکی) هدایشی (لکین، متر)
 زر - زاو! نفر صف اول ششی و زر، رو
 برو نشان گرفته خیال راست رفتن و ذمه وار
 راست رفتن را داشته باشد. اگر هدایشی
 حکم بود و اگر هدایش حکم شده باشد. نفر صف
 اول کین و زر ذمه بردار هدایش خواهد بود و اگر حکم
 از (متر) شده باشد سپاهی میان دلکی ذمه
 بردار هدایش خواهد بود. و باقی نفری بسمت حکم شدگی
 گاه گاه هدایش خود را اگر برابر نباشد برابر
 میکند. اگر پیش شده باشند به سمت نمودن قدم
 و اگر پس مانده باشند به تیر نمودن قدم هدایش را
 برابر کنند.
 و اگر برای (دلکی) در عین رفتار حکم کین شای
 - کرز! داده شود صف اول یعنی و زر در صف

کار صف دوم یعنی دروست صف را میکند و دروست صف کار و دروازه صف را میکند.

کار دکوژ

برای رفتار کوژ، حکم: ششی (کین) نیم کوز! داده میشود. باز به جبهه اصلی اگر ششی نیم کوز حکم شده بود کین نیم کوز و اگر کین حکم شده بود ششی نیم کوز داده میشود.

کار دبدل

۹۹ - در وقتیکه دلکی بقسم لیک روان باشد و سمت رفتار، تبدیل داده شود یعنی اگر دلکی طرف شمال، روان است و خواہش شود که رفتار دلکی بهمان ترتیب بسمت مشرق روان شود در آن صورت حکم داده میشود: بدل پر ششی - دلکی ششی شرخ! بگمہ دلکی بطرف راست چرخ میکند و باستقامت جدید رفتار مینماید.

غبرک قطار

۱۰۰ - اگر دلیکی را از ترتیب (لیک) به طرف راست یا چپ هر نفر را جدا جدا بخوابد که بگرد یعنی ششی (کین) کمرز شود و بعد از آن زودان شود. در آن صورت حکم داده میشود دلیکی کین - کمرز! ثرر - زراو! حال ترتیب دلیکی را از غبرک قطار میگویند. از غبرک قطار به یوستوی قطار هم میشود. فقرصف دروست به پس فقرمقابل صف و ژاند خود میروند. و ترتیب دلیکی بقسم یوستوی قطار میشود. و از این ترتیب واپس به ترتیب غبرک، بحکم غبرک قطار می آید.

۱۰۱ - از ترتیب غبرک قطار، دلیکی به سمت که خواهمش باشد صف حرب یعنی به ترتیب (لیک) آراسته میشود. فرض کنید که دلیکی به ترتیب غبرک قطار، به سمت شمال روانست. اگر بهمان سمت که روانست یعنی به سمت شمال

دلکی (لیک) شود حکم ، پرشی (کین) و ژان
 جوڑ لیک ! داده میشود . نفر اخیر اول ،
 بقسمیکه به لیک جای داشتند استاده شده پیشه
 پرزای میکند . و باقی نفری به نوبت خود جای میکنند
 نفری صف اول ، بصف اول ، و نفری صف دوم
 بصف دوم تا آخر و بعد از آن ، به حکم در شیر ، مدونا
 حرکت استاده میشوند . اگر پر (شی) حکم داده شود
 نفرشی و زرا اخیر ک ، جا بجا بوده و باقی نفری
 به پهلوی راست استاده میشوند . و اگر پر (کین)
 گفته شد نفرشی و زرا اخیر ک ، استاده شده
 و باقی نفری به پهلوی چپ آن استاده میشوند .
 ملاحظه کنید نقشه ()

تعلیم پرک
 در بیان ترتیب پرک

۱۰۲ - خواه در حضر و یا در سفر ، پرک همیشه
 به ۳ دلکی تقسیم میشود . و به هر دلکی دو خلو شامل

است و به هر خلور ۳ انجبرک میباشد و هر
 انجبرک از ۳ یوستوی مرکب است . یوستوی
 یک نفر را میکوبیند .
 پرک $\frac{1}{4}$ حصه یعنی یک ربع تولی میباشد .

مُرَاد از تعلیم پرک

۱۰۳ - مدعا از تعلیم پرک ، این است که برای
 همه افراد جِد اجد تعلیم درست داده شود . که
 اگر آنها بچا شوند و یا بد اخل تولی شده کار کنند
 از آنها غلطی سرزده نشود . و برای تمجیل حکم انصر
 درست و آماده باشند . پرک مشرف همیشه بصاحب
 حکم خود را به بالای پرکهای خود نموده بتوانند . و نفر
 اجرای حکم را بسیار بچالاک و بدون تشویش بنمایند .
 تا وقتیکه پرک بد رستی همه تعلیمهای فوق را نیا موزد
 لایق شامل شدن تولی را ، آن پرک ندارد .
 اول سپاهی ، از تعلیم منفرد و بعد از آن
 بیک صف و بعد از آن بجماعتها می خور د بد وصف

وبعد از آن به پُرک تعلیم داده شود .

ترقیب و تقسیم پُرک

۱۰۴ - ترقیب پُرک بسته نوع بقرار ذیل است

۱ - صف حرب ، یعنی لیک ... ملاحظه کنید

نقشه (۱)

ب - دلکی قطار ... (۲)

ج - اغبرک قطار ... (۳)

۱۰۵ - در وقتیکه پُرک تنها کار تعلیم را نماید

پُرک مشر این قسم جای استاده شود که همه حصه

پُرک را بدرستی ملاحظه نموده نکرانی کرده بتواند

و اگر پُرک همراه تولی شال شده کار کند در آن

صورت پُرک مشر بقرار نقشه () استاده

شود .

۱۰۶ - مشلیکه به تعلیم دلکی بیان شده همان

تعلیمها را تکرار به تعلیم پُرک هم نموده شود .

تولی

قواعد عمومی

باب چهارم

۱۰۷ - بعد از تریه منفرده برای آمادگی تعلیم
 تولی، هر حرکت ابتدا در داخل صف غیرک
 و دلکی، پُرک و بلوک اجرا نموده تعلیمها کرده میشود.
 قواعدیکه در باره تعلیم تولی در تعلیمنا مه مندرجست
 آنها در باره تعلیم صف، پُرک و بلوک تیر جاریست.
 ۱۰۸ - خواه صف اول، و خواه صف دوم
 پیش باشد و تیر خواه شی و زر و یا کین و زر سب باشد
 و خواه بوسط، حرکات توسیع جبهه و یا بعکس جبهه
 چرخ نموده به صف لیک، در آمده جای پُرکها تبدیل
 و تغییر یافته باشد. در همه این صورتها شاید که تولی
 کل حرکات مندرجه تعلیمنا مه را بکمال مهارت و انتظام
 تام اجرا کرده بتوانند.

ترتیب و تقسیم تولی

۱۰۹ - تولی بر دو صف ترتیب کرده میشود.
 بر آن دو نفر که یکی پس دیگری استاده باشند غبرک
 نامیده میشوند. بر آن دو نفر که درازتر باشند
 غبرک شی و زر و بعد از ایشان دیگر غبرکها نظر
 بقامت شان دوم، سوم و آخر تا به کین و زر
 کل غبرکها را درجه بدرجه تشکیل میدهند. از همین
 اصول بجزئی انحراف نمودن جائز است. عدد
 نفرات، اگر طاق بود همان نفرات را در کین و زر
 به صف اول تنها بوده عقبش خالی میباشد. این
 غبرک را (خالی غبرک) گویند. مسافه که از
 پشت صف اول تا سینه صف دوم معتبر است
 ۸۰ سانتیم یعنی ۳۲ انج بوده صفها با هم موازی
 میباشند. افرادی که در یک صف پہلو به پہلو خواه
 با تفنگ بوضع پشتوپک و یا بدون تفنگ استاده
 باشند آرنجهای شان تماس خفیف باید بود.

۱۱۰ - نظام لیک تولی (در شکل) نمود

شده است . تولی از ششی وزر آغاز نموده به
دلیکها نیکه بر یکی چهار غبرک داشته باشد تقسیم کرده
میشود . برای اینکه عدد کل دلیکها بر عم قابل تقسیم
شود در حین ایجاب نفر از مخمنان مسافه به صف
کوچک افسران داخل کرده میتوان شد . از
دلیکها نیکه بدین صورت تقسیم یافته اند عم پرک
تشکیل کرده میشود . اگر عدد دلیکها بر دو قابل تقسیم
نباشد یکی از پرکها بقدر یک دلکی یا قومی ترویبا
ضعیف تر از سه دیگر میباشد .

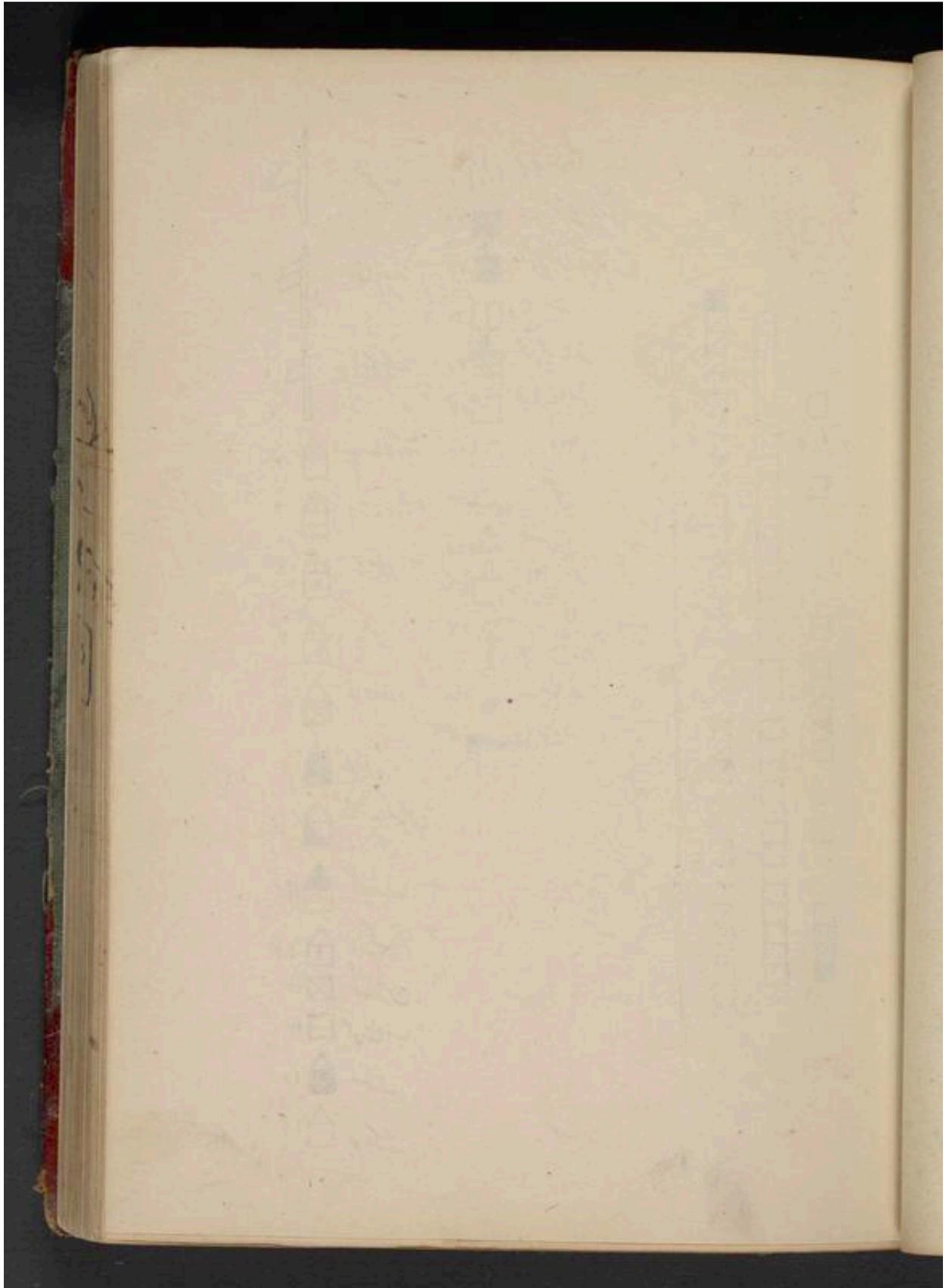
عدد دلیکها اگر طاق باشد افزونی به نصف
بین عائد میباشد . در وقت حضر ، برای اینکه
تعلیم با نصفها ممکن شود در بعضی دلکی اکثر غبرکها را
بحال (خالی غبرک) افراغ کرده مقد از غبرکهای
لازم تحصیل کرده میتوان شد .

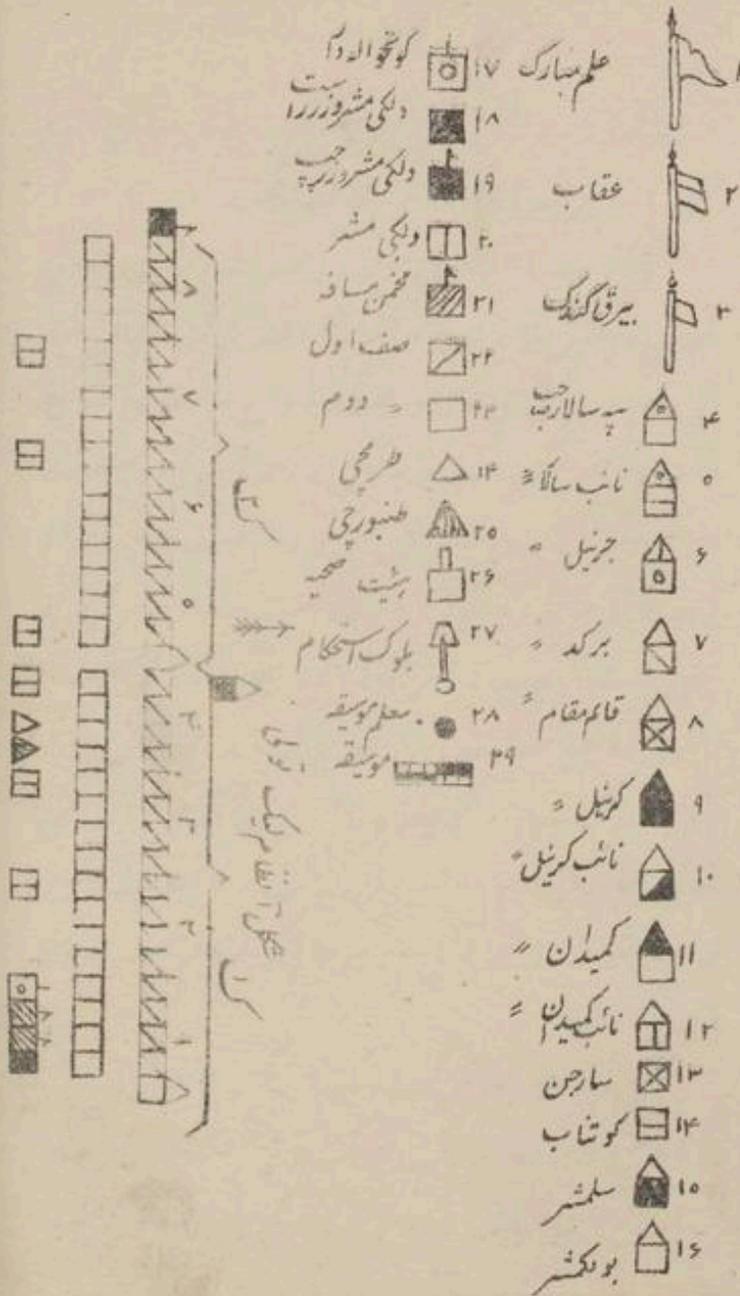
۱۱۱ - بلوکها از ششی وزر شروع کرده در داخل
تولی پرکها در داخل بلوک دلیکها در داخل پرک

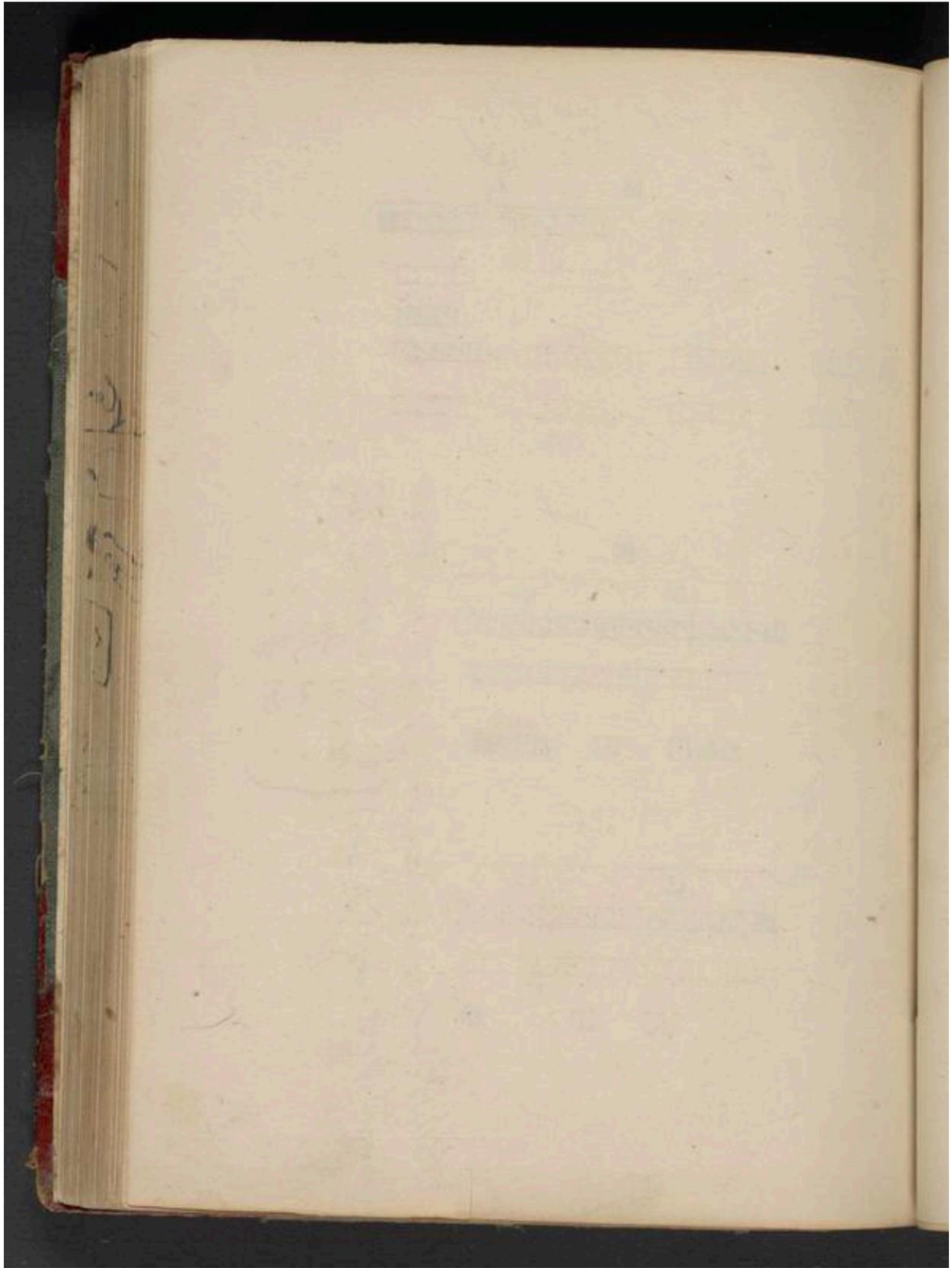
و غیر کهما در داخل دلکی نمبر میگیرند و جای شان اگر چه
تغییر یابد نیز نمبرهای خود را محافظه میکنند .

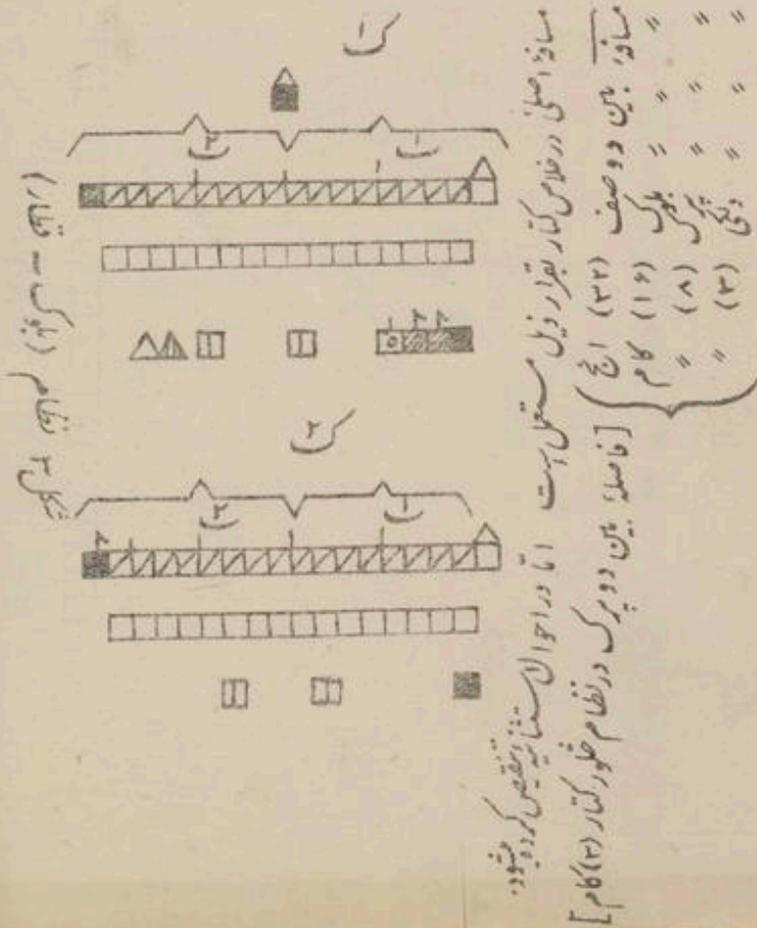
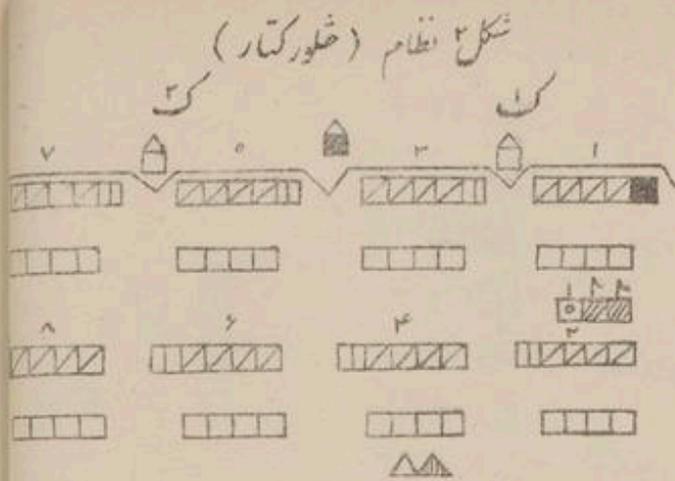
۱۱۲ - افسر تولی موجود افسران را بر وجه ذیل
تعیین و تقسیم بنماید . ۱۳ افسر را افسر بلوک تعیین میکند .
ایشان در بلوکهای خود در صف اول به پهلوئی نفرشی و
و سوم افسر اگر باشد به کین و زر تولی می ایستند .
و اگر دیگر زیاده افسران موجود باشند تیر بقرار
رتبه و قدم خود به بلوکها داده شده در مرکز بلوکها
پس پشت کوچک افسران دور بقدر مسافت صف
ایستاده میباشند . بالعکس اگر عدد افسران به بلوکها
کفایت نکند از کوچک افسران قدم دار یعنی
قدیمی بقدر لزوم . افسران بلوک . انتخاب تعیین
کرده میشود . افسر تولی در هر جائیکه لزوم بیند در آنجا
باید باشد .

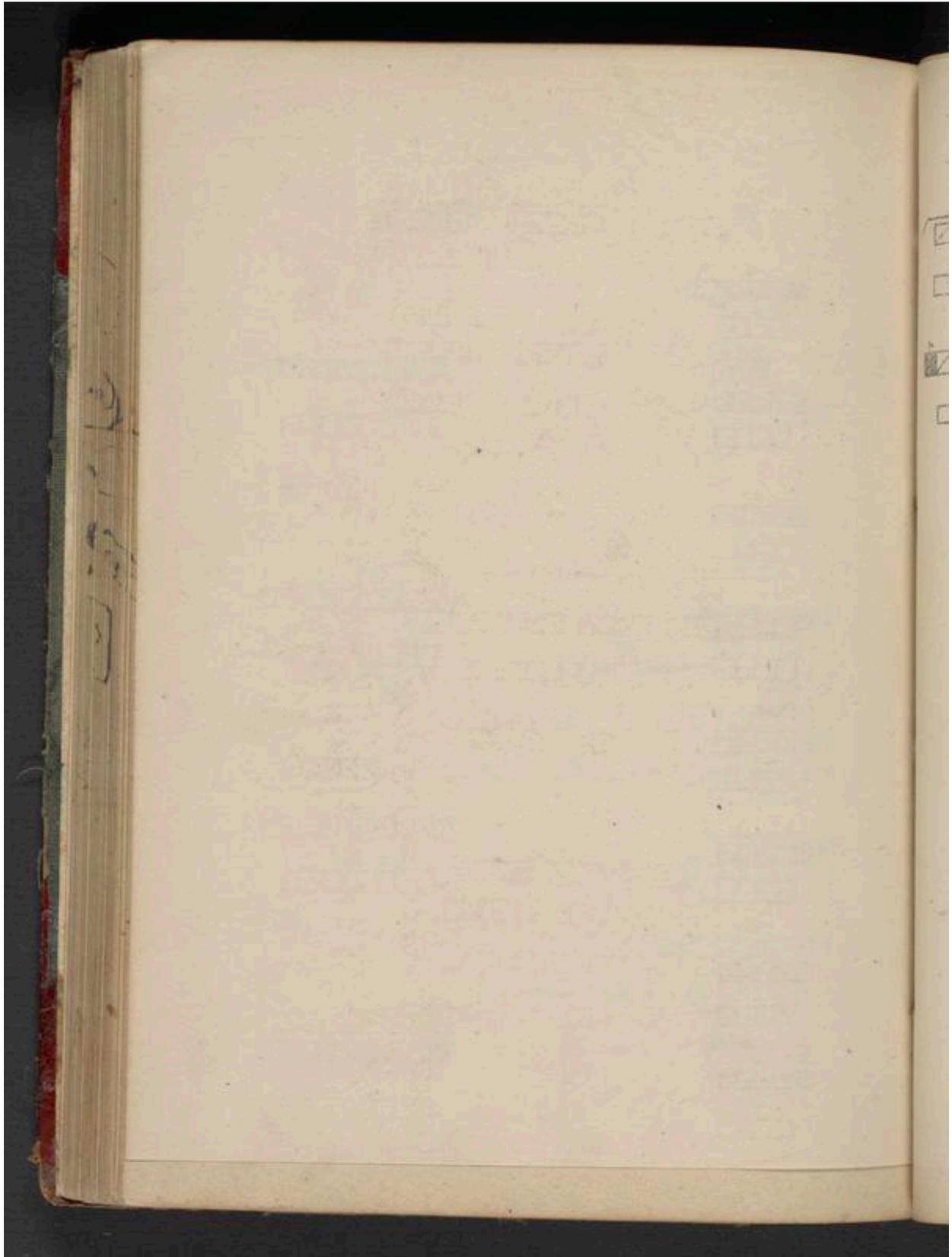
۱۱۳ - بهر شرکت . یک پُرگشتر (حواله دار ، نامک)
داوه میشود . ده هر بلوک پُرگشترهای ششی و زر و کین
و زر در عین زمان ، در بلوک مذکور ، وظیفه کوچک



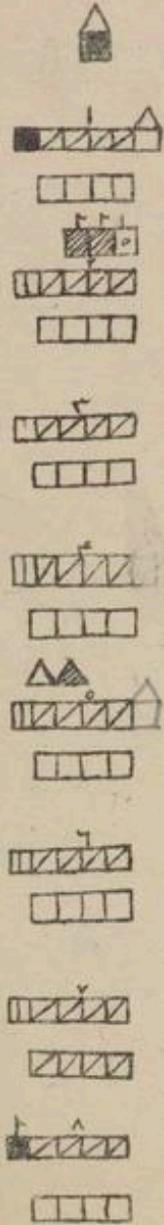




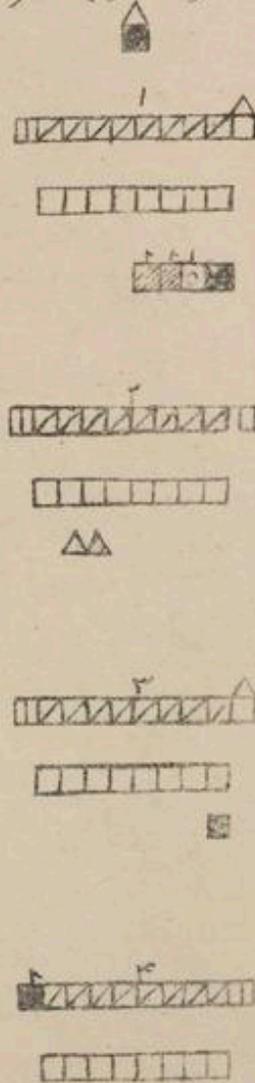




(شکل ۵) نظام دکنی قطار
بقرار صفحہ (۱۰) فقرہ (۱۱۳)



(شکل ۴) نظام پرک قطار
بقرار صفحہ (۱۰) فقرہ (۱۱۳)



افسری و زر را تیر ایفا کنند . پیکر کشته در پس
 پشت غبرک کین و زر پیکر خود بسا فذصف می
 ایستند . مگر پیکر کشته های ششی و زر بلو که استثناء
 پس پشت غبرک ششی و زر بوده هر وقتیکه افسران
 بلوک مواقع خود را ترک کنند جای بهمین افسران
 اشتغال میدارند . اگر در کین و زر تولی افسر
 بنوده کوچک افسران و زر به پهلوی چپ نفر
 بمان و زر صف اول میباشد . طرحی و طنبورچیان
 بقرار امر و تنسیب افسر تولی . به پیکر کشته تقسیم کرده
 میشوند . و ایشان در کل نظامهای تولی پس پشت
 پیکر کشته با آنها مشوب اند در صف کوچک افسران
 میباشد .

[در تولی قطار و پیکر قطار . بهمین طرحی و
 طنبورچیان بکین و زر صف دوم پیکر کشته در اول
 به پس پشتش بودند میباشد .]

- ۱ - نظام یک شکل
- ۲ - نظام خلوت قطار شکل

۳ - نظام بلوک قطار شکل

۴ - نظام پترک قطار شکل

۵ - نظام دلکی قطار شکل

از پترک قطار در اخبار دلکی قطار بقرار شکل
۵ نظام دلکی قطار تشکیل کرده میشود . پترکها در داخل
نصفها بمسافت نصف تقرب میکنند . کوچک افسران
صف ، طرحیان و طنبورچیان و نفرات صحیه یعنی عمده
اسپتال بجای خالی که بدین صورت پدید آمد رفته
۴ نفره صفها تشکیل دارند . عمق دلکی قطار را بلا امر
تزیید کردن جائز نیست .

در حکم پترک قطار همان نظام که در شکل ۴ نمود
شده بود اخذ کرده میشود .

۱۱۴ - در غیرک قطار [یعنی و قینکه تولى به لیک

بوده ششی و یا کین بگردد] افسران بلوک ، افسر
کین و زر به پهلوی چپ و یا راست آن نفر و زر
که در نظام لیک به پهلوی و می استاده باشند
میروند .

حذا، فاصله، استقامت غیرک

۱۱۵ - هرگاه نفر بر خط جبهه در وضع بی‌قصور باشد

بطرف راست (چپ) به بیند اگر بچشم راست

یا چپ، تنها نفر پهلوی راست (چپ) خود را

و بدبیر چشم کل خط جبهه را دید این حال دلیل است

که حذا درست است .

۱۱۶ - اگر یک امر دیگر داده نشده باشد

حذا، و فاصله خواه در اشای رفقار و خواه در اشکی

از طرف راست گرفته میشود اما استثناء در اجول

ذیل، حذا و فاصله چنین است :

۱ - وقتیکه تولی به لیک بوده با استقامتیکه

خط اساس عمود باشد اجرای حرکات نماید از افسر

بلوک دوم که بوسط تولی میرود!

ب - در حرکات ثلور قطار از ششی و زر

دلگی نخستین پیرک دوم

ج - در رفقار نامی کج از وزر یک با استقامت

رقفار است .

د - در بحر نما خدا از وزر خارجی و فاصله از
وزر داخلی اخذ کرده میشود. (۱۵۸)

۱۱۷ - در مخلور قطار یک فاصله نایش بدرجه
ترتیب اصلی است استقامت رفتار را شی وزر
پیک دوم محافظه میدارد. در داخل مخلور قطار این
مطلوبست که تنها دیکهای نخستین پیکها بیک خدا بود
باشند. وقتیکه فاصله نا تغییر یافت بقرار فقره
(۱۴۵) بی آنکه بیک حکم احتیاج شود بر پیک
افسر خود را تعقیب میدارد.

۱۱۸ - در نظامهای قطار افسرانیکه در وزر
خدا میباشند استقامت غیرک را از بعد گیر و نیز
مسافه را محافظه میکنند. مگر حال اراضی از همین قاعده
انحراف را تجویز کرده میتواند.

۱۱۹ - در هنگام استادن بجز دیکه حکم:
آرام - سی! داده میشود نفر فاصله، و خدا
و استقامت غیرک را تصحیح باید کرد.
۱۲۰ - در هنگام استادن، اگر خواسته

شود که حکم داده خدا تصحیح کرده شود حکم: خدا - نسی!
 و یا پر کین خدا - نسی! داده میشود. درین حکم
 صف اول خدای خود را میگیرد. صف دوم و کوچک
 افسران و طرچی و طنبورچیان اولاً استقامت بخبر
 و مسافه را گرفته بعد از آن از جانب، خدای
 خود را نیز میگیرند. در حکم کور - و ژاندها همه
 سر با جانب پیش میگردند.

۱۲۱ - در نظامهای معاینه، در وضع آرام سی!
 خدا از کوچک افسران خدا نیز اخذ کرده میتوان شد
 پس درین باب حکم و خدا کوچک افسران xxx
 کام و ژاندها - ز او! داده میشود. اگر تولی نظام
 لیک باشد درین حکم کوچک افسران شی و زر
 پیکر و کوچک افسر کین و زر تولی و اگر تولی مذکور به
 نظام بزرگ قطار باشد کوچک افسران بر دو و زر
 بزرگ سر بر چند کام که امر شده است آنقدر کام
 پیش روی نفری و زر بر آمده بطرف راست یا
 چپ کشته تماماً با استقامت یکدیگر می آیند در

تولی اگر بیرق باشد در هر دو نظام عوض کوچک
 افسر، افسر وزیر است بیرقدار می بر آید . در حکم
 حذائسی! (پرکین حذائسی!) تولی بر رفتار عادی
 بخط کوچک افسران حذا تقرب کرده به حذائسی
 برای اینکه نفقات، خط حذارا سریعاً دیده فرق
 کنند یکبار نظر کردن شان بدیکر وزیر تیر جائز است
 صورت حرکات صف دوم و در نظام پیکر قطار
 حرکات پیکرهای پسینه و کوچک افسران صف
 و غیره در فتره های (۱۱۹ : ۱۲۰) بیان کرده شده
 است . در حکم : کور - و ژاند! کوچک
 افسران حذا بجایهای خود میروند . و نفقات هم
 سرهای خود در اجانب پیش میگرداند . افسران
 پیکر برای گذشتن کوچک افسران حذا از میان
 پیکرهای بگذر میدهند .

۱۲۲ - در حال آرام سسی تولی نظر به هر
 کدام غیرک و یا دلکی و یا نظر بدیکر قطعه که به پہلو باشد
 و خواه در جبهه قدیم و یا جدید بسرعت و مهارت

بمذاآدن مقتدر باید بود .

گردشها و حرکات تفننگ

۱۲۳ - گردشها و حرکتهای تفننگ در عین
زمان و به برابری و حرکات برچه سوار کردن و
کشیدن از طرف هر نظر ممکن مرتبه سریع اجرا کرده
شود .

۱۲۴ - اگر گردشها تنها به نیت و مقصد تعلیم
اجرا کرده خواهد شد . پیشتر از حکم اخبار کار در گذر
داده میشود . اگر بهین اخبار داده نشود در حکمیکه برای
گردش داده میشود افسران بلوک و افسر و زور
چپ تولی محلمانیکه در فقره (۱۱۴) بیان شده
است میگیرند . در گردش ، پس پشت بهین
افسران و خالی غیر که با بصف اول میروند . و در
هر دو حال تا آنکه اصل جبهه تکرار گرفته شود ایشان

تو
 بهین محلها را نگاه میدارند. در حکم جبهه - بدل!
 چونکه جبهه بیست مقابل نقل کرده خواهد شد افسران
 بلوک و کوچک افسران صف و طرحی و طنبورچیان
 از راه کوتاه تر به عادی قدم بجایای جدید خود تا به
 پس پشت میروند.

هر
 با
 پس
 خالی
 ۱۲۵ - خواه بیریق و خواه افسران، خاص
 به حکم: وقت! سلام - کی! ایفای رسم
 تعظیم میکنند. کوچک افسران، حرکات تفنگ را
 با هم اجرا میدارند.

پیر کردن و اور کردن

پیش
 ۱۲۶ - هر نفر، تفنگ خود را ممکن مرتبه
 سریع پیر میکند.

آورد
 صف
 پشوپک
 ۱۲۷ - جبهه تولی که در مجتمع نظام، آور خواهد
 کرد جبهه مذکور با استقامت اور تقریباً عمود بودنش
 لازم است پس برای این، در حین لزوم دست

تولی باید که چرخ کنند .

۱۲۸ - دو نوع اور استعمال کرده میشود .

یکی یکدم و دیگر؛ پخیل سر اور است . یکدم اور را
یا کل تولی دفعتاً و یا بلوک بلوک اجرا میکند .

۱۲۹ - در اشای حقیقی اور؛ افسر تولی از

هر جای که تأثیر اور را خوبتر تر صد کردنش ممکن
باشد بد انجا میرود . افسران بلوک چند کام به
پس پشت بلوکهای خود رفته جایهای سابق شان
خالی میماند .

کوچک افسران صف و یا طرچیان و طنبوچیان
اگر پیش روی خط اور بوده باشند در حکم اور
دپاره ! دویده از وزرهای بلوکها گذشته پس
پشت صف دوم میروند .

اگر تفنگ از وضع اوژه یک بوضع تیاراوس
آورده شود خواه افسران و خواه کوچیک افسران
صف و کوچیک افسران وزر در حکم اور دپاره !
پشوپک میکنند .

۱۳۰ - کل تقری قوی بر زمان به عین درجه آفتاب
 آورینتواند شد، چونکه بعضی تقری در جا غور تفنگ قد از
 شان کارطوس موجود میباشد اما بعضی دیگر بنا بر
 هنوز نواز کارطوس بدان بگرفتند کارطوس مجبوراً میدا
 بناء علیه یکدم او را در حالیکه یکدیگر را بسرعت تغییر بست
 میکنند ممکن است که در هر فیر کل تقرات او را در کرا پفیل
 نتوانند.

۱۳۱ - حکم او در بند! از طرف خود
 افسران بلوک و پیرگشتران و نامکها تکرار کرده میشود تفنگها
 و اگر این نیز کفایت نکند باید که از طرف کل تقرات میکنند
 نیز تکرار کرده شود. خصوصاً سائره از قراره ابها
 (۱۷۳ : ۱۷۴) اجرا کرده میشود.

کوٹ پک

۱۳۲ - در اخبار: کوٹ! خبر گهاست خود
 کین کوز و غیر کهای کین، ششی کوز میکنند. هرگز را

تفنگ خود را بشرطیکه میانش بطرف راست کف
 قدراغ به پهلوی راست آید از زیر بست فوقانی،
 بدست گرفته دست مذکور را به پیش روی دراز
 میدارد. و بانگشت ابهام دست مذکور، حلقه
 بست مذکور را استاده میکند. در حکم یک!
 پفیل خبرک اول و پفیل خبرک دوم (اگر پفیل
 دو نفر قطر اساس نامیده شود مناسب است) تفنگها
 خود را چنگک میکنند و بصورتیکه چنگکهاست نباشد
 تفنگها را بطرف راست تاب داده مبادا تفنگ
 میکنند. یعنی یکی دهن تفنگ دیگر بر بشرطیکه انگشت
 ابهام، به بالا و چهار انگشت دیگر پایان آید و حلقه
 بست تفنگ دست نشود و میکیرد. درین هنگام
 تفنگها، سه چهار انگشت پایان تر از بست های فوقانی
 باهم در تماس بوده میل تفنگها بطرف زمین، متوجه میباشند.
 بعده پفیل خبرک اول و پفیل خبرک دوم، تفنگهای
 خود را بچنگک تفنگ پفیل خود چنگک کرده بطرف
 راست تاب داده بر سطح تفنگ مذکور تکیه میدهند.

تفنگ
 پفیل
 خبرک
 اول
 و
 پفیل
 خبرک
 دوم

تفنگ
 پفیل
 خبرک
 اول
 و
 پفیل
 خبرک
 دوم
 تفنگها
 پفیل
 خبرک
 اول
 و
 پفیل
 خبرک
 دوم
 تفنگها
 پفیل
 خبرک
 اول
 و
 پفیل
 خبرک
 دوم

(+) ثانیاً پیشیل غیرک دوم نیز تفنگ خود را به چنگک
 تفنگ پیشیل خود بعین طرز چنگک کرده تکیه میدهد
 درین اثنا یک شکل ابرام قنظم پیدا میشود. افز
 صف اول نیم کام به پیش روی کوٹ و افراد صف
 دوم، نیم کام به پس پشت آن میروند. هر کویچک
 افسر، تفنگ خود را بکوٹ نزدیکتر تکیه میدهد. بعد
 از آن که افراد، تفنگها را کوٹ کنند خود به خود
 آرام سی میکنند. به تفنگ جانور دار جسمنی کوتا هر گاه بر وجه
 سوار باشد (+)

اول باول نفر قنظم اساس تفنگهای خود را بر چنگک
 نفر صف اول بهر پیشیل خود تفنگهای خود را چنگک می اندازند. بشرطیکه ساقه باین قونداخ تفنگهای برود نفر
 پیشیل برود نفر پیشیل قنظم بر روی یک نیم کوٹ و ساقه باین تفنگهای بر نفر بهر پیشیل شان بدراری سه کوٹ
 بوده باشد و اتع شود کوٹ میکنند.

۱۳۳ - در حکم: ٹول - ٹول! افراد
 صف اول به پیش روی کوٹ و افراد صف
 دوم به پس پشت آن بی صدا آمده بحال آرام سی
 می ایستند. در اخبار: نش! غیر کهای ششی،
 کین کرز و غیر کهای کین، ششی کرز میکنند. در
 حکم: یک! افراد، تفنگهای خود را بدست راست
 میگیرند بعهده در هر کوٹ، همان افرادیکه پستر، کوٹ
 کرده بودند پستر، تفنگهای خود را متعاقباً تا ب داده

میکینند. بعد از آن نفری قطر اساس نیز تفنگهای خود
را تاب داده اخذ میدارند و ژاند کرز کرده بحال
آرام سی می ایستند.

۱۳۴ - برای تفنگ مارتین، در اخبار
کوٹ! غبرکهای شی و کین، کین و شی کرز می
کنند و تفنگها را زیر بست فوقانی میکینند. بقرار
فقره (۱۳۲) در حکم اجزای یک! اولاً نفراتیک
در عین صف بوده رو برو میباشند تفنگهای خود را
بواسطه سیخ آنها بسته میکنند. بعد از آن هر دو غیرک
بشرطیکه کوٹ تشکیل نمایند دهن تفنگها را بواسطه سیخ
یک جا میکنند. بعد از آن افراد بقرار فقرة
(۱۳۲) در پس و پیش کوٹهای ایستند.

۱۳۵ - در حکم: تول - تول! بقرار فقرة
(۱۳۳) عمل میکنند. در اخبار: نس! غبرکها بقرار
فقره (۱۳۳) کین و شی کرز میکنند. و در حکم:
یک! افراد، تفنگهای خود را بدست راست
گرفته بشرطیکه بشدت کش نکنند اولاً بالا بر میدارند

بعده از بهم جدا کرده میگیرند . و ویراند کز کرده
بحال آرام سی می ایستند .

رقار

۱۳۶ - برای پیش بردن حکم تولی شر
- زاو ! و برای استاده کردن تولی - در شر
داده میشود . هر نفر منتظاً پیش میرود . افسر حذا
از محافظه استقامت رقرار مسئول است . علی العموم
بواسطه افسر کی با استقامت رقرار نامور است
بیک اندازه کام زدن و بفاصله با دقت کردن
و محافظه حذا کرده میشود . با وجود آن گاه گاه دیدن
نفر بطرف حذا تیر جائز است . بدفعیکه از طرف حذا
می آید متابعت و با آنکه از عکس طرف می آید متابعت
کرده باید شد .

۱۳۷ - تولی ، رفتن را نظر به نقطه های استقامت
رقرار و تیر بی غلغله تعقیب نمودن افسر خود را آموخته

باید بود .

۱۳۸ - تولی ، آن خرد و حرکات چرخ را

که مثلا از جزئی تبدیل استقامت رقرار حاصل میشوند .
باید که بی حکم اجرا کرده بتواند . و قینکه زیاده تبدیل استقامت
رقرار مطلوب باشد ابتدا باید که چرخ اجرا کرده
بعده استقامت جدید داده شود فقره (۱۵۸)

۱۳۹ - در اثنای رقرار و با بعد از استان

اگر حکم : زنکون - کیشرد ! و یا زنکه - پروت !
داده شود از قرار فقره (۶۳) حرکت کرده میشود .
برای پروت ، در نظام لیک و بلوک قطار ،

کوچک افسران صف بقدر یک کام پس میشوند . و قینکه
میخیزند بقدر دو کام پیش تقرب میکنند . اگر تولی یا تولی
قطار ، به قسم بزرگ قطار ، و یا دلکی قطار باشد در
اثنای پروت ، غیر که ابتدا از وسط بهر دو جانب
تقریباً نیم نیم کام از هم جدا میشوند . افراد صف دوم
بطرف چپ افراد صف اول بهین فاصله تا دراز
میشوند . بعد از برخواستن هر کس موقع اصلی خود را میگیرد .

۱۳۰ - بدون تولی قطار در بر نظام قطار،
 در آشنای ر ققار اگر کین شا کر ز شد و اگر خدا گرفتن
 از افسران بلوک مطلوب باشد حکم خدا لکین!
 داده میشود. برای تبدیل جبهه بفقره (۱۲۴) محت
 ۱۳۱ - برای کوثر ر ققار حکم ششی نیم
 (کین نیم) - زاو! داده میشود. در کوثر ر ققار
 استقامت ر ققار با خط جبهه، زاویه ۳۵ درجه
 تشکیل میکند. در ر ققار ششی نیم بر نفر شانه راست
 خود در ا پس پشت شانه چپ نظر است خود بیک
 استقامت و در ر ققار کین کوثر بالعکس بدارد.
 خاص بهین صورت وضعیت افراد با هم دیگر و با این،
 جبهه محافظه کرده میشود. برای باز گرفتن استقامت
 ر ققار قدیم حکم: کین نیم (ششی نیم) - زاو!
 داده میشود. ر ققار کوثر خاص برای قطع مسافه
 کوتاه استعمال کرده باید شد.
 ۱۳۲ - در نظام خبرک قطار، در ر ققار
 عادی قدم تزیید مسافه تا به ۳۲ انج اجرا کرده

میشود. وقت استادن، بهین مسافه تا تا که امر داده نشود کم کرده میشوند. برای قطع مسافه های کوتاه، و غیرک قطار، بی آنکه مسافه تا نزدیک کرده شوند موزون قدم نیز اجبراکرده میتوان شد.

تبدیل نظامها و چرخها معلومات عمومی

۱۴۳ - در تبدیل نظامها افسران، کوچک افسران طرحیان و طنبورچیان بجز دیگر آزاده باشند بدون انتظار امر فوق، در نظام جدید بمواقع اصلی خود میروند. بفقرة های (۱۲۴ و ۱۶۰) مراجعت کرده شود. در حین لزوم محلهای ایشانرا افسر تولی بامر، تعیین مینماید.

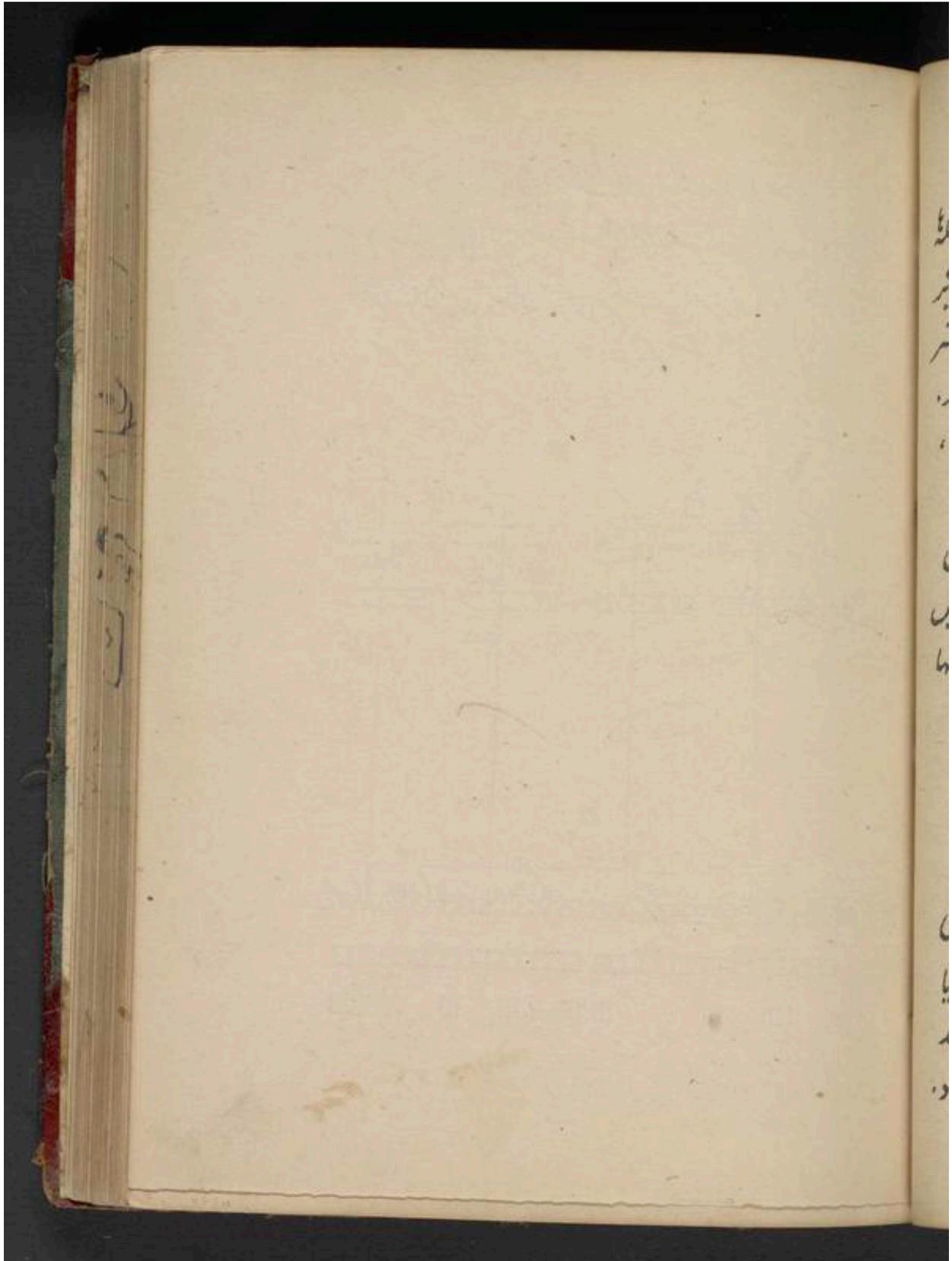
۱۴۴ - در نظام غیرک قطار هنگام رفتن بعدی قدم بروقتیکه بدیکر نظام انتقال کرده میشود آن فاصله و مسافه که لازم است بدون امر، اخذ کرده میشود.

۱۳۵ - در کل نظامهای قطار، مسافه و فاصله
 با مرفسان تولی قابل تبدیل است. اگر بلوکها از یکدیگر
 از جنبه یک، افزون تر جدا شوند درین هنگام افسر
 تولی باید که حکم نداده تولی خود را با امر، اداره کند.
 در تبدیل نظامها بعلیه حکم دادن افسران بلوک،
 لزوم نیست.

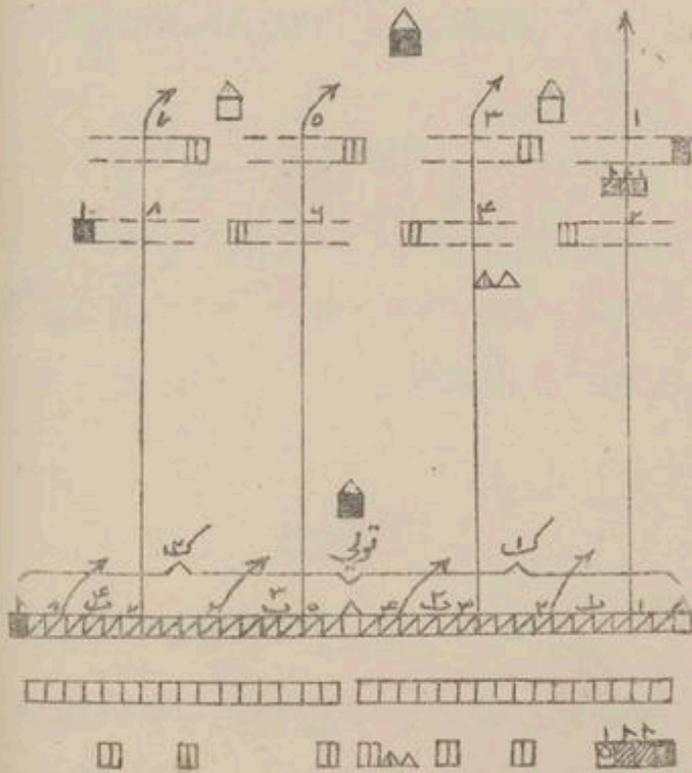
۱۳۶ - در بنکامیکه وضعیت محاربه و حال
 اراضی ایجاب کند افسر تولی بدون آن تبدیل
 نظامها که در تعلیمات مندرج اند علیحده دیگر تبدیل نظامها
 نیز اجرا کرده میتواند.

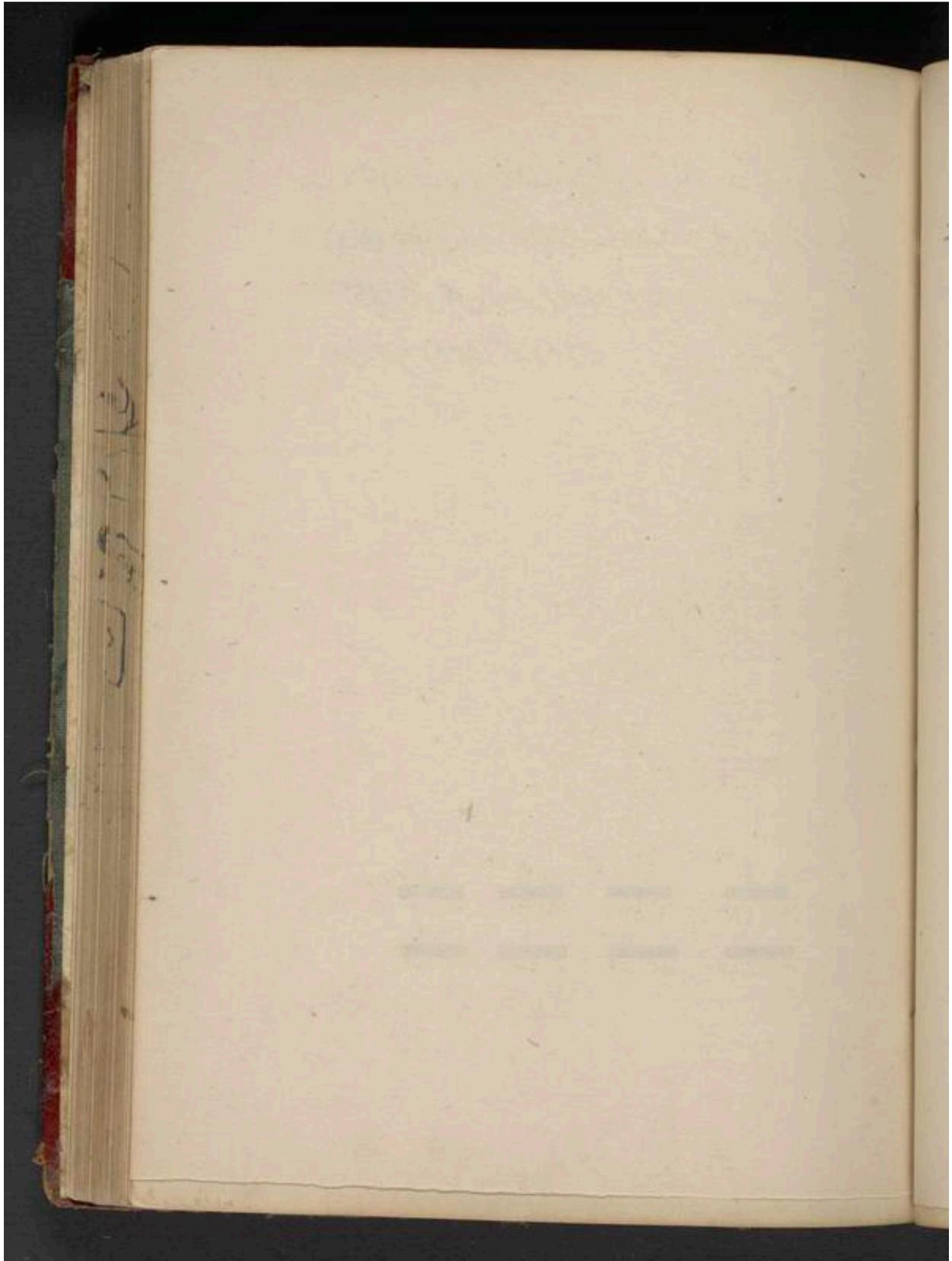
تصغیر جبهه

۱۳۷ - حرکات تصغیر جبهه خواه در اثنای
 استادن خواه در اثنای رفتار یا بعدی قدم و یا
 بدویدن اجرا کرده میشود. در اثنای رفتار، بعد
 از تصغیر جبهه، بعدی قدم، رفتار دوام کرده میشود.

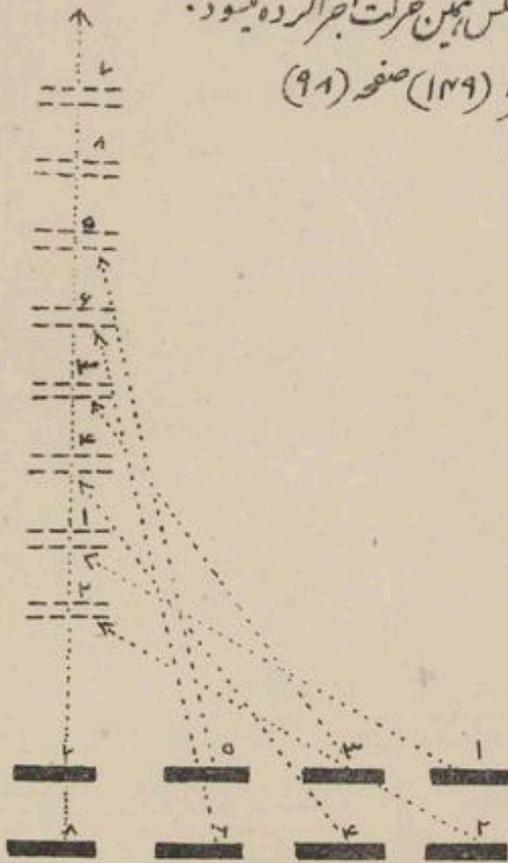


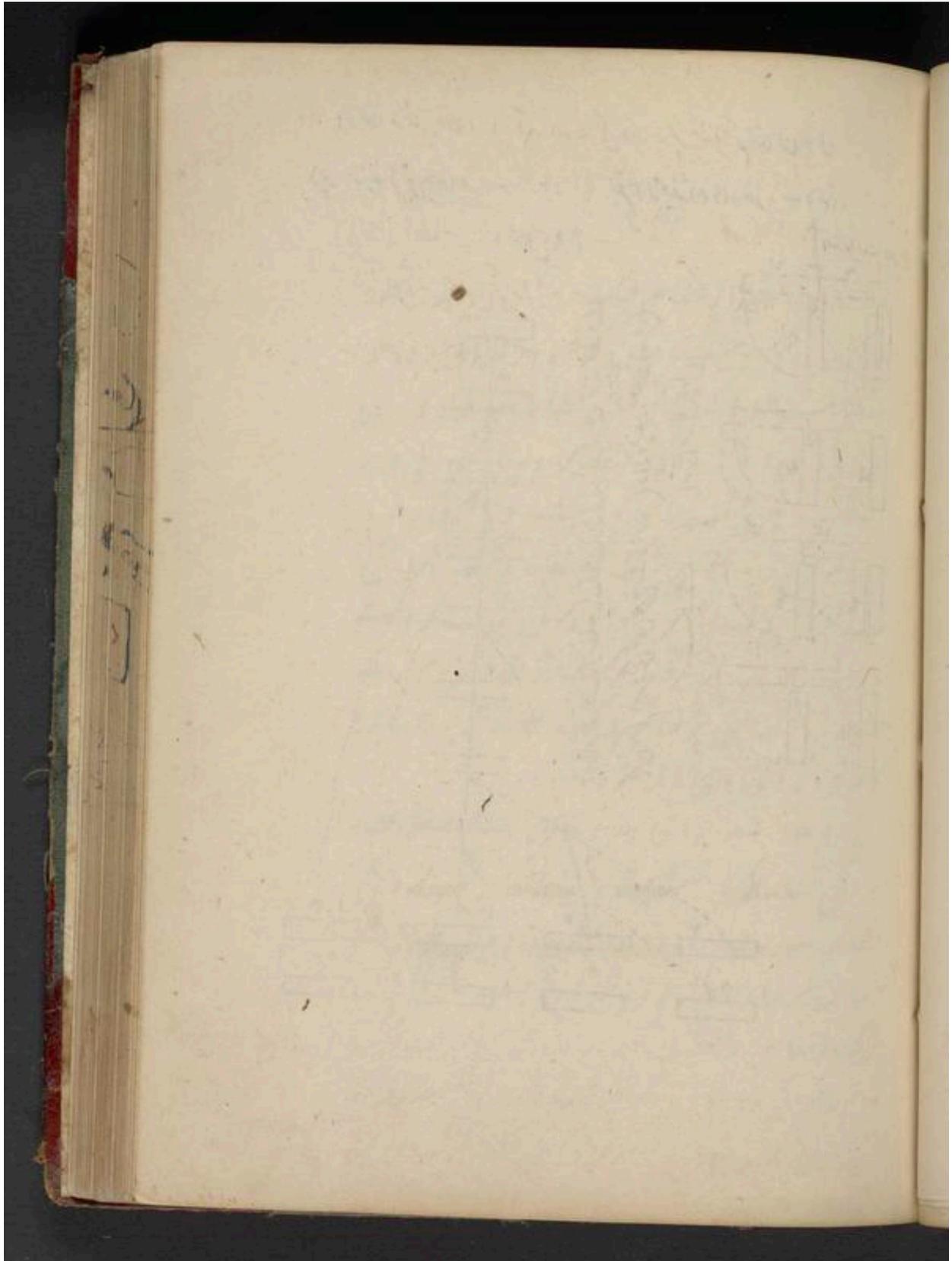
(شکل - ۲) از نظام لیک در آمدن به
 (شکل قطار) در اثنای رفتن بطرف (ش) آ
 طرف (کین) به عکس همین حرکت اجرا کرده میشود.
 بقرار فقره (۱۳۱-). صفحه (۹۱)





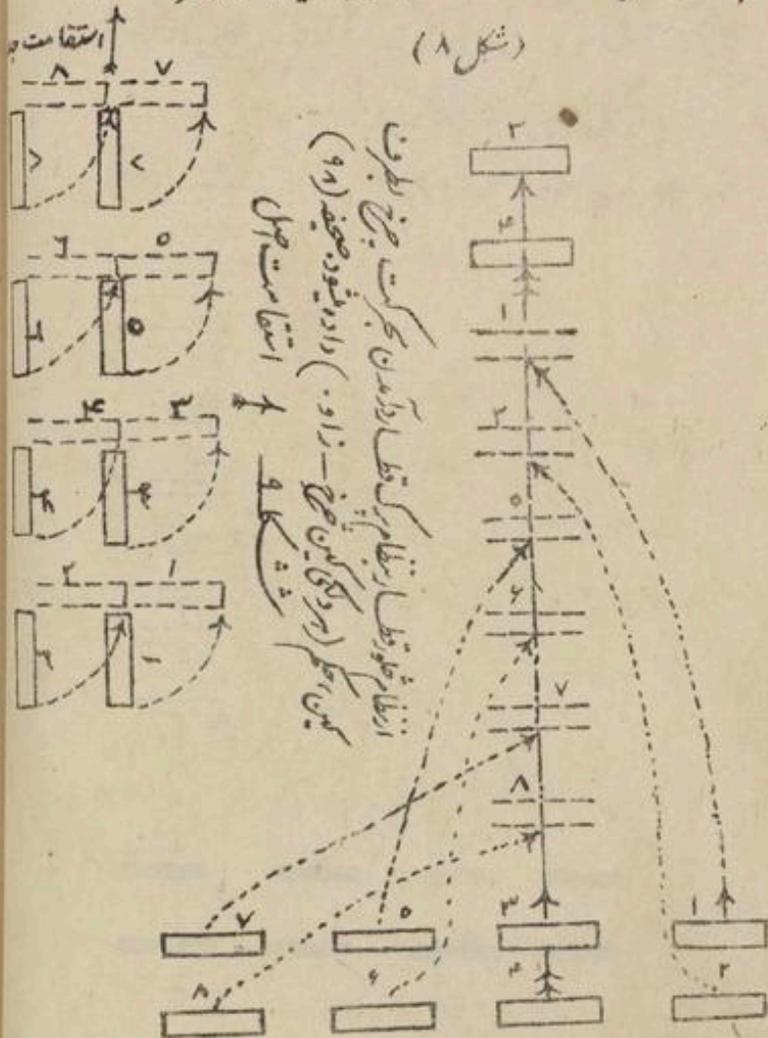
(شکل - ۷) از نظام شلور قطار در آمدن به
(دلکی قطار) در آشنائی رفت ارتباط (کین) و از طرف
(شی) به عکس همین حرکت اجرا کرده میشود.
بقرار قصره (۱۳۹) صفحه (۹۱)





از نظام خلوص قطار در آمدن بدلی قطار پرمنز (حکم افلان تولى
 پرمنز - دلی قطار - زاو!) بقرار صحیفه (۹۸) (فقره - ۱۳۹)

(شکل ۸)



از نظام خلوص قطار در آمدن بدلی قطار پرمنز (حکم افلان تولى
 پرمنز - دلی قطار - زاو!) بقرار صحیفه (۹۸) (فقره - ۱۳۹)

قطار
 در
 د
 قطار
 در
 د
 قطار
 در
 د
 قطار
 در
 د

۱۴۸ - از نظام لیک برای در آمدن بخلور
 قطار خواه در استادی و خواه در آشنای رفتار
 به حکم شیشه (کینته) خلور قطار - زاو! ویا
 زاو! زاو! داده میشود. درین حکم دلکی وزر
 راست بر پیک جا بجا میباشد و یا بر رفتار خود
 دوام میکند. در بر پیک شیشه (کینته) دلکی
 قطار تشکیل کرده میشود. بعد از آن پیک راست
 یا چپ بطرف پیک که امر شده بقدر لزوم نزدیک
 میشوند، تا آنکه همین پیکها نزدیک شوند پیک اساس
 کام خود را کوتاه می اندازد.

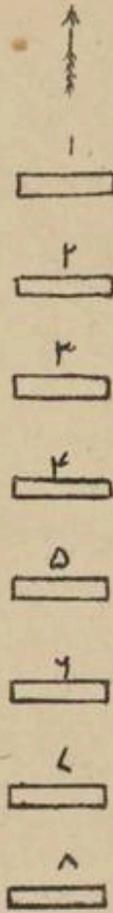
۱۴۹ - برای در آمدن از نظام خلور قطار
 به دلکی قطار حکم: شیشه (کینته، پرمتر) دلکی
 قطار - زاو! داده میشود. درین حکم پیک
 اساس بر رفتار دوام و یا شروع میکند. دیگر پیکها
 پیک اساس را تعقیب میدارند. هر گاه حرکت پیک
 دوم اجرا کرده شود او لا پیک وزر راست و بعد
 از آن پیک سوم و چهارم داخل قطار پیک دوم را

تعقیب میکند .

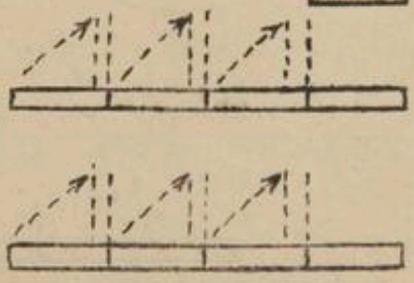
۱۵۰ - از بلوک قطار برای در آمدن به
 دلی قطار حکم شیت (کینته) دلی قطار - زاو!
 ویا زاو! زاو! درین حکم دلیهای وزر یک در حکم
 ذکر یافت برقرار خود دوام و یا شروع میکند و دیگر
 دلیها به پس پشت آنها آمده تعقیب میدارند پیکهای
 سینه تا آنکه جای پیدا شود گاههای خود را اکتان کوتاه
 می اندازند هر گاه حرکت مذکور از استادگی کرده
 می شد بعد از حکم اخبار، تنها زاو! کفایت میکند .
 یعنی برای زاو زاو هیچ لزوم واقع نمیشود .

توسیع جبهه

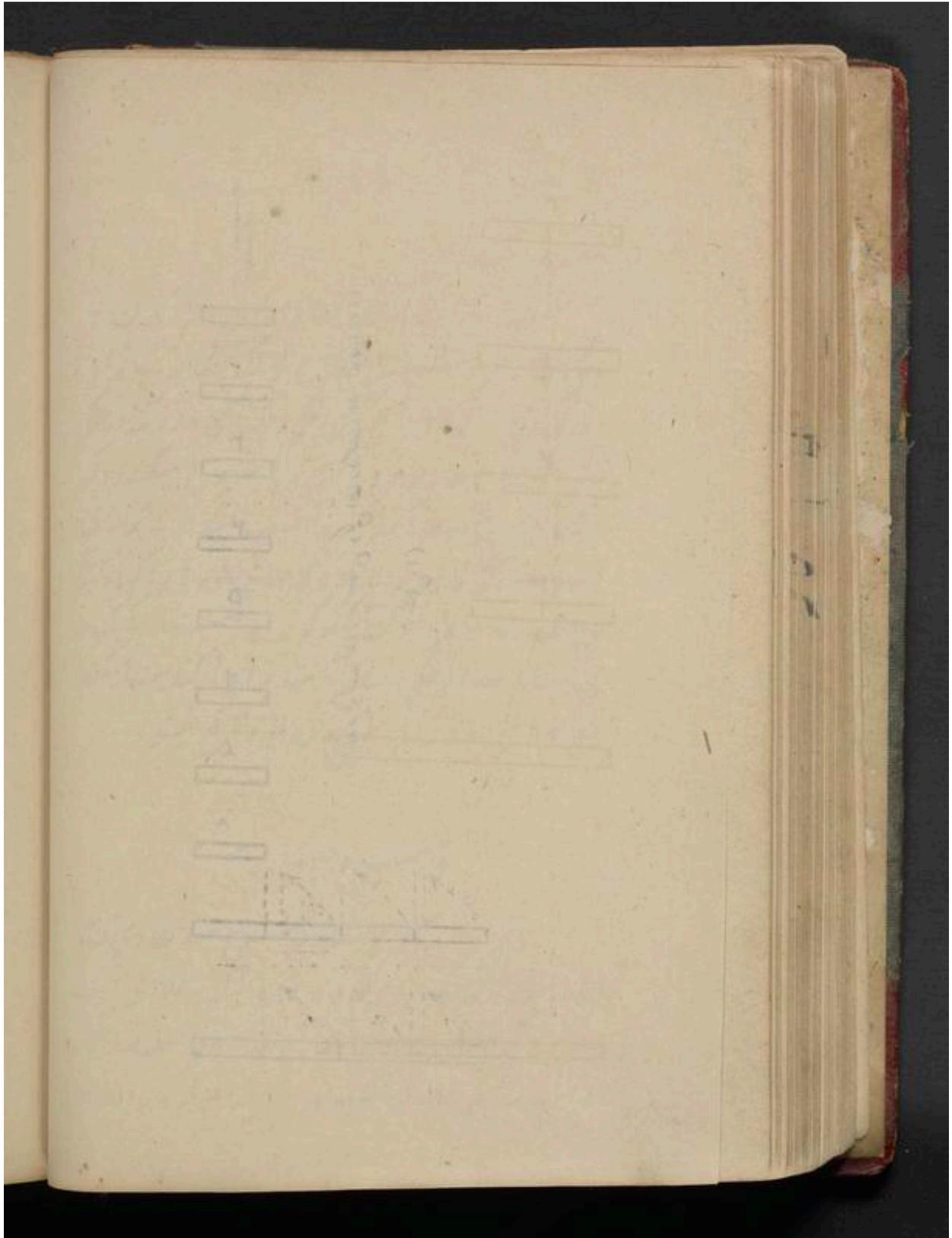
۱۵۱ - حرکات توسیع جبهه بعدی قدم
 ویا دویده اجرا کرده میشود . اقسامیکه به حدامی آیند
 بعد از آنکه اندک از حد بگذرند حدا و فاصله را نظر
 به قسم اساس اخذ میکنند ؛ اقسام مذکوره در حال

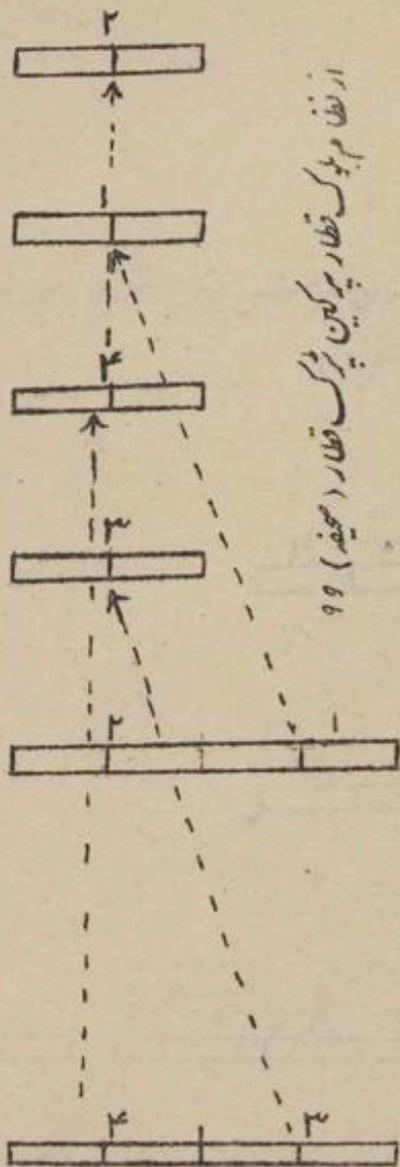


از نظر مبلوک تقاریر پیشی یکی قطار صحیفه ۹۹ فقره (۱۰۰)
(شکل ۱۰)



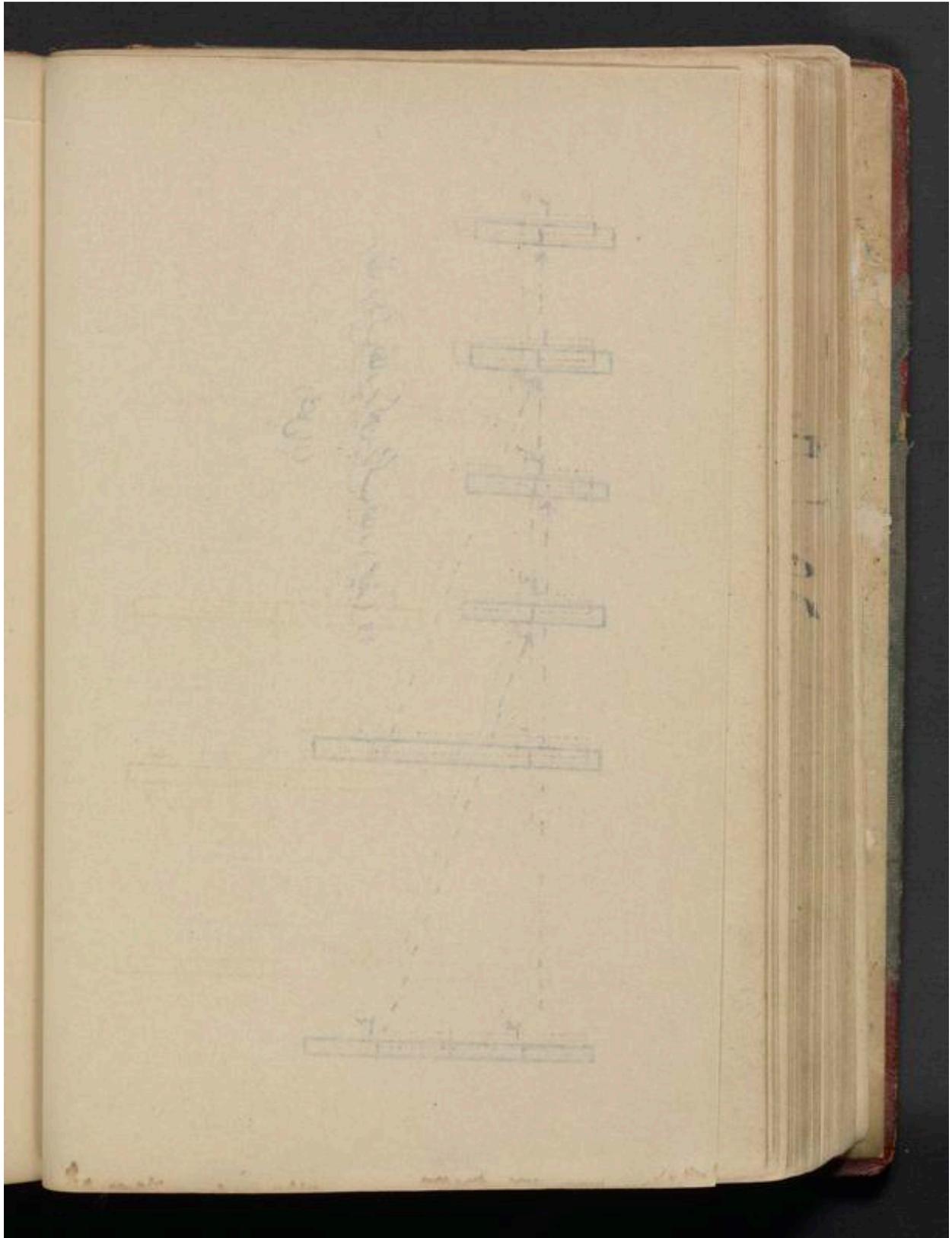
شماره ۱۰۰



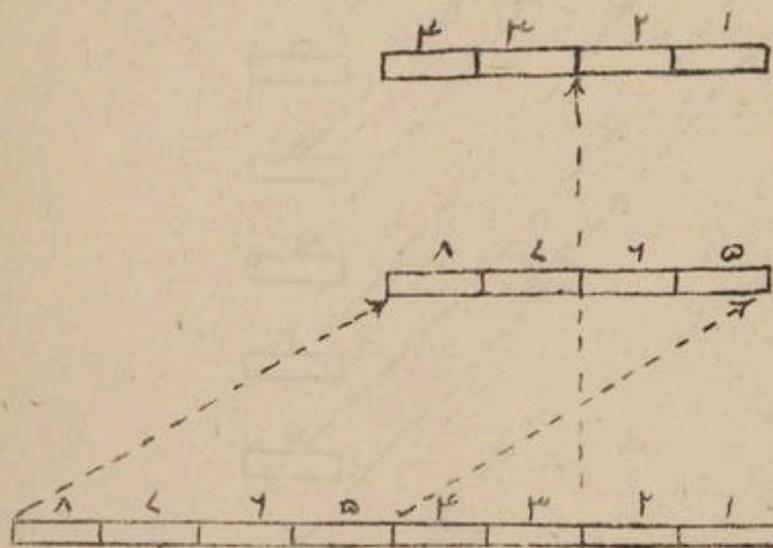


از نظر مپوک قطار پیرکین قطار (مخفف) ۹۹

(شکل ۱۱)

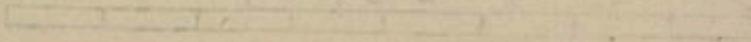
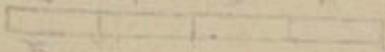
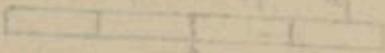


از نظام لیک در آمدن پریشی بلوک قطار (صفحه ۹۹)
(شکل ۱۲)



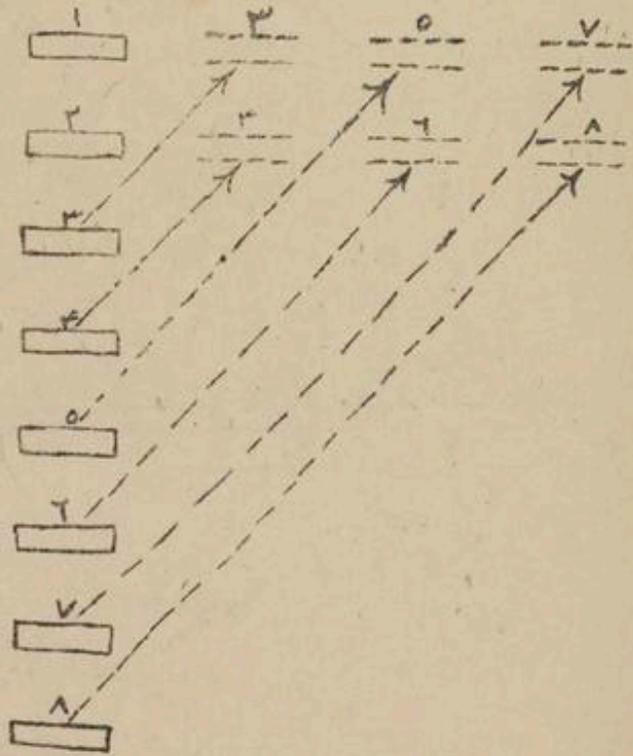
از
چ
پر
ک
بزرگ

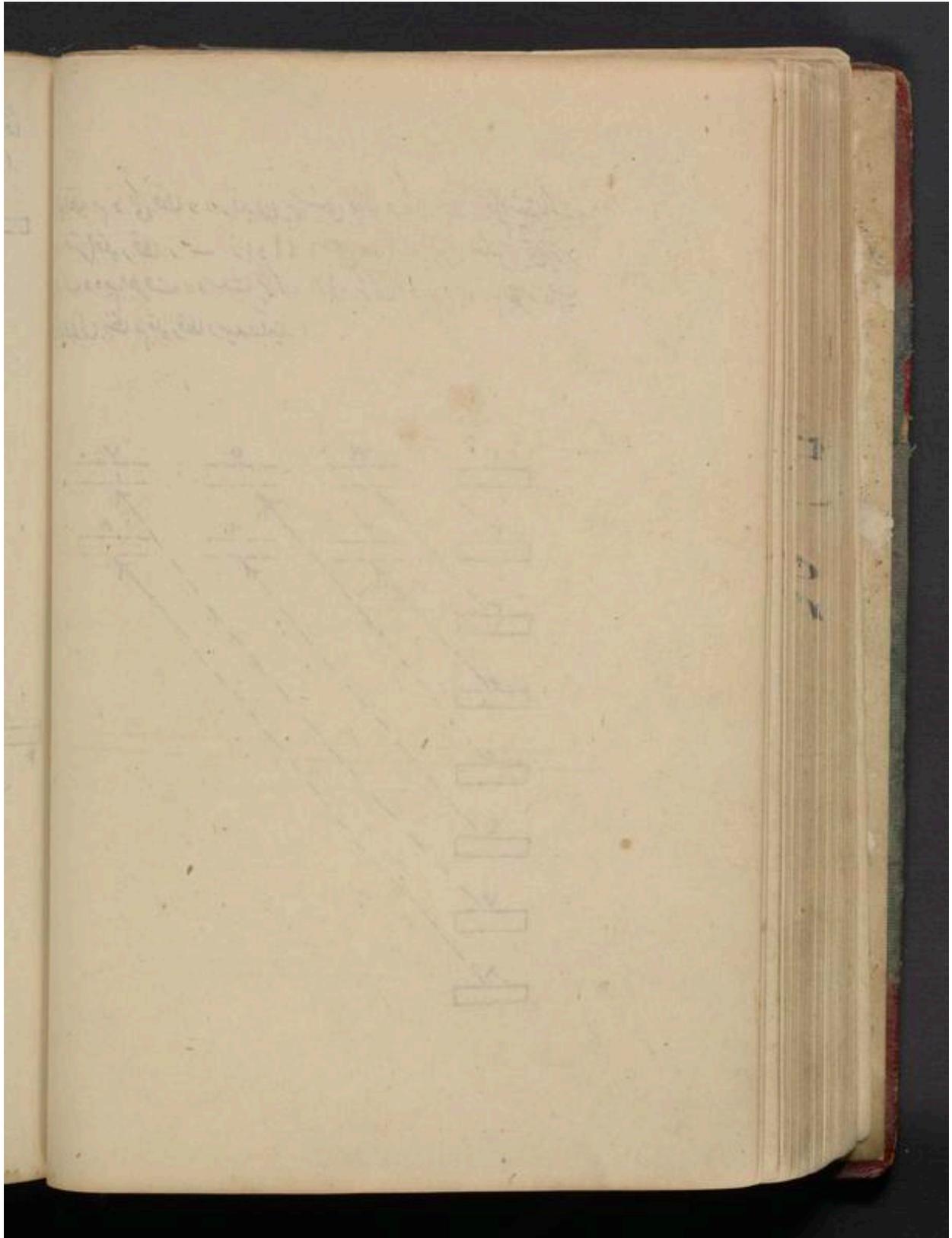
مستطیل
(۱۰)

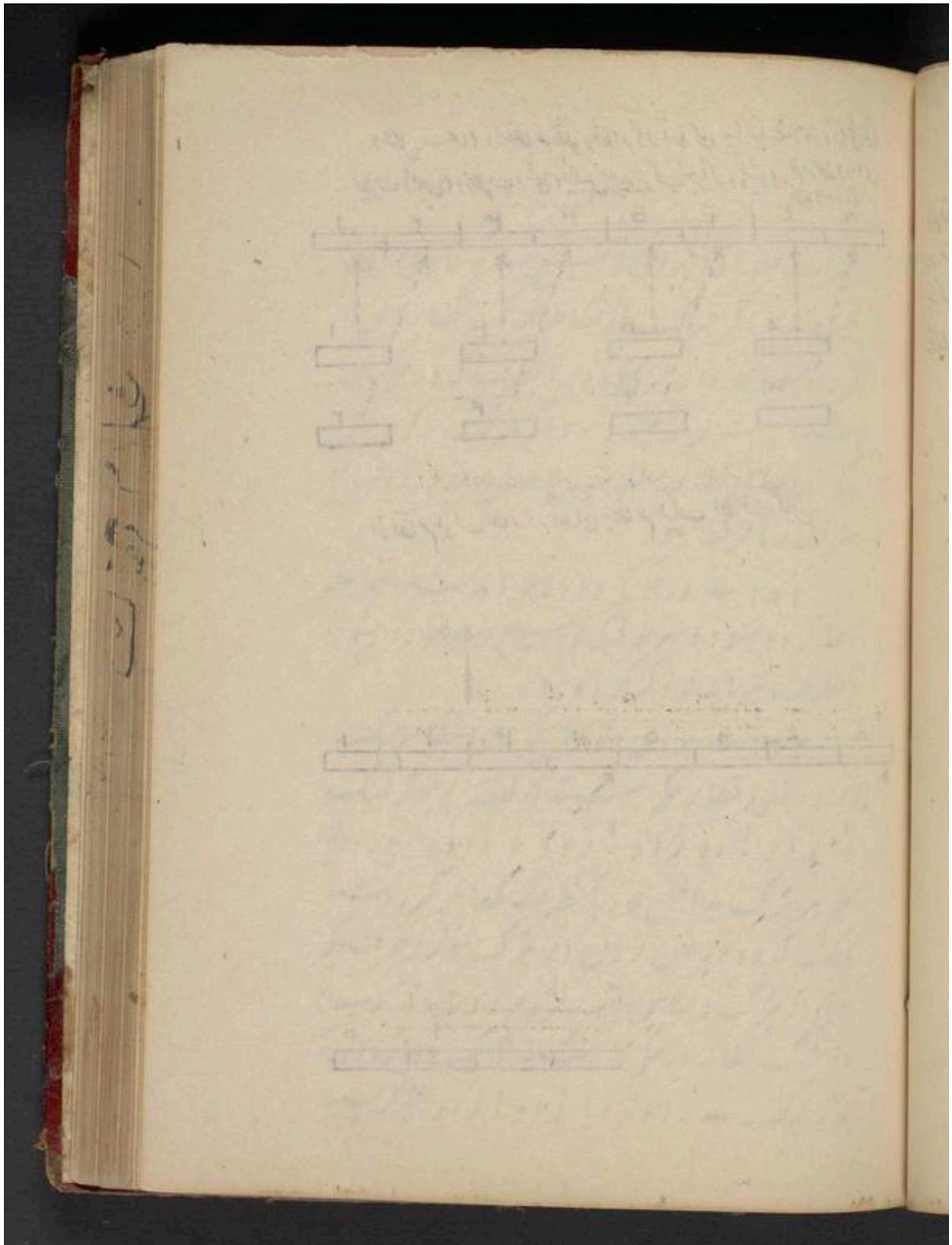


از نظام دلی قطار در آمدن پرشسی بنظام مخلوق قطار حکم (مشتبه) بکنیت،
 پر متر (مخلوق قطار رس - زاو!) (شکل ۱۳) پر کین بعکس شی پر متر
 پرک دوم بطرف راست پرک اول پرک سوم و چهارم بطرف چپ
 پرک اول بنظام مخلوق قطار بیدر آیند .

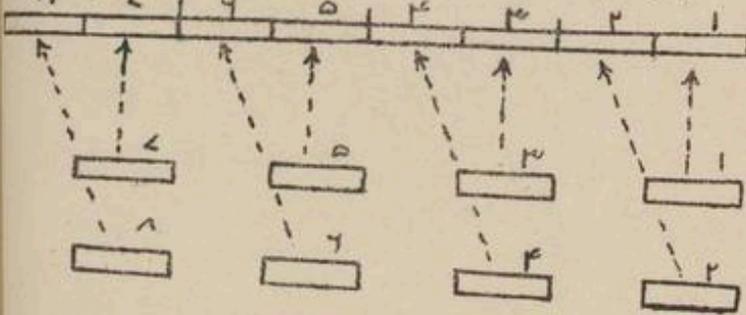
شاه امام حسین



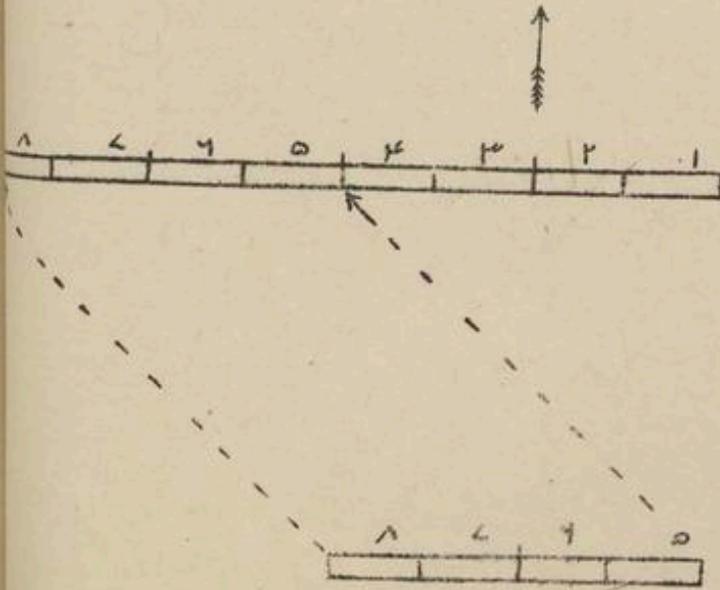




(شکل - ۱۴) از نظام قلو رقطار در آمدن به (لیک) در آشنای قفا
 بطرف (کین) از طرف (شی) بکس بین حرکت اجرا کرده شود. بقرا صحنه (۱۰۰)
 فتره (۱۰۲)



از نظام بلوک قطار در آمدن بنظام لیک بطرف کین



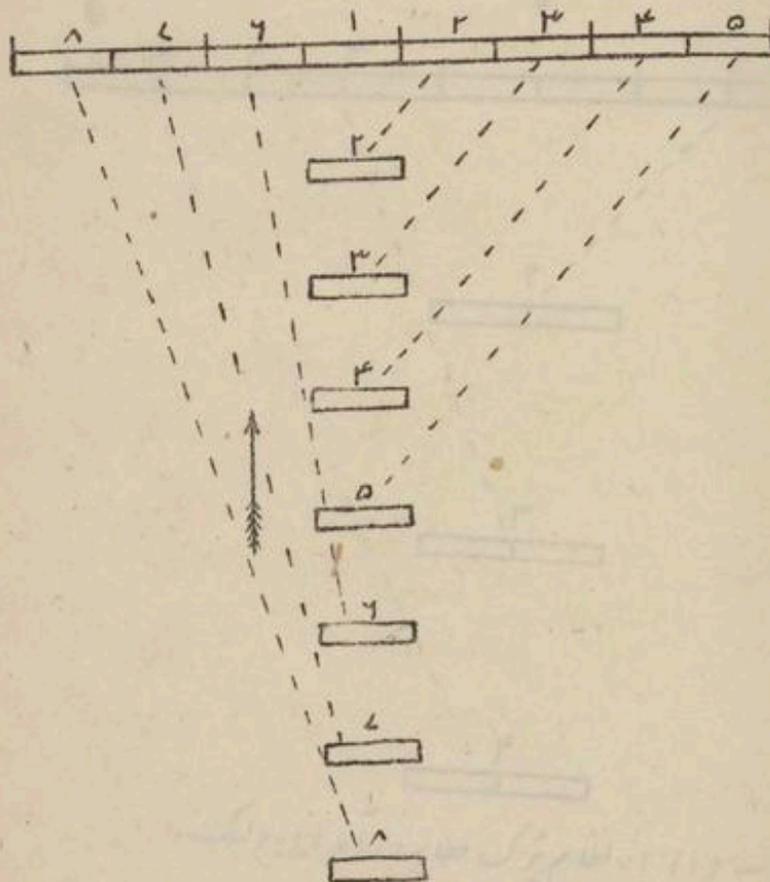
حرکت بعد از اجرای توسیع جبهه به عادی قدم
 میروند. اگر حرکت از نظام غیرک قطار اجرا
 کرده میشود حد از نفری و زرد آنطرف که در حکم بیان
 شده است گرفته میشود. و اگر حرکت مذکور از
 دیگر نظامهای قطار مطلوب باشد حد از اقسام
 سرفقطار یا گرفته میشود.

۱۵۲ - در حکمیکه داده خواهد شد، نظامیکه
 اخذ کرده میشود و بهر طرفیکه توسیع جبهه نموده میشود
 آنطرف نیز باید که ذکر کرده شود.

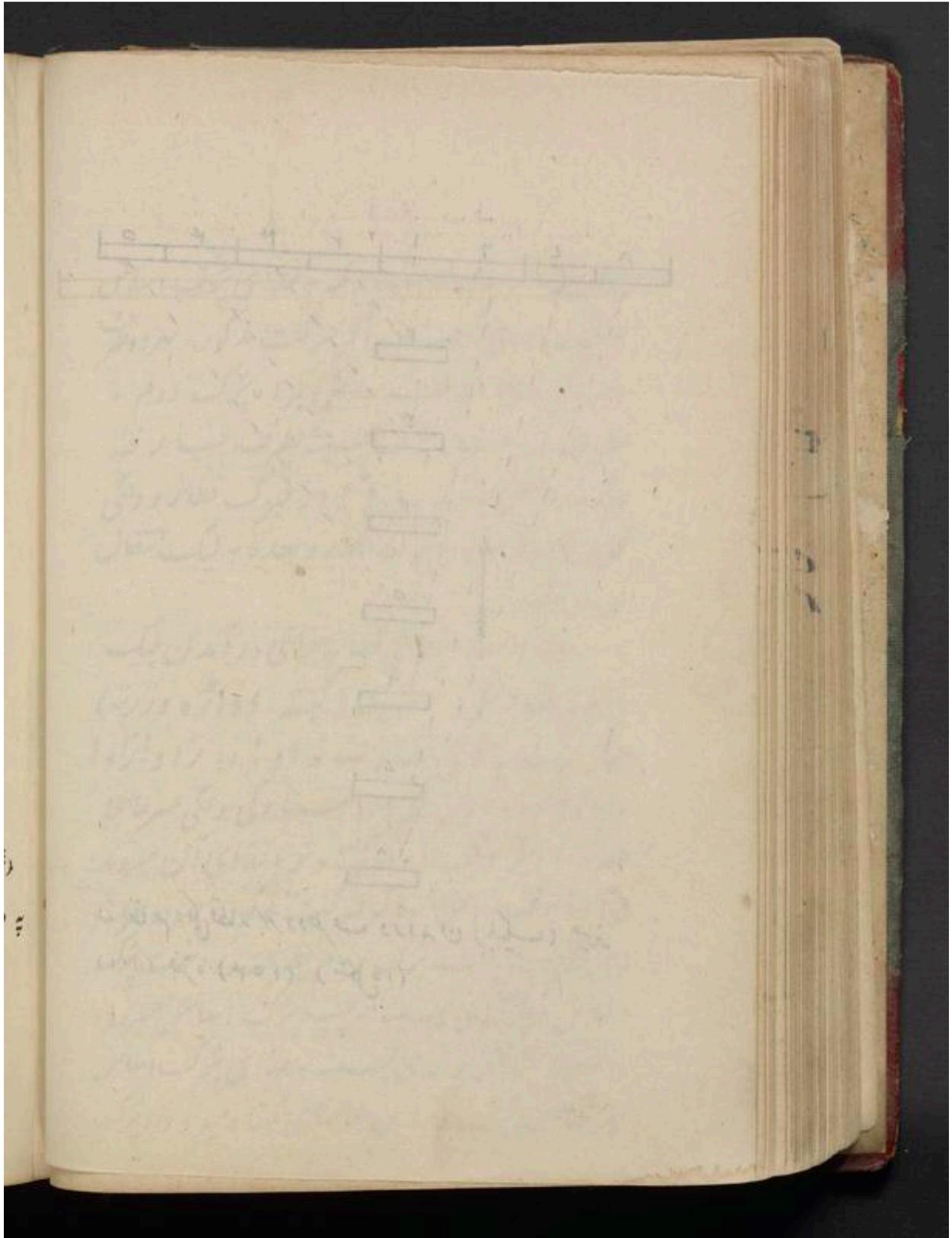
۱۵۳ - برای انتقال کردن بنظام لیک
 (۱) از خلودر قطار حکم شیفته (کینته) جوژ لیک
 - زاو! ویا زاو! زاو! داده میشود. درین
 حکم هر پیرک بداخل خود با آنطرف که امر کرده شد
 لیک کرده در عین زمان از پیرک و ز ر طرف دیگر
 یعنی از پیرک اساس بقدر لزوم دور میشوند. (ب)
 از پیرک قطار در حکم: شیفته (کینته دواژه ورتیه)
 جوژ لیک - زاو! ویا زاو! زاو! پیرک سپینه

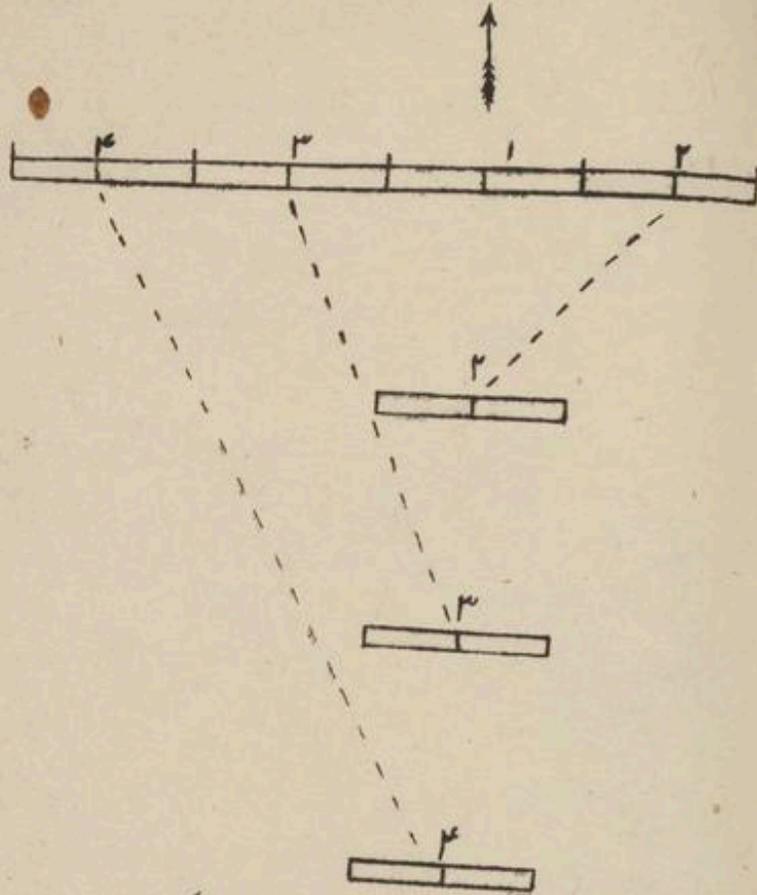
بطرفیکه امر شده است رفته به هدای پترک اساس
 به لیک درمی آیند. اگر حرکت مذکور، بهر دو طرف
 اجرا کرده خواهد شد در حکم اجرا، پترک دوم،
 بطرف راست و پترک پسینه بطرف چپ رفته
 بلیک داخل میشوند. (ج) از غیرک قطار و دلگی
 قطعه قاعده اولاً به پترک قطار و بعده به لیک انتقال
 کرده میشود.

۱۵۴ - از دلگی قطار برای در آمدن بلیک
 یا بتولی قطار حکم: شیتته (کینتته، دواژه وزرتته)
 جوژر لیک یا تولی قطار - زاو! دیا زاو! زاو!
 داده میشود. درین حکم در استادگی دلگی سرعاً بجا
 میماند. دیگر دلیکها از راه کوتاه تر به هدای آن میروند.
 (اولاً پترک دوم). اگر حرکت مذکور، بهر دو طرف
 اجرا کرده می شد پترک دوم بطرف راست پترک
 اساس و پترکهای پسینه به چپ پترک اساس میرود.
 در رفتار، تا آنکه پترکهای پسینه به هدای پترک اساس
 بیایند همین پترک اساس بجاهای کوتاه میرود. پترک

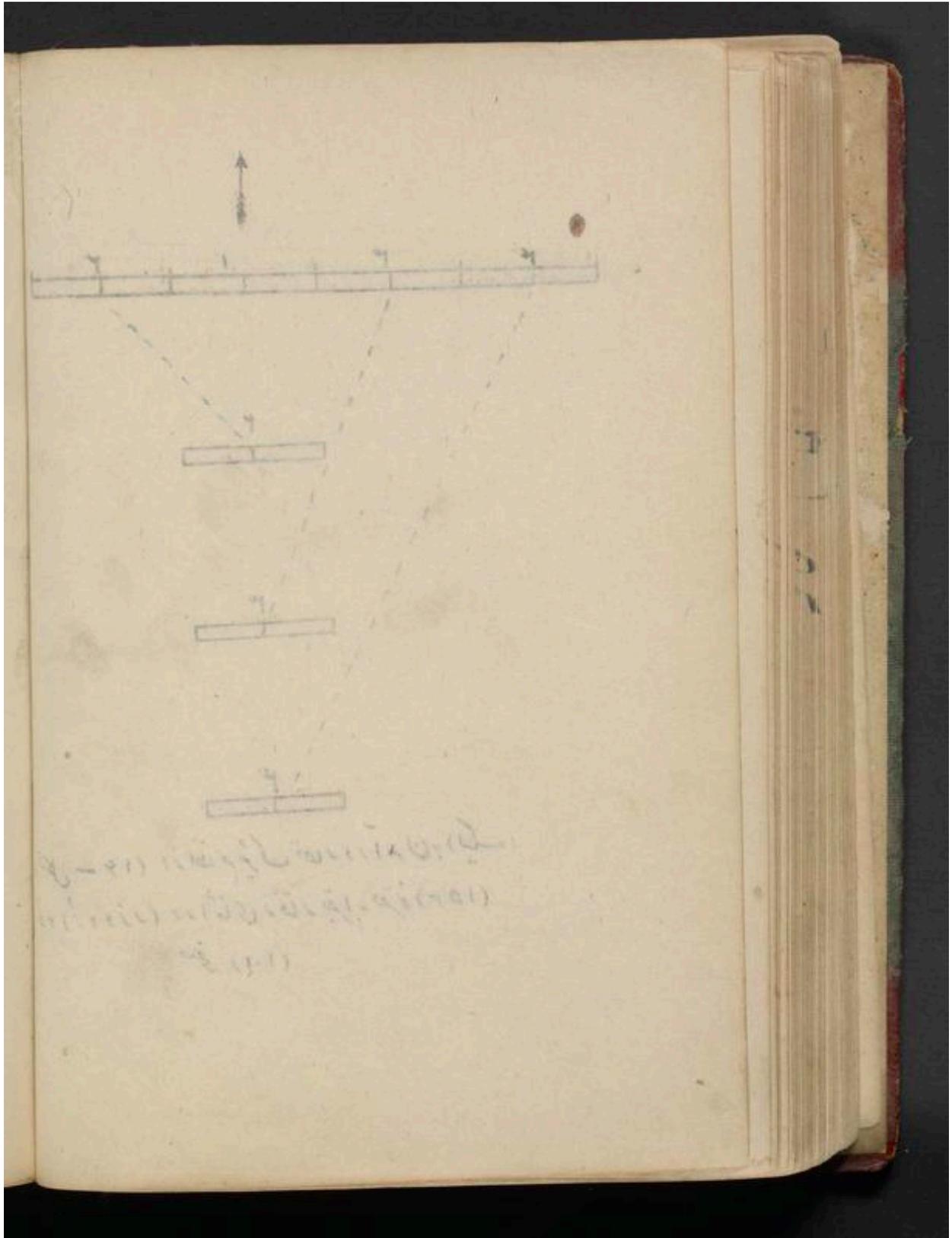


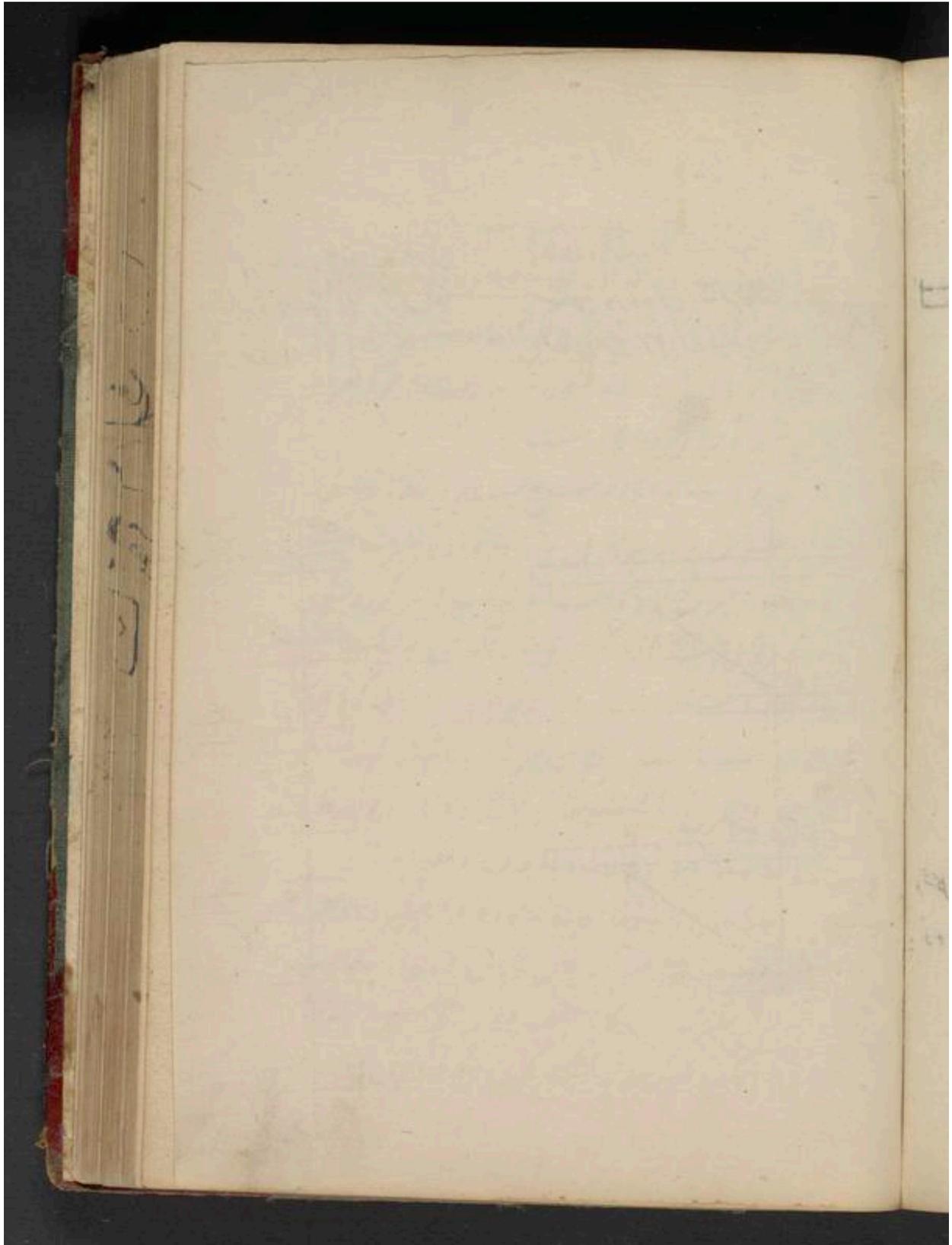
از نظام دلی قطار بهر دو طرف در آمدن (بلیک) صحیفه
(۱۰۱) فقره (۱۰۴) (شکل ۱۰)





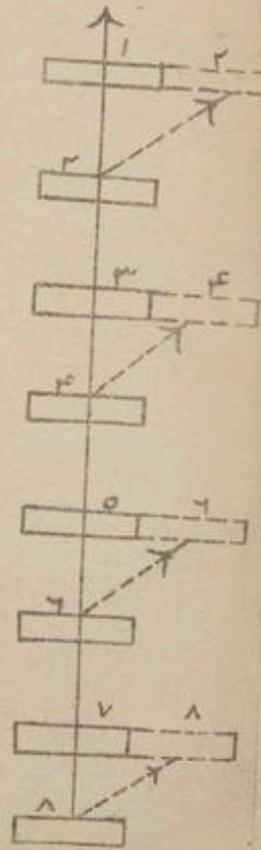
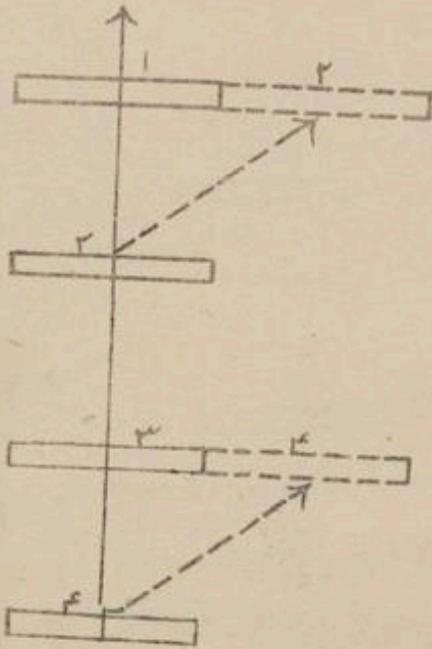
شکل - ۱۶) از نظام پیک قطار در آمدن نامه (لیک؛
پدواره وزر) در اثنای رفتار بقار فقره (۱۵۳)
صفحه (۱۰۱)





از نظام شترک قطار بطرف
ششی در آمدن بنظام بزرگ
قطار صحیفه (۱۰۲) (شکل ۱۸)

از نظام دکی قطار در آمدن
بطرف ششی بنظام شترک قطار
صحیفه (۱۰۲) (شکل ۱۷)



میانہ مراد از پرک دُوم است .
 ۱۵۵ - از غیرک قطار برای در آمدن بدلی
 قطار حکم کینتہ (شیتہ) دلکی قطار - زاو! دیا
 زاو! زاو! داده میشود . صورت اجرا بقرار
 بیان قسم آخر (فقہ ۱۵۱) است .

۱۵۶ - برای توسیع جبهہ در استقامتہای
 مانل و خصوصاً براویہ کلان ، قاعدہ اولاً بطرف استقامت
 مطلوب ، چرخ نموده بعدہ حرکت اجرا کرده میشود .
 اما افسر تولی پیشتر از آنکہ برای در آمدن بہ لیک ، حکم
 بدہ نقطہ استقامت را یا درجہ چرخ را اعطا کردہ بود
 مثلاً : استقامت ، فلان چیز! دیا شیتہ کینتہ نیم
 (ریج) چرخ! شیتہ (کینتہ دواڑہ وزرتہ)
 جوڑ لیک - زاو! دیا زاو! زاو!
 قطعہ سر استقامت مامورہ را میگیرد . و قطعہ
 پسینہ تیر با توسیع جبهہ در عین زمان بچنان استقامت
 جدید را میگیرند . ہر گاہ بمقصد اور ، توسیع جبهہ نمود
 شود و یا یک جبهہ جدید تشکیل کردہ شود درین ہنگام

به حکم ، تعبیر اورد پاره ! علاوه کرده حرکت
 مذکور ، تسریع کرده میتوان شد . مثلاً : استقامت
 فلان شای ! اورد پاره ! شیتته (کینته دواژه ورتقا
 جوڑ لیک - زاو ! زاو ! هر نفر ، درجه
 بجل خود که داخل شدنی الفور بقرار فقره (۶۹)
 تیار اوس میکند .

تشکیل غیر قطار
 از لیک

۱۵۷ - در اثنای رفتار ، حکم شیتته (کینته)
 غیر قطار - زاو ! داده میشود . درین
 حکم نفر صف اول و زر طرفیکه امر شده بر رفتار
 خود دوام میدارد ، پسفیل او بطرف راست
 (چپ) دی میکند ، باقی غیر کما (شی و یا کین) کتر
 اینها را تعقیب میکنند . پڑ کما می پسینه ، به عین
 صورت حرکت نموده اما تا اینکه مسافه مطلوبه حاصل

کرد در ابتدا کام های خود را کوتاه انداخته بقطار،
داخل میشوند .

چرخش

۱۵۸ - قطعاتیکه جبهه شان از جبهه پُرک
زیاده تر باشد یا بعدی قدم یا دویده اجرا
کرده میشود . در حکم شی (کین) خرخ - زاوا!
و یا زاوا! زاوا! ب حرکت چرخ، شروع کرده
شود . خدا از وزر خارجی و فاصله از وزر داخلی
گرفته میشود . نفری صف دوم سرهای خود را و راند
گرفته با ستقامت پیشفیل خود میروند . افسر وزر
خارجی (کوچک افسر) اگر مقدار خبر کما زیاده باشد
در ابتدا چند کام رو برو میرود بعد کام تمام را
ملاحظه نموده تدریجاً بسوی وزر داخلی میگردود . بین
راه که قطع خواهد کرد آنرا در پیش نظر خود داشته
گاه گاه بجهت قطعه تیر می بیند . آن فکر که در نقطه محور است
بوزر خارجی تابع بوده جای بجای ایستاده است .

دور میکنند. در همین وزر اگر یک افسر و یا کوچک
افسر باشد آن نیز نظر به نفرندگور حرکت میکند.
نفرات هر چند که به نقطه محور قریب تر باشند
بدان نسبت پایهای خود را نزوده زانویهای خود
را زیاده از لزوم برنداشته کامهای خود را
کوتاه می اندازند. باید که فاصله تا غائب نشود؛
و آن دفع که از طرف محوری آید متابعت و مانع
از عکس طرف می آید مقاومت کرده شود. در حکم
در شیر! بر نفر یک کام دیگر نیز انداخته می ایستند
و یا در حکم اخبار و ژاندر، بجز حرکت چرخ نهایت
داده و در استقامت جدید نیم نیم کام زده
برقرار دوام میکنند. و خدا در نظامهای لیک و
شکل و قطار بان افسر بزرگ که در وزر خداست
انتقال میکنند. و در سایر نظامها به وزر خدا انتقال
میکند. در حکم اجزای زاو! باز بکام تام برقرار
در آمده میشود. در آشنائیکه حرکت چرخ دویده اجرا
مگردد میشود بجا فظ خدا لزوم نیست.

۱۵۹ - در اثنا نیکه حرکت چرخ بنظامهای
 قطار اجرا کرده میشود، اقسام قطار در آن محل که قسم
 نخستین چرخ میکند متعاقباً چرخ کرده حرکت مذکور
 را اجرا میدارند (چرخ زاویه)، برای اینکه نقطه
 محور آزاده بماند باید وزرهای داخلی اقسامیکه چرخ
 میکنند بر یک توس خورد حرکت کنند، درین اثنا
 مسافه که مابین دو قسم است موقتاً ناقص میکند.
 ۱۶۰ - بردگی شی (کین) خرخ - زاویه
 در شیر، ویا وژاند - زاویه! درین حکم بردگی
 یک چرخ کامل اجرا میکند (۹۰ درجه) در اثنا چرخ
 از دلی قطار آن کوچک افسران صف که درخوردند
 در عین حکم اخبار، به پس پشت خبر گیکه به پهلویش
 استاده بودند میروند. و (در کین شاگرد به پیش
 روی خبرک مذکور میروند).
 ۱۶۱ - هر گاه گرز کرده یا بردگی چرخ نموده
 از پیک قطار، خلود قطار ویا از خلود قطار، پیک
 قطار تشکیل کرده شود افسران و کوچک افسران

و کوچک افسران و غیره بدون انتظار امر و به حکم
 هر کس بجل خود که در نظام جدید میباشند میروند
 ۱۶۲ - از لیک برای در آمدن به دلکی
 قطار به عین جبهه حکم: شیتته (کنیتته) دلکی
 قطار - زاو! داده میشود. درین حکم دلکی
 وزیریکه امر شده به کام کوتاه بر قطار شروع
 و یا دوام میکند و باقیمانده دلکی شیتته (کنیتته) چرخ
 کرده دلکی اساس را تعقیب میدارند. در تمام
 حرکت چرخ حکم در شیر! و یا و ژاند - زاو!
 داده میشود.

بجوم

۱۶۳ - هرگاه تولی مجتمع نظام، بجوم خواهد
 کرد بنا بر امر و یا اشارت بر چه پیک، طرجمیان
 و طنبورچیان در پس پشت تولی در وسط بقدر
 مسافت صف دور از خط پیکمشران و نائگان،

یک صف تشکیل میدارند . و طرحیان بوزن قمار
 به زدن هوای هجوم شروع میکنند . در حکم هجومه
 زنگون - یک ! تفنگ را به پهلوئی راست
 آورده بقدم هجوم در آمده میشود . (۸۴) بعد
 از آنکه دشمن بیک مسافه مناسب تقرب کرده
 شود حکم : زاو ! زاو ! داده میشود . طنپوچیان
 هوای هجوم را بسرعت تاخت میزنند . طرحیان
 نیز سر از بهین زمان متنادیا اشارت هجوم را میزنند .
 اندک پیشترک از در آمدن موضع دشمن حکم
 تیار - اوس ! داده میشود . صدای
 نصرت آدای الله اکبر ! الله اکبر ! از طرف
 افسر به آواز بلند ندا کرده میشود . نفری صف
 اول تیار اوس میکنند . کل افسران و کوچک
 افسران و افراد . صدای الله اکبر الله اکبر را
 تکرار نموده گلو به گلو بجان خصم میچینند و تا آنکه حکم
 تولی - در شیر ! داده شود بدین صورت
 بحرکت یعنی به ندای الله اکبر ! الله اکبر ! بصوت

دشمن ، بر دوام میباشند . در هنگام ایستادن
 صفهاییکه در پیش باشند در وضعیت تیار اوس
 می ایستند . اگر دشمن مذکور شکست خورد پس
 بگریزد ممکن مرتبه سریع اما به حکم ، اتش تعقیب
 آغاز میکند . اگر محل مساعد بود به یک در آمده
 میشود .

۲- تثیت نظام

یعنی اچپور

قواعد عمومی

باب پنجم

۱۶۳ - خطهای اچپور تشکیل نموده از مجتمع
 نظام به تثیت نظام در آمده میشود . در تثیت نظام
 فاصله اینکه ما بین افراد میباشد مختلف شده
 میتواند . اگر در حکم ، مقدار فاصله مذکور نباشد
 فاصله ما دو دو کام میباشند . اگر کمتر یا بیشتر

لازم باشد باید که امر کرده شود. آن خط
 انچور که فاصله نایش از دو کام زیاد تر باشد
 آن خط را (خفیف خط انچور) و اگر کمتر باشد
 آنرا (کثیف خط انچور) میگویند. اداره
 خط یعنی چلانیدن انچور که از حد گذشته خفیف
 باشد مشکل است. فاصله کمترین یعنی بی منتر بدینگونه
 باید باشد که افراد، تفکیک خود را از ادانه
 استعمال کرده بتوانند.

۱۶۵ - علی العموم، در تشکیل خط انچور
 باید که اسم و نومه قطعه که انچور خواهد شد
 در حین لزوم، استقامت رفتار و ارتباط
 تیر تعیین کرده شود. بهتر و مناسبترین است که
 ارتباط از منتر باشد. قطعه که برای ارتباط،
 اساس گرفته میشود آنرا (قطعه ارتباط) میگویند.

۱۶۶ - در تیت نظام، تقریباً بدین
 در یک موقع معین مانند یک در مجتمع نظام میبود
 و بکراتن وجود خود در وضع مخصوص تیر با استعمال

تفنگش بیک صورت مرتب مانند یک در حرکات
 تفنگ میگرد و مجبور نیست . اما مقابل این از نفر مذکور
 بهین خصوصیات مهمه طلب کرده میشود که : نفر ،
 در خصوص استعمال تفنگ خود و استفاده از
 اراضی ، مهارت داشته باشد و بد اثره وظیفه
 خود استقلال حرکت داشته باشد و با فو ق
 خود و بدشمن ، دقت فوق العاده کند . بجز در یک
 افراد جدیده زیر سلاح آیند میباید که با نهان
 عسکریه مانند قوه میزه ، اعتماد نفس و شجاعت ،
 ایقاف کرده شود . و تیر میباید که در آشنای کل
 خدمت عسکریه بتأیید و تقویه خصایل مذکوره
 کوشیده شود .

۱۶۷ - تعلیم و تربیه افسران معیت
 (یعنی افسران و کوچک افسران تولی) بصوت
 اساسدار هائز اهمیت مخصوصه است .
 افسران معیت ، در تعلیمهای محاربه ، هر
 وضعیتی که در محاربه های حقیقی ، تأثیر اوردشمن

در خط اچپور استلزام میکند همان وضعیت را گرفته
ایفای وظیفه کند. کل حواله داران و نامگان و
مستعد نفرات باید که در وظایف پُرکشری تعلیم
و تربیه کرده شوند.

۱۶۸ - در خصوص تعلیم و تربیه، خط حرکت
عبارت از اینکه مقصد، به نمایش گذاشته نشود یعنی
از مصلح حرکات که بنظر، خوش و در حقیقت بی
لزوم اند مجانبت کرده شود.

تربیه منفرد در تعلیم اچپور

۱۶۹ - برای اینکه یک قطعه عسکریه در محاربه
خوب کار کند میباید که تربیه منفرد اچپور، بکمال
دقت و اعتنا کرده شود. از سببیکه اهمیت تربیه
منفرد تیت نظام از اهمیت تربیه منفرد جمیع
نظام پس نیماند یعنی تفاوت ندارد و تربیه منفرد
تعلیم اچپور باید که در کل مدت خدمت عسکریه بردوام

باشد. برای آموختن قواعد ابتدائیه استعمال
تفنگ میباید که برای افراد جدیده بعد از ورود
شان بچند روز، تفنگ داده شود.

شروع تعلیمهای اراضی بالای افراد جدیده
هر چند که ممکن است باید که تشریح کرده شود. چنین
تعلیمها پیغم اجرا نموده شود.

۱۷۰ - فکراتیکه پیشتر از تعلیم اخپور برای
فکر، آموختن شان ضرور است بدینموجب معلوم
بیضه در باب نظریات انداخت، شناختن
اراضی و استفاده از آن، بدفمارا دیدن
و شناختن، چشم را آموختن، مسافه مارا تخمین
و نشانگاه را تنظیم کردن.

۱۷۱ - طرز و ما بهیت محاربه اخپور اولاً
بواسطه قطعه های خورده خورد که از معلم افراد مشکل
اند برای افراد جدیده در اراضی، ارائه و این
کرده میشود. بعد ازین، افراد جدیده مذکور را
نیز، به تعلیمها نیکه حالات بیضه محاربه را مینماید شریک

کرده معلومات افراد مذکور ترمیم کرده میشود و بر
یک دشمن مفروض، حرکت نموده در خصوص تعرض
و مدافعه، صورت حرکت شان ارائه و تعلیم کرده
میشود.

۱۷۲ - نظر بعد از آنکه در حرکات (دک)
و در انواع و ضعیفهای نشان اندکی کسب مهارت
کند به تعلیم حرکات مذکور در اراضی بمقابل هدفها
مجاور به یعنی اشکال سعی و تثبیت کرده میشود. در هر
وضعیت وجود، باید که تفنگ را چالاک پر کردن
و نشانگاه را بسرعت و صحت تنظیم نمودن و وضعیت
نشان را سریع و ما برانه گرفتن و بهر هدف یعنی حتی
به هدفها نیکه اندک زمان در زیر آتش داشتن
شان مقتضی باشد نیز زینهار بهول و تلاش ناکرود
بکمال سکون، نشان گرفتن و ماشه را کش کردن
تعلیم کرده شود.

۱۷۳ - به نظر خپور، همین ایضاح کرده
باید شد که کدام عوارض و تفصیلات زمین، تنها

از نظر دشمن و کدام نشان از آتش او مستور میدار
 و استعمال سپرهای اچپور نیز باید که تعلیم کرده شود.
 ۱۷۴ - نفری اچپور بدینگونه: تربیه کرده شود
 که دالانهای آتش، بر مستوریت، مرجح است.
 ازین سبب، نفر مذکور، در خصوص ستر نمودن
 وجود خود باید که چنین وقت کند که دشمن زیر نظرش
 آید. بناءً علیه از سپر، تا بکدام درجه استفاده
 کرده میتوان شد و بالکل از ستر، صرف نظر کردن
 لازم می آید همین دو خصوص، خاص بواسطه وضعیت
 نشان و نشان گرفتن معلوم میتوان شد. هرگاه
 آتش کرده نخواهد شد نفر اچپور از سپر بدینگونه استفاده
 باید کرد که حتی الامکان از نظر تأثیر آتش دشمن محفوظ
 باشد.

۱۷۵ - در اراضی غیر مستوره، نفر اچپور،
 خاص بوضع پروت، مدت مدیده با آتش دشمن
 مقابله کرده میتواند بناءً علیه خاص درین وضعیت،
 باید که ترصد و تفریق بدون تعلیم کرده شود.

۱۷۶ - در خصوص تفریق و تمیز بدف میباید
 که نظر دقت افراد در باره مؤثرات ، مانند تیزی
 و سبکی رنگ لباس و روشنی و تاریکی پشت بدف
 و صفائی و تیرهگی هوا ، جلب کرده شود . زیرا که از
 سبب مؤثرات مذکوره ، مرثیت بدف ، مخلف
 میکند .

۱۷۷ - نقرئی اچپور ، از هر نوع موانع ،
 باید که ما بهر آن گذشته بتواند . علی الخصوص از
 خند قهای کبر خیز زدن و به بردار آنها در آمده
 و از کنار مقابل ، چنگ زده بر آمدن و بردو اژ
 و غیره بالا شدن ، بهین خصوصیات باید که نقرئی
 اچپور تعلیم کرده شوند .

۱۷۸ - به نقرئی اچپور باید که مستور آتقرب
 را بدشمن نیز تعلیم کرده شود . نقرئی اچپور باید که از
 خردترین عارضه زمین ، پوره استقا ده نموده
 در اراضی غیر مستور نیز خمیده و یا زحف کرده حتی
 الامکان مستور ابکمال مهارت پیشرفت کرده تواند .

۱۷۹ - باید که بفرئی اخبور، استعمال ادوات
استحکامیه نیز تعلیم کرده شود و مطابیکه درینخصوص
اند تدریجاً تزیید نموده شود.
نفرئی اخبور، باید آموخت که در باب ستر
وجود خود یک سپر خرد انشا کند و چنین سپر را
در عین وضع پروت نیز بسازد.
۱۸۰ - صورت حرکت در تاریکی و در
اشناجی شب، به بعضی ملکات مخصوصه محتاجست
که تحصیل آن خاص، بواسطه تعلیم و ادا مان ممکن است
تعلیم و تربیه مخصوص مذکور، باید که از اول دور،
افراد جدیده شروع کنند. درین تعلیمها نیز
باید که بیک قاعده تدریج عمل نموده تحصیل و تأمین
ترقی کرده شود بدینموجب؛ تعلیمهای شرب اولاً
به نیم تاریکی در تعلیم خانه چهاونی و در اراضی معکوبه
و بعد در اراضی غیر معلومه و نهایت، در تاریکی
تمام؛ اجرا کرده باید شد. باید که چشم و کوش
بتأثیرات متبدله، نیم و پوره تاریکی که بر احوال

و اشیا واقع میشود، آموخته کرده شود. در باب
 تمیز و تقدیر استقامت و دلالت اصوات
 مختلفه، ملکه و ممارسه اکتساب کرده باید شد.
 تظاهرات قبله انسان و اشیا و اشکال
 اراضی که در تاریکی حادث میشود نشان داده
 ایضاً کرده باید شد. درین خصوص، تأثیر
 زمین و مسافه و احوال هوائی و ضیائی بنظر وقت
 آورده باید شد. نظریه بعضی نقاط اراضی
 که در اشنای روزنشانی و ارائه کرده خواهد شد و
 نیز نظریه بروج و کواکب، تعیین نمودن جهت
 و استقامت باید که بصورت مخصوص تعلیم گردد
 شود. در خصوص حرکات، نظر باید که به بی غفلتی
 یعنی به هو شداری و بی صدائی آموخته کرده شود.
 کل اقسام تمیزات باید که بصورتیکه آوازندهند
 تثبیت کرده و یاد بست گرفته شوند. در اراضی
 ناهموار نیز، نظر باید که به پای خود ندیده برود.
 در اشنای تاریکی، کیفیت تیر شدن از موانع

بیک صورت امینانه و بیغلغله و بی صدا، باید که بصورت
مخصوصه تعلیم کرده شود.

۱۸۱ - مراد از کافه بهمین تعلیمها این است
که نفر چنین شکاری بگردد که خود بخود فکر کند و موافق
حال و مصلحت، حرکت نماید. با صابست بر مرمی،
عزم قطعی داشتن و در آشنائیکه مافوق نباشد
نیز بایفای وظیفه بحال صدق و ایتتام کوشیدن،
شرایط اساسیه تفوق را تشکیل میدارند.

ب. غبرک و پُرک

۱۸۲ - قوت و طرز ترکیب غبرک و پُرک
چنانکه در مجتمع نظام بود در تیت نظام نیز بچنانست.
غبرکهای زیاده کی، به پُرکهای دست راست عاقد
بهر پُرک یک پُرک کشر، افسر است.

۱۸۳ - برای احضار تعلیم و تربیه خط آنچه
میاید که اول باول بد اخل غبرک و دلیکی و پُرک.

فقرات آینه تعلیم کرده شوند .

۱- بصورت مختلفه ، اچپور کردن ،

ب- یکجا شدن و جمع شدن ،

ج- حرکات خط اچپور [و درین شاخه تزیید و تنقیص

فاصله] ،

د- همیده و زحیف کرده پیشرفت نمودن ،

ه- یک موضع معین اشغال کردن ،

و- در استادکی در اوضاع مختلفه و در

اشای رفتار ، تفنگ پر کردن ، در قنوع و ضعیتهای

وجود و از پس پشت سپر ، مختلف نشانه استعمال

نموده قنوع و ضعیتهای نشان گرفتن ،

ز- انواع آتش ، اور بند کردن ،

در خط اچپور ، او امر را تکرار نموده بیک دیگر

تبلیغ کردن ،

۱۸۴- حرکات سالف اول با اول در تعلیمات

شکلا یعنی بدون اینکه بیک وضعیت محاربه بستند

باشند تعلیم کرده شوند . درین باب مهارت

لازمه که اکتساب کرده شد بتعلیم و تربیه دلکی و پیکر
 بر اراضی شروع کرده باید شد قواعد اساسیه تعلیم
 و تربیه دلکی و پیکر از قواعد تربیه منفرده فرق و تفاوت
 ندارد. مگر بر قواعد اساسیه مذکور همین دو خصوص
 می افزاید. اولاً بهر نفر رفیق بهم پهلوی خود را بنظر وقت
 بیاورد. ثانیاً بجملها و اشارات مافوقان خود وقت
 ۱۸۵ - نالکها و پیکر کشر تا باید که بحال وقت
 تعلیم و تربیه کرده شود. پیکر کشر، هم معاونان
 بلوک خود و هم برای پیکر خود چنین یک افسر
 مسئول است که بداخل وظیفه مودود و خود مستقلاً
 حرکت نموده میتواند. پیکر کشر، در باب استعمال
 کردن دوربین، برای یافتن و شناختن بدن
 و ترصد تأثیر (کله) و نیز در خصوص تخمین مسافتها
 میان دو کلان بسرعت و صحت و علی الخصوص در
 دادن (که در تیت نظام، با اداره آتش عائدست
 باید که معلم یعنی تعلیم یافته باشد.
 ۱۸۶ - پیکر کشر، باید که افراد اخیور خود

بد اخل آن محل که به پُرکشش مخصوص است (یعنی منطفه حرکت) حتی الامکان، مستورا سوق نماید و بکمال سرعت و مهارت برایشان اخذ موضع کرد اینده بتوانند.

پُرکشر، در خصوص تنظیم نشانگان با صحت و در باب تقسیم آتش و به اجرای آن بدقت و بسرعت آتش و در خصوص صرفیات جباغانه و در خصوص نشر و توزیع اوامر و تبلیغات شفاپی متداول و بدقت و نظارت باید نمود.

۱۸۷ - از سببیکه جبهه یک تولی در خط اخچور، زیاده میباشد در هر جای خط مذکور، بیکدرجه تشر و حرکت ممکن نیباشد قوه مخربه آتش دشمن، علی الاکثر منتظما پیش رفتن را اوتحد ادارة آتش را تصعب میکند. ازین سبب پُرکشر، باید که آتش پُرک خود را مستقلا تیرا داره کرده بتوانند. و دقیقکه بد اخل یک جزو تام، تعرض کرده میشود باید که در خصوص تقرب بدشمن، از هر فرصت که پیدا شود

بدون امر گرفتن تیر، استفاده کنید. و هر حرکت
پژکهای مجاورش باید که بواسطه آتش پژک خود
معاونت نماید.

۱۸۸ - پژک شتر و ناکما، با شش اشتراک
نمیکنند. مگر هرگاه وظایف شان که با داره
پژکهای خود تعلق دارد مساعد باشد در آنوقت
با شش، اشتراک کرده میتواند. و این تیر، علی الا
در محاربه نامی که در یک موضع بسیار ممتد باشد
واقع میشود.

ج . تولی
افسر تولی

۱۸۹ - جزو تام اداره نفری و اداره
آتش، در تیت نظام قاعده تولی است.
۱۹۰ - افسر تولی، تشکیل خط اخیور و استقامت
رفتار را و عند اللزوم ارتباط را امر میکند و فاعلا

را نظر بمقصد محاربه و بجل موجود و بمسافه دشمن و
باراضی تعیین میدارد .

۱۹۱ - افسر تولی ، در حال مدافعه ، تولی
خود را در موضع می نشاند . و برای شروع اُور
احضارات لازم را اجرا میکند .

۱۹۲ - افسر تولی در حال تعرض باید که
غیرت کند که بآن مسافه که از آنجا بکمال موفقیت
بمحاربه آتش شروع کرده میتواند ممکن مرتبه کم
تلفات داده خود را برساند . لهذا موبالیه ،

قوی و کیف خط اچپور را تا که اراضی و اُور دشمن
مساعده کنند باقسام ، تفریق نکرده متحد آپیش
سوق کند . درین اثنا از اراضی غیر مستوریکه باو
دشمن معرض است دویده گذشتن ممکن است .

اگر بدین گونه متحد حرکت ، در اراضی غیر
مستور بنور از ابتدا ناممکن باشد و یا از سبب
تراید تا شیر اُور دشمن ، از چنین حرکت (متحد حرکت)
صرف نظر کردن لازم آید درین هنگام افسر تولی ،

از بلوک بلوک و یا پُرک پُرک ، دلکی ، دلکی ،
 بسیار خفیف ، خطهای اخیور تشکیل نموده بسافه های
 غیر منظم ، یکدیگر را تعقیب کرده اند سوده سوق میکند
 ودقت و غیرت کند که خواه در یکجای مستور و خواه
 در موضع نخستین اور ، تولی خود را باز متحد ساخته
 بقبض خود آرد .

۱۹۳ - بعد از شروع باور ، برای تقرب
 بدشمن ، واسطه بیطر و سرعتر بین است که تولی
 متحد اجرای ترپله (جمیدینا) کند مگر بشرطیکه ترپله های
 مذکور کلاً احضار و بواسطه آتش قطعات مجاور
 حمایه کرده شده باشد . اگر بدینگونه تقرب دشمن
 مشکل باشد میاید که حیثه تولی ، باقسام صغیره (بلوک ،
 پُرک ، دلکی) تقسیم شده اقسام مذکوره متناوباً
 پیش سوق کرده شوند ، درین حال ، طرز حرکت
 و شکلیکه برای حرکات پیشرفت اقسام مذکور ،
 استعمال کرده خواهد شد مختلف و غیر منظم میشود .
 اقسام مذکور در آشنای ترپله ، فاصله های خود را

که اتحاد حرکات عموم به هیچ رنگ، سکتة وار
نشود.

۱۹۵ - افسر تولی، در حال تأمین یک فائده
و یا در حال استفاده از ضعف دشمن، مکلف
است که مستقلاً حرکت نماید. مگر تا شیر بهین استفاده
را بر عموم، ملاحظه کنند که تا که ام درجه، استفاده
کرده میتواند آنرا یعنی درجه استفاده را کلاً باید
دانست.

۱۹۶ - افسر تولی، از تعیین نمودن مسافه
به صحت مسؤلیت، موما ایله بنا برین مقصد، نزد
خود دو نفر تخمین مسافه نگاه میدارد. ایشان تخمه
تخمین خود را بی آنکه منتظر سوال باشند به افسر
تولی، اخبار میکنند. مع مافیة افسر تولی، از تخمین
پژگشتران و نامکان، که زیاده تر معتمد اند نیز استفاده
باید کرد. برای اینکه افسر تولی و پژگشتران نامکان
و مخندان، در خصوص تخمین مسافه توجید اعمال کنند.
(بصورتیکه بحار به موافق بیاید) تعلیمهای خصوصی بکار است.

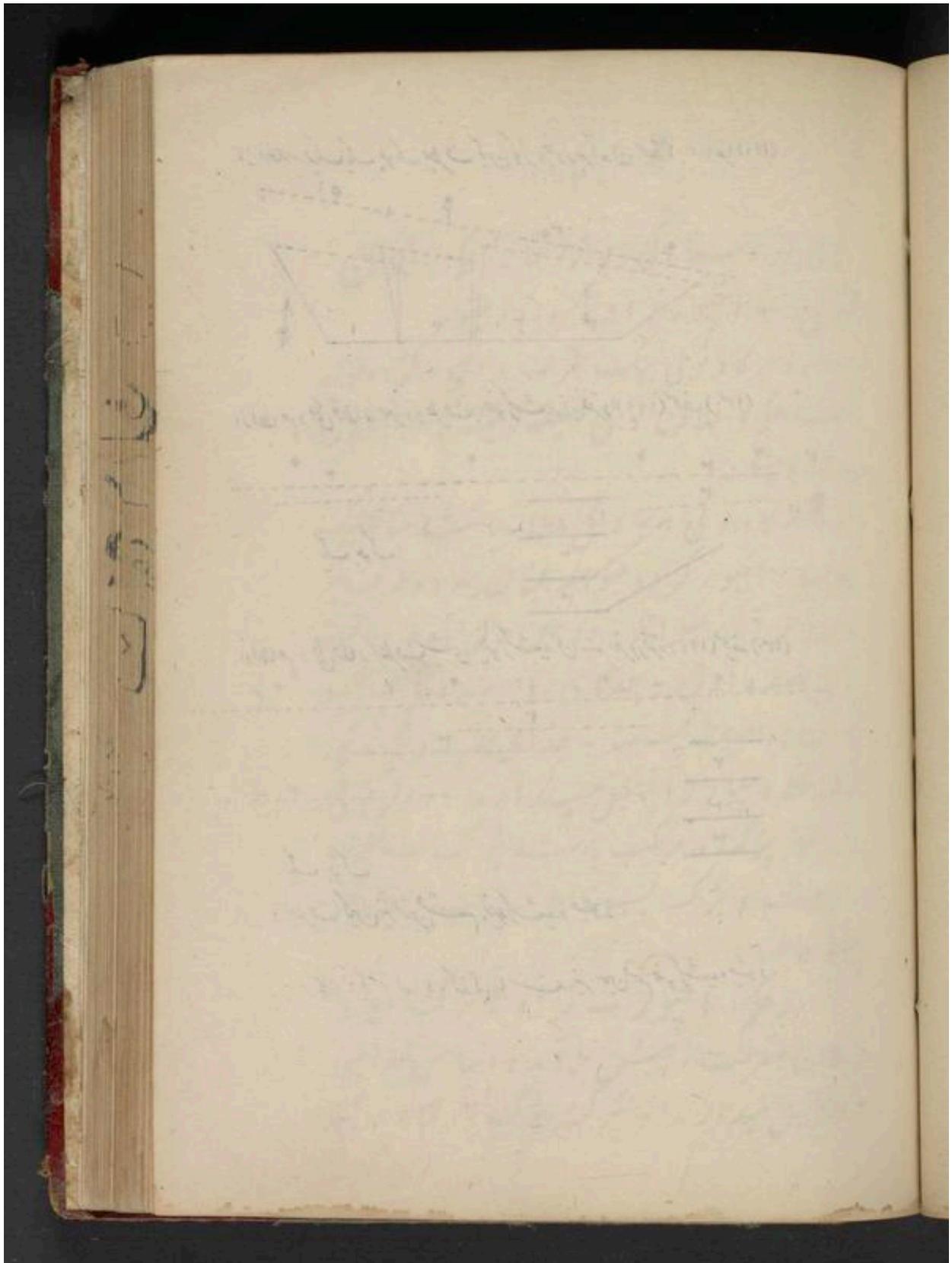
مخمان مسافه ، در خصوص ترصد دشمن ترصد قطعات
 مجاور خود ، به افسر تولى معاونت میکنند . تاسیس
 ارتباط چشمی با افسر تولى طرحی مکلف است . اما اگر طرحی
 مفقود باشد تاسیس ارتباط مذکور نیز بمخمان مسافه
 نماند میشود . وقتیکه اهمیت وظایف سائره مخمان
 مسافه نماند درین هنگام افسر تولى ، ایشانرا باور
 شریک میسازد .

تشکیل خط اخبور

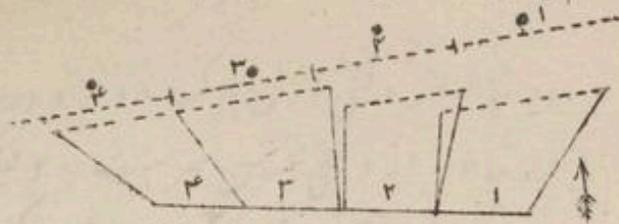
۱۹۷ - خط اخبور ، از هر شکل مجتمع نظام
 باید که به هر طرف ، بسرعت و کمال انتظام و سکونت
 تشکیل کرده شود . خصوص استقامت رفقا و
 خصوص ارتباط یا با حکم اخبور ، در عین زمان و یا
 پیشتر از بعین حکم و یا پستتر ، امر کرده میشود .
 هرگاه یک طرز و صورت دیگر ، امر و تعیین
 کرده نشده باشد برای اخبور کردن از لیک ،

ارتباط از دلکی اول بلوک دوم و در دلکی قطار،
ارتباط، از دلکی نخستین سرست، و قینک بطرف
راست و یا چپ قسم نخستین، انچور کرده میشود.
ارتباط، از وزر یک بران، انچور کرده میشود
میباشد.

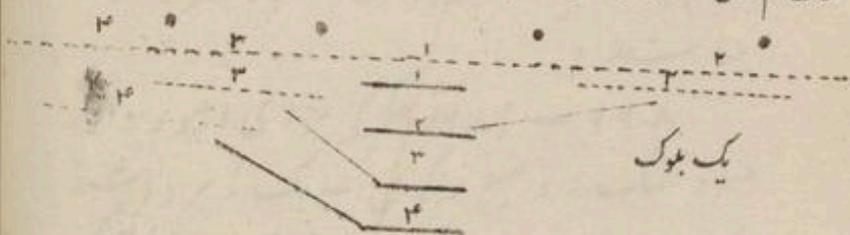
۱۹۸ - بعد از حکمیکه برای انچور داده
میشود تفنگ، بوضع زنگون - یک! برداشته
میشود. بعد از ان بقرار خواهش، یعنی تفنگ
بشرطیکه دهنش اندک به بالا بیاید از مرکز نقلتش
گرفته میشود و یا به زیر بغل برداشته میشود. عند
اللزوم، امر توپک بند - اوژدرگی! نیز
داده میتوان شد. زیرا: در حالاتیکه، هر
دو دست را آزاده داشتن لازم باشد
مثلا: حرکت، در جنگلهای کثیف و یا در جنگل
در بلندیهای سخت و یا در حرکت زحف، در ان
وقت به آویختن تفنگ بگردن، مساعده کرده میشود.
۱۹۹ - برای پیش رفته انچور کردن



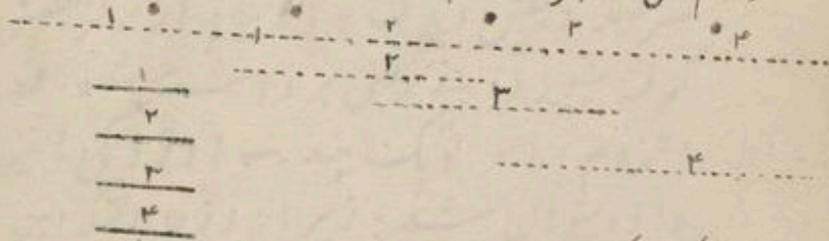
از نظام یک یک بلوک بطرف کین کوثر اچور بر آمدن صحیفه (۱۳۰) فقره (۱۹۹)



از نظام دکنی قطار بهر دو طرف اچور کشیدن فقره (۱۹۹) صحیفه (۱۳۰)



از نظام دکنی قطار بطرف ششی اچور کشیدن -- فقره (۱۹۹) صحیفه (۱۳۰)



یک بلوک

و بطرف کین تیر بهین قسم اچور کشیده میشود.

بر کا، دگر تو ایسا ویا کند کما باشد تیر بهین قسم اچور کشیده میشود.

تولی از استادکی و یا آرزو قمار، حکم: فلان
 تولی - اچپور زراو! داده میشود.
 و هرگاه تولی بیک طرف، اچپور کرده خواهد
 شد حکم: فلان تولی شیمته (کینته) - اچپور زراو!
 داده میشود.

هرگاه تولی، به دلکی قطار باشد چنانکه بیک
 طرف، اچپور کرده میتواند همچنان بهرد و طرف تیر
 اچپور بر آمده میتواند. در همین حال دوم، باقیمانده
 دلکی نصف اول به غذای راست دلکی نخستین و
 دلکیهای نصف پسیند به غذای چپ دلکی ندر کور
 رفته خط اچپور را تشکیل میدارند. و اگر تولی،
 از ۳ پترک، مرکب باشد پترک میانه بطرف
 راست و پترک پسیند بطرف چپ رفته اچپور
 میشود.

در حکم: اچپور - زراو! پترکشان، و
 نایکان بسرعت، پیش بر آمده اساس خط اچپور
 را تشکیل میدارند. پترک پترک ارتباط، در ابتدا

به کام کوتاه، پیش و یا با استقامتیکه امر شده میرود.
دیگر پیکر گمشده ان، نظر موقوف شان از پیکر ارتباط،
شی (کین) رفته فاصله های خود را از پیکر مجاور
نظر بفاصله که نفری اچپور امر کرده شد میگیرند.
نفری اچپور، پیکر گمشده ان خود را از زده قدم
تعقیب میدارند. نفری صف دوم، بر نفر، بظرف
راست پیشفیل خود میرود. ما بین نفری اچپور دو
دو کام فاصله میباشد. هرگاه زیاده تر و یا کمتر
مطلوب باشد افسر تولی مثلاً حکم: فلان تولی خلور
کام پر منتر (نیم کام پر منتر، بی منتر) - اچپور زاوا
میدهد. افسر تولی استقامت رفتار را به پیکر گمشده
ارتباط ارائه میکند. و خود افسر تولی با چنان مسافت
و طرحی قاعده در وسط تولی از خط پیکر گمشده اقل ده کام
پیشتر میرود. اما همیشه بودنش درین موقع،
ضروری نیست. یعنی مجبور نیست که همیشه در اینجا
بوده باشند. زیرا: برای اینکه تولی خود را
بر اراضی، بهمارت، سوق کند و با تویهای مجاور

به آمیختن میدان نمد و تیر در عین زمان، از سبب
مجبوریت ترصد دشمن، میباید که افسر تولی بیک محل
و مسافه مقید نبوده از آاده و مختار باشد.

۲۰۰ - برکاه بیک استقامت مایل بایستی

از جانبین، اچپور کردن لازم آید اول با اول
جبهه مطلوب را گرفتن و بعد از آن اچپور کردن
مناسب است. اما حرکات مذکور، استقامت

جدید را در حکم، علاوه کرده تیر اجرا کرده میتوان
شد. مثلاً: فلان تولی استقامت نیم

کینته یا فلان چیر! فلان پُرک، دلی، ارتبا، اچپو
- زاو! درین حکم، پُرکشر و نانک ارتباطی
الفور استقامت جدید را میگیرد.

۲۰۱ - برای اچپور کردن تولی بر خط اساس،

حکم: فلان تولی، ارتباط، فلان پُرک و یا فلان دلی،

پُر خط اساس اچپور - زاو! داده میشود.

پُرکشر و نانکما بقرا فقره (۱۹۹) در پیشروی تولی

و یا در موضعی که اشغال کرده خواهد شد اساس خط

اچپور را تشکیل میکنند. پڑکها و و لکها، تا که عقب
 پڑکشان و نائکان خود بیایند از بعدیکر جدا میشوند.
 و در حکم: موضع - نسی! افراد، به خط
 اچپور پڑکشان و نائکان داخل میشوند. فقره (۲۰۹)
 ۲۰۲ - هرگاه تشکیل خط اچپور، بسرعت
 خواسته شود حکم: فلان تولی، ارتباط فلان
 پڑک و یاد لکی اچپور - زاو! و یا زاو!
 زاو! داده میشود.

۲۰۳ - هرگاه تولی، کین شاگرز کرده
 میرود اچپور شدنش لازم باشد قاعده اولاً
 و ژند کرز کرده میشود و بعد حکم: فلان تولی،
 پر خط اساس یعنی های پر های اچپور - زاو!
 داده میشود.

حرکات خط اچپور و موضع گرفتن آن

۲۰۴ - قسم مهمترین تعلیم و تیر بنیه تیت نظام
 این است که: خطهای اچپور مسافهای دراز را

بکمال انتظام قطع کنند و در راه اضعی صعب
استقامت رفتار را محافظه نمایند.

هرگاه تعلیم و تربیه یک قطعه عسکریه کمال باشد برای
حرکات بعوض حکم اکثریا مروی اشارت کافی و قائم میباشد.
تا ناجی قطعه فاصله تا و بلاخطه خدا باید که اجمیت داده
نشود. اما درین باب آنقدر ملاحظه کرده شود که یکی
مانع حرکت و آورد دیگر نشود.

۲۰۵ - نفری اچپور، از ادا نه و بجا های
در از و به سرعت رفتار عادی (یعنی در رفتار عادی
آنقدر مسافه که در یک دقیقه قطع میشود همانقدر مسافه
قطع کرده شود) حرکت کنند. و قتیکه حرکت نموده
خواهد شد لازم که بدون امر تفنگها و کار تو سدا نه
سدود کرده شود.

۲۰۶ - در حرکات پیش رفتن و یا بجا نین
حرکت نمودن، افسران تولی، و پیر کشران و
ناکان، پیشروی نفری اچپور یعنی بطرف دشمن باشند.
و در رجعت پیر کشران و ناکنها بجا نب عکس دشمن رفته

استقامت رفتار را محافظه میدارند. افسر تولی
باز به جانب دشمن باقی میماند.

۲۰۷ - حرکات خط انچور عبارت است

از رفتن کل تولی و یا یک قسم آن بلوک، پُرک،
دلکی بجانب پیش و یا پس و یا بدیگر جوانب و از
تبدیل استقامت رفتار یعنی چرخ کردن.

برای پیش رفتن حکم: فلان تولی، بلوک،
پُرک، دلکی - زاو! و برای پیش دو اندین
زاو! زاو! داده میشود.

برای پس کردن حکم: کین شا -

زاو! برای قطع مسافت کوتاه در استقامتهای
مائل ششی نیم (کین نیم) - زاو! و برای
باز با استقامت اول رفتن: کین نیم (ششی
نیم) - زاو! و برای حرکات جوانب
در پس پشت سپرد در خارج آتش دشمن حکم:
ششی خوا (کین خوا) - زاو! داده میشود.

۲۰۸ - استقامت رفتار در خط انچور

بحرکت چرخ، تبدیل کرده میشود. این چرخ اگر بدتر شود
 مطلوب باشد درین صورت یا یک جدید
 استقامت اعطا کرده مثلا: استقامت رفتار
 (درخت) چنان بلند! و یا حکم داده و درین حکم جدید
 استقامت رفتار ذکر کرده اجرا نموده میشود.
 مثلا: ششی (کین) چرخ - زاو! استقامت
 درخت چنان!

و اگر آن حرکت چرخ بدرجه کلان مطلوب
 باشد درین هنگام حرکت مذکور بطرز حرکات
 توسیع جبهه که درجه جدید اجرامی باید کرده میشود.
 یعنی دلکی محور خط اخپور چنانکه تنها بوده باشد چرخ
 میکند هر یکی از دیکه های دیگر تیر بهمان نظر بعد از چرخ
 پیش رفته تدریجا به هدای آن قسمیکه بطرف
 محور است می آید. لهذا قسمهای پیشتر تا که خط استقامت
 جدید آراسته کرد و گامهای خود در ا کوتاه کوتاه
 میزنند.

در خطهای دراز از اخپور، نیز بقرار سابق چرخ

کرده چنین قدمه با حاصل میشود که تویها نیکه دنبال
 یک دیگر میگردند. این تویها در اشای رقرار در
 توقف اول بتدریج متوالیا به عذای قدمه نخستین
 داخل میشوند. فقره (۱۵۱)

۲۰۹ - اگر به اور آغاز نخواهد شد حکم:
 در یتر! و باز مکه - پروت! و یا:
 زنگون - کیشود! به حرکت اختتام داده
 میشود. درین حال همه افراد وضعیتیکه امر شده
 است میگردند. و افسر تولی و پیر کشر و نامک در
 پیشروی جبهه باقی میمانند. از پس رقرار وقتیکه
 استاده کرده خواهد شد حکم: کین شتا - در شتا
 داده میشود. درین حکم پیر کشران و نامکان تکرارا
 به پیش روی جبهه میگردند.

خواه در اشای استاد کی و خواه در اشای
 رقرار هرگاه محاربه اور کرده خواهد شد حکم:
 موضع - نشی! داده میشود. درین حکم
 نفری انچور، تا به عذای افسران تولی پیش میگردند.

اگر ممکن باشد نشانکها بهما پیش از در آمدن
بموضع تنظیم کرده شوند .

۲۱۰ - بعد از اشغال موضع اگر فی الفور باور
آغاز نشود و یا باور فاصله داده شده باشد
افسر تولی امر پست - سی ! گفته همه افراد
را در پس سپر، بدین صورت می آرد که از نظر دشمن
کاملاً مستور شوند و برای ترصد دشمن چند نفر
تعیین میکند و در ظهور دشمن حکم : موضع - نسبی !
داده نفری اچپور، باتش متبیا میشوند .

۲۱۱ - برای چالاک دویده پیش رفتن
حکم فلان تولی ، بلوک ، پرک ، دلکی ترپله !
ولاژ - زاو ! زاو ! داده میشود .
در حکم ترپله نفری اچپور حرکات دگ را کمال
منوده تفنگهای خود را محکم میکنند و کار تو سدا آنها را
دگ کرده آماده دیدن میشوند . بدنی موجب :
نفری اچپور که بر زمین افتاده اند تفنگهای خود
را بدست چپ گرفته دست راست را بر زمین

تکیه میدهند و بدون بالاداشتن تنه های خود از زمین
 زانوی راست خود در امکان مرتبه بطرف شکم
 خود میکشند. بعد از یک فاصله کوتاه بیکه برای اجراء
 همین همیائی کفایت میکند. افسر تولی. در انشای
 پیش انداختن خود حکم: و لاژ - زاو! زاو!
 میدهد. باین حکم نفرئی آنچه در بحال سرعت برخاسته
 پیش میخند. ترپله ۸۰ کام را نادراستجا در کرده
 میتوانند.

قاعده اگر چه چگونگی مرتبه بدرازی ترپله ما غیرت
 کردن لازم است اما بقدریکه وقت نماند که دشمن
 آتش کند. آنقدر کوتاه کوتاه ترپله ما نیز تعلیم کرد
 باید شد.

در اجرائی ترپله مهمتر کیفیت آن است که
 بغایت چابکی و همه یکجای برخاستن و بحمال سرعت
 خود را پیش انداختن است.

۲۱۲ - به ترپله ما بقرار بیان فقرة (۲۰۹)
 اقتصام داده میشود. مگر در حین لزوم بدون

۱۴۰

تبدیل نشانگاه به سیج امر متظر نبوده با در آغاز
میشود. اکثریاً پیشتر از ترپله جدید موضع اور بقطعه
موده میتواند شد.

۲۱۳ - افسران تولی، در موضعی که اخذ
شده است اگر به بنید که قسم اعظم نفری اچپور
از وضع پروت بالای دشمن آور کرده نتوانسته
بز انوزدن و یا باستاندن چپور اند فی الفور
این موضع را غلط دانسته و تکرار به حرکت آغاز
نموده یک موضع مناسب دیگر را باید گرفت.
و اگر خواه انشدت آور دشمن و خواه از سبب
رعایت به قطع است مجاوز، بدین طور تبدیل موضع
مکن نباشد؛ موما الیه بقرار مساعده احوال
عمار به یعنی در قطع اور اگر محذور نباشد افراد
را خوا با نیده اور را موقته تعطیل کرده میتواند.
و یا در بهین وضعیت پروت، برای شان
دیگر هدف، نشان داده میتواند.

۲۱۴ - هجوم خط اچپور بقرار بیان فتره

(۱۶۳) اجبر کرده میشود .

انواع اور و حکمهای آن

۲۱۵ - یک خط اخبور تا که موضع نگیرد اور کرده نمیتواند .

۲۱۶ - در خط اخبور قاعدهٔ پخیل سر اور کرده میشود . احتمال یکدم اور با جوانا در منحصر است . مثلاً : وقتیکه بدشمن ناکهانی اور کرده خواهد شد و یا قطعه اور کنند را محکم زیر دست نگاه داشتن لازم آید احتمال یکدم اور فائده بخشیده میتواند .

۲۱۷ - برای هر دو نوع اور حکم که در آن میشود ممکن مرتبه کوتاه و بقدر لزوم به آواز بلند و بسیار واضح باید بود . اولاً استقامت بعهده بدف . و بعهده نشانه و نوع اور تعیین کرده باشد . بدف بدنیگونه ارائه کرده باشد که هیچ وجه غلطی را راه ندهد .

قطعات دشمن از جانب نفری اچپور بہر
طور کہ دیدہ میشوند بہما بطور باید کہ ذکر کردہ شوند
مثلاً: کین وزر د تو پچانی کفتہ نمی شود بلکہ کشتی
گردنی تو پ کفتہ میشود .

بعد از ارائه ہدف و تعیین نشانگاہ حکم:
پہ خیل سر - اور! دادہ میشود . در عقب
این حکم: باور شروع میشود . اما برای یکدم
اور بہ حکم ، انتظار کردہ میشود .
مثال در باب حکمہای اور:

مخارج - نفری د اچپور! نشانگاہ ۸۰۰!

پہ خیل سر - اور! نیم شیتہ اسپو

نشانگاہ ۷۰۰ پہ خیل سر - اور!

نشانگاہ ۳۵۰

نیم کینتہ شنتہ تپ کش قطارون! نشانگاہ

۱۰۰ تیار - اوس! نشان -

نسی! اور - ڈک!

۲۱۸ - در اثنای استعمال دو نشانگاہ

برای پہل سر اور برای یکدم اور

نشانگاہ

برکاه تبدیل یکی لازم باشد در حکمیکه داده میشود
 کلمه نشانگاه افزوده میشود. مثلاً: وقتیکه بر نشانگاه
 ۱۱۰۰ و ۱۲۰۰ اور کرده میشود حکم: ۱۲۰۰
 و ۱۰۰۰ سی! داده میشود.

۲۱۹ - در په خپل سر اور سرعت اور
 بتقدیر اخیور محول است. حسن تعلیم و تربیه
 افراد مانع سوء استعمال این مساعده باید شد
 یعنی بکدام جای ورو اور و بکدام جای شدید
 اور لازم آید آنها را نفری باید بدانشند.

به نیت اصابت هر گله و تیر با عقدا اجرای
 اور کردن، از هر نفر اخیور مطلوب یک وظیفه
 مهم است. پس اگر نفری اخیور بو وظیفه مذکور رعایت
 کنند البته که سرعت اور سر نخود معین میگردد.
 نفری اخیور یک با هم دیگر مجاورند در خصوص اور
 حتی الامکان یک بدیکر معاونت کنند. سرعت
 اور که در ژر اور مطلوب است سرعت اجرای
 حرکات پر کردن و وضعیت نشان گرفتن حاصل شود.

افسر و قیقه تریید و یا تقیص اور را مناسب مند
 حکم: ورو - اور! ویا ژر - اور!
 میدد.

۲۲ - برای قطع نمودن په خیل سراور
 حکم: فلان تولی اور بسند! داده میشود.
 این حکم را همه بلوک مشران، پترک مشران،
 نانگان تکرار میدارند و اگر بکل افراد شنوایش
 باین قسم نیز ممکن نباشد هر نفری که بشنود به بلند آواز
 تکرار میکنند.

برای قطع نمودن اور، احتمال اشپلاق
 ممنوع یعنی موقوف است. زیرا: احتمال دارد
 که تویها نیکه قطع کردن اورشان باعث مضرت
 است تیر اور خود را قطع نمایند.

به حکم: اور بسند! خواه از اور و خواه
 از حرکات پر کردن باید که فی الفور هر کس و کذا
 شود. حتی نفری اچپوریکه تفنگهای خود را برای
 نشان گرفتن بشانه تکیه داده باشند تیر تفنگهای

خود را فرد آزند. این حکم که داده شد باید که
 یک سکونت قطعی حکم فرما بوده با و امریکه داد
 میشوند دقت کرده شود.
 اگر باز بهد ف سابق اور کرده خواهد شد
 تکرار، بدف را باز تعیین کردن حاجت نیست
 یعنی تنها حکم: اورته - دوام! داده شد
 و اگر من بعد اور نخواهد شد بهما نصرت که حکم
 اور بند! پدید آمد حکم: په ڈکولو - دوام
 داده فقره (۷۱) پر کردن را ا کمال نموده
 داده میشود.

تأثیر آتش

۲۲۱ - تأثیر اور یعنی استحصال تفویز
 بعد دقتنگما نیکه بخار به اور اذخالی کرده میشود
 نیز بجن استعمال آنها تابع است
 در هر مسافه بهر نوع بهد فها اجرای اور از

با نخاصه موثر است . تاثير اور هر چند که با مذک زمان
 وقوع يا بد و هر چند که ناگهانی واقع شود قوه مغنویه
 دشمن آنقدر متزلزل میگردد .
 ۲۲۲ - اجراءات و کارکنی نظری اچپور تعلیم
 و تربیه بدنیه و فکریه شان و نیز بدرجه ماندگی و خلیجان
 و هیجان شان تابع است .

اداره اور

۲۲۳ - اداره اور عبارت است از
 توجیه نمودن اور بصورت موثر بهد فهای مهم .
 اداره اور تا که ممکن است بدست مافوقان
 باید بود و بواسطه اداره موما ایهم باید که ارتفنگ
 استفاده کرده شود .

۲۲۴ - از سبب غلغله و اصوات کونا کون
 انداخت که در خط اور پدید آید افراد، او امر
 و حکما را بمشکلات می شنوند . در چنین حالات

پژگشرا و نائکها و اگر با ایشان هم کفایت نشود افزا
 تیر باید که او امر را از یکدیگر اخذ نموده به هم دیگر
 تبلیغ کنند. و درین تکرار تا باید که بیان کرده
 شود که امر مذکور از کدام امر آمده و به که
 عائد است و بدینقرار امر را تخریر دادند
 نیز موافق مقصد میتوان شد. از تبلیغ او امر
 پژگشرا و نائکان مسئولند. ایشان یکدست
 خود را بالا کرده رسیدن او امر را اعلام
 میکنند.

۲۲۵ - حسن اداره او رجس تخمین مسافت
 متوقف است. بواسطه آلات مساحه و یا از روش
 فرایط پیموده و یا از طوچگی و یا از پیاده آوردن
 پرسیده در خصوص مسافت اگر چه استحصال معلوم
 ممکن است اما چنین صورتها از وسایط متمم میباشند.
 و اسطه اصل، مسافت را بحال اتمیت تخمین کردن است
 ۲۲۶ - وقت شروع او را تعیین نمودن
 اول درجه تابع احوال محاربه بوده تعیین زمان

مذکور و نسیف افسر که در خط اچورست میباشد .
 قاعده هر وقتیکه حسن تاثیر اور ملحوظ و نامول
 باشد و یا بی حمایتی اور ، تقرب بدشمن موجب تلفات
 کلیه میشود . آن وقت شروع اور میباشد . و قتر
 به اور شروع کردن سکونت را یعنی تلاش کردن
 را و بنفس خود بی ایتی و بسیدلی را مینماید . آن
 جبهه خانه که صرف کرده میشود اگر با نتیجه مناسب
 نباشد با سراف قوت دلالت میکند . که این
 مضر و بناء علیه غیر جانزست ، کم تاثیر بودن اورا
 اعتماد ذاتی دشمن را تزیید مینماید .

۲۲۷ - در انتخاب هدف اهمیت تجیه و بی

او بنظر اعتبار آورده میشود . زود زود تبدیل
 هدف قوت اور را پراکنده میکند .
 بر آن قطعات که برای تقوییه خط اچور که بالایش
 ادر میکنیم می آیند علیحدہ توجیه اور نمودن لازمست .
 چونکه : از سبب انتشار طولانی کله نام ، قطعات مذکور
 اساساً مجبور اند که از منطقه مضر و به بگذرند .

۲۲۸ - ہدف بد نیکو نہ ارانہ کردہ باید
 شد کہ از طرف نفر می اچھو رہبرعت دریافت
 کردہ شود . ہر گاہ ہدف جز بدور بین دیدہ نشود
 درین ہنگام بعضی خطوط وغیرہ را ہدف (نقط نشان)
 قرار دادہ ارانہ کردہ باید شد . برای دیدہ
 توانستن ہدف دست بدست دادن دور بین
 مابین افراد تیر شایان توصیه است .

۲۲۹ - بکل آنجیمہ کہ بالایش اور کردہ میشود
 تقسیم اور بانخاصہ مهم است . ازین سبب افسر تولی ،
 حدود دانیکہ تولی برانہا تقسیم اور خواہد کرد تعیین
 میکند . افسر تولی ، وقت را دیدہ خصوص مذکور
 را پیشتر و یا پسترا شروع اور ، اجرا مینماید . برا
 اینکہ در مابین ہیچ جای بی اور نماند لازم است
 کہ حدود یکہ تعیین کردہ میشوند اندکی از ہمدیکہ تجاوز
 کنند .

در صورت عمومیہ ہر قطعہ و ہر نفر اچھو اگر چہ
 خود بہ خود بہمان قسم دشمنیکہ در پیشروی دارد آنرا

زیر اوری آرد اما در حین لزوم، اور مقرضی
نیز معمول باید داشت .

از سببیکه بعض اقسام چینه دشمن خوب دیده
نیشوند جائز نیست که نقری اخیور تنها بهمان اقسامیکه
خوب دیده میشوند متادیا اور کنند . مع مافی
بهین ممنوعیت با استفاده نمودن از فرصتها نیکه
بسیار ساعد اند (مانند ترپله های دشمن) مانع
نست .

۲۳ - سرعت په خپل سر اور نقری اخیور
په وضعیت محاربه ، با مقصد محاربه ، و په جبهه خانه موجود ،
و حال هدف (یعنی جسامت و کثافت آن) تابع
است .

وقتیکه مسافه دراز و احوال ضیاعیه غیر مساعد
بوده شناختن هدف مشکل باشد درین هنگام
سرعت اور باید که بسیار زیاده نباشد . محاریات
اور چونکه اکثراً بسیار دوامدار میباشد لهذا در تمام
اعظم مدت محاربه باید که چنانچه بتصرف استعمال

کرده شود .

علی العموم در حال افزونی سرعت اور، صحت
اصابت هر کله منفرداً ناقص و عمقا متباد و حرمه
اور را تراید میکند؛ لکن بعض اسباب مانند
وضیعت محاربه، مقصد محاربه و حال دشمن (مثلاً؛
جمیدنما) برای استحصال یک تاثیر کلان در اندک
زمان، تزئید سرعت اور را و بناء علیه صرف
بسیار چنانچه را ایجاب و استلزام میکند،
و قوع چنین حال نا در نیست .

فرضی آنچه را باید که چنین وضعیها را شناخته
در خصوص استفاده از هر فرصتیکه و ضیعت، چنان
میکند حائز ملکه و مهارت باشند .

۲۳۱ - سرعت اور را بدرجه غایه تزئید
مؤدن با حوال آئینده موافق است ؛
در تعرض پیشتر از هجوم در تیاری و آمادگی
آخرین و در مدافعه بمقابله هجوم دشمن ؛
در طرد و دفع سواری، علی العموم در وقوع

یک مصادف منہ ناکھانی و از نزدیک ؛
در تعقیب .

۲۳۲ - گاه گاه دور بین نیز استعمال
نموده تاثیر اور علی الدوام ترصد کرده
باید شد .

افسر ، از صورت اصابت گله نادار
حال و حرکت خصم باید فهمید که تدابیر و ترتیبات
خودش موافق است یا نه بشناختن اینها سعی
باید کرد .

هر گاه بالذات از خط اور ، ترصد ممکن
نباشد درینوقت بجانب یا به پس پشت ، ترصد
که قاعدۀ مختمان میباشد فرستاده میشود .
ایشان مشاهدات خود را بواسطه اشاراتی که
بیشتر مقرر گردیدن شان لازم است میدانند .

۲۳۳ - انضباط اور مستقیم اداره اور است
انضباط اور که نباشد اداره اور نیز موجود
نیباشد . انضباط اور ، عبارت است که ادابیر

نیز استعمال
نموده

در آشنای محاربه آور داده میشوند تماماً اجرا یابند
 و نیز بقاعده با تیکه با استعمال سلاح و بصورت
 حرکت در محاربه عائد اند. کلاً رعایت کرده شوند.
 از همین جمله، خصوصاًست آئینده حائز اهمیت

است :

از اراضی کلاً استفاده کردن ؛

در تنظیم نشانگاه و در بر انداختن

وقت نمودن ؛

با فوجان و به دشمن وقت متادیا بکار

بردن ؛

و قتیکه حال بدف خوتر مساعد باشد یعنی

به حرکت آغاز نموده و قتیکه کلاً نزدیک سطح بنماید

او را خود به خود سرعت دادن ؛

و و قتیکه دشمن از نظر غائب گردد او را

خود بخود قطع نمودن و چنانچه را با داره صرف

کردن

در آشنای جریان محاربه اگر ممکن نشد که آور

بدرجه مطلوب اداره کرده شود (موقتاً انقطاع)
 و یا کاملاً منقطع گردد (دائمی انقطاع) لازم که بر
 نفر، وارخطا نشده فکر و اعتدال خود را محافظت
 نموده بدف و نشانیگاه را خودش انتخاب
 کند.

برای آنکه به سپاهی چنین قابلیت داده
 شود که سر به خود حرکت نماید، باید که همه افراد
 آنحالات مجاربه که در آنها اداره او را منقطع
 میکردند آموخته کرده شود و باید که در چنین حالات
 برای آنکه افراد بصورت درست حرکت بکنند
 تعلیم و تربیه کرده شوند.

نزدیک شدن، یکجائی شدن،
 جمع شدن

۲۳۴ - برای اینکه قطعات در انشای مجار
 باهم دیگر آمیخته نشوند مؤثرترین چاره این است:

که برای خالیکا نایکه از وقوع تلفات حاصل گیرد
 میباید که عموم قطعات متما دیا غیرت کنند که بجانب
 افسر خود نزدیک شوند. پیرکها و دلیکها نیکه دو جا
 ضایعات بسیار شوند شاید که پیرکها و دلیکهای
 مجاور، یکجای شده تابع عین اداره و حکم باشند.
 قاعده این خصوص خاص در اشنای حرکت اجرا
 کرده میتوان شد و بشرط محافظه فاصله نایکه امر
 کرده شد خصوص مذکور باید که تدریجا بعمل آورده
 شود هر نوع ضیقیت که افزونتر از لزوم باشد
 سبب تزیید ضایعات و باعث حصول خالیکای
 مضر درجه عمومیه میگردد.

۲۳۵ - در اشنای جریان محارب از دلیکی گرفته
 تا باخر، افسران هر قطعه و قیبتکه به بسیند که نظر مقصد
 و وضعیت، من بعد به اختیار باقی بودن حاجت
 نماند درین هنگام وی مکلف است که فی الفور قطعه
 خود را فراهم آورده بجزو نماید نایکه از خود دشمن کفایت
 بزرگتر است، الحاق و اتباع نماید.

سر یقا فراهم آمدن عسکر بزر دست افسران
چونکه حائز اهمیت میباشد لهذا درین باب
بانتظار امر حاجت نیست .

۲۳۶ - برای اینکه خط انچور مجتمع نظام در
آید امر و یا اشارت ، فلان تولی ، بلوک ،
پژگ ، دیکسی یوهای - سی ! ویا: یوهای
- سی ! زاو ! زاو ! داده میشود فقره (۲۳۴)
یکجا شدن ، باید که از راه کوتاهترین بسرعت و کمال سکونت
اجرا کرده شود .

دقیقکه یکجا شدن در دیگر نظام امر کرده
نشده باشد تولی بنظام لیک فراهم می آید و
باستناد کی در یکجا شدن ، تفنگ ، بوضعیت
پشوپک میباشد و وزیر راست تولی پیش روی
افسر تولی می آید .

باشای رفتار در یکجا شدن تقری او ترا - یک!
کرده بدنبال افسر تولی می آیند ، در یکجا شدن
بی دویدن ، هر پژگ یا دیکسی ، بعد از آنکه بدنبال

پژگش و نائک خود یکجا شوند بدینگونه مجتمعاً داخل تولی
 میشود. در یکجا شدن به زاو! زاو! حاجت
 نیست که ابتدا پژک و دلکی و لکی یکجا شوند بلکه
 بیک سرعت ممکن دویده در تولی یکجا میشوند. در
 استاده کی، چیه داتا بطرف دشمن میباشد.
 وقتیکه در پسر قنار یکجا کرده میشود بجز ویکه استقامت
 رفتار گرفته شد افسر تولی باز بطرف دشمن میکزرد
 آن تقسیمات جدید که (تقسیمات دلکی) در اشای
 محاربه کرده شده اند تا که برای ترتیب اصلی صورت
 پیدا شود و محافظه کرده میشوند.

۲۳۷ - قطعه که به اچپور نظام بوده باشد
 و یا قطعاتی که بدون ترتیب اصلی یکجا کرده شده باشند
 برای جمع نمودن ایشان به ترتیب اصلی حکم فلان
 لیک نظام ته قول - سی! داده میشود.
 درین حکم، نفری اچپور است ابی آنکه قطعه
 خرد خرد دلکی تشکیل کنند هر فرد در آسائند افسر
 تولی رفته در ترتیب اصلی، موضع خود را میکرد.

تو
 بر
 ا
 مق
 خو
 بد
 می
 ض
 تو
 و
 تو

کندک افسر کندک

۲۳۸ - افسر کندک استعمال و استخدام
 توپها را تنظیم میدهد، بر آن قسم که با چپور خواهد برآمد
 برای او امر میکند و تیر برای قسم نکور و برای
 اقسامیکه در عقب نگاه داشته میشوند تعلیمات
 مقتضیه میدهد. و خود افسر هر جا اینکه کندک خود را
 خوبتر اداره کرده میتواند در آنجا میباشد.

۲۳۹ - افسر کندک اگر در خط چپور باشد
 بدف را انتخاب و اعطا و باز کردن او را امر
 میکند و نتایج آله مسافه را بیان و تأثیر را ترصد
 مینماید. بدون از اینها اداره او را با افسران
 توپی میکند ارد مکر و قتیکه بخوابد که تا شیر اقسام متعدد
 دیاتا شیر کل کندک را در عین زمان و در عین محل
 توحید کند و یا هر وقتیکه دید که افسران توپی احوال

را فرق نمی کنند درین هنگام خود افسر کندک
بالذات مداخله میکند .

خط اچپور

۲۴۰ - صورت تشکیل و حرکت خط اچپور
و موضع گرفتن آن بقرار فقرات (۱۹۷، ۲۰۴) میباشد
همان حالیکه در فقرات (۲۲۸، ۲۲۹) بیان کرده
میشود آنرا مستثنا پنداشته هر حکم که برای اچپور
بر آمدن لازم آید آنرا افسر تولی میدهد .

۲۴۱ - اگر خواسته شود که در عین زمان
چند تولی به اچپور بر آید یک تولی ارتباط تعیین کرد
میشود . قاعده تولی ارتباط داخلی خود را باید که از
وسط خود محافظه نماید و تولیهای مجاور، ارتباط دلیلیها
خود را از دلکی و زرد داخلی خود بگیرند .

۲۴۲ - اگر افسر کندک پیشتر درک کرده
بتواند که یکی استعمال چند تولی لازم آید ابتدا همین
تولیها را بصورتیکه در پس پشت آن محلها که در آخر

وقتکه تویهای مذکور با خپور برآمده میکینند، بیاینه
تفریق میکنه .

۲۴۳ - برای اچپور کردن گل کندک ،
افسر کندک حکم : تؤل فلان کندک اچپور -
زاو! میدهد .

درین حکم اگر کندک بنظام لیک و یا بنظام
فلور قطار بوده باشد بر تولی و سطر ، اچپور
شود . و اگر کندک بنظام تولی قطار و یا بلوک ،
پڑک ، دکی قطار بوده باشد فی الفور تولی
پیشینه (تولی سر) به اچپور می برآید ؛ اما تولیها
پسینه بشی کوثر و کین کوثر تا به حدای تولی پیشینه
رفته بعد از ان هر کدم آنها بر وزیر داخل
خود به اچپور می برآید فقره (۱۰۳) افسر کندک
اگر بخواد که کندک را تنها بیک جهت اچپور
کند حکم : تؤل فلان کندک شیته (کینته) -
اچپور زاو! میدهد .

۲۴۴ - طرحی و طنبور چیان در محار به بتاپس

ارتباط چشمی مابین افسر کندک و افسران تولى اتخاذ
 کرده میشوند . یکی از طرف چپان نزد افسر کندک میرود
 و دیگر طنبور چپان و طرحی به تولىها تقسیم کرده میشوند
 طرف چپان و طنبور چپان باید که در خصوص مخاربه
 بواسطه بصری ، تعلیم کرده شوند .

استاد

۲۴۵ - آن حصه کندک که در دنبال نگاه
 کرده میشود (استاد) نامیده میشود . حصه
 مذکور در تدید جبهه محاربه و در تکثیف خط او را
 در پیر کردن خالیگانه بیکه پیدا میشود و یاد او را
 و زرها استعمال کرده میشود . موقع استاد
 نظر بوظایف فوق تعیین کرده میشود .
 ۲۴۶ - مسافه استاد از خط اخپور بار
 و وضعیت محاربه تابع است . در باب تعیین
 مسافه مذکوره مهمترین نقطه نظر ، این است که خط او

پوره در وقت لازم تقویہ کرده شود لہذا احتی لامکان
 باید کہ استناد بخط اخیور تقرب کند مکر با وجود
 آن باید کہ از تلفات بی لزوم نیز محفوظ باشد
 مابین خط اخیور و استناد ہمیشہ تائیس ارتباط
 چشمی لازم است . بنا برین مقصد ، در اراضی
 مستور ، ممکن است کہ اقائمہ یک متوسط جامعہ
 خرد و یا متحد و نفرات ایجاد کند .

۲۴۷ - حرکت استناد باید کہ بار اراضی
 توفیق و تطبیق کرده شود . نظا میکہ خواہد گرفت
 نیز بحال اراضی و بہ تاثیر اور دشمن تابع است .
 در اراضی کہ در آنجا مستور حرکت نمودن ،
 ممکن است در چنین اراضی ، استناد و بعد ای قدم
 بجمع نظام ، سوق کردہ میتوان شد . در اراضی
 کہ غیر مستور و زیر اور دشمن اند ، استناد اکثر یا
 بہ قیت نظام در آمدہ حتی بواسطہ تریلہ یا نیز پیشرفت
 مجبور میشود . استناد جانز است کہ دلکی و لکی ،
 پیشرفت کند و تیر برای یک مدت موقت بجا نبھا

تیر قج کر دیده از عوارض زمین کلاً استفا ده
ناید .

۲۳۸ - افسر استناد برای اینکه بصورتیکه
فوائد مطلوبه را بخط اچپور ادا نماید باید که حرکات
و موفقیات خط مذکور را بلا انقطاع ترصد کند .
مومالیه هرگاه لزوم دیده باشد که برای
پیشرفت نمودن ، قطعه خود را با قسام صغیره تفریق
کند باید که فی الفور سیکجا نمودنش غیرت نماید .

۲۳۹ - خط او را یا تمدید شده و یا خالیگاه
را اعلام نموده تقویه کرده میشود . اقسامیکه تقویه
نموراند اچپور کر دیده یا سیکسی از وزیر های خط
اچپور میروند و یا خالیگاه های آنرا اعلام میکنند .
نفری اچپوریکه آور میکنند با فرادیکه برای تقویه
می آیند نشانگاه را با او از بلند اخبار میکنند . قطعه
تقویه ، بوظیفه تشویق پیشرفت یک خط اچپور ، که
حرکاتش دوچار توقف گردیده است نیز مکلف
شده میتواند .

۲۵۰ - برای املاي خط اُور باید که هنوز از
 مبدأ حرکت ، امتداد چینه که تقویہ کرده خواهد
 شد تعیین نموده و افراد را در آنجا لیکانیک دیده
 میشوند تقسیم کرده تیار می و همیانی کرده شود . لهذا
 جائز نیست که در خط اُور ، جا بجا کوشها و جمعیتها حاصل
 شود . و قیئکه افراد تقویہ داخل خط اُور کردیدند
 باید که اچوریکه با اُور مشغول اند تعجیر کرده نشوند .

۲۵۱ - سرعت ، تفریق شدن خط اچور
 با قسام جدید تیر در کندک باید که تعلیم کرده شده
 باشد . لهذا افسران تولی و پُر کمشرو نامکها ، خود
 بخود بیجه ، منقسم میشوند . در کندک بدینصورت ،
 سرعت مجدداً پیدا کردن اقسام مقتضی
 و اعاده انتظام اداره اُور ، بهمین دو خصوص
 باید که پیشتر بواسطه تعلیمهای مدققانه ثابین
 کرده شوند .

نزدیک شدن یکجا شدن جمع شدن

۲۵۲ - قواعد اساسیه که در باب نزدیک
شدن یکجا شدن و جمع شدن که در بحث تولى بيان
کرده شده بود در کنگدک نیز جاریست فخره (۲۳۳: ۲۳۷)

۲۵۳ - افسر کنگدک قاعده بریکى از تولىها
نزدیک شدن را امر میکند . درین حال تولىها
اولاً علیحدہ علیحدہ یکجا شده بعد از آن بلوک قطار
نزدیک میشوند . و یا همین دو حرکت مذکور را توحید
نیز کرده میتوانند . درین باب . باید که دانما
راه کوتاهتر انتخاب کرده شود .

۲۵۴ - افسر کنگدک . هرگاه آرزو کند که کل کنگدک
پیش خود یکجا شود و یا در اثنای رفتار یکجا شده
وی را تعقیب کند حکم : فلان کنگدک یوحای -
سى ! دیا : فلان کنگدک یوحای - سى ! زاو ! زاو !

مید بد

درین حکم، افسران و افراد، بر افسر کندک
استقامت گرفته تدریجا پیرک و تولی تشکیل نموده
به تولی قطار نزدیک میشوند (۲۳۹) در اشای
رفقار، هرگاه اقسام مجتمعه هنوز تشکیل نیافته باشد
کیفیت مذکور در محل اجتماع، اجرا مییابد. و در حین
اجباب مجدداً تقسیم کندک نیز در محل اجتماع، اجرا
کرده میشود.

تولیا نیکه پسان می آیند پس پشت آن تولی
که پیشتر آمده، میباشند.

۲۵۰ - برای تشکیل نمودن ترتیب اصلی،
حکم فلان کندک، تولی قطار نظام ته تول - سی!
داده میشود. بدون تولی قطار، هر نظام نیز
انتخاب کرده میتواند شد.

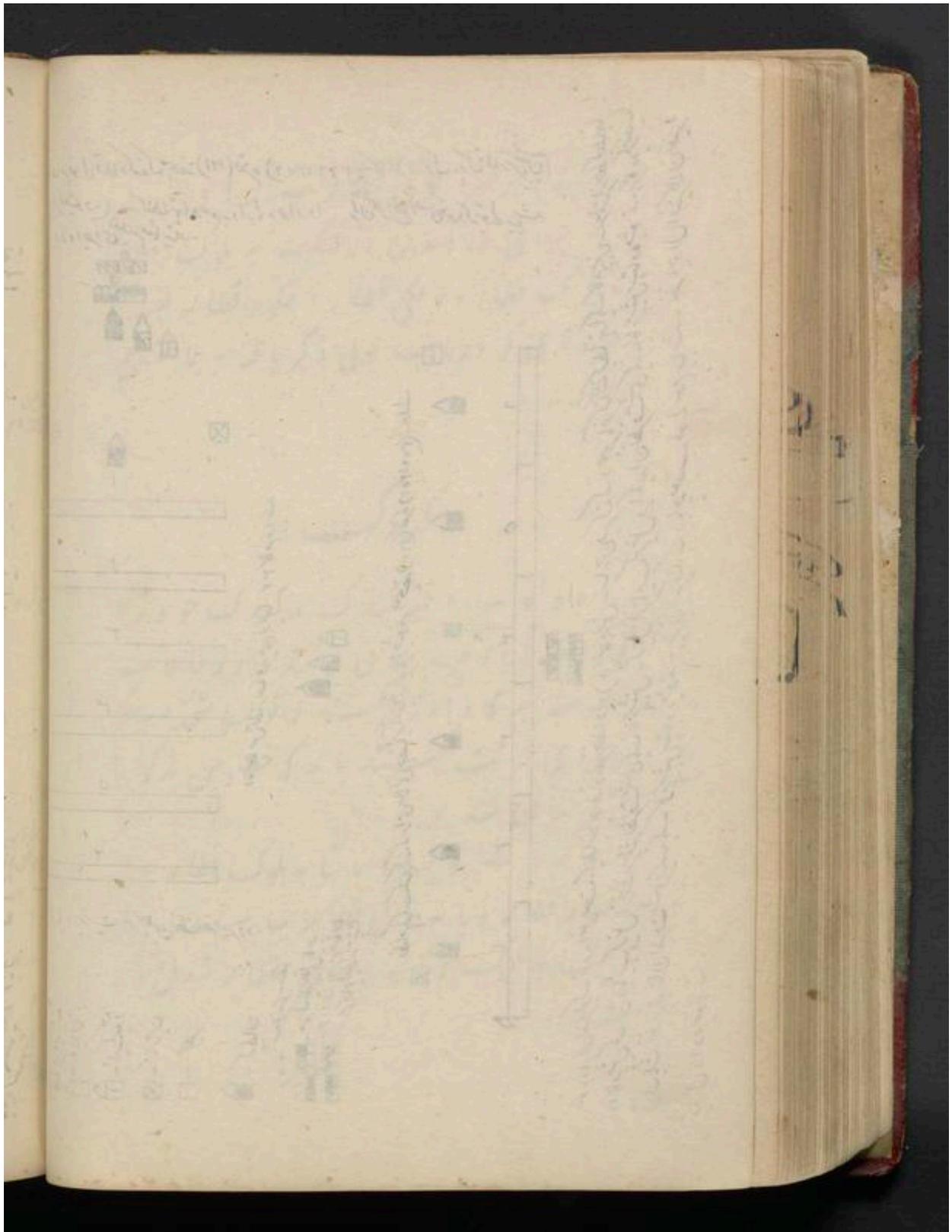
اگر تولی قطار به قسم نزدی قطار مطلوب باشد
قبل از حکم مسافه آن به امر معین شود.
از یک در آمدن بتولی قطار - حکم! شیه

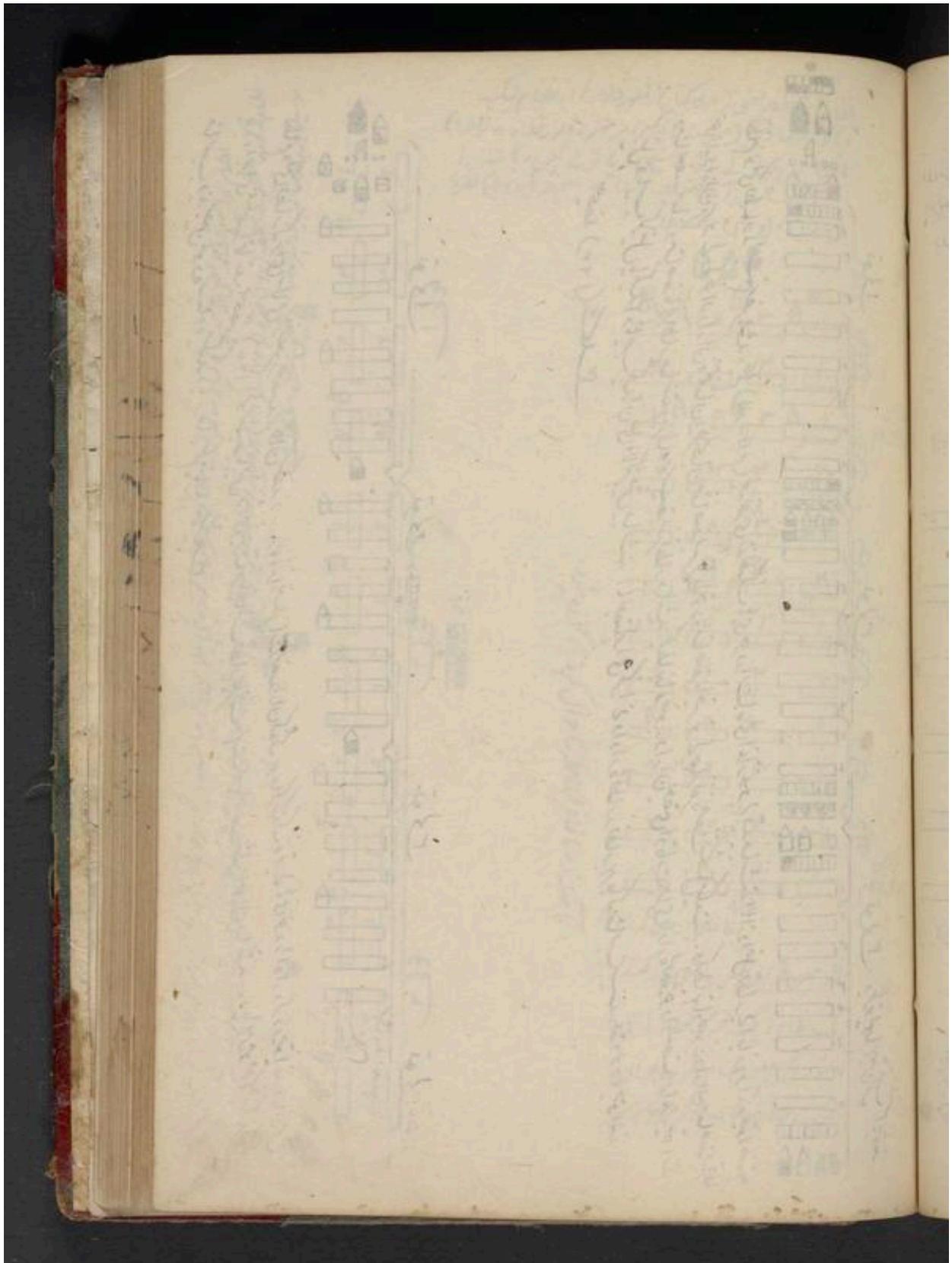
(کیتته) پرمتر تولی قطار - زاو!
 برای در آمدن از لیک به بلوک قطار
 و پُرک قطار و دلی قطار و ثلور قطار بقرار
 فقره های که در باب تولی ذکر یافته به بها تقسیم معمول
 دارند.

کندک

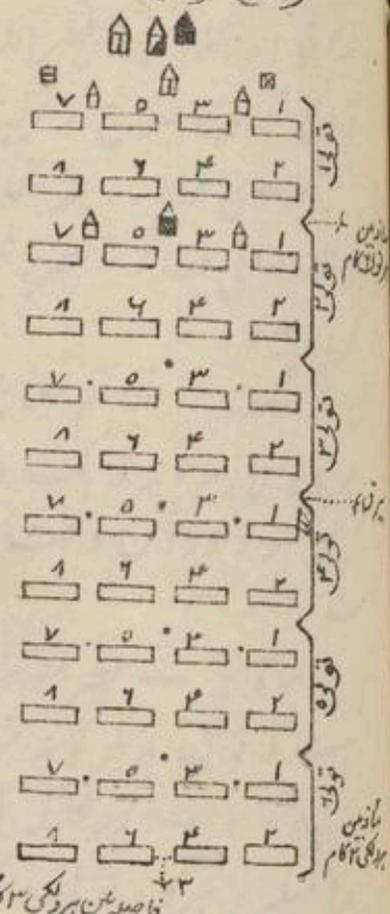
۲۰۶ - افسر کندک ، کندک خود را
 بواسطه او امر ، سوق میکند . در حالات
 خصوصیه هر گاه آرزو کند که تو لیا متخدا به حکم
 اجرایی حرکت کنند باید که خصوص مذکور را
 پیشتر بیان کند .

۲۰۷ - تو لیا اساسا به بلوک قطار و یا
 به ثلور قطار و یا به تولی قطار میباشد . ازین
 ترتیب به لیک و یا به نزدی قطار تبدیل میشوند
 شد .





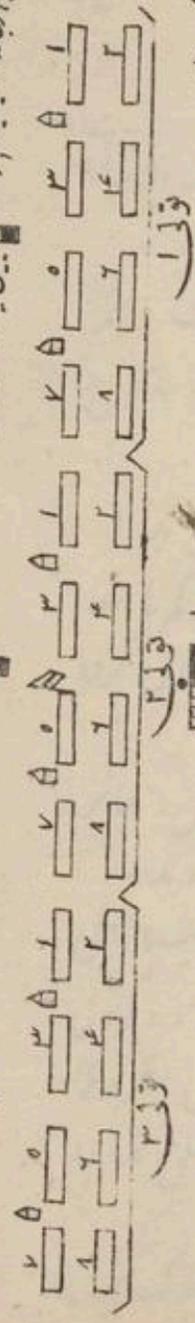
نظام عین قطار یعنی (خری کتاب) از قطار بار از نظام لیک
 و با توله قطار حکم (ششینه) کینه، پر منتر، خلور قطار - زاد:
 درین حکم بر توله اتوله شیبی و با توله کین و یا منتر را
 به خلور قطار در آمد تقطیب میدارند. صحیفه (۱۶۷) فقره
 (۲۵۶)، (۲۶۶) حکمت

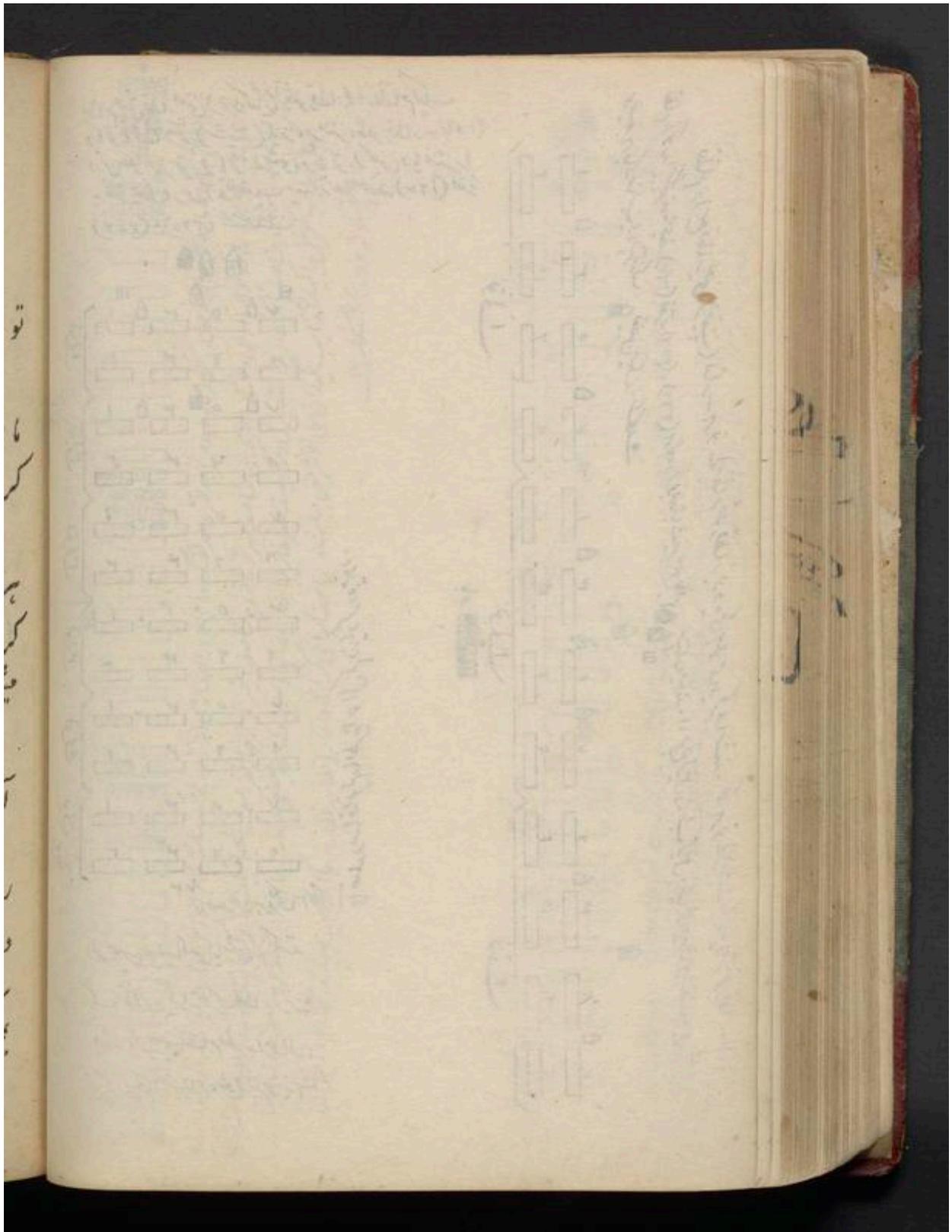


بهرینه در ساندن توپها نظریه احوال کم در زیاد کرده میشود.

اگر همین توپها کین یا شیبی کز کتند
 یک نظام دیگر از غیر قطار نیز پیدا
 میشود اگر همین نظام نظریه احوال به
 غیر قطار ساندن شود نیزها زیادت

نظام واسع قطار یعنی (توپ) کنار - هر توله نظام خلور قطار بود و یکی بهلوی دیگر میباشند. بگو هر توله (ششینه) کینه، پر منتر، خلور قطار - زاد:
 نظام کم کور را بگیرند صحیفه (۲۶۷) فقره (۲۵۶). هرگاه در کورها با ششینه بهر نظام
 مستانه میشوند. ایا موقعی از این کورها کین و کیدان دیده میشود در بعضی
 موسیقه هر یک مناسب بود کز کنگ تعیین میکند. حکمت





خواه مغلای افسران و خواه فاصله مسافت
 توپها نظر به احتیاج ، تغییر یافته میتواند .
 نزدی قطار ، بهم نظام اجتماع است و بهم
 مانند دکی قطار ، بطرز قطار رقتا ر نیز استعمال
 کرده میشود .

یک ، نظام معاینه است . مع بد ا
 هرگاه لازم آید که یک وضعیتیکه عمقش کم باشد
 گرفته شود در آن وقت نیز یک استعمال کرده
 میشود .

۲۵۷ - نظر بمقتضای مقصد و محل ، جائز
 است که توپها بدیکر گونه ترتیب کرده شوند .

۲۵۸ - در محلیکه توپی سوم ترتیب اصلی
 را میگیرد هرگاه توپی مذکور تبدیل شود و دیگر توپی
 در محل مذکور جای بگیرد بیرق همیشه بجل مقرری
 سابقه خود میباشد . بیرق به توپی تعلق ندارد
 بجل معین تعلق دارد .

دقتیکه کندک برای محاربه ، انبساط کند بیرق

در تردد آن تولی که بود میماند .

و با بلوک آخرین بهین تولی سخط آور میسرود .

بهمه حال باید که در تردد بیرق یک دلگی بماند .

بچنین دقتیکه کندک برای محاربه ، اتساع کند

طرم هجر ، به تردد افسر کندک میسرود .

۲۵۹ - خدا و فاصله ، در راستا دکی

از طرف راست است . در اشنای ر قنار ،

در نظام ترددی قطار ، باز از راست ، و در نظام

ترددی قطار ، از تولی قطار ، از بلوک میانه ،

و در نظام لیک و نظام لیک از تولی قطار

از بیرق گرفته میشود .

۲۶۰ - در نظام معاینه ، خدا ، از خورد

افسران خدا گرفته میشود . فقرة (۱۲۱)

۲۶۱ - حرکات کند کیکه خواه در مجتمع

نظام باشد و خواه متح گردیده باشد و نیز

اتساع تویها ، بعدی قدم اجرا کرده میشود .

در میدان محاربه ، هرگاه محافظه نظام و انتظام

در
ک
در
با
قا
بو
ب
یش
حا
او
حر
آن
بیر
را

۲۵۹
۲۶۰
۲۶۱

و ضبط و ربط لازم باشد گام موزون استعمال
کرده میشود و در همین رفتار، برابری، تنها
در داخل تولی خواسته میشود.

۲۶۲ - حرکات کند کیکه در مجتمع نظام
باشد و نیز تبدیل استقامت رفتار، بقرار
قاعده نائیکه در باره تولی بیان کرده شده
بود میباشد. حرکات چرخ در نزدی قطار،
به علم افسر تولی، بقسم چرخ کوثر اجرا کرده
شود. فقه (۱۰۸)

۲۶۳ - اتساع کندک نظر بوضعیت
خاربه اجرا کرده میشود. برای اتساع کندک
افسر کندک، اولاً جبهه را ثانیاً تولی که همین
حرکت اتساع بر آن اجرا کرده خواهد شد،
انرا (تولی اساسی را)، ثالثاً صورت حرکت
بین تولی را تعیین کرده بعداً محلهای دیگر تولیها
را امر میکنند.

هرگاه کندک، بر خط اساس، اتساع

نماید مسافران ، در حین شروع به رفتار ، گرفتار
میشود .

در ابتدای رفتار ، کندک ، بر تولی سر ، اتساع
میکند . و همین تولی ، در ابتدا ، تولی ارتباط میشود
اصول بیط و ساده ترین ، برای اتساع
کندیکه در رفتار رفتار باشد بعین است ، که هم
قطارهای تویها با استقامتهای مناسب ، تویها
کرده شوند . تویها بجهلهای معین خود ، از راه
کو تا بهتر میروند . و در حین توقف ، تویها پیشرو
نموده آرام سی میکنند .

۲۶۴ - حرکات کندیکه اتساع کرده
باشد بواسطه اعطا و ارائه نمودن آن استقامت
رفتار که تولی ارتباط ، آنرا تعقب خواهد نمود
تنظیم کرده میشوند .

احوال اراضی و محاربه ، گاه گاه باعث
گردیده میتواند که افسر تولی ، فاصله و مسافتها
امر کرده شده اند تغییر و تبدیل کنند .

آن نظام مینا سبترین که برای حرکت ، موافق
 باشد آنرا بالذات انتخاب میدارند . بعد از
 در آمدن بخار به ، لزوم توفیق حرکت بخار به ،
 هر قدر که افزون تر کردید اهمیت تولی ارتباط
 همانقدر کمتر میگردد .

۲۶۵ - برای تبدیل استقامت رقرار
 کند کیکه اتساع کرده باشد ، به تولی ارتباط ،
 یک استقامت رقرار جدید ارائه کرده میشود .
 هرگاه افسر کندک یک ترتیب جدید ، امرنگرد
 باشد درین حال تو لیا مثلیک تنها بوده باشند
 به حیثه جدید کشته ، موافقیکه پیشتر در آنجا بود
 تدریجا میگیرند . هرگاه استقامت رقرار ،
 قدری زیاده ، تبدیل کرده شده باشد اکثریا
 بیک ترتیب جدید ، لزوم حاصل میشود .

۲۶۶ - جمع شدن کند کیکه اتساع کرده
 باشد بر آن تولی که افسر کندک تعیین مینماید
 از راه کوتاهتر اجرا کرده میشود .

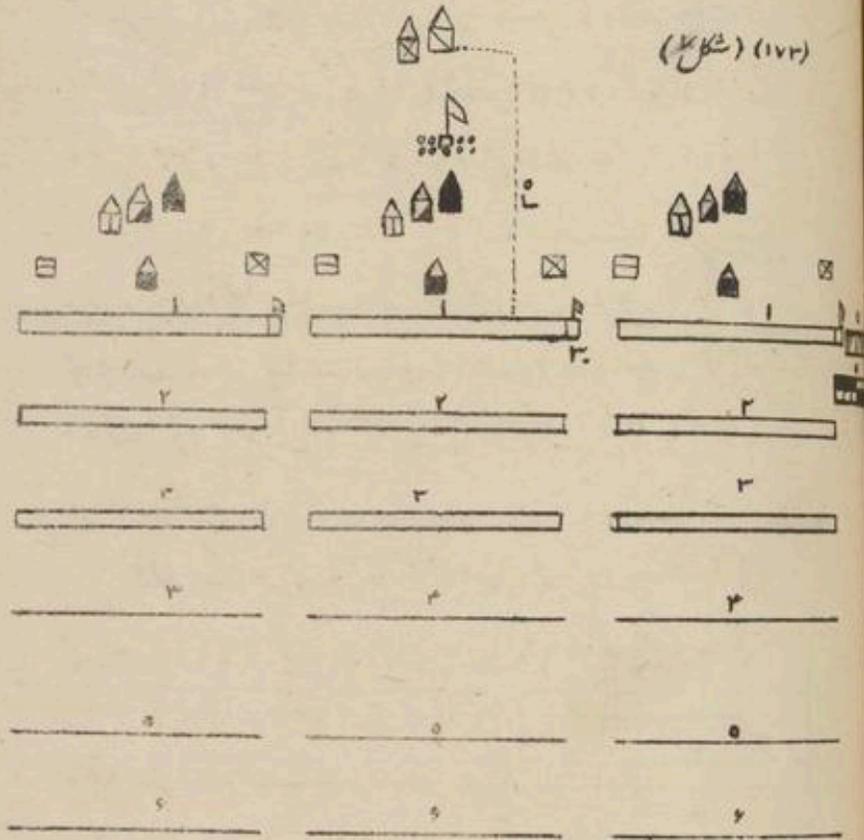
۳- غنڈ و لوا

۲۶۷ - افسران غنڈ و لوا، غنڈ و لوا را
 امر داده سوق و اداره میکنند .
 ۲۶۸ - در داخل غنڈ، کند کما، بریک
 ویا بر متعدد خطها ترتیب کرده میشوند . و در داخل
 لوا غنڈ، جناحدار و یا خطدار و عند اللزوم
 در محلهای متفرق، جمعیت جمعیت، ترتیب
 کرده میشوند .

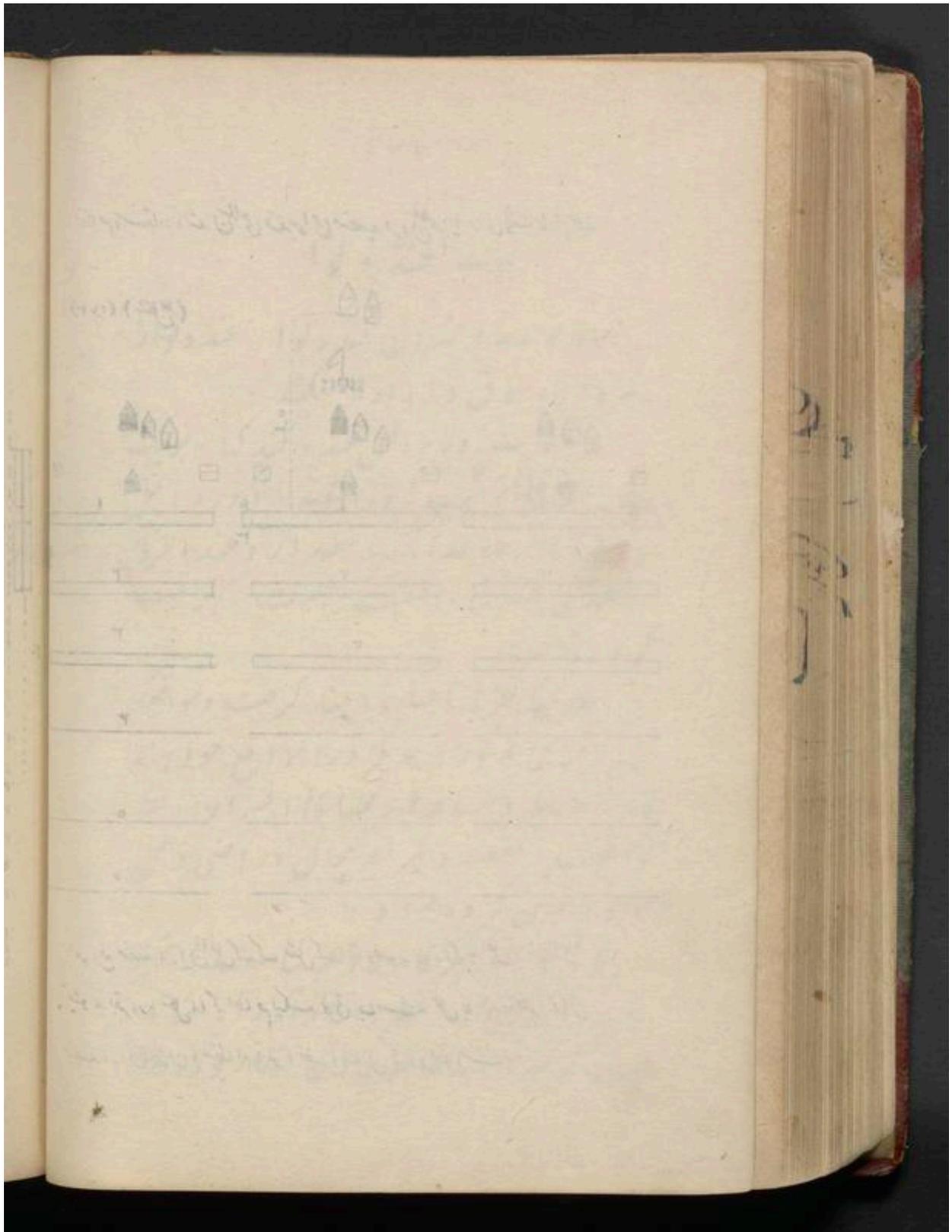
نظا میکه جزو تا مها خواهند گرفت و موافقیکه
 جزو تا همای مذکور به بهدیکر در احوال واقع خواهند
 بود و فاصله و مسافتها و محلهای افسران، نظر
 بوضعیت و مقصد و نیز نظر بحال اراضی و محل
 موجود تعیین کرده میشود .

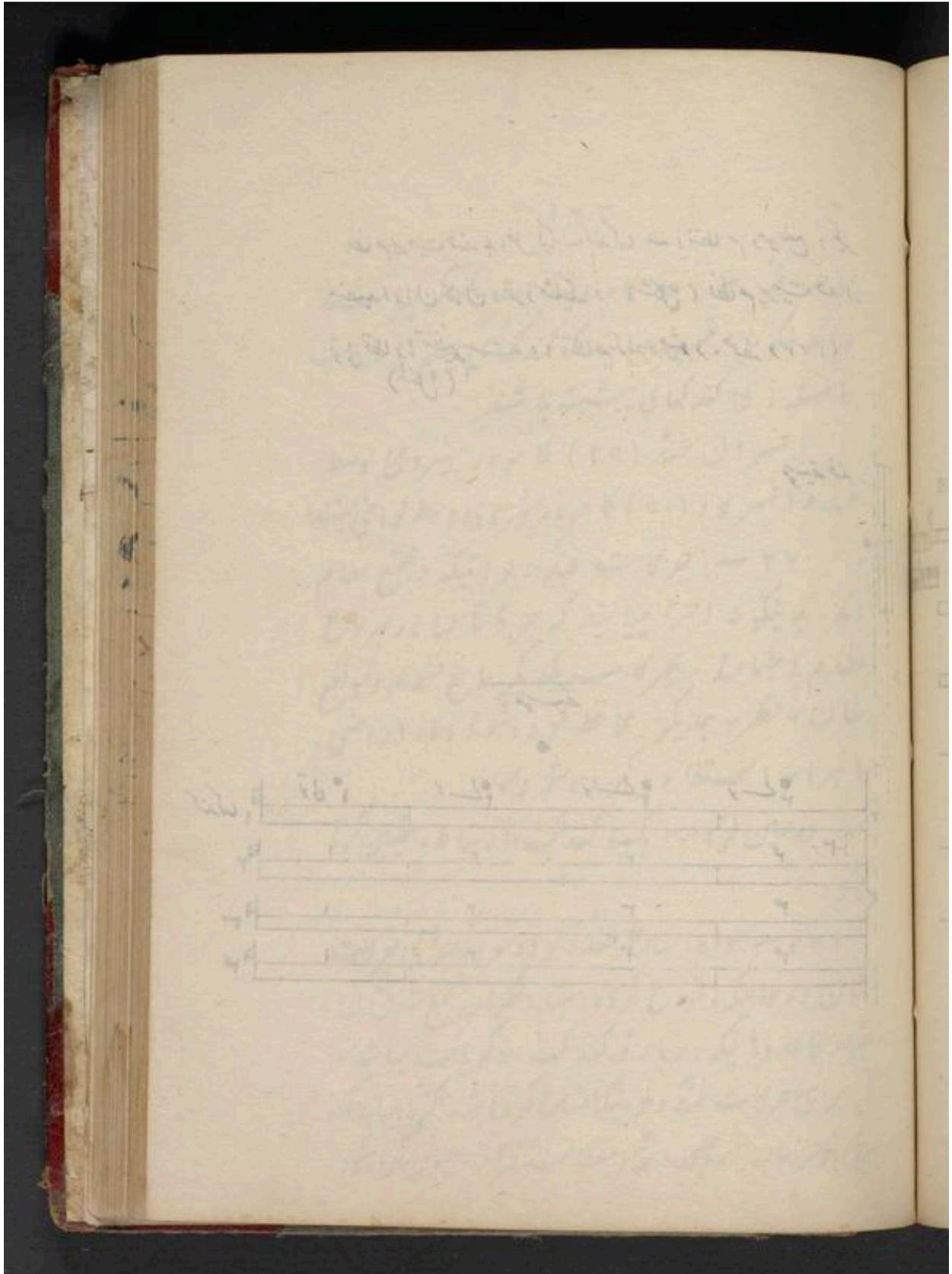
۲۶۹ - هرگاه لازم نباشد که تأثیر
 دشمن و اراضی، به نظر اعتبار آورده شود
 کند کما قاعده در نظام نزدی قطار بوده بفاصله

نظام استاده شدن سلامی خند برای منصبه اران منظم و یا برای وقت لازم صحنه



مواقع منصبه اران داخل کندک مثل کبکها و صوبه دارا که بد داخل تو را خود است
 میشوند بقرار (شکل ۱) که نظام یک تولی میباشد عمل نمایند. نظر باحوال
 منصبه اران کلان انتظام آنرا تغییر و تبدیل کرده میتوانند.





نظام پریت غنڈ بد اعلیٰ کنڈ کہا - انتظام و موضع دیگر
 منصبہ اران کلان و خرد شلیکہ در (شکل ۹) نظام پریت غنڈ از
 تولی قطار تنظیم شدہ انتظام کردہ میشود. صفحہ (۱۷۲)
 (شکل ۱)

موسیقہ غنڈ

موسیقہ

کنڈکا	تولی ۱	تولی ۲	تولی ۳	تولی ۴
۱	۲	۳	۴	۳
۱	۲	۳	۴	۳
۱	۲	۳	۴	۳

و مسافت ۳۰۰ ۳۰ کام باستقامت یکدیگر میباشند.
و یا بدینگونه ترتیب مییابند که کندکهای پسینه باستقامت
فاصله نامی کندکهای پیشینه باشند.

افسران غنڈ (۲۵) کام در پیشروی وسط
غنڈ و افسر لوا (۵۰) کام در پیشروی وسط لوا میسند.
۲۷۰ - حرکات غنڈ و لوا اینکه در مجتمع نظام
اند، بدینگونه اجرا مییابند که جزو آنها در هر نوع
نظام اجتماع، بحرکات یکدیگر مانع نشوند و مواقع
شان، نظریه بهمیکر، محافظه نموده شود و از اراضی،
ماهرانه استفاده کرده شود.

در حین لزوم، یک کندک، ارتباط، تعیین کرده
میشود.

۲۷۱ - خواه اتساع غنڈ و لوا و خواه اجرای حرکات
شان در حالیکه اتساع کرده باشند و تکرار، جمع شدن،
بقرار قاعده، اینکه در باره کندک، ذکر یافت میباشند.
برای حرکات غنڈ و لوا اینکه اتساع کرده باشند اکثر یا میباید که
بهری از جزو آنها علیحدگی یافته تقاضای استقامت قرار، تعیین کرده شود.

قسم ثانی

نظام معاینه و پریت

سیرق گرفتن و پس بجای خود بردن ، رسم تعظیمها ،
طنبورچیان ، طرحیان ، موزیقه یعنی ما چه

۱ - نظام معاینه و پرتهیا قواعد عمومی

- ۲۷۲ - در نظامهای معاینه و در پرتهیا ، خدا
و فاصله ، داناتا از طرف راست است . کل غم بر کما
یک قطار ، بیک استقامت میباشد .
- ۲۷۳ - در نظامهای معاینه و در پرتهیا
هرگاه از یک کندک دو دیا زیاده تر تولی ، موجود
باشد امر و حکم ، به افسر کندک عائد میباشد .

هرگاه موجود تو لیاها، از کند کهای مختلف باشند امر
 و حکم بقدم ترین افسران بهمین کند کها عائد میباشد.
 در خصوص امر و حکم، قطعات بزرگتر نیز، به
 آال و مضمون بهمین قاعده، رعایت کرده میشود.
 قطعات جسمیه و صنوف مختلفه، نظر بایجاب
 و لزوم، یک دنبال دیگر (خطدار) ترتیب گرد
 میشوند. و کیفیت حکم، بصورت مخصوص تنظیم
 کرده میشود.

۲۷۴ - طرز حرکت افسر یک قطعه مستقل
 مانند حرکت افسر یک غنچه میباشد.

۲۷۵ - در نظامهای معاینه و در پریتهما
 افسرانیکه در داخل قطعه اند و یا حکم میدهند کرج
 میکنند.

۲۷۶ - آن ذوات سائره، که راسا
 ما فوق قطعه که معاینه و پریته را اجرا میدارند بود
 حاضر باشند در نظام معاینه، نظر به سمت
 آمدن ذاتیکه معاینه را اجرا میکند بجناب است

و یا بجناح چپ قطعۀ مذکور راستاده کریج نمیکشند؛
 و بطرف خارجی ذات مشارالیه، نظر بر رتبه و قدم
 شان مرتب بوده بدرازی کل جبهه، به همان ذات،
 رفاقت میکنند.

در پریت، ذوات مشارومونا الیهم، بی
 معیت خود، یک کام بطرف راست استقامت
 رقرار، به قطعۀ رفاقت میکنند. بدینوجوب؛
 که قدمدارترین شان بجذای صف اول طنبوری
 و طرچیان، و باقیمانده شان نظر بر رتبه و قدم خود
 یک عقب دیگر حرکت میکنند.

و بذاتیکه برای وی رسم تعظیم نموده میشود
 بدست سلام کرده و از پس پشت او گشته بطرف
 راست دمی ایستند.

افسر یک فرقه، هرگاه قطعانش یعنی فرقه
 خودش بداخل خطیکه به آن حکم میدهد نباشد
 افسر مشارالیه، به پریت فرقه خودش تیر، بقرار
 فوق رفاقت میکند.

۲۷۷ - یاوران و ارکان معیت منصبداران
 کلان (افسران لوا و قطعات بزرگتر) که در معاینه
 حاضر اند. ذاتیکه برای وی رسم تعظیم کرده میشود،
 هرگاه از طرف راست، بمعاینه آغاز کنند ایشان
 بچپ است در پس پشت افسرانیکه به معیتش
 میباشند میایستند. و از طرف راست چپ
 بدرازی چپ، به افسران خود در فاققت میکنند.
 (حالیکه در فقره: (۲۹۳) مذکور است مستثنا میباشد).
 و هرگاه از جناح چپ، بمعاینه، شروع نماید
 افسران موما الیم بچپ میروند. بلکه بجایای
 خود که در جناح راست است میمانند.

۲۷۸ - افسرانیکه خاص برای تماشای معاینه
 آمده باشند ایشان بچپ است و بطرف
 راست ذواتیکه رؤسا فوق قطعه اند نظر منصب
 و موجودشان یک چند صف تشکیل نموده میایستند.
 افسران موما الیم درین اثناء، بمعیت ذاتیکه
 برای وی رسم تعظیم کرده میشود التحاق کرده میشوند.

(فقره - ۲۹۳) مستأبت .

۲۷۹ - هرگاه ذایتکه برای وی رسم تعظیم کرده خواهد شد پیاده باشد خواه در اثنای معاینه و خواه در اثنای پریت باید که کل افسران سوار نیز از اسب فرود آمده پیاده شوند .

۲۸۰ - در نظام معاینه ، قطعات ، بقرار

فاصله های زیر مرتب میباشند :

کندک - ۲۰ - کام

غند - ۳۰ - "

لوا - ۵۰ - "

فرقه - ۶۰ - "

اردو - ۹۰ - "

هرگاه محل ، مساعد نباشد جائز است که بین فاصله های بدین درجه ، تنقیص کرده شوند که افسران قطعه و طربچیان و طنبورچیان و باجه نوازان جای شوند .

۲۸۱ - در عین تقرب ذایتکه برای وی ،

ایفای رسم تعظیم کرده میشود افسر، برای اینکه
 کل قطعات، وضعیت سلام بگیرند حکم میدهند.
 و بعده نظر بسمت آمدن ذات محترم، افسر موافق
 ایله به وزر راست و یا به وزر چپ رفته ریوٹ
 (یعنی تعداد) موجود را تقدیم مینماید.

برگاه افسر، سوار باشند برای تقدیم نمودن
 ریوٹ مذکور دست راست خود را به بند کریچ
 در آورده کریچ را، بحال خود آذینان میکند و
 در نظام معاینه، افسر، کریچ خود را بوضعیت
 سلام گرفته و در میان ذواتیکه در فقره (۲۷۶)
 مذکور اند نظر بقدم و منصب خود بیصفت، و خل
 شده بذاتیکه معاینه را اجرا میدارد بدراری
 چپه، رفاقت میکند، بعده به پیشروی چپه برآمد
 و اشارت داده موزیقه (ظریحان و طعنورچیان)
 اسکات میکند.

۲۸۲ - ذواتیکه برای وی ایفای رسم تعظیم
 کرده میشود و وی در (افسران استقامت - شخصها)

اقامه کرده استقامت رقرار را تعیین نماید .
 ۲۸۳ - افسر، در پریت، بجزای شاخص
 اول، (افسر استقامت) با کریچ، سلام میدهد.
 و نیز کل افسران کلان که در پیشروی جبهه میگذرند
 و حتی افسران تولی، که برگاه در پیشروی جبهه
 بوده باشند ایشان نیز، در جزای شاخص اول
 با کریچ، سلام میدهند .

۲۸۴ - افسر، تا بجزای شاخص دوم،
 بوضعیت سلام - برگاه سوار باشد - بعداً
 میرود، بعد از اینجا - برگاه سوار باشد
 چهار نعل - بطرف راست برآمده اندکی پس
 پشت راست ذاتیکه برای وی ایفای رسم
 تعطیم کرده میشود می ایستد . و تا که پریت، تمام
 باید کریچ را در وضعیت سلام گرفته در اینجا میماند.
 شکل

افسر خند و یا قطعه کلانتر از خند، که در پریت،
 حکم میدهند (افسر یک قطعه مستقل نیز) بقرار فوق،

بطرف راست برآمده بطرف راست ذاتیکه
 برای وی ایفای رسم تعظیم کرده شود نظر منصب
 و قدم شان ، اخذ موقع میکنند . حالیکه در فقره
 (۲۹۳) بیان شده است مستثناست .
 یا ورو افسران معیت امرائیکه بقرار فوق ،
 بطرف راست برمی آیند تا که از خدای شاخص
 دوم بگذرند و بر و میروند . آن افسران بلوک
 که در وزیر راست میباشند (بیرقدهار و یا خرد
 افسران وزیر راست) باستقامت شاخصها ترتیب
 میشوند . و ایشان در پریت تماماً باستقامت
 رتقاریکه بشاخصها ارائه کرده شده است میروند .
 ۲۸۵ - در پریتها قطعات عددی خبرک را
 بنظر مطالعه نه آورده بقرار مسافه های ذیل یکدیگر
 را تعقیب میدارند :

- بلوکها و تویلیها - ۲۲ کام
- کندکها - ۴۰ "
- غندکها - ۸۰ "

قطارهای غنچه - ۱۰۰

لوا - ۱۰۰

فرقه ۱ - ۱۲۰

اردو ۱ - ۱۵۰

گندگهای پسینند ، بحال نژادی قطار بوده
به حکم افتر خود تا به مبدأ حرکت ، پیش میروند

شکل

۲۸۶ - کل آن ضابطان و ضابطان
استقامت که در رکن دارند به علم و عقابها تکیه
میکنند بدست ، سلام ، میدهند . شکل ()

نظام معاینه

۲۸۷ - قوی ، بصورتیکه بلوکها از طرف
راست به ترتیب اصلی بوده باشند ، بنظام
یک میباشد .

۲۸۸ - کندک ، هرگاه بدیگر نظام ، بودنش

امر شده باشد بقرار شکل بظام لیک
میباشد .

هرگاه معاینه ، از طرف چپ اجرا یابد
فصله ، افسران کلان و یا در کندک ، باز
بطرف راست بجای های خود میمانند . در حکم
معاینه نظام - لسی ! افسران تولی و
یا در کندک و طرحیان و طنبورچیان و باجه
نگاهای اصلی خود را میگیرند .

۲۸۸ - کندکها ، در داخل غنند ، یا بظام
لیک و یا تندی قطار بوده پهلو په پهلویا باشد .
در حال دوم ، مسافه های بلوکها و تویلیها ، تا پنج
پنج کام تقیص کرده میشود .

هرگاه معاینه ، از طرف چپ ، اجرا یابد
تنها افسر غنند ، بوزر چپ میرود .

ذاتیکه برای وی ایفای رسم تقظیم کرده
شود بجز دیکه از پیشروی یک کندک گذشته
بوزر کندک متعاقب رسید افسر کندک با تقم

به پیشروی جبهه برآمده بطرحچیان و طنبورچیان
 (به باجه) اشارت اسکات میدهد . و بعده
 کندک خود را ، اوژاپک کرد اینده بخلیکه
 پریت مقررست میرود .

۲۸۹ - غنڈا ، در داخل لوا ، بصورتیکه
 کندکهای شان بنظام لیک و یا نزدی قطار بوده
 باشند پهلو به پهلو میباشند .

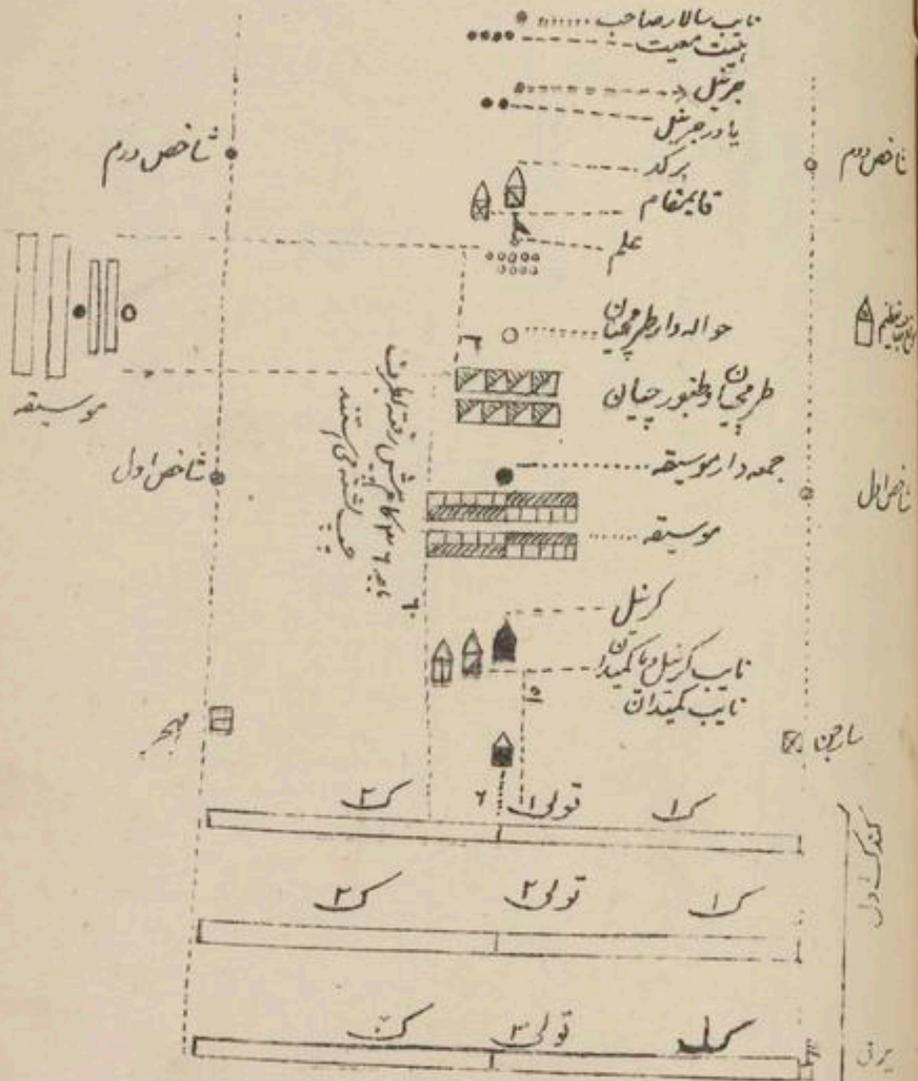
ذاتیکه برای وی ، ایفای رسم تعظیم کرده
 میشود بجز در رسیدنش به وزیر است یا چپ
 نظام معاینه ، بدون غنڈ نخستین ، افسران دیگر
 غنڈا به غنڈهای خود ، اوژاپک میکنند . و در حین
 تقرب ذات محترم ، به غنڈهای خود ، دو باره
 سلام کی میکنند .

پریت

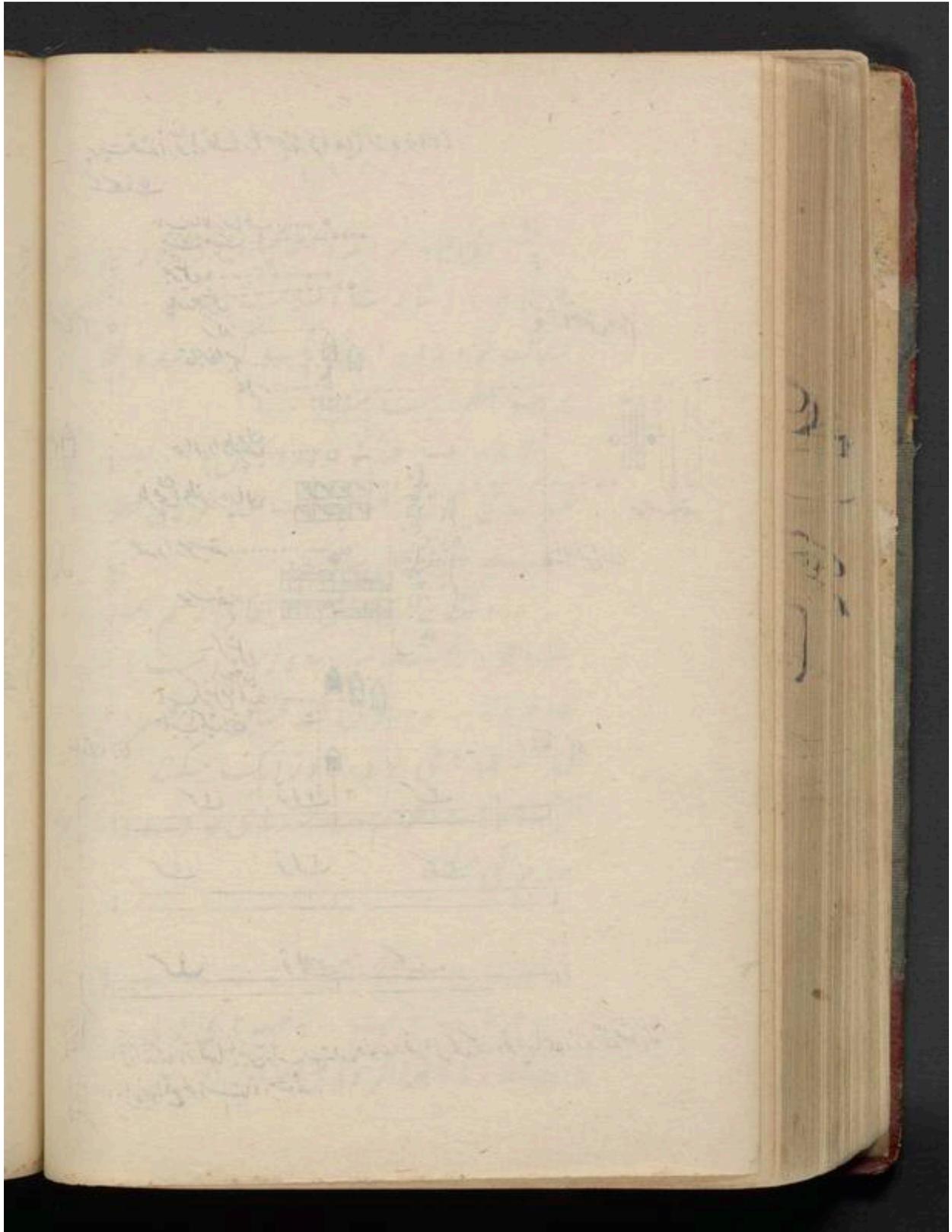
۲۹۰ - پریت ، به جبهه های تولی ، و یا
 تولی قطارنا اجرا کرده میشود .

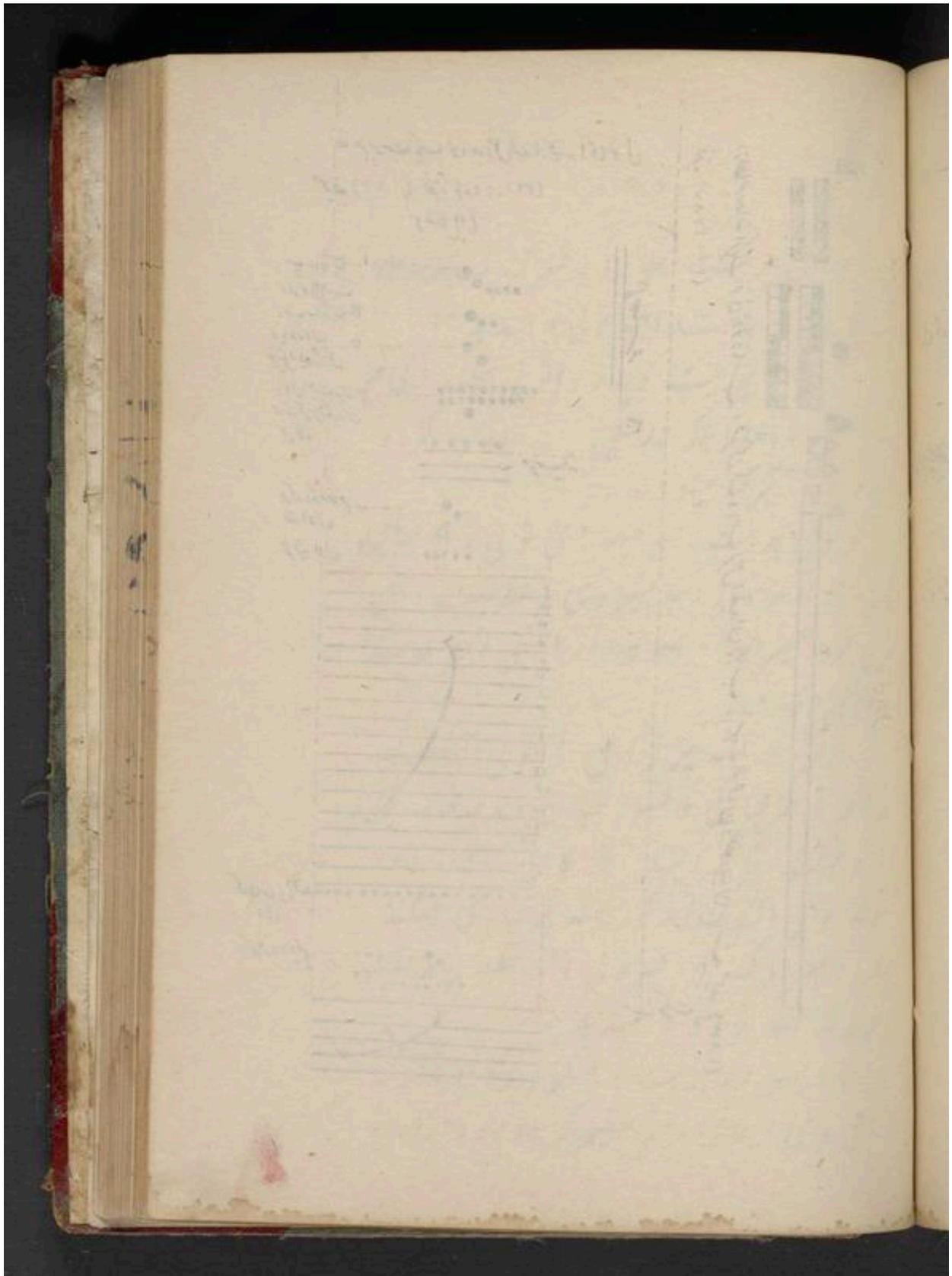
پریت غنڈا توڑ قطار یا صحیفہ (۱۶۰) نفرہ (۲۹)

کھنڈ

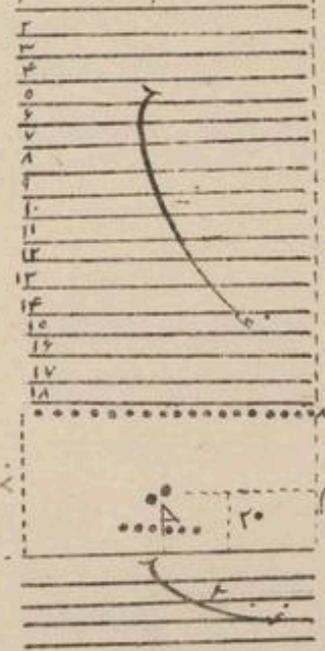
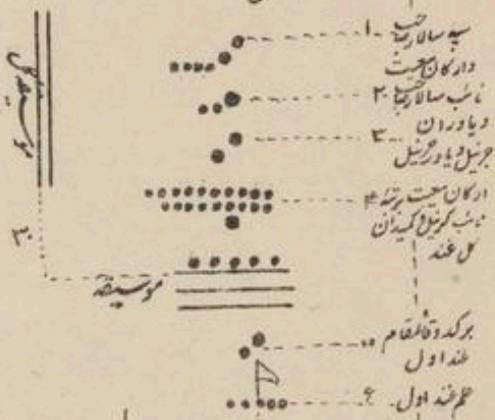


ماقی کندکاء تو لہیا ہا میں ترتیب ستارہ چنوندان فرمان کندک و تو لہیا ہی دو و ستہ ۳۰ مشیل کندک
 اول ہواقع خود ستارہ چنوندان





نظام پرست یک لود به اول فدا به جیمه ای توی
صفحه (۱۸۶) قفزه (۲۹۰:۲۹۲) (شکل ۱۱)



دو نظام سعاینه ارنک توی موجوده است افرکنده و ناب کزین کیدان بکاب راست طریحیان و مینو پرتیان میباشد (۱۸۳)
نقشه (۲۸۷:۲۹۰)

توی اول

مبدأ حرکت

برای پریت ، حکم را افسر کندک (برگانه
 تنها یک تولی باشد افسر تولی) میدهد .
 در حکم : پریت و پاره به تولی قطار نظام
 - نشی ! محلها تنگ در شکل اراده کرده
 شده است گرفته میشود .

برای پریت ، به جبهه های تولی ، افسران
 تولی کام دور ، به پیشروی وسط صف اول
 تولی خود میروند . صوبه داران بشتی وزیر بلوک
 خود میروند .

در حکم : پشته پرزای ! تولی (کندک) -
 زاو ! طرچیان و طنبور چیان و باجه خانه ، برتن
 آغاز میکنند ، تا که اینها به کام مسافه ، دور
 شوند تولی (کندک) مذکور پشته پرزای میکند .
 بعد افسر بلوک (افسر تولی) به قطعه خود حکم :
 اوژند - زاو ! میدهد .

۲۹۱ - در پریت ، عسکر ، بسوی ذایتکه
 برای وی ایفای رسم تعظیم کرده میشود آزادانه

دیده میروند . اما افسرانیکه باستقامت شاخصه
میروند و تیریر قد اران و خور د افسران ، رو
برومی بیستند .

بعض ترتیبات خصوصیه در بانظام
معاینه و پرتیها که بحضور شجریاری
اجرا کرده میشود

۲۹۲ - درین معاینه و پرتیها ، عموماً بر چه یک
کرده میشود .

تنها افسرانیکه به صنف پیاده فسونند و افسران
صنوف ساثره که به تنسب نظارت حریبه ، متوقفاً
ملحق اند درجه بوده میتوانند .
و در صنف خور د افسران ، تنها خور د افسران
و لشمشان ، مساواة منقسم بوده در صنف مذکور
استاده میتوانند .
در نظام معاینه ، کافه قطعات ، در دفعه اول

عموماً سلام کی میکنند . بجهده لوا ، در وضعیت
سلام مانده دیگر لوانا ، پشوپک میکنند . و متعاقباً
بر وقت که برای شان ، نوبت رسید تا نیا لوانا
لوا سلام کی میکنند . در سلام نخستین ، بامجه . سه
دفعه ، هوای سلام رازده در عقب بر یکی ،
از طرف عموم ، دعای : [عمر دیر شد پادشاه]
تکرار کرده میشود . و در نهایت هر دعا ، بدست
راست ، سلام نیز ، گرفته میشود . اما افسرانیکه
کریج کشیده اند بدست سلام نمیگیرند . در نظام
معاینه نیکه به عقب آن مانوره های کلان که در حضور
ذات شوکت سمات حضرت پادشاهی اجرا
میا بند گرفته خواهد شد بتقرب ذات شهر باجا
باجه خانهای غنما ، به ترتیب همان هوای سنگینکه
میزدند آنرا قطع نموده به هوای طی شروع میکنند .
در اثنای مرور شانانه ، از پیشروی جبهه ، تنها افسران
لوانا افسرانیکه بمنصب . کلان تر اند افسران
اجنبی که مدعوا حاضرند همرا کاسب همایون میروند .

افسران غند (افسران قطعات مستقل) در اثنا
 پریت، بعد از گذشتن شان از شاخص دوم،
 بطرف راست، بر آمده به پس پشت چپ دست
 شوکت سمات حضرت پادشاهی رفته می ایستند.
 در اثنای مرور قطعات، اسامی کافه افسرانیکه
 میگذرند (تا به افسر تولی) بدون انتظار سؤال
 عرض و بیان میکنند.

هرگاه افسر غند در این ولع غازی ملحق افسران
 در وضعیت معاینه باشند، بی یا در، بطرف راست
 چپ افسرانیکه بقطعه، حکم میدهد استاده کرج
 نای خود را میکشند.

در همین پریت، افسران غند و سائره در
 پیشروی اغزازی ملحق مذکور و این نیز، در پیشروی افسرانیکه
 بقطعه حکم میدهد بوده در حدای شاخص دوم،
 از قطار برمی آیند.

هرگاه، ملحق افسر اغزازی، افسرانیکه بقطعه حکم میدهد
 بپقدم باشد در نظام معاینه بچپ یا به راست

افسر مذکور می ایستد . و در پریت . یک و نیم
 کام دور ، به پس پشت چپ وی می باشد .
 آن استقامت رفتار که برای پریت ، امر
 شده بود ، هرگاه از سبب باد ، تبدیل آن
 لازم باشد درین باب به تحصیل اراده سنی
 تشبث کرده میشود .

۲ - علم و عقاب گرفتار با بخل خود برین

۲۹۳ - برای گرفتن علم ، از جایکه در اینجا
 محفوظ است یک تولی کامل ، با کل افسران او
 و طنبورچی و طرحیان کندک و باجه کندک ، مأمو
 کرده میشود . (به فقره اخیر فقره - ۲۹۰ مرتبت
 کرده شود) .

افسر بقید متر تولی و علم دار و یک حواله
 به عملیکه در اینجا علم محفوظ است رفته به تولی ، انتظار
 میکنند .

و قتیکه توی بخلیکه در آنجا علم میباشد رسید
 به پیش روی بهاخل بشرطیکه چیه به بنا متوجه باشد
 و هرگاه ممکن باشد دلکی و زر راست توی، رو
 بروی مدخل آید توی بنظام لیک استاده
 میشود باجه خانه به و زر راست توی می ایستد.
 بجز دیکه توی، وضعیت ندکور را گرفت، بشرطیکه
 صوبه دار، پیش، و حواله دار، پس، باشد
 علم، از بنا بر آورده میشود.

افسر توی حکم سلام میدهد. و باجه یک هوای
 سلام را، ترخم میکند. بعده با شارت افسر
 توی، باجه را قطع نموده علم بردار با محافظان
 علم، به پیش روی و زر راست توی آمده می ایستد.
 صوبه داریکه بر فاقه علم بود به چپ علم و تیر
 یک صوبه دار دیگر که در قدم، به صوبه دار مومالیه
 نزدیکتر است بطرف راست علم میرود. و
 حواله داریکه بر فاقه علم بود، از و زر راست
 توی، برشته بجای خود میرود. بعد ازین، توی،

برای عودت، حرکت میکند. برای عودت،
در عین لزوم، حکم: شیتة دلکی قطار - زاو!
شی دلکی - کین چرخ! داده میتوان شد.
طرچیان و طنبورچیان و باجه، از طرف راست،
مثل دلکی، کین چرخ نموده، بی زدن باجه،
پیش روی جبهه تولی می آیند. و بشرطیکه
پیش روی دلکی و زر راست، خالی باشد می ایستند.
در حکم: تولی - زاو! طنبورچیان و طرچیان،
به زدن شروع نموده حرکت میکنند. باجه، علم،
دلیسا، تولی، از زر راست آغاز نموده بقطار،
التحاق میکنند. علم، و صوبه دار و حواله دار ^{وقت} رفا،
پیش روی دلکی راست بوده بعقب باجه میروند.
و در عقب اینها، تولی، حرکت میکند. افسر
تولی و هیچ کس به پیش روی علم نمیتواند رفت.
برای آوردن عقاب یک بلوک همراه
صوبه دار قدما ترین شان بدون از باجه
نواز گرفته و عقاب را بقسم علم آورده به کندک

التحاق میدهد .
 در حینکه علم و یا عقاب به کندک و یا به غنچه
 خود ، تقرب کرده ، از طرف عموم عسکر در باره
 وی ، رسم سلام ایفا کرده میشود .
 تولی و یا بلو کیکه بگرفتن علم و (عقاب) ، نام
 است در اثنائیکه برای التحاق به کندک و یا غنچه
 خود و یا برای اعاده علم و (عقاب) بجل خود
 در حرکت باشد تنبذات حضرت قدس شهنشاهی
 ایفای رسم تعظیم مینماید . درین اثنا ، علم و عقاب
 مائلاً گرفته میشود .

۲۹۲ - علم و عقاب ، بقرار بیان فوق
 بجل خود ایصال کرده میشود . و قتیکه تولی و بلوک
 بچلیکه علم و یا عقاب در آنجا خواهد بود رسیده
 بنظام لیک در آمده علم بردار و یا عقاب بردار
 به پیش روی و زر راست برمی آید . درین هنگام
 افسر تولی ، برای تعظیم ، حکم سلام میدهد . در
 حکم : دقت ! صوبه دار بیقد مترین ، پیشرو

علم و یا عقاب و محافظ ، حواله دار به پیش نشیت
 آن میرود . و دیگر صوبه دار تیر ، در تولی ، بجا
 خود میرود . بجز در کرفتن سلام ، صوبه دار بقیه تیر
 (خواه مو ما الیه و خواه علم دار و محافظ ، حواله دار
 سلام میگیرند) حکم : سیر قد ار - زاوا : دا
 علم و یا عقاب را علم دار ، و یا عقاب دار بداخل
 بنا ، در می آرد . باجه تیر ، یک هوای مناسب
 میزند .

و قتیکه علم و یا (عقاب) به بنا داخل شد
 افرتولی و یا بلوک به باجه اشارت اسکات داده
 بی انتظار خود دست صوبه دار و علمدار و عقابدار و محافظ ،
 حواله دار ، تولی خود را میبرد .

۲۹۵ - هرگاه قطعات عسکریه ، رأسیا
 در پیش روی بنای علم و یا عقاب بسیار نزدیک آن
 ترتیب شده باشند درین هنگام به تعیین تولی و بلوک
 علم و عقاب ، حاجت نیباشد . صوبه داران و
 علم داران و محافظ ، حواله داران در وقت

معین ، از بنا بر آمده از راه کوتاهتر در قطعۀ
بجایهای خود داخل میشوند . درین اثنا قطعات
عسکریه ، ایفای سلام میکنند .

- ۲۹۶ - در احوال آینده برای گرفتن
علم و یا عقاب و یا برای اعاده نمودن آن بجای
خود ، بدون علم داران و محافظ ، و حواله داران
تنها بیک صوبه دار و یک دلکی اکتفا کرده میشود .
- ۱ - هرگاه یک رقار در از اجراء کرده شود
و یا از چنین رقار ، عودت نموده شده باشد .
 - ۲ - هرگاه تولی علم ، برای عزیمت و عودت ،
بقطع مسافت دراز ، مجبور باشد .

۳ - رسم تعظیم

- ۲۹۷ - رسم تعظیم ، مخصوص یک نشانه
اطاعت ، حرمت و اخوت عساکر است . اجزای
رسم تعظیم ، از طرف مادون به مافوقان ، مطلق

شرط نیست که خاص در آشناییکه ایشان ، رو برد
 بیایند اجرا کرده شود . بلکه در حالیکه مافوق نه بیند
 دیامادون ، از پس پشت مافوق بگذرد درین آشنایی
 باید که اجرا نمود شود . بناء علیه ایفای رسم تعظیم ،
 مافوقان (از هر صنف که باشد) فریضه دست
 هر کسی که به سلک عسکری منسوب است ، رسم تعظیم ،
 خواه روز ، خواه شب ، در هر حال و هر موقع ،
 اجرا کرده میشود . مگر در آشنای استراحت ، تا که از طرف
 مافوق ، راستا یک خطاب ، واقع نشود اجرای
 آن ، لازم ندارد . رسم تعظیم ، منفردا و یا قطعه
 برای علم و (عقاب) و علی العموم برای مافوقان
 و نیز برای نامورین علمیه و ملکیه که لباس رسمی باشند
 و یا حسب المأموریه بر فاقه و ائمه عسکر باشند
 اجرا کرده میشود .

قطعاتیکه از جانب حواله داران و یا نائکان
 سوق کرده میشوند بجل افسران ، ایفای رسم تعظیم
 میکنند .

هرگاه قطعه، از طرف صوبه دار و سل مشر و کمیدان،
 سوق کرده شود بمنصب دار اینک یکدرجه و یا زیاده تر
 مافوق اندایفای رسم تعظیم کرده میشود.
 در داخل کندک و قطعاتیکه از کندک بزرگتر
 اند رسم تعظیم، با امر افسر، باز توتلی توتلی، اجرا
 کرده میشود. در حین لزوم، سل مشر با فرمان
 بلوک، اشارت کرده و یا پیشتر، قرار داده
 رسم تعظیم را بلوک، بلوک اجرا کرده میتوانند.
 قطعات، برای محل محافظین و برای همه دیگر
 نیز، رسم تعظیم، اجرا میکنند. برای رسم تعظیم
 در باره همه دیگر قطعه که استاده باشد وضعیت
 تیارسی میگیرد. و قطعه رونده بسوی قطعه که
 استاده است می بیند. هرگاه برود و قطعه،
 در رقتا باشند بسوی همه گیر می بیند.
 نقر منفرد غیر مسلح، رسم تعظیم را بدنیوجوب
 اجرا میدارد: یا استاده و جبهه گرفته بدست،
 سلام میدهد و یا سلام داده میکند و یا در جاییکه

استاده است بسوی مافوق ، کشته بدست ،
سلام میکند .

در هر نوع رسم تعظیم ، بسوی مافوق ، احترامگاه
دیده میشود . و عند اللزوم ، برای مافوق راه نیز
داده میشود .

در رسم تعظیمها ، مادون ، شش کام
پیشتر ، برای مافوق بدست ، سلام میدهد و
بعد از آنکه از حدای مافوق ، سه کام گذشته
شود سر خود را رو برو میگرداند . صورت
اجرا ، کوتاه و جدی باید بود . بدست ، ایفا
رسم تعظیم ؛ بدینگونه اجرا کرده میشود .

چپه راست ، بصورتیکه انگشتان ، باهم
خفیف ، متصل باشند و قسم اعلی و اسفل دست
راست ، بحال طبیعی و آزادانه باشد برداشته
سریعا به بالای ابروی راست ، برده میشود .
و درنجا بقدر سه کام ، توقف نموده بعهده فرود
آورده میشود .

در آشنای رسم تعظیم ، حرف زدن و دست
 چپ را بدرون جیب ماندن و خندیدن و ^{صل}احکام
 به صورت اجزای باین وظیفه حسنه ، اهمیت
 ندادن ، منافعی تریب است .
 هرگاه بیک مافوق ، در زمان معین ، چند
 بار ، تصادف واقع شود در هر دفعه تصادف ،
 باید که مجدداً ایفای رسم تعظیم کرده شود .
 استاده چیه گرفتن - در باره ذات
 شوکت سمات حضرت شهریار ری دارکان خاندان
 بهایون و علم و یا (عقاب) . استاده چیه گرفته
 بدست ، ایفای رسم تعظیم کرده میشود . بدینگونه :
 لا اقل ، ده کام پیشتر در کام آخر ، پای پینه
 به پهلوی پیشینه آورده درین اثنا برنجه پای پینه
 ۴۰ درجه گشته یعنی بطرفیکه تشریف بهایون ،
 واقع میشود چیه گرفته ؛ در وضعیت اساس ، ایستاد
 بدست ، سلام گرفته میشود . بشرطیکه روی گردانند
 باشد به نظر ، تعقیب کرده میشود . در وقوع

التفات شهر یاری فی الفور یک سلام دیگر تیر کرد
دیک مدت دیگر تیر در وضعیت مذکور استاده
عسکران دیده میشود .

هرگاه راه تا تقاطع باشند از مسافت مناسب
استاده بدست . ایفای رسم تعظیم کرده میشود .
در باره علم و عقاب : شش کام پیشتر ،
بقرار فوق ایستاده ایفای رسم تعظیم کرده میشود .
و تا که سه کام گذشته شود در وضعیت مذکور
بوده بشرطیکه روی تیر ، گردانیده شود دیده
میشود .

سلام داده گذاشتن ، عسکریکه با فوق ،
تصادف میکند شش کام پیشتر ، وضعیت گرفته
و روی خود را گردانیده و احترامکاران
دیده ایفای رسم تعظیم میکند (مگر بشرطیکه سلام ،
قبل از گذاشتن با فوق ، ختام یابد) : درین اثنا
دست چپ ، ثابت میباشد . و تا که با فوق ،
سه کام بگذرد بسوی او ، روی گردانیده بنظر ،

تعقیب کرده میشود .

هرگاه مافوق ، از دنبال ، سرعیر آمده باشد
رسید در اثنا نیکه از خدای مادون بگذرد فی
الفور وضعیت گرفته ایفای رسم تعظیم کرده میشود .
در عکس حال تیر همچنان است .

هرگاه مادون به اوابه سوار باشد درین
بنگام نشسته یعنی بیقیام ، وضعیت گرفته و اگر
مادون مذکور اسپ سوار باشد اسپ را
بعاده (یعنی بقدم) آورده بدست ، ایفای
رسم تعظیم میکند .

نفریکه بدست راستش چیزی باشد آن
چیز را بدست چپ داده بدست راست ،
ایفای رسم تعظیم میکند .

هرگاه در هر دو دست ، اشیا باشد
درین بنگام تنها از حرکت سلام بدست ، صرف
نظر نموده باقی حرکات و ادضاع بقرار سابق
میباشد .

هرگاه یک چند نفر، یکجا باشند هر کدام
 نشان، علیحدہ علیحدہ، بدست، سلام میکنند.
 استاد سلام دادن - هرگاه نفر،
 استاد باشد و مافوق بگذرد نفر، وضعیت
 اساس گرفته بسوی مافوق میگردد و بدست،
 سلام میدهد. و هرگاه عسکر شسته باشد و
 مافوق بگذرد شش کام بیشتر بر خاسته وضعیت
 گرفته بقرار قاعده، سلام میکنند.

۲۹۸ - نفر منفرد مسج - نفر منفرد مسج؛
 در باره ذات شوکت سمات حضرت پادشاهی،
 داناتا بوضعیت سلام کی، ایفای رسم تعظیم میکند.
 (و بدست راست نیز، سلام میکند).

در باره علم و یا (عقاب) و علی العموم،
 در باره مافوقان، در استادی، نفر، وضعیت
 اساس را گرفته و روی خود را کرده اند به
 نظرش، استقبال و تعقیب میکند. و در انشای
 رفتار، بوضعیت او اثر اپک بوده و دست

راست را آزادانه حرکت داده عسکرانه دید
میگذرد . و اگر بدست راست ، چیزی باشد
دست مذکور ، ثابت گرفته میشود .

برگاه تفنگ از بندش ، بشانه آویزان
باشد بقرار شکل وضعیت ، اخذ نموده و
بافوق ، روی گردانیده و دستها را ثابت
گرفته گذاشته میشود .

رسم تعظیم افسران بهدیکر - هر افسر هر وقتکه
بیک افسریکه از خود قد مدار تر باشد تصاف
کند میباید که ایفای رسم تعظیم کند . و مافوق تر
بعین صورت ، بمقابله مجبور است . در اشائی ایفای

رسم تعظیم به مافوقان ، کمریج ، از چنگک
کشیده و بدست چپ ، عمود گرفته میشود . و
برگاه بالا پوش پوشیده باشد کمریج از چنگک ،
کشیده نمیشود .

رسم تعظیم افسران بهدیکر ، غایت صمیمی
و اخوتکارانه باید بود . مع مافیه ، به خیال اراده

من
دنا
خنا
کر
اق
وب
جا
حص
بقر
شو
کر
دا
گذ
کن

نمودن صمیمیت و اخوت ، دهن را باز کردن و
 دندانها را نمودن و بروی ، غیر اختیاری یک وضع
 خنده ، دادن و سر را متعدد دفعه ، پس و پیش
 کردن ، بسیار خنده آور و ثقیل و خنک میباشد .
 و علی الخصوص ، ایفای رسم تعظیم افسران بذات
 اقدس حضرت شهمریاری و پشهمزادگان جلایل لغزین
 و بعلم و عقاب ، طبیعی و عسکرانه باید بود زیرا که این
 جالب نظر وقت هر کس است . صورت ایفای رسم تعظیم بذات
 حضرت پادشاهی و شهمزادگان عظام و علم و عقاب
 بقرار بهمان صولیکه برای نفر منفرد ، مندرج بود میباشد .
 هرگاه افسر ، سوار بوده بذات اقدس حضرت
 شهمریاری تصادف کند اسپ خود را استاده
 کرده و جبهه خود را بطرف تشریف بهایون توجیه نمود
 و اگر زمان و محل ، مساعد نباشد به عاداتا یعنی تقدم
 گذشته ایفای رسم تعظیم میکند .
 و هرگاه افسر ، سوار بوده بیک مافوق تصاف
 کند اسپ خود را بجا داتا فر آورده ایفای رسم سلام میکند .

۲۹۹ - قطعاً تنگ در جمع نظامند به حکم افسر خود،
ایفای رسم تعظیم میکنند.

در استادی: افسر، از مسأله مناسب، حکم:
تیار - سی! مثنی خوا (کین خوا) - کور! میدهد
افراد، وضعیت اساس را گرفته با فوق می بینند. و
خودش بوزر یک از اینجا با فوق می آید رفته می ایستد و اگر
غیر مسلح باشد و یا اگر بچپ او بوده گریج خود را نکشیده باشد
بدست، سلام میدهد. و هرگاه تفنگدار باشد مانند افراد، عمل میکنند.
هرگاه با فوق، از پیشروی قطعه میکند در هر نفر تا آنکه
ما فوق، از مقابل خود در نفر بعد رسد نفر بگذرد و بروی و نظر، ما فوق
مو ما الیه را تعقیب کرده بجهت خود بخورد و بروی بیند.
در رفتار: حکم: مثنی خوا (کین خوا) - کور!
داده میشود. باید که تفنگها بشانه چپ باشد و دست
راست، آزادانه حرکت کند.

هرگاه قطعه، غیر مسلح باشد و یا تفنگها، بشانه آویزان
باشد در حین رسم تعظیم، دستها، ثابت می باشد.
و هر صف از حذای ما فوق، که گذشت خود بخورد و بروی بیند.

افسر قطعه که از بلوک کمتر است . در اثنای رسم تعظیم
 به پهلوی نفر و زر میرود . افسر بلوک و قطعاتیکه از
 بلوک بزرگتر اند در پیشروی قطعه های خود میروند .
 تعریفات فوق ، برای داخل و جوار شهرها و
 کلان محلهای مسکون و مواقع عسکریه مخصوص میباشد ؛
 در خارج اینها یعنی در دهها و در راه های خارج
 شهرها و الخ نفر منفردیکه با فوق بقصد ف میکند
 هم بقرار سابق ، بدست ، ایفای رسم تعظیم میکند و هم
 نزد ما فوق رفته و وضعیت عسکریه را گرفته اسم خود را
 بخند کندک و تو لیکه با آنها منسوب است و نیز سبب
 بودنش در اینجا عرض و بیان میکند . مثلاً : ((
 صاحب ! نامم احمد ، از توالی چهارم کندک
 منبر مات خندمست و دوم میباشد ؛ از فلان ده
 می آیم))

برای قطعات : مراسم مخصوصه اجرا کرده
 میشود ؛ تنها امر قطعه ، نزد ما فوق ، رفته نام قسم بزرگتر
 که قطعه مذکور به او منسوب است و سبب بودن قطعه

در آنجا عرض میکند . مثلا : « تویی اول کندک شی مت
 غند چهارم با سه صوبه دار و شش حواله دار و یک
 صد و بیست و پنج نفر به تعلیمهای تطبیقات مشغول است .
 هرگاه مافوق ، استاده آرزو کند که قطار رفتار را
 از نظر خود بگذرانند از جانب هر نفر خود بخود روی
 با فوق کرد اسیده دیدن و آثار بی انتظامی و
 ماندگی نموده ؛ موجب شرف افسر و دلیل تزییه افراد است
 هرگاه از طرف مافوق ، به نفر سفرد ، خطاب ؛
 مثلا « مانده نباشی ... و الخ . » واقع شود و نظیر
 جوابا ؛ « مثلا سلامت باشید صاحب ! ... و الخ . » گفته
 بجوابهای کوتاه ، مقابله میکند .
 هرگاه بیک قطع ، چنین خطاب ، واقع شود
 کل افراد ، یک زبان به آواز بلند مثلا ؛ « عید شما مبارک
 باد صاحب ! ... و الخ . » گفته جواب میدهند .

اند
 شیو
 که
 بنا
 باید
 عمل

قسم ثالث

مُحَارَبَه

مدخل

۳۰۰ - قواعد و نظایماتیکه در تعلیمنامه مندرج
اند، نظر باحوال بیطه بقیه که در وقت جنگ واقع
شود ترتیب شده است .
با این همه ، در محاربه این چنین احوال واقع میشود
که در خصوص آنها بیان قواعد عمومی ممکن نمیشود .
بنابران افسران در خصوص اتخاذ تدابیر لازمه موافقه
باید که تعلیم یافته باشند که بحال سرعت و بلا تردد
عمل نمایند .
۳۰۱ - خواه افسران و خواه افراد خپور منفرد؛

برای اینکه خود بخود کار بکنند باید که در بنیت عمومی تعلیم
و تربیه غیرت بکار برده شود.

در مقابل یک قطعهٔ عسکریه که اجرای تعلیم مینماید فرض
کردن یک خصم که باحوال حربیه توفیق حرکت کند،
مستلزم این است که تعلیمهای محاربه با بیجا بابت حقیقهٔ
احوال مقارن گردد.

لذا اجرای تعلیمهای متقابل مابین قطعات عسکریه،
موجب استفاده است.

(در خصوص قطعات مفروضه به نظامنامه خدمات سفریه
مراجعت کرده شود.)

۳۰۲ - برای احوال مخصوصهٔ حرب که در وقت
حضر تصویر و نشان دادن آنها غیر ممکن میباشد استخدام
حکما، در تعلیمهای جزوئی تام خرد برای اجرای تبلیغات
متوالیه در خصوص تاثیرات اسلحه، استعداد استقلال
افسران خرد را زیاده میکند و تعلیمهای شکل موافق مقتضیات
حربیه میگیرد.

۳۰۳ - جریان تعلیمهای حربیه قسم محاربات حقیقه بطول

نمی که
طی
نیای
یا
دا
یک
در
مذ
ش
و
تعمیر
تعمیر
حرب
شو
میشو

نی کند با وجود آن ، جریان تعلیمها بسرعت فوق العاده موجب
ظهور این چنین قضیه وقت حضر میکرد و که موافق تقاضای حربیه
نباشد . بنا بران در اشای تعلیم لازم است که مدیر تعلیم
با حکما در وقت ضرورت در باب تعطیل جریان تعلیمها
داخله کنند .

۳۰۴ - هرگاه بوساطت غیر موافقه مقتضیات حربیه
یک میل و آرزو برای تأمین جریان تعلیمها بیک صورت
درست و بی کسر پیدا شود ، باید که از هر جهت با آرزوی
مذکور مانعت کرده شود . در تعلیمها هر چند که عوارض و
مشکلات غیر مامول سرزند استفاده تیر همان قدر عظیم شود .
اهمیت کار کردن خود بخود بهمان نسبت ، معلوم و سزاوار
نماین میکند .

تعلیم اشکال معینه محاربه ممنوع است .

۳۰۵ - اجرای تعلیمها بصورتیکه موافق ایجابات
حربیه باشد ، بشرط اینکه از ارضی بخوبی استفاده کرده
شود ، وابسته است به حسن انتخاب نظاماتیکه اخذ نموده
شود . درین باب رهبر حرکت عبارت است از تأمین

تاثير اعظم آتش خود ما و تنقيص تاثير آتش دشمن .
 ۳۰۶ - عسکر پياده بايد که در هر نوع اراضي که قافله
 مرد و ريك آدم قوی باشد بر محاربه مقتدر باشد و
 در اشناينکه حامل همه تجهيزات خود باشد از موانع شديده
 گذشته بتواند .

۳۰۷ - افسران قطعه ؛ در محاربه حقيقي از هر جا
 هر وضعيت بدن که امر دادن لازم باشد ، در تعليم
 نيز بايد که از انجا و از ان وضعيت امر بدهند .
 قاعده براي افسران سوار بعينه جاريست . مگر آن
 مافوق که اداره تعليمها را مينمايد ؛ از اين قاعده مستثنا
 است و براي ايجابات تعليم و تربيه درين باب
 افسران ماتحت مأذونيت داده ميتواند .

۳۰۸ - قواعد اساسيه محاربه را باين صورت تعليم
 بايد کرد که وضعيات حربي ساده فرض کرده شود
 چيزيکه بیک صورت اساسه از تعليم آن ضروري است
 عبارت از محاربه آن قطعه است که جناهاي آن مستثنا
 باشد . زيرا که اکثر محاربه درين وضعيت واقع

می شود و این نوع محاربه مستلزم این حالت می شود که از اراده
بیک صورت ما بهر آن استفاده کرده شود .

۳۰۹ - هرگاه از سبب تنگی میدان تعلیم اجرای صفحات
محاربه تسلسلاً و متعاقباً ممکن نباشد ، باید که تعلیم آنها
جداجدا کرده شود .

۳۱۰ - جزوهای تام خرد و کلانرا در شب نیز تعلیم
باید کرد ، مقصد از بهین تعلیمها تنها اجرای محاربه نیست ،
بلکه مقصود اصلی این است که بحال انتظام و سکون
و امنیت تامه وصول قطعات به نقاط معینه میسر گردد
اگر چه بهین نقاط خارج راه نباشند .

۳۱۱ - استعمال کلند و پیل را باید که پیشتر تعلیم یافته
باشند ، هرگاه در جوار موقع عسکری این چنین جاها
که مساعد استعمال آلات مذکور باشد موجود نگردد ،
درین باب در وقت اقامت قطعات در دعات
(برای اجرای تعلیمها بر اراضی) استفاده کامله گردد
شود .

برای اینکه در استحکامات صحرا که وضعیت جزیره

مستلزم آن است یک ملکه تامه تحصیل شود، باید که عملیات
لازمه اجرا نموده شود. اما اگر از سبب تقاضای وقت
حضرت خرد انشای استحضامات مذکور ممکن نباشد
باید که اقلأ ترتیبات تهیه اتخاذ و عملیات نشان داده
شود.

۳۱۲ - اعطای مسله در وقت تفتیش، وظیفه
ما فوق است. مافوق، بواسطه همین تفتیش مکتبات
تعبیه افراد را و خصوصاً مکتبات تعبیه افسران فقط
امتحان میکنند و باقتدار افسران خرد، در خصوص
حسن اداره آتش و مهارت و درایت افراد خرد،
در آتش بی اداره قناعت میورزد.

۳۱۳ - در هر حال همه افسران باید که در باب
حسن اداره قوای بدنیه عسکر وقت بکار برند.
و چون مقصد اصلی این است که عسکر در هر نوع محرومیت
نیز عادی گردند و به مشاق عظیمه مقاومست کرده بنشینند.
بنابراین محافظه قوای بدنیه مدعای ذاتی نیست بلکه
برای اجرا است خارق العاده زنده بودن قوا

بدنیه چاره و تدبیر مهمی است . در صرف توای بدنیه
افراط نمودن امید موفقیت را تنقیص میدهد و هرگاه
بی لزوم و بیوده برداشته میشود بوفتیت مستلزم
ضرر میگردد .

۲۱۴ - پیاده صنف اصلی است با طو پیمان شکر
بوده دشمن را میگوید . و مقاومت و اسپین دشمن
را خود پیاده می شکند . محتمل اکثریه زحمات محاربه ،
پیاده میباشد و اکثر تلفات از پیاده میشود لهذا اثر
و شان بزرگترین نیروی صنف پیاده میباشد .

۳۱۵ - میل تعرض و پیشدستی را که از لوازم صنف
پیاده میباشد ، دانگاپرورشش باید داد . فکر حمله
و انداختن نفس بر دشمن بهر وضع و قیمتی که بدست بیاید در
همه افعال پیاده حاکم باید بود . چون صفت مذکور به
فضایل عالیه معنویه وابسته است لهذا تا سیمس تربید
توای معنویه از جمله وظایف تربیه حضریه میباشد .
عسکر پیاده که صاحب عزم متین و تعلیم و تربیه آن
کامل بوده بیک صورت موافق نفس الامر سوق دادار

شده باشد، در احوال مشکله، حتی در مقابل دشمنیکه
 عدد ابر آن فائق است، با حراز موفقیقت عسکر مذکور
 مطمئن باید بود.

۳۱۶- افسر برای افراد معیت خود نمونه تشبیه است.
 مثلاً: افسر چون خود را بر دشمن می اندازد عسکر را با خود
 پیش میبرد. افسر قطعه خود را در یک انضباط محکم آورد
 بعد از زحمات عظیمه و تلفات کثیره تیر به نظر میرساند.
 افسر باید که این چنین یک رهبر صادق باشد
 که در کدورت و مسرت و همه محرومیت های عسکر خود
 شریک باشد. زیرا که کسب امنیت تامه عسکر خاص
 به همین صورت میسر میشود.

لازم است که افسر، در وقت حضور بواسطه تربیه
 نفسیه، برای همین وظایف عالیّه حربه خود را تقویه
 و تهیه کامل نماید.

۳۱۷- افسر خرد با افسر معاونت و در حین حاجت
 و کالت او را میکند. انضباط داخلی یک قطعه وابسته
 این امر است که افسران خرد دشایان اعتماد و پابند و ظیفه

باشند .

۳۱۸ - افراد با وجود رفتارهای با زحمت و محرومیتها
 بسیار باید که خواص شجاعت ، شدت فعالیت ،
 سکون و اطمینان تام ، عدم تردد در محفوظ دارند .
 خواص استحقاق نفس و استحقاق تملک - که بواسطه
 تعلیم های ورزشی و برچه از دیاذمی پذیرد - و ما
 سوای اینها تحمل مشاق بدنیه و الفتیکه با نظامهای محاربه ،
 که اساسا بیط میباشند ، حاصل میشود لازم است
 که افراد را در مقابل تاثیرات شدیدة محاربه تیز
 تاب آور مقابلهت بگرداند . هرکمی از افراد خاصه
 رذیله پشت دادن بدشمن را از جمیع تملک های محاربه
 بدتر و مضرتر بدانند .

در زمان جوشش و خروش محاربه افرادیکه جرأت
 و متانت خود را از دست میدهند باید که متوجه افسر
 خود باشند . اگر افسر باقی نماند ، پس حرکات افسران
 خرد و افراد جسور را مد نظر خود بدانند .
 ۳۱۹ - هر فرد ، غیرت و رز دتا از قطعه خود جدا

نشود. افرادی که مجروح نبوده در عقب افراد دیگر
 معطل باشند و افرادی که بدون امر از میدان محاربه
 مجروح را نقل میکنند یا بیک بهانه میدان محاربه را
 ترک نمایند به سزای جین و نبردلی محکوم میگردند.

۳۲۰ - افرادی که از تولی خود جدا میشوند باید به قطعه
 قریب ترین پوسته، اطاعت افسرانی را که در آنجا
 حکم میکنند مانند امرای خود بر خود لازم گیرند. و همین
 افراد باید که بجز در اختتام محاربه، قطعه خود را جستجو نموده
 کیفیت غیاب خود را که کجا بودند؟ و چگونه وقت را
 بصرف رسانیدند؟ اثبات کنند.

۳۲۱ - در آشنای محاربه هرگاه قطعات عسکر یک
 با دیگر مخلوط گردند. باید که فی الفور جزو نامی تمام جدید تشکیل
 یافته اعاده و تاسیس انتظام نموده شود.

سوق و اداره

۳۲۲ - بیان قواعد قطعی و عمومی الاجرا برای سو
 و اداره ممکن نیست. افسر، در هر حال و هر وضعیت

طریق اداره محاربه را بیک صورت ایق ملاحظه و موازنه کرده اجرائی قرارهای خود را باید کرد. و تا وقتیکه علت مانع موجود نکرده ازین قرارها تخلف نباید نمود.

۳۲۳ - هرگاه قرار افسر بواسطه وضعیت حربیه و ضحای معین نکرده اجرائی محاربه بیک از صورتهای تعرض و مدافعه و اشغال و غیر آن یا بیک استقامت دیگر گرفته از محاربه بجانبت کردن، این همه تابع رژی افسر میباشند. لازم است که افسر، امر و مقصود خود را در اختیار بیان نماید. برای اینکه افسر جمیع آرزوهای خود را در این نشین افسران ماتحت بنماید و آنها را متوجه و نگران آرزوهای خود بگرداند. لازم است که جمیع تدابیر و طرق لازم را بصرف رساند.

۳۲۴ - چون وضع قاعده معینه که در جمیع حالات محاربه ممکن الاجرا باشد، امکان ندارد. بنابراین در تحریر او امر محاربه به تقاضای وقت را مد نظر داشته از جمیع انواع نمونه اجتناب باید نمود. حسب قاعده در ابتدای کار، سرعت توجیه قطعات باستقامتهای

مطلوب بذریعہ امر شفا ہی اہم و مقصود میباشد . و باقی
 او امر بعد از امر شفا ہی اجرا میشود . و از طرف لواء
 یا از طرف قطعات عسکر یہ کہ مافوق لواء میباشد ،
 اکثر یہ تحریر ادا داده میشود .

۳۲۵ - افسران کلان علاوہ برمو آدیکہ امر داد

در انہا مخصوص ایشان است ، درمو آد و دیگر مد اخلہ
 نکلند ، و از مد اخلہ در فروع احترام از کردہ انتخاب
 و اتخا ذتہ امیر اجراءات را با افسران ماتحت ترک
 باید کرد .

او امر و ترتیباً تیکہ از طرف افسران کلان دادہ

میشود اساساً با افسرانیکہ یکدرجہ ماتحت باشند اعطا
 میشود .

با این ہمہ در ضرورت حال و فقدان وقت و در
 اشنائیکہ افسران ماتحت ، اجراءات غلط نمودہ ، مقصد
 محار بہ را دوچار تہلکہ سازند ، از قاعدہ مذکورہ انحراف
 ورزیدہ بہ افسران ماتحت تر را سنا و بلا واسطہ اعطا
 او امر جائز است . لکن در حینیکہ این چنین مد اخلات

و قوع یابد، برای افسر اینکه با آنها معلومات داده نشد
بود فوراً اطلاع باید داد.

۲۲۶ - حرکات استقلالیه افسران ماتحت تابع برکت
خواهشات نفسیه نباید بود. فعالیت مستقله [که داخل حدود
لازمه باشد] بر افسر، موجب موفقیتهای عظیمه نمیکردد.

۲۲۷ - در اثنای رفتار هرگاه حصول تماس با دشمن
متمم باشد افسر باید که حتی الامکان در پیش از روی
قاعده با اقسام پیشینه پیشدار باید بود. لازم است که افسر
عقب نقاط حاکم و نظاره دار از اسب خود فرود آمده
بذریعه دور بین کشفیات و ترصداست لازمه اجرا کند.
بنا بران افسر تابع موقع معین نبوده قدمه قدمه
پیشرفت باید کرد. با این همه برای سرعت وصول
اطلاعات اتخاذتد افسر باید نمود.

افسر، بذریعه مشاهدات ذاتیه خود در باب
احوال دشمن و قطعات مجاور و اراضی، این چنین معلوما
تخصیل میتواند کرد که معلوما تیکه با عانه نقشه در پویشها و اطلاعات
حاصل میشوند، فائده آنها را نمی تواند داد. بنا بران

افسر بواسطه معلومات ذاتیه خود تدابیر اولیه را بصورتیکه
 موافق مقصد باشد، اتخاذ کرده میتواند و از قرار اینکه
 در وقت لازم اجرا میکند. در مقابل دشمن تحصیل فوائد
 مخصوصه میتواند کرد و قطعات خود را از راه های پدیدار
 حرکت داده میتواند، و قرارهای غیر موافقه افسران
 ماتحت را منع میتواند کرد. افسران قطعاً اینکه برای
 آنها امر نخستین داده میشود، باید که پیشتر طلب کرده
 شوند.

۳۲۸ - در اشای اجرای محاربه سر افسر در چنین
 موقع در عقب میماند که قطعات خود را انجوبی دیده تواند
 و موقع او باسانی دریافته شود.

افسران قطعاً اینکه در خط نخستین میباشند باید که
 اراضی پیش رو دشمن را ببینند و نظر به سلسله مراتب
 با افسران مافوق قریب تر و افسران معیت خود
 حسن ارتباط را از دست ندهند. تبدیل موقع،
 چون با ارتباط دائمی خلل میرساند. لهذا افسرانی
 سبب تبدیل موقع نباید کرد. اگر افسر موقع خود را

تبدیل کند، پس رسانیدن او مرد اطلاعاتی را که بموقع سابق
میرسد تا همین باید کرد.

۳۲۹- افسرانیکه پیش قدم میباشند، زیر آتش
مؤثر دشمن از اسپ فرود می آیند و از ستره مانیکه
از انجا اجرای نظاره مقتضیه ممکن باشد استفاده
میکنند.

افسران کلانیکه در عقب میباشند، با ارکان
معیت خود باید از نظر دشمن خود را مخفی دارند. و علاوه
برین از اسپها نیز فرود می آیند.

۳۳۰- تقسیم ارکان، بیک صورت معین،
توزیع و اعطای وظائف مختلفه با افسرانیکه درین ارکان
موجود اند، همیشه ترصد دشمن به تخصیص از نقاط حاکمه
ضروریست. بیریق بخصوص سراسر، بشرط اینکه بوی
افسر را برای دشمن افشانکند، حتی الامکان باید
از طرف عسکره مایده شود. بودن بیریق مذکور نزد
طریق اصلی رقتار اکثریه مناسب میباشد. و اطلاعات
دارده از انجا با افسر رسانیده میشود.

۳۳۱- برای قرار دادن افسر، اجرای استکشاف احوال دشمن و اراضی شرط اول است. معلومات مقتضیه صورت اجرای مجار به اکثریه تنها در اول دور مجار به بدست آورده میشود.

۳۳۲- استعمال مخابره برای سرعت تأسیس ارتباط مابین افسران کلان، خیلی اہم و الزم می تواند شد. پس مخابره باید مابین افسران یا مابین معاونان آنها اکثریه بالذات اجرا شود.

(در باب ارسال اوامر و اطلاعات به نظامت خدمات سفریہ مراجعت کرده شود.)

۳۳۳- نظر دقت ہمہ افسران باید بجا حفظ نظام و انتظام و اجرای تأثیر متحد و اشتراک فعل و حرکت معطوف باشد. افسران مافوق، برای اینکه قطعاً خود را از دست ندهند، و افسران ماتحت نیز بعد از ایفای وظایف مقررہ باز برای التحاق بہ جزوہا تمام خود، باید غیرت بکار برند. اگر التحاق در آن زمان ممکن نباشد، افسر بہرہ قطعہ خود با افسر مافوق

تزو یک ترین عرض خدمت میکنند .
 ۲۲۳ - افسران ، از حرکت قطعه های خود بصورتیکه
 موافق مقصود دست ، باین درجه باید مطمئن باشند
 که نظر دقت خود را به محاربه حصر کرده توانند . افسران
 را باید که همه مشايدات مهمه را بدون تعطیل یک
 بدیکر برسانند .

۲۲۵ - اگر چه در ابتدای دور محاربه در باب
 مقدار قوتیکه محاربه اوقال کرده میشود . حرکت
 احتیاط کارانه لازم است اما از تسک باجرای
 محاربه بقوت های غیر کافی که تدریجا تقویه شوند ، خطای
 بزرگتر موجود نیست . زیرا که درین صورت در مقابل
 قوت کلان داتا بیک قوت خرد محاربه کرده ،
 از تفوق عددی بالا اختیار ترک استفاده میشود .
 بر آن تشبث که عقیم میباشد ، چنانچه مؤدی تلفات بی
 فائده میشود همچنان بقوه معنویه عسکریه مضرت میرساند .
 ۲۲۶ - به نسبت کلانی جزو های تام محاربه مشکلا
 تبدیل صیبه خط نخستین ترا میدمی پذیرد . لهذا قبل از

شروع محاربه باید که حتی الامکان در تعیین جبهه محاربه
 از خطا احتراز کرده شود. اگر در اثنای حرکات
 متعاقبه خطای جبهه ظاهر گردد، پس در قطعات عظیمه،
 بدون اینکه خطهای جدید به جبهه درست ساخته شود،
 تدریجاً دیگر به تدریج دست میدهد.

۳۲۷ - امتداد یک جبهه داده میشود و ترتیبی که
 عمقاً اخذ نموده میشود تابع مقصد محاربه و اراضی مستند
 یا غیر مستند بودن جناح میباشد. کوائف مذکور نظر
 با احتمالات ذیل مختلف میباشد چنانچه قطعه یا منفرداً
 یا نابین قطعات دیگر محاربه میکند یا تعرض یا مدافع
 یا در زمان محدود دشمن را اشغال مینماید.

۳۲۸ - امتداد جبهه تابع دو چیز میباشد. اول
 مقصد و قوه موجوده دوم امتداد جبهه دشمن. اگر در
 محاربه ترتیب جبهه های وسیع بقوتهای ضعیف لازم آید،
 پس محاربه بصورت جماعه های متفرق که کم و بیش از
 هم جدا باشند، اجرا باید شد. درین صورت از این
 اقسام اراضی که شکل و طبیعت آنها مساعد سوق و ادوار

مخاربه باشد استفاوه میشود .

۳۳۹ - برکاه بر دو جناح مستند باشند به ترقیاتی
اخذ نموده میشود تنها وضع موجوده زمین موثر میباشد .
درین حال در عقب ، همان قدر قوتها وضع میشود که برای
مخاربه جبهه مقتضی آن باشد .

۳۴۰ - قطعه که تنها یک جناح آن مستند باشد
در تعیین امتداد جبهه خود ، اگر چه بالنسبه آزاد میباشد
اما برای ستر و حمایه جناح غیر مستند ، عمقاً محتاج اخذ
ترقیات میباشد . درین باب وضع قوتهای دنیال
(که در عقب میباشد) بخارج جناح (قدمه) مقدمه
رأیین میکند . مقدار مسافتها و فاصله نسبت بقوه
قدمه کم و زیاده میشود .

۳۴۱ - قطعه که تنها مخاربه میکند ، اگر چه در خصوص
امتداد یک جبهه میدهد و ترقیاتی عمقاً اخذ نمینماید . آزاد
میباشد . اما نظر باحوال ، محافظه بر دو جناح خود را در
مقابل ، احاطه بر خود لازم گیرد .

۳۴۲ - - موضع پوچی صورت دو نوع مخاربه را

تشکیل میدهد . وضع و ترتیب قطعات سائره ، اکثریه
 تابع موضع طوپچی میباشد لهذا صلاحیت انتخاب موضع
 طوپچی را کمان افسر محافظه میکند و افسر طوپچی درین باب
 محض به صفت مشاوره ایفای خدمت مینماید .

۲۴۳ - افسر ، برای اینکه بیک صورت مؤثر
 بر حرکات جزوهای تائیکه در خط نخستین استعمال میکند ،
 نفوذ خود در اتائین کند . بهر یکی از جزوهای تام مذکور
 وظایف معینه اعطا مینماید .

۲۴۴ - تأثیر قوی افسر ، بر جریان عمومی محاربه ،
 محض با عاقله قوتهای باقی مانده یعنی با عاقله احتیاط ممکن
 شده میتواند . مرکز ثقل محاربه را بهر جاییکه آرزو کند
 نقل کردن و به جملهای مناسب مدد رسانیدن و موفقیتی
 را که دشمن در یک طرف میدان محاربه بدست آورد
 است استرداد کرده محاربه را متوازن کرد ایندن و امثال
 برای استحصال نتیجه قطعیه ، احتیاط ؛ زیر دست افسر
 واسطه مهمه ایست بنا بر ان قوت احتیاط کم نباید
 بود . و در اثنای تفریق احتیاط از بهم گسستن جزوهای

تام حتی الا مکان اجتناب باید نمود . در قطعات جسمیه
یک حصه طوطی نیز بقسم احتیاط تقریق می تواند شد .

۳۴۵ - موقع احتیاط تابع وضعیت محاربه و حال
ارضی می باشد . احتیاط اکثریه در طرفی می باشد
که نتیجه قطعیه در آنجا ملحوظ باشد یا طلب نتیجه از آنجا کرده
شود . در ابتدای محاربه اگر احوال هنوز بر وجهی که باید
ظاہر نشده باشد پس اخذ موقع احتیاط تقریباً در عقب
مرکز مناسب است اما این کیفیت مد نظر باید بود که
سوق احتیاط به یکی از جانبین زیر آتش دشمن واقع
نشود .

۳۴۶ - اگر افسر بداند که محاربه شریک نتیجه
مظفرانه خواهد گشت ، برای تعقیبکه مؤخرت اجرا میشود
باید پیشتر به تدابیر توکل کند . در عقب مظفریت
افسر در خط نخستین باید بود .

۳۴۷ - هرگاه مجبوریت رجعت حاصل شود
برای محافظت ضبط و ربط و انتظام بودن همه افسران
با قطعات خود قاعده اساسیه می باشد . تنها سر

اگر بعد از آنکه تدابیر اولیه را اتخاذ کرده از اجراء
یا فتن تدابیر مذکور مطمئن باشد برای احضار باقی
تدابیر مقتضیه به عقب می رود .

(نفره ۴۸۲)

۲۴۸ - محاربات شب به تخصیص در قطعات
جسمیه امر و حکم را مشکل میازد . اجراء چنین محاربات
چنانچه مستلزم استحضار است مکنه می باشد همچنان این
این امر است که قطعه ها نیکه احتمال میشوند بغایت
بسط باشند . نسبت بروز در محاربات شب ، احوال
غیر محتمله زیاده تر حکم فرمایند . اما در داخل قطعه ،
ضبط و ربط هر چند مستحکم باشد ، تاثیر احوال مذکور
تیر همان نسبت کم میماند . (۴۳۶ : ۴۴۰ : ۴۶۰)

(۴۶۶)

۲۴۹ - از سبب مفقودیت ستره هرگاه محفوظ
بودن خطها نیکه در عقب میباشند از آتش دشمن
مکون نباشد ، در تعیین مسافت مابین خطها این
کیفیت را بدقت ملحوظ باید کرد که یک حزمه مرصعات

پیاده یا یک شراپنیل (بم) در یک قوت
 بدو خط اصابت نکند. عموماً (۳۰۰ متر) برای قطعه
 که در عقب بوده اند کی بعد تر به خط آتش میزدند
 ملاحظه فوق از اهمیت ساقط میشود .

۳۵۰ - آتشیهای بسیار و ناکهانی که بردشمن
 اجرا میشود ، یک تأثیر هولناک حاصل کرده میتواند .
 چنین شیخون های آتش هر چند که از نزدیک اجرا یابند
 همان نسبت مخربتر میباشند .

۳۵۱ - یکی از تدابیر ابتدائی ، برای تزیید
 اقتدار و تحمل قطعات انداختن چانطه (بستره) ؛
 است هر گاه بدون تحفیف بار عسکر در ایفا
 قطعات و ظائف محاربه را ، تردد حاصل شود . همه
 افسران مستقل و افسران غنند که در قطعات جسمیه
 میباشند و همه افسران دیگر امر انداختن چانطه را
 را داده میتوانند . لکن باید که محذور ماندن چانطه
 در عقب به نظر دقت آورده شود . جبهه خانه ، از راه
 احتیاطیه ، با نا پوشش ، ظرف طعام ، تنگ ،

خریدن مان و ادوات استحکامیه نزد سپاهی میباید.
 ۳۵۲ - چون حال محاربه مساعد شود و عسکر کوه کوه
 چپ کرده نزدیک کوهها استراحت میکنند.
 ۳۵۳ - در باب آنگاه جهان به نظر مناسبت خدمات
 سفریه مراجعت کرده شود.
 ۳۵۴ - عدم مجانبیت از ذمه برداری مسئولیت
 عالی ترین مزایا است که متصرف بودن افسر بان لازم
 است. که چنین گمان نباید برد که بیست عمومیه را
 به نظر وقت نیآورده قرارهای خواستش نفسی را
 اتخاذ کردن و بر طبق او امریکه داده میشود تا حرکت
 نکردن و بر جای اطاعت، خود را نمی نمودن عبارت
 از همان فریت است.
 با این همه اگر فقه ان و سلف یا نبودن افسر
 در محل اجرا برای ماتحت یقین کامل حاصل شود که فخر
 احوال را بیک درجه کافی فرق و تمیز کرده نتوانند
 است و یا قبل از اجرای یک امر برای احوال
 تبدیل عارض شده است پس درین صورت امر

مأخوذ را یا با کل اجرا نکردن و یا تعدیلات لازم
 در آن اجرا نمودن و به ما فوق بهین کیفیت را خیار
 کردن از جمله وظائف ماتحت میباشد . مسئولیت
 عدم اجرایی امرکاملاً ماتحت راجع است .
 افسریکه حائز مرتبت عدم جانبت از مسئولیت
 باشد در جائیکه محاربه را مشتبه بنید تیر بلا ترد و از
 ادخال قطعه خود در محاربه اجتناب نمیکند . افسر
 باید بداند که از تمت خطا در انتخاب وسائط ،
 تمت ابطال و مسامحه بزرگتر است . و بهین کیفیت
 را ذمین نشین افسران خرد باید کرد .

استفاده از ارضی

۳۵۵ - استفاده از ارضی بصورت مابرا
 وابسته این امر است که اجرایی کشفیات لازم
 سابقاً نموده شود . باید کشفیات بحال اتمام اجرا
 شود . لیکن افراط در کشفیات ، باین درجه که نفیست
 را در خطر اندازد ، موجب تعطیل امر محاربه نباشد .

در آشنای حرکات ابتدایه و رقرار تقرب میآید
 که بطریق استفاده از اراضی بصورت مناسب،
 ترسدهات دشمن دوچار اشکال شود.

۳۵۶ - اگرچه تطبیق حرکاتیکه زیر آتش دشمن
 اجرا میشوند بجالات مختلفه طبیعت اراضی لازم است
 اما همین کیفیت باید دخل سرعت تقدم نکردد. یا از
 سبب بعض اقسامیکه در عقب میمانند تعرض دوچار
 تفرقه نشود.

۳۵۷ - حال اراضی در اقد ترقیبات (عمقا)
 تاثیر مهمی دارد. در اراضی غیر مستور برای تقلیل
 تلفات باید که اقسام بمسافت بسیار از هم جدا
 باشند.

اراضی مستور؛ مساعدت تقیص مسافت است.
 در چنین اراضی چون اکثریه بخط نخستین بسرعت
 روان گردن انداد و معاودت لازم می آید
 لهذا افسر باید که از همین مساعده اراضی استفاده
 کند. در اراضی مستور، قطعات؛ مدتی دراز

نظایمهای مجتمع خود را محافظت کرده میتوانند
 ۳۵۸ - اراضی غیر مستور با تعریف مساعدت
 نذار و لکن در مدافع، برای مالک شدن بیک
 میدان آتش خوب، تقصیر این چنین اراضی نموده
 میشود.

۳۵۹ - انتظام در رابطه جزوهای تمام را در
 اراضی با اشکال تیر ضایح نباید کرد. برای اعاده
 انتظام جزوهای تمام از هر فرصتیکه اراضی می بخشد
 استفاده باید کرد.

استعمال دولت استحکامیه

۳۶۰ - اگر سپر نا و موافق صنعتی و استحکامات
 و ستره های ساخته کی در وقت و جای مناسب ساخته
 شوند همه این اسباب، در سوق و اداره قطعاً
 برای افسر خدمات همه ایفا میکنند.
 ۳۶۱ - اگر احوال، یک شکل خلافت نامول
 گیرند، عملیات استحکامیه که سابقاً اجرا شده بود

مانع اجرای قرارهای نباید شد . همچنین بلاخطه
احتمال اینکه عملیات بیفایده خواهد شد ترک اہمال
عملیات مذکور را نباید کرد .

۳۶۲ - خندقهای عمیق چنور، عسکر را بیک صورت
مکمل محافظت مینماید . اما اگر وقت برای حفر آنها نباشد
ب سپرهای خفیف اکتفا باید کرد .

۳۶۳ - در نقاطیکه در حال تعرضی بدسرت آورد
شده حفظ آنها لازم باشد از ادوات استحکامی
استفاده میتواند شد . لکن این امر را خراموش
نباید کرد که اکتساب وقت ، از متعرضین برای
مدافعتین زیاد تر فایده میبخشد . همچنین خط چنور که
زیر آتش موثرتر جای گرفته باشد چون اخراج آن
برای پیشرفت از سپر که بکمال زحمت بوجود آورده است
مشکل میباشد لذا احتیاط کار بودن متعرضین در
باب عملیات استحکامیہ لازم میباشد .

انتشای سپر باید در هیچ وقت شوق و ہوس
دوام تعرض را باطل نکند و سپر را نیک ساخته میشود .

در فن فکر تفرض نباید بود.

۳۶۴ - عسکر پیاده بدون اینکه محتاج معاومت
صنف استحکام باشد باید در باب انشای استحکامات
صحرای تعلیم و توجیه یافته باشد. همه افسران باید حسن
انتخاب مملها را که در آنجا حفر استحکامات میشود و
اداره عملیات استحکامات را بداند.

رفقار نخستین برای محاربه

۳۶۵ - هر چند که دشمن تقرب شود باید در تینه
تو از محاربه تریبید کرده شود. درین باب باید که
کوایف ذیل بنظر وقت ملحوظ گردد.

توسیع جبهه

انتساع

انطباق

توسیع جبهه عبارت است از تبدیل فلام جزو نامی تمام
بنظامی محبتیکه جبهه آنها وسیع تر باشد. این حرکت

برای تنقیص عمق رفتار و اجتماع استعمال مییابد .

اتساع عبارت است از تفریق قطار رفتار بقطار

متعدد و اقد نمودن یک جبهه وسیع تر . برای حصول

این مقصد قطعات از هم دیگر به شکل با دزن جدا میشوند

و اکثریه نظام رفتار را نیز محافظه میکنند . همین قطار

در اثناییکه باز در آمدشان به قطارهای رفتار مخلوط نباشد

بنظام عمیق قطار در آمده توسعه جبهه آنها مناسب مییابد

اخذ ترتیبات عمقا که در اداره محاربه حائز اهمیت مییابد

بحرکت اتساع سهولت حاصل میشود .

حرکت اتساع از نظام اجتماع نیز اجرا کرده

میتواند شد .

هرگاه معلوم گردد که زمان محاربه قریب است

چون به نظام اجتماع در آمده توسعه جبهه اکثریه

موجب ضیاع وقت و مستلزم ماندگی مییابد لهذا

باید اجرای تهیه بقاعده اتساع ترجیح کرده شود .

انباط : عبارت ازین است که قطعه برای محاربه

عرضا و عمقاخذ ترتیبات بنماید . و خطهای خپور تشکیل

کن
می
کر
تقی
طو
پهل
با
تقی
از
یک
زد
اش
ماند

کند. اگر چه بقرار قاعده قطعات بعد از اتساع انبساط
میکنند اما از قطار رفقار یا از نظام اجتماع تیر انبساط
کرده میتواند شد.

۲۶۶ - در وقت توقف قطار رفقار، برای
تقیص عمق رفقار یا عمیق قطار تشکیل میاید. و اگر چنین
نویز باشد که قریباً اتساع کرده خواهد شد پس
پهلوی پهلوی قطارهای متعدد در رفقار تشکیل میشود.

۲۶۷ - در سرکهای وسیع که عرض آنها بیکدره
باشد، از ابتدای رفقار پرک قطار تاسیس کرده
تقیص عمق قطار رفقار فائده بخشیده میتواند.

بنظامنامه خدمات سفریه مراجعت کرده شود.

۳۶۸ - در آشنای توقف سرکها باید حتی الامکان
از افراد پیاده خالی شود. هرگاه بر سرک کوت
یک لازم گردد کوتاه باید یکی از دو کنار سرک بیجا
زدیک باشد. حصه های تنگ سرک را بکوتهما
اشغال نباید کرد. (بارهای سبک) اکثریه بر سرک
مانده میشود.

۲۶۹ - برای رفتن در خارج راهها باید که بیشتر
 کشفیات را جبراً کرده تعیین استقامتهای راههای
 قطار را (استقامتهای که از اینجا قطارهای رقرار خواهند
 بگذشت) نموده شود.

۲۷۰ - در اثنا اینکه پیشتر رفتن طوپچی لازم
 کرد و پس برای اینکه قطارها با یک دیگر مزاحم نشوند
 لازم است که در باب رقرار توپچی بطرف راست
 یا چپ پیاده امر داده شود. و اگر قطع کردن قطار
 یکدیگر را ضروری شود از توقفهای ممکن الوقوع
 استفاده کرده پیاده برای اینکه از فاصلههای قطار
 طوپچی یعنی از مابین کندکهای طوپچی بسرعت بگذرد
 نظایمهای وسیع ایجنده اخذ میکند.

۳۷۱ - در تعیین جاهای قطعاتیکه هنوز بمحاربه داخل
 میشوند کیفیات ذیل به نظر دقت آورده میشود.
 استقامتها را که قطعات مذکور در او خیر تعقیب
 خواهند کرد، پوشیده بودن قطعات از آتش دشمن
 و حتی الامکان مستور بودن آنها از نظر دشمن.

جزوهای تام کلان بطرز جماعتهای متفرق مرتب
شوند .

۳۷۲ - برای حرکات قطعات مجتمعه ، یک
عمیق قطار یا عمیق قطارهای متعدد که در یک وقت
بحرکت شروع میکنند استعمال میشود .

۳۷۳ - در هر اجتماع نظریه احتیاج باید که
اتخاذ تدابیر امنیت تیر کرده شود .

اصول تعرض

۳۷۴ - تعرض عبارت است از نزدیک
شدن بدشمن برای آتش دادن - در جهتی بجا .
با قرب مسافتات - و بعد از آن نتیجه قطعی هجوم
برچه تحصیل میشود .

۳۷۵ - در محلیکه یک جزو تام برای تعرض
مخصوص باشد ، افسر جزو تام مذکور از همان حصه
اراضی که هموار و بی ستره باشند اجتناب باید کرد .
یا در چنین اراضی برای تعرض توتنهای ضعیف تخصیص

کرده و فاصله های وسیع بیک صورت مناسب
 آنها را پیش باید کرد. و قوه اصلی را خفیه از محل قابل
 تقرب بجای به سوق باید نمود.

با این همه اگر چنین اراضی موجود نباشد که
 از آنجا قوه اصلی خفیه تقرب نموده بتواند اجزای
 تعرض قطعی از اراضی غیر مستور ضروری است.

۳۷۶ - آغاز هر تعرض به تشکیل خط چنور می باشد
 برای اینکه اجزای محاربه به آتش مؤثر نموده شود،
 لازم است که بدون شروع آتش بواسطه خط چنور
 حتی الامکان بدشمن تقرب کرده شود.

درجه تقرب بدین صورت، چنانچه تابع تأثیر آتش
 دشمن و حال اراضی می باشد، همچنان تعلیم و تربیه
 قطعه تیر تا شیر مبی دارد.

عسکر پیاده که تعلیم و تربیه آن ممکن باشد در اراضی
 بی ستره تیر تنها در مسافتات وسطیه با آتش شروع میکند
 و ازین چنین عسکر بهین کیفیت نامول می باشد.

۳۷۷ - میل و هوس پیشرفت متناهی و غیرت

تقدم بر قطعات مجاور مرکز خاطر همه اقسام قطعات
 تعرض باید بود. در وقتیکه پیشرفت زیاده تر ممکن نباشد
 قوای موجوده را بصرف رسانیده محافظه اراضی
 ضبط شده را باید کرد.

قسمتیکه پس پاشده اند لازم است که حتی
 الامکان در ستره نزدیکتر باز بدشمن روی بگردانند.
 استنادنایک فی الفور دویدن آنها برای امداد
 مقتضی باشد افرادیرا که در عقب میروند با خود
 پیش میرانند.

۳۷۸ - مابین قسام پیشینه تعرض و افسرانیکه
 در عقب میباشند تأسیس ارتباط دائمی ضرورست.
 تأسیس ارتباط دائمی به تخصیص بذریعه تلفون متج
 فواید عظیمه میگردد. و اگر ستره باشد اطلاعات
 و اوامر در بعض احوال بتوسط سواران نیز ارسال
 میتواند شد در عکس این، مخابره بذریعه اشارات
 میشود. چون اشارات ظرم گاه گاه موجب بعضی
 غلط فهمیها میشود و احتمال فهمیدن دشمن در آن میباشد

لند استعمال طرم درما سوای حالایک در قسم
دوم مستثنی شده است بالکل ممنوع است .
۲۷۹ - در اثنای تعرض پیاده طوپچی مابیک
صورت کافی طوپچی دشمن را اشغال میکند و تیرتا تیر خراب
آتش خود را در حصد آن موضع پیاده دشمن که بر آن
حمله آورده خواهد شد بصرف میرساند .
۲۸۰ - پیشرفت پیاده در اثنای محاربه طوپچی
(با هم محاربه کردن طوپچیهای هر دو طرف) قطعات
دشمن را میچور میسازد که بمیدان برآیند و بتأثیر آتش
طوپچی گرفتار آیند (فقره ۳۹۳)
۳۸۱ - در مسافات قریبه رفاقت غنده کهای
(شش طوپ) منفرد با تعرض قوه معنویه پیاده را
تزیید میکند و تیر مانع پس پاشدن میشود .
۳۸۲ - هر گاه حال اراضی مساعد این باشد
که افراد چپورتا بمسافت آتش موثر خفیه تقرب کنند
باید که فی الفور خطهای چپورتا قوی و کثیف تشکیل کرده
شود .

۳۸۳ - چون مدافعین اکثریه چنین موضع انتخاب میکنند که مهاجمین را مجبور گردانند تا از جای غیر مستور و وسیع بگذرند و کشف و تعیین امتداد و طرز اشغال موضع دشمن بیک صورت کافی مشکل میباشد لہذا متعرضین در بدایت امر با امنیت کاملہ قطعاً قویہ سوق کرده نمی توانند .

۳۸۴ - در چنین اراضی در بدایت امر جزوہ تام چپور خفیف و غیر تسلسل تشکیل کرده پیشرفت نمودن و بدین صورت بدشمن مشکل الاصابہ بدفما نشان دادن ضروری میباشد .

در موضعیکہ بہ ہمین صورت بدست آورده شدہ است حسب القاعده بعد از تکلیف خطہای چپور باتش شروع میشود . تا این وقت افراد چپور کوشش میورند کہ خود را از نظر دشمن دست بردارند .

۳۸۵ - در موضع نخستین باتش بعد از آنکہ متحداً باتش شروع شود . بذریعہ اجرای معاونت باتش بسافت هجوم ، بدشمن اقرب کرده میشود . از سبب

اختلاف و تنوع اراضی و احوال ، اعطای معلوما

در باب تفرعات اجراییه غیر ممکن میباشد . محاربه

در نقاط مختلف محاربه بصورت های متنوع جریان میابد .

۳۸۶ - برای دلی ، پُرک ، بلوک یا توتلی

یا هر حصه قطعه متعرضه هرگاه امکان تقرب ظاهر شود

فی الفور قیام با استفاده ازین حال وظیفه قسم مذکور

میباشد .

برای امکان تقدم اکثریه تحصیل تفوق آتش

لازم میباشد . حصول همین تفوق از تناقص آتش دشمن

و از سرگذشتن مرئیهای آن فهمیده میشود .

در حرکت پیشرفت اقسام منفرد ، از رعایت

انتظام مجانبت کرده میشود و لازم است که اقسام

پیشرفته با آتش ، آتش گفتند کاینکه در جای آنها باقی میماند

مانع نگردند .

۳۸۷ - طول جهید نهایتا تبع تاثیر آتش دشمن و حال

و شکل اراضی میباشد . برای اینکه بقدر امکان

بدشمن تقرب شود در ازی جهید نها مطلوب میباشد .

برگاه اقسام خرد و جمید ن آغاز کنند برای اینکه
 آتش آتش کنند گانیکه در جای خود مانده اند نگرند
 لازم است که اقسام مذکور به جمید نهایی کوتاه اکتفا
 درزند . بنا بران چون جمید نهایی و لکیها موجب تعطیل
 پیشرفت میگردد اجرایی چنین جمید نهی محض در حال
 مجوریت حقیقیه مناسب میباشد .

اجرایی جمید ن قطعاً تیکه از پُرک کلان باشند
 چون معاونت متقابل را دشوار میسازد لهذا تنها
 در حال بودن تفوق حقیقی آتش استحال میشود .

۳۸۸ - بعض اقسام از مساعده و حمایه ارثی
 استفاده کرده از دیگران سر یعتر پیشرفت میکنند
 منع اقسام مذکوره از پیشرفت جائز نیست اما قبل
 از پیشرفت ملاحظه این امر لازم است که آیا این
 چنین پیشرفت شان موجب اینگونه پس پاشیدن
 که موفقیقت تعرضیه را شسته سازد میگردد یا نه ؟

۳۸۹ - در حال دوام تعرض برای بدست
 آوردن همان نقاط که استناد شده میتوانند

جهد بلیغ بصرف باید رسانید تا با عانۀ آفتشای شدیدی که
 ازین نقاط اجرا میشود، حرکات پیشرفت اقسایمیکه
 از اطراف پیشرفت میکنند بهسولت اجرا کرده شود.
 مستحکم ساختن همین محلها به عملیات استحکامیه بهتر
 است. یک حصۀ افراد خپور این عملیات استحکامیه
 را آتش ستر باید کرد.

۳۹۰ - در اراضی بسیار موجد از ذریعۀ سهولت
 پیشرفت افراد خط خپور این است که از نقاط حاکیه
 که در عقب میباشند از بالای خط خپور اجرای
 آتش نموده شود.

۳۹۱ - برای اجرای تعرض باید که درجه اعلی
 شدت و قوت خط آتش به تقویۀ محافظه کرده شود.
 افسران را لازم است که در پیش روان
 کردن استناد و در وقت مناسب و اکمال ججانه
 همواره متوجه باشند. خطهای پسینه برای اینکه
 دو چار تلفات بی لزوم نگرند و در گرفته میشوند چون
 تقویۀ مجاری آتش لازم کرد پس پیشرفت آنها لازم

است و نیز در زمان حصول نتیجه قطعیه البته زیر دست
بودن آنها ضروری میباشد .

۳۹۲ - برای پیشرفت استناد اصول ذیل
استعمال میشود . بعد از قدری دویدن پروت
کرده و استراحت نموده و همچنین بفاصله ها دویدن ،
قطعات را بجهه های خرد تقسیم نمودن ، استعمال
نیت نظام . با وجود این باید این امر ملحوظ گردد که
ترک مجتمع نظام اساسا محل عذر است به تخصیص در
دقتیکه خط آتش بدشمن نزدیک شده بذریعہ آتش
خود آتش دشمن را به خود متوجه گرداند .

زیر آتش موثر پیاده دشمن ظاهر بودن قطعات
در مجتمع نظام جائز نیست .

۳۹۳ - چون خط آتش موضع دشمن نزدیک
شود و دشمن را بقدر کفایت متر لرز نماید در آن
وقت هجوم اجرا میشود . [+]

[+] در تعلیمها نیکه در وقت حضر اجرا میشود (تاثیر ارضی و قرار
ملکها مستثنی) مسافت موضع هجوم از موضع دشمن تقریبا (۱۰۰) متر میباشد .

۳۹۴ - برخاستن خط‌چینور برای هجوم یا مردان
هجوم از عقب تابع تقاضای وقت است .

۳۹۵ - خط‌چینور چون احساس کند که وقت حصول
نتیجه قطعیه رسید درینوقت از برخاستن برای هجوم
احتراز نماید کرد . و تبلیغ همین قرار هجوم را با اشارت
باید نمود .

قطعات پینه تیرنی الفور بجزکت آغاز نموده
و تلفات را هیچ اهمیت نداده از راه نزدیکتر
باید رسید .

۳۹۶ - هرگاه بواسطه یک حصه از قطعات
تعرض ، در اشای هجوم ، از یک موضع حاکم یا از
طرف پهلو در زیر آتش آوردن محل هجوم ممکن باشد .
قسم مذکور جایمانده تا با خربجار به آتش دوام
میورزد .

۳۹۷ - هرگاه قرار هجوم از جانب افسرانیکه
در عقب میباشند داده شود ، در مقام اخبار
اشارت : بر چه یک ! زده میشود . و همین اشارت

از جانب طرفچیان همه اقسام عسکریه که به هجوم اشتراک دارند تکرار میشود .

بنا بر همین اشارت ، افراد خپور شدت آتش را بدرجه اخیر زیاده میکنند . آن اقسام خط آتش که پستتر میباشند سعی میکنند که بسرعت تمام بمبادی اقرب بدشمن تقرب نمایند و همه قطعات تقوییه که در عقب میباشند بجانب پیش شتاب میورزند .

۳۹۸ - در وقتیکه خپور برای هجوم بر خیزد همه طرفچیان

و طنبورچیان متصلاً طرم هجوم میزنند و همه اقسام عسکر بکمال عزم خود را بر دشمن می اندازند . مقتضای شرف و ناموس این است که افراد خط خپور بدینگونه بکمال سرعت و شدت حرکت کنند که پیش از در آمدن بموضع دشمن استنادها ، با آنها رسیده نتوانند . افراد خپور چون نزدیک دشمن رسیدند

تیار اوس ! کرده بصدای نصرت اتمای الله الله بموضع دشمن میدر آیند .

۳۹۹ - اگر چه اجرای هجوم بهکنان حتی الامکان

لازم است اما مراد این نیست که در یک وقت
همگان داخل موضع دشمن شوند.

زیرا که اگر اقسامیکه بموفقیت، اجرای هجوم
را ممکن بدانند از سبب پس بودن دیگران
تشبثات خود را تاخیر نموده هجوم نکنند ازین رو شده
و قوت تعرض دوچار ضعف میشود. اقسامیکه کبار
برای هجوم برخیزند باید که بلا انقطاع به پیشرفت
دوام ورزند.

۳۰۰- اگر در هجوم موفقیت حاصل شده دشمن
مطرد گردد در موضع ضبط شده جمع کردن عسکر
زیاده از لزوم خطا است.

اقسام پسینه برای اینکه بیک صورت دیگر
استعمال شوند باید که پیش از آن توقیف شوند.
افسران این اقسام درین باب اکثریه مجبور میشوند
که اجرای معامله را با استقلال بنمایند.

۳۰۱- در اصول تعرض متابعت یک نمونه
خاص ممنوع است.

مخاربه تصادفی

۴۰۲ - در مخاربه چون معلومات لازمه برای تعیین و وضوح وضعیت اکثریه مفقود میباشد و در اثنای حرکات عسکریه طرفین - تنها بذریعه تاسیکه حاصل میشود - در باره یک دیگر زیاده تر کسب معلومات میکنند. بنا بران از قطارهای رفقار برآند مخاربه تصادفی ظاهر میشود.

۴۰۳ - پیشه ار چون باین چنین احوال برسیخورد که در ان احوال مجبور میشود که یک قوت را که پیشتر غیر معلوم باشد بسرعت بشکند یا آن نقاط استناد را که بدست آورده است در مقابل قوای فائقه تیر مدافعه نماید لند اکثریه الحاق طوچچی به پیشه ارشایان توجه میباشد. برای اینکه در مقابل طوچچی فائق یک دشمن، طوچچی پیشه ار، بیک مغلوبیت سریع محروص نشود. سرافسر پیشه ار او را در عقب مانده میتوان یعنی بمخاربه داخل نمیکند.

۴.۴ - در آغاز محاربه طرفیکه در باب تهیه محاربه
بخصم خود تقدم کرده آزادی حرکت را محاطه نموده
توانست حائز تفوق می باشد .

۴.۵ - معلوما تیکه در باب دشمن و اراضی
تحصیل میشود در تعیین وقت و طرز و جای شروع محاربه
تا اثر کلی دارد پیش از دست یافتن معلومات
کافی بر گاه تماس محاربه واقع شود قیام یا عدم قیام
تبعرض تابع وضعیت عمومی می باشد اگر تعرض مطلوب
باشد اجراءات سریعه نموده معطل کردن دشمن، موافق
مصلحت می باشد .

درینحال بر افسر قرار است خود را بصورت استکشاف
مکمل که موجب ضیاع وقت می باشد، معطل نداشته .
باید اندیشه این امر را بکند که خصم او نیز محاربه حاضر نمیشد .
۴.۶ - وظیفه پیش از این است که محل و زمان
لازمه را برای افساطه قسم کلی تهیه نماید . سرفسر درین
باب او امر لازم را با افسر چشیده ار میدهد .
قبل از آنکه باید موضع مطلوبی که اشغال آن محل است

تأمین کرده شود اراضی و نقاط و تجویض تپه های حاکم
که حائز اهمیت بوده پیش رویا در جوانب واقع
باشند باید بحال سرعت و جرات بدست آورده
شوند .

۳۰۷ - پیش از باید از گرفتن یک جنبه و سینه که
اساساً بقوت خود متناسب نباشد مجانبت نکند . زیرا
که طوپی مجا و نت پیش از شتاب کرده و وظیفه آنرا
فی الفور تسهیل مینماید .

۳۰۸ - اگر چه از لوازم محاربه تصادفی اتخاذ اجراء
سریع میباشد لکن اعطای امر اتساع قسم کلی و امر تعرض
یک جا از جانب سرافسر تنها بعد از تحصیل معلومات کافی
در باب احوال محاربه پیش از ممکن میباشد .

۳۰۹ - باید سعی کرده شود که قسم کلی متفقاً به محاربه
داخل شود . با وجود آن در بعض احوال برای محافظه فزونی
که از جانب پیش از تحصیل شده است یا برای استفاده
از آن ، سرافسر آن قطعات قسم کلی که پی در پی و اصل
میوند محاربه داخل باید کرد .

۴۱۰ - هرگاه دشمن در تهیه محاربه تقدم کرده باشد حرکت احتیاط کارانه ضروری است . برای اینکه ابتدا دشمن بر ما احاطه نکند و دائماً بقوت کم در مقابل قوت کلان محاربه واقع نگردد ، تا وقتیکه سرافسر را فرصت قیمت کردن قوای کافیه حاصل شود باید که از یک محاربه جدی مجانبت کند .

۴۱۱ - برای اینکه دشمن بسیار وقت در شبهه و تردد بماند اگر چه شروع محاربه بطوپی در زمان حرکت پیشرفت پیاده برای محاربه مناسب میباشد یعنی اگر چه تا اینکه پیاده تیت شده به خط حرب در آید عدم شروع طوپی باتش شایان توجه میباشد لکن اگر پیشدار برای ایفای وظیفه بمجاونت طوپی محتاج گردد یا برای کشف احوال دشمن بذریعہ آتش طوپی کوشیدن لازم باشد . ازین تدبیر صرف نظر کرده بشروع محاربه طوپی مجبوریت حاصل میشود .

تعرض بد شمشک برای فعه بظلمت

۴۱۱ - هرگاه دشمن بد افعه قرار داد، ابتدا از آزادی حرکت صرف نظر کرده است.

۴۱۲ - درین حال متعرضین برای کشف دقیق موضع دشمن و هر چیزیکه در تعرض فایده بخشد وقت میبایند.

بنا بر آن متعرضین تنها به کشفیات سواری و دوربین اکتفا نکرده بلکه بواسطه قطارهای کشف ضابطان پیاد و سواری کشفیات را با تمام رسانیده هر چند که دشمن تقرب کرده شود کشفیات مذکور را اکمال باید کرد.

۴۱۳ - هرگاه از نتیجه کشفیات واضح گردد که فی الفور اجرای تعرض موفقیت نمی بخشد باید این کیفیت ملاحظه شود که برای تقرب بدشمن از تاریکی شب استفاده کرده میشود یا نه؟

۴۱۴ - سرافرجد از آنکه بذریعۀ نتیجه کشفیات وضعیت را تعیین کرده در تقرر موضع طوچی و استقامت تعرض قرار بد بد قطعاً خود را احتی الامکان قریب

موضع دشمن حاضر میکند .

۴۱۵ - قطعات بذریعہ آن ترقیبات ضعیف است
که اخراج میشود به بین موضع تہیہ سوق کرده میشوند . افسران
میش رفتہ ، آن راہ ہای را کہ از ان برسرو دشمن میروند
کشف میکنند چون احوال دشمن بقدر کفایت واضح شود
برای جزوہای تام منطقہ ہای انبساط تخصیص واقیاط
تفریق میشود .

۴۱۶ - موضع تہیہ از تا شیر اسلحہ دشمن حتی الامکان
از نظر آن محفوظ و مستور باید بود .
اگر محتمل باشد کہ طوطچی ما طوطچی دشمن را اشغال کند
در اراضی بی سترہ پیادہ را از دشمن بقدر ۳ کیلومتر یا زیاد
دورتر حاضر باید کرد .

۴۱۷ - بجز در اینکہ طوطچی حاضر شود بجا رہ بہ شروع
میکند و بہ بین صورت پیشرفت پیادہ را تسہیل و در انکشاف
و وضوح احوال دشمن معاونت میکند .

۴۱۸ - در اثنای سوق قطعات بموضع تہیہ برای
حافظہ وحدت حرکت تخصیص در اراضی مستور منطقہ منطقہ

پیشرفت کردن شایان توجه است و اقسامیکه بدین طریق
 در اراضی مساعد حرکت میکنند پیش از وقت بیک
 درجه خطرناک تقرب بدشمن میکنند و تیر اقسام دیگر که را
 آنها دورتر باشد یا وضع اراضی حرکات آنها را
 شکل سازد بسیار پس مانند . برای اینکه بهین قنار
 وقت ضایع نشود باید افسران اتحادتد ابیر لازم
 و مناسبه نمایند .

۴۱۹ - اگر چه حتی الامکان در یک وقت
 شروع با تثنی پیاپی بر همه خط تعرض بهتر میباشد اما
 در یک تنویه بودن همه قطعات در موضع تهیه شرط
 نیست . اقسامیکه از سبب مساعد اراضی بموضع
 دشمن زیاده تر نزدیک شوند باعث سهولت مرور
 اقسام باقیمانده از اراضی غیر مستور میگرددند .

۴۲۰ - بعد از احضار قطعات افسر امر تعرض
 را میدهد . هرگاه در امر اخذ موضع تهیه منطقه ای
 انبساط جزوای تمام بزرگ و بد فهای تعرضیکه حصه هر یکی
 از جزوای مذکور میباشد تعیین شده باشد . پس

باید در همین امر تعرض بتعیین مذکور نموده شود و علاوه بر این برای توحید حرکات درجهه، تعیین یک قطعه ارتباط ممکن میباشد. قطعات دیگر بشرط اینکه عزم پیشرفت را معطل نگردانند بقسم قطعه ارتباط حرکت مینمایند (ارتباط محاربه)

۳۲۱ - در تعیین و حساب قوت های تعرض این نکته را اساس اتخاذ باید کرد که برای تعرض هر قدر قوت کمتر داشته باشیم با این همه قوت مذکور را کافی نباید شمرد مگر بعد از پر کردن جاهای تلفات میدان تعرض را با این درجه که مانع اجرای تاثیرات و تضییق میدان گردد به عسکر پرنیاید کرد.

۳۲۲ - چون در باب امتداد منطقه های قطعات تخمین نموده شود برای یک تولی که در موجود سفری باشد زیاده از (۱۰۰) متر و برای یک لوا زیاده از (۱۰۰) متر زیاده نشود [+]

[+] در تعلیم های که بوجود حضرتی جرایم شود منطقه های اقباط که موافق حقیقت حال میباشد آنها را تقریبی محافظه باید کرد.

۴۲۳ - اگر چه ابتدا در مقابل طوپچی دشمن سعی در تحصیل تفوق آتش لازم باشد اما اجرای تعرض پیاده را تابع همین کیفیت نباید کرد. درین باب نظر بقاصدا وضعیت عمومی حرکت کرده میشود.

تعرض بیک موضع مستحکم صحرا

۴۲۴ - بیک موضعی که همه وسائط مخصوصه استحکامات صحرا مستحکم و تقویه شده باشد اکثریه تنها از تاریکی شب استفاده نموده اجرای تعرض میتواند شد.

۴۲۵ - بعد از آنکه قطعات پیشینه دشمن حتی الامکان بموضع اصلی خود رانده شوند در باب موضع دشمن را با تقرب و موضعی که برای طوپچی انتخاب میشود، بچشم و بیک صورت منتظر اجرای کشفیات کرده شود.

۴۲۶ - بطریقه ای تعرض زیر حایه قطعات پیشینه حتی الامکان از هنگام روز به محاربه طوپچی شروع کنند درین محاربه (طوپچی طوپهای سنگین) به تخصیص مؤثر است. برای اینکه اداره محاربه طوپچی متحد شود بودن

همه قوت طوچی زیر امریک افسر طوچی بهتر میباشد.
 اگر طوچی، پیاده را حمایه کرده بتواند در روز هم
 پیاده بقدر کفایت تقرب میکند. و احتمال دارد که
 به حمله نیز قیام بتواند. اگر این چنین نباشد اکثریه
 سوق پیاده در وقت شب موافق میباشد.
 ۲۶۲ - پیشرفت پیاده در شب به تهیه لازم
 اساس محتاج میباشد. ابتدا اراتای تقرب و
 خطهای مطلوب الوصول را تعیین کرده، اگر ممکن
 باشد، نشانه های معلوم آشکارا کرده شوند.
 {بوتها، و پاکها [1+]} در باب استقامت
 رفتار که در وقت پیشرفتن تبدیل آن جائز نیست
 باید هر قطعه معلومات بسیار داشته باشد.
 برای محافظه همین استقامت نشانه های مجید
 در شب نیز تمیز و رویت آنها ممکن باشد در ذهن حفظ

[1+] پاکهای دراز که سبزی آنها یک یا دو سانتی متر بوده
 باشد مانند بیم تلخراغ بر زمین انداخته و در نقاط انحراف راه
 بیک منجسته میشوند.

میشود و در وقت لازم قبله تا تیر استعمال میشود
 و تا اینکه منع خطای موجب فلاکت شود علامات ذیل
 را استعمال و ملحوظ باید کرد . رهبرای با امنیت ،
 اشارات ضیائی ، چراغهای خفی ، (که طرف تاریک
 آن بدشمن متوجه است) و برای قطعات خود ماسق
 سفید ، بازو بند سفید و غیره . خالی ماندن اسلحه شایسته
 توجه است

۴۲۸ - استناد تا نزدیک عقب بوده تقسیم
 خطهای کثیف چپور بدون غلغلہ پیشرفت میکنند و از
 محاربه آتش اجتناب نموده تا اثر آتش دشمن را
 - خصوصاً در اثنائیکه خصم تویرات ضایعیه استعمال کند
 - گاه گاه پروت کرده تنقیص باید کرد .
 برای اعاده انتظام در وقت ضرورت تو قتها
 کوتاه داده میشود .

۴۲۹ - موضعیکه برای آغاز محاربه آتش انتخاب
 میشود ، نزدیک بودن آن بموضع دشمن باین درجه
 که از آنجا قیام به هجوم ممکن باشد موجب محسنات است .

قطعات درینجا سرعت سپر تا ساخته و اگر زمین سخت
 باشد بهمان توپره های ریک که با خود می آرند ستره تا
 تاسیس نموده و همچنین هر چیزیکه برای محاربه مفید باشد
 احضار آن لازم است .

درین موقع تفنگهای ماشیندار خیلی فایده میبخشد .
 ۴۳۰ - در اثنای ساختن سپر تا افرادیکه مشغول
 عملیات میباشند باید در هر آن محاربه حاضر باشند .
 پیش روان کردن قطعات خصوصی برای تأمین عملیات ،
 مناسب نیباشد . امنیت مطلوبه را با عانه قطارهای
 کشف تحصیل باید کرد .

۴۳۱ - برای رفع و ازاله موانع تقرب بذریع
 صنف استحکام در شب سعی باید کرد .

۴۳۲ - طوچی در شب با آتش دوام و رزیده
 در وقت شفق شدت آتش خود را بدرجه کمال زیاده
 میکند و از تاریکی شب استفاده کرده غنک های منفرد
 بوضوح نزدیک که پیشتر کشف و تعیین شده باشند
 سوق میشوند . و در عین وقت شفق ناگهان با آتش

شروع میکنند . همین نخندک ها در تخریب موانع اشتراک
و معاونت کرده حتی الامکان تا مدتی در از بجای تعرض
مکلف میباشند .

۴۳۴ - در وقت فجر آتش پیاده و آتش تفنگها
ماشیندار که با آتش طوپچی یکی شروع میکند ، یا از جای
خود و یا در وقت لزوم بموضع دشمن کمی تقرب کرده
و اكمال تخریب موانع نموده برای امکان قیام بهجوم
دشمن را باین درجه که از سپر با بر آمده نتواند ، زیر
تفوق آتش باید گرفت . بعد از تقرب ، بدرجه که هجوم
ممکن باشد ، دشمن را اسكات باید نمود .
نقل ادوات هجوم و نوع ادواتیکه بان خود برداشته
میشود تا بجای نتیجه استکشافات است . نقصان تدابیر
درین باب بسا موجب عدم موفقیت هجوم میگردد .
۴۳۵ - اگر از موضع هجوم میکند در شیب اشغال شده
است . بی آنکه از طرف پیاده محاربه آتش اجرا شود .
وقت صحیح در هجوم سعی شود ، درین صورت حصول
موفقیت وابسته اجراءات سریع و ناکامانی میباشد .

۴۳۶ - هرگاه در نتیجه کشفیات ، در باب موضع دشمن و نوع و موقع مواضع و راه های یک قطعات هجوم بر آنها میگردند ، معلومات کافی تحصیل شده باشد . هجوم ؛ وقت شب نیز اجرا کرده میتواند شد . اجتماع قطعات هجوم در یک موضع خاص اجرای هجوم در عقب تقریبیکه در تاریکی اجرا شده است تابع تقاضای وقت میباشد . در مقابل اقسام باقی موضع دشمن ، ترتیب تعرضها ساختگی نظر وقت خصم را منحرف کرده میتواند .

۴۳۷ - محافظه سکوت تام تا وقت اجرای هجوم ، اتحاد در پیشرفت ، محافظه استقامتها و دائم داشتن ارتباط مابین قطعات منفرد ، قطعی الزوم میباشد . نتیجه قطعی را در آمدن دشمن سینه بسینه باید جست .

۴۳۸ - هجوم ؛ نظامات معینه ندارد . چون ترتیبات ساختگی موجب خلط میباشد ، پس بقدر امکان استعمال نظامهای بسیط باید کرد . و خطه بسینه به مسافه های کوتاه تعقیب کرده جناحها را بقدمهای

زیاده حمایه باید نمود . در عقب یک قطعه احتیاط باین
قدر دوری موجود میباشد که برخلاف آرزوی افسر
داخل محاربه نشود .

۲۳۹ - بجز میکه در شب اجرا میشود در حال فوجیت
تیر در قطعه متعرضه خلط عظیمی می افکند لهذا آتیس و تنظیم
جزوهای تام بسرعت . و فی الفور سوق قطعات منظم
از عقب برای مظاہرت و اعاده قوت عسکریکه خلط
شده است و ضعیفه افسران میباشد .

۲۴۰ - موضع ضبط شده را بلا تاخیر بحال فوج
باید گذاشت و بمنه تدابیر و استحضار اینکه اجرا میشود
باید استحضار تعرض مقابل دشمن و طرد آنرا بحال
متانت و جرأت تا این نمایند . شروع به تعقیب
اکثریه بعد از ظهور روشن می شود .

۲۴۱ - چون بحال امنیت تخمین زمان امتداد
تعرضه های میکه بموضع مستحکم اجرا میشود اسکان ندارد
لذا پیش از تعرض چنانچه را کشیده . از راق
و جخانه بسیار برای افراد تقسیم میشود .

احاطه

۴۴۲ - اتحاد تعرض جبهه با احاطه بیک صورت
 این ترستلزم کامیابی است . شرط اول احاطه
 همین است که دشمن را در جبهه جایگاه داشته
 در توقیف آن سعی شود . لذا اجرای یک تعرض
 شدید از جبهه زیاده تر تا شتر میخشد .
 هرگاه احاطه بزودی تا شتر نکند احتمال دارد که
 تعرض جبهه نتیجه خوب نباشد . لذا اگر از جبهه برای
 اجرای یک محاربه شدید . قوت کافی نباشد
 یا بسبب سایر اسباب از هجوم جبهه صرف نظر شود
 بیک اداره تا برآید در جبهه اولایک محاربه اشغال
 اجرا کرده و یا تنها محض تعرض تندید نموده و خول تا شتر
 احاطه بد اثره امکان ممکن است .

۴۴۳ - برای اجرای احاطه بیک صورت
 ساده بقطارهای رفقار اقسا میکه به اجرای همین
 وظیفه مأمور باشند باید از دور برنگی استقامتها

داده شود که به پهلوی دشمن برسند .
 اگر شروع احاطه دیرتر یعنی در زمان حرکت
 اتساع کرده شود و یا بواسطه احتیاط های پسینه اجرا
 شود احاطه مشکل میگردد .
 قطعات خطهای پیشینه را بطرف جانب لغزائیده
 اجرای احاطه تنها بسا عده مخصوصه از ارضی امکان
 دارد بدین صورت اکثریه تنها با تشس احاطه کرده
 میشود .

برای تبدیل محل قطعات خطهای پیشینه از بهر
 احاطه در حال مخصوص از تاریکی شب استفاده
 امکان دارد .

۳۴۳ — چون قطعه که با احاطه ناموردست مجبوع
 میشود که نظر بر جبهه اصلیه به یک زاویه پیشرفت کند
 لذا باید که قطعه مذکور به یک فاصله کافی از جبهه اصلیه
 به محاربه سوق و واصل شود . بین فاصله این چنین
 حساب و تعیین میشود که در اثنای تعرض جناحهای
 داخلی بهم نیامیزند .

۲۶۹

۴۴۵ - اگر قطعاً تیکه اجزای احاطه میکنند داخل
 موضع دشمن شوند درجه دشمن تیر برج و مرج
 وقوع یافته در اکثر احوال موفقیت عظیمه حاصل میشود.
 ۴۴۶ - در وقت واحد احاطه هر دو جناح دشمن
 و ایستة تفوق کلی میدی میباشد. و در عکس حال
 باعث برپیشانی خطرناک میگردد.

مدافعه

۴۴۷ - چینه پیاده که از اسلحه ناریه خود بخوبی
 استفاده کند نهایت قوی بوده تنها جناحهای آن
 ضعیف میباشند. لهذا باید که چینه را با نسبت بقوت
 کم اشغال و جانین بذریعه اراضی یا بسائر قطعات
 محافظه شود.

۴۴۸ - در مدافعه که صرف برای رد تعرض
 دشمن اجرا میشود بجا فظ موضع اشغال شده اکتفا
 میشود.

هرگاه تنها به رد تعرض دشمن اکتفا کرده مظفریت

قطعی مطلوب باشد اتحاد مدافعه با حرکات تعرضیه
لازم است .

۴۴۹ - برای اینکه موضع مدافعه دارای قیمت
و اهمیت باشد باید که موضع مذکور، دشمن را تعرض
مجبور سازد و در حال تشبث دشمن با حاطه برای
مدافعتین زمان کافی را تهیه کند یا برای انتقال تعرض
مقابل شرائط مساعدت تأمین نماید .

۴۵۰ - یک موضع مدافعه که دارای همه شرائط
لازمه باشد و خصوصاً امتداد آن زیاده باشد
بندرت پیدا میشود . باید تقسیم قوتها بیک صورت
مناسبه شود که تلاقی نواقص موضع را بنماید .

لازم ترین شرائط که از موضع مدافعه مطلوب
است بقرار ذیل است : دارای میدان آتش
وسیع و غیر مستور باشد ، خواه داخل و خواه عقب
آن حرکت آزادانه ممکن باشد ، و اقلایکی از جناحها
آن بحال امنیت مستند باشد .

۴۵۱ - در آشنای انتخاب موضع اولاً استعمال

طوپچی را مد نظر باید کرد که طوپچی در استقامت تعرض
 طوط آتش خود را جمع کرده بتواند و بکوفتن تعرض پیاده
 دشمن تا بمسافات نزدیک مقدر باشد .
 موضع پیاده بفاصله مناسب پیشروی موضع طوپچی
 باید بود . و بهترین است که مابین هر دو موضع مذکور
 تقریباً (۶۰۰) متر مسافت باشد (فقره : ۱۴۹۴)
 در مسافات نزدیک برای پیاده حسن تأثیر آتش
 نیز مطلوب است هرگاه اراضی مساعد این کیفیت نشود
 باید که نقصان آتش جبهه را با آتش جانب کامل کنند .
 ۴۰۲ - اضر موضع را به منطقه تقسیم کرده برای
 اشغال بقطعات نشان میدهد . وسعت منطقه تا باج
 حال اراضی است . به منطقه که بالنسبه وسیعتر و دارای
 میدان آتش مساعد باشد تخصیص قوت کم و جخانه
 بسیار مناسب و موافق میباشد . و در محلها نیکو میدان
 آتش وسیع نداشته باشند و دشمن بمسافات نزدیک
 مستورا تقرب کرده تواند متحدید منطقه تا تنگ تر نموده
 و اشغال آنرا به قطعات قوی باید کرد .

هر قطعه عسکریه که یک منطقه را اشغال کند برای همان منطقه خود یک احتیاط منطقه تفریق نماید .

۴۵۳ - برای اینکه بعضی اقسام اراضی پیشینه از ترصد خارج نگردد و بعضی قطعات دشمن از آتش مصنوعی مانند تفریق و متحدید اراضی مذکوره تیر نظر به تقییمات منطقه اجرا باید شد .

۴۵۴ - تقوییه و استحکام موضع مدافعه بدو مساعدت زمان موجود میشود . افسر او امر لازم داده و وحدت اجرای استحکامات را تأمین باید کرد . از روی قاعده استحکامات منطقه هر قطعه مفوض بخود همان قطعه میباشد . در عملیات عظیمه ماسوای قطعه اشغال قطعات دیگر تیر برای معاونت با قطعات اشتراک میورزند .

۴۵۵ - پاک کردن میدان آتش تعیین مسافتات باید که با عملیات استحکامیه یکجا اجرا یابد و بذریعہ تلفون و اشارات رصديه و باقی وسایط مخفی بر در ربط نقاط لازمہ بسرعت نموده شود .

۴۵۶ - هرگاه استحکامات صحرا باین طرز ساخته
 شود که دشمن با سانی کشف آنرا نموده بتواند قسم
 اعظم قیمت و اهمیت استحکامات مذکوره ضایع
 میشود.

هر چند ممکن باشد باید سعی کرده شود که دشمن کشف
 موضع را کرده نتواند تقرر قطارهای کشف در ارضی
 پیشینه، اکثریه برای این مقصد کافی میباشد.

۴۵۷ - از روی قاعده تنها یک موضع مدافعه
 انتخاب کرده بجهت وسائط موجوده مستحکم میگردد.

مواضع پیشینه [+] با سانی مانع آتش موضع
 اصلی میشوند و نیز موجب هزیمت عسکری میگردد که
 مواضع مذکوره را اشغال میکنند. اگر استفادۀ
 وقت مطلوب باشد همین مواضع را به سپرهای
 ساختگی مستحکم ساخته بقوتهای ضعیف اشغال باید کرد

[+] تقابلیکه پیشروی خط مدافعه بوده در وقت ضبط تسبیل
 حرکات تعرضیه متعرضین را مینمایند.

و همین قوتها در عقب اجناس دشمن، اگر ممکن باشد
بلا محاربه رجعت باید کرد.

۳۵۸ - استحکامات، بیک خط متصل ساخته
نیشود، بلکه بقرار قاعده باید جماعه بجای تاسیس کرده
شود. زمینهاییکه پیشروی فاصله های میان جماعتها میمانند،
اگر ممکن باشد که زیر آتش مؤثر آورده شوند وجود
همان فاصله مضرب باشد.

در عملیات استحکامات قطعات جیمه، تاسیس جماعتها
کنذک مطابق قاعده میباشد. وضع تفنگهای ماشیندار
بجناحتهای جماعتها فائده بخشیده میتواند.

۳۵۹ - استحکامات هر چند بر طبق مطلوب خت
شود و قطعات هر چند ما بهر آنه تقسیم یا بنده همان قدر
در قوت تصرف حاصل میشود. و احتیاط عمومی که در دست
افسر باقی میماند همانقدر قوی میباشد. بذریجه قوت
احتیاط عمومی امید انتقال مدافعه بیک مظفریت قطعی
تزیاد می پذیرد.

۳۶۰ - نظر باستقامت تعرض محوظ دشمن حال

اراضی . احتیاط عمومی را از هر جا که سوق آن تخریب
 موافقت داشته باشد در آنجا حاضر و مهیا باید کرد .
 اگر تنها یکی از جناها مستند باشد بقرار قاعده احتیاطاً
 عمومی در عقب جناح غیر مستند وضع میشود و اگر هر دو
 جناح مستند نباشند پس در اینصورت برای مقابله
 آن اجراءات دشمن که در یکی از جناها واقع میگردد
 در عقب همان جناح مقدار کافی احتیاطاً حاضر کرده
 و در عقب جناح دیگر برای تحصیل نتیجه قطعی از وضع قطعاً
 قوی دیگر چاره نیست .

پیش روی احتیاط عمومی که بصورت قدمه میباشد
 برای احاطه دشمن یا برای اجرای تعرض مقابل یک
 محل کافی باید موجود باشد تا احتیاط مذکور
 در آنجا نموده شود .

۱۶۴ - اگر دخول بموضع پیشتر نموده شود امکان
 دارد که دشمن بهین کیفیت را پیشتر کشف کند . تعطیل
 در دخول نیز موجب تلفات بی لزوم میتواند شد .
 هر وقت همه قوت و بیگبارگی اشغال موضع لازمست .

۳۶۲ - برای مقابله تعرض دشمن ، در عین وقت لزوم ، در دست بودن استناد و احتیاطهای منطقی لازم است . هرگاه تاثير آتش دشمن مساعد باشد موقع استناد و احتیاطها نزدیک باید بود و اگر در ارضی ستره های طبیعی موجود نباشد پس باید برای همین قطعاً سپر یا ساخته در راه های تقرب مستور حفر شود .

۳۶۳ - اگر مدافعین جخانه کافی داشته باشند در مقابل بهنمای مساعد ، از مسافت دور نیز آتش پیاده شروع کرده میتوانند .

هرگاه دشمن در ارضی هموار و غیر مستور بختیهای خپور خفیف و غیر منظم پیشرفت کند مدافعین خطی را که دشمن از آنجا میگذرد زیر آتش شدید باید گرفت . در وقت دشمن برای اجرای محاربه آتش شروع به تکلیف بعضی جاهای خط خپور بنماید ، مدافعین برای گرفتن اینها باید بزرگه تفنگ آتش خود را توجیه کنند . با وجود این همیشه درین باب دقت باید کرد که تا انجام محاربه مقدار کافی جخانه بدست باقی بماند .

۴۶۴ - انتقال مدافعین از جبهه بتعرض مقابل

تنها درین دو حال جائز می باشد اول بعد از آنکه هجوم دشمن بر میت یافته تعقیب آتش با انجام برسد . دوم اینکه برای طرف دشمنی که پیشروی موضع مدافعه مجبور گردیده است که بر زمین اتجا نماید . اجرای تعرض مقابل قبل ازین دو حالت بسا موجب ضیاع موضع میگردد . هرگاه احتیاط عمومی به قصد تعرض بجنح دشمن بحال قدمه وضع شده باشد ، در اثنا اینکه دشمن تماماً تعرض جبهه اجرا کند ، احتیاط مذکور شروع با اجرای فعالیت نماید .

۴۶۵ - اگر تعرض شبانه دشمن برای مدافعین

نامول باشد پس برای اینکه میدان تعرض ملحوظ و موقوع موجود را زیر آتش بیارند در روز تفنگهای خود را بخط آتش مثبت نموده [+] اگر ممکن باشد از اضی پیشینه را بوساطه صغیه تنویر باید کرد .

[+] به فقره ۱ (۲۳۰ : ۲۳۷) نظامنامه انداخت پیاده

مراجعت کرده شود .

۴۶۶ - در تاریکی شب برای کشف تقرب دشمن
 و منع شبخون آن اتحا ذ هر نوع تدابیر (پیم ار سال قطار)
 کشف ، گاه گاه تنویر اراضی پیشینه ، برای امکان
 شنیدن هر نوع آواز و غلغلہ دشمن در سکوت کامل
 بودن) باید کرد .

ما سوای افسران و راصدان و یک قوت ضعیف
 خط آتش را اشغال میکند همه عسکر داخل موضع ، استرحت
 کرده میتوانند .

بجز داینکه پیش آمدن دشمن کشف شود خط آتش برت
 و قوت اشغال میشود . محاربه آتش باید در نزدیک
 ترین مسافت اجرا شود .

هر گاه دشمن بموضع داخل شود برای دفع آن بدزیه
 اسلحه جارحه لازم است که قطعات پسمینه نزدیک و
 زیر دست باشند .

محاربه اشغال

۴۶۷ - برای استفادہ وقت اجرای محاربه

بصورت اشغال ممکن میباشد به تخصیص برای تأمین
 و محافظه انبساط قطعات عظیمه، اقسام عسکریه که ابتدا در عمل
 محاربه میشوند بهین طرز حرکت میکنند و تا زمانیکه یک قطار
 محاربه محاربه اشتراک کند برای فریقین دشمن باید
 محاربه اشغال اجرا شود.

۴۶۸ - افسر که خیال محاربه اشغال را داشته
 باشد در مسافت کلان طویلی قوی در محاربه داخل
 کرده آنرا نظر بهین خیال استعمال باید کرد. زیرا
 که محض بهین صورت سرعت وصول زمان نتیجه قطعیه منع
 کرده میتواند شد.

۴۶۹ - پیاده اجرای محاربه را بجهت بسیار
 وسیع و از مسافت دور میکند و خطوط دیگر را در عقب
 میماند لکن اگر محاربه بصورت انتقال بحال مدافعه یا
 بصورت قرار دادن افسر برای تعرض یک رنگ دیگر
 گرفت پس خطهای نخستین را تقویه کرده تکلیف خطهای
 پسینه زیاده تر تقریب میشوند.

۴۷۰ - مقصد از محاربه نای نایش مطلوب خود را

اخفا کرده دشمن را فریب دادن است . همین
 محاربه را بصورت تعرض نیز اجرا می تواند شد . در
 همین نوع محاربه با انواع محاربات نامدرالاقوع
 در تعلیماتمه بیان قواعد مخصوصه نشده است زیرا
 که اصول اداره همین محاربه با نظر بهر حال پیرو ضحیت
 متبدل میگردد .

تعقیب

۴۷۱ - تنها بشکست دادن دشمن بیک صورت
 ساده نصف مظفریت را اکتساب کرده میتوانیم
 مگر برای اكمال و اتمام مظفریت تعقیب دشمن مغلوب
 لازم میباشد . زیرا که غایب تعقیب خود دشمن است .
 اگر تعقیب دشمن مغلوب بشدت نشود بعد از هر
 قبلی باز خود را برای بقا و دست آماده می سازد .
 برای کسر همین مقاومت اجرای یک محاربه دیگر
 ضروری میباشد .
 ۴۷۲ - اجرای آتش نموده و قطعاً از تعقیب

فراغت نکرده مغلوبیت دشمن را بدرجه بنزیمیت باید رسانید
 دشمن بنزیمیت یافته را تا وقتیکه یک هدف مساعد نشان
 میدهد زیر آتش باید آورد. باید که بذریعہ آتش طویلی
 و پیاده یا با سله جارحه برای محو، بدشمن تقرب کرده شود.
 ۳۷۳ - برای احاطه جناح دشمن با سیرای قطع خط
 رجعت آن، قطعه های پیاده که در جناح میباشند
 و سواران از طرف جناح با ستقامت موازی خط
 رجعت دشمن به تعقیب دوام باید ورزید.

۳۷۴ - برای دوام تعقیب جمیع افسران باید
 همه قوه عزم خود را بصرف برسانند زیرا که چون عسکر
 مظفر نیز از مشقتهای محاربه در مانده از قوت می افتد
 و در انتهای محاربه در خورد و کلان احتیاج استراحت
 حکم و تاخیر خود را اجرا مینماید بنا بران تنها عزم قطعی افسر
 بر ماندگی او غلبه کرده افراد ماتحت را نیز با خود پیش
 برده میتواند.

در چنین وقت افسر حرکات غیر قابل اجرا را نیز طلب
 باید کرد و از مشاق و مزاحمیکه به عسکر او میرسد مجانبت

نباید نمود . و چنانچه در آشنای محاربه بلا حظه تلفات از
مقصد محاربه صرف نظر کرده نشود همچنان در آشنای
تعقیب نیز ضایعاتیکه در راه پیش رو آیند هرگز سبب
ترک تعقیب نبایند شد .

۴۷۵ - در آشنای تعقیب دشمن که بعد از تعرض
نتیج موفقیت اجرا میشود اتخاذ تدابیر در باب تأمین
حفاظت نتیجه مکتوبه باید کرد . لهذا افسر بزرگه عسکریکه
در نتیجه محاربه صلاحیت استخدام زیاده نداشته باشند
موضع ضبط شده را اشغال میکند و اعاده نظام و تنظیم
قطعات را مینماید .

رجعت قطع محاربه

۴۷۶ - اگر حالت محاربه غیر مساعد گردد افسر
باید پیشتر قرار داده باشد که آیا تا زمان ظهور نتیجه قطعیه
دوام محاربه یا شروع رجعت مناسب خواهد بود یا نه ؟
۴۷۷ - اگر قطعه هنوز احتیاط خود را کاملاً به صرف
نرسانیده است پس تا ابر رجعت قطعه مذکور سهولت

اجرا میبندد . لکن بجای اینکه برای تحصیل غفر استعمال
 بشود برای ستر رجعت تفریق یک احتیاط خطا است .
 ۴۷۸ - طرز اجرای رجعت تابع حال عسکر و مورد
 حرکت دشمن غالب میباشد . پیاده که بر رجعت مجبور
 میشود ، محض در نظام محارب که موجود بود و به استقامت
 بر جبهه نمود دست رجعت کرده میتواند .

حمایت همین پیاده را ابتدا صنوف سائر می نمایند .
 برای این مقصد طوپچی یا طوپچی دشمن در هیچ اهمیت
 نداده و از ضیاع طوپها نیز محاسبت نکرده آتش خود
 را به پیاده دشمنیکه پیش می آید متوجه باید ساخت .
 سواران نیز برای اینکه پیاده را بقدر امکان از دشمن
 خلاص کنند - اگر چه نتیجه فداکاری او عبارت از یک
 لحه توقیف دشمن است - نفس خود را فدا باید کرد .
 ۴۷۹ - برای حمایت مابعد اکثریه در عقب ، اشغال
 یک منطقه اراضی که صلاحیت مداخله را داشته
 باشد لازم است بشرط اینکه عسکر در عقب همین وضع
 حمایت ، برای اعاده انتظام وقت و جایافته بتوانند .

در محافظه سواران و بجا و نسته طو پچی و تفنگهای
 ماشیندار امکان اخذ موضع حمایه و دوام و زیندن
 پیاده بر جهت درین اثنا، فایده مند است. صنوف
 اسبدار بر قمار سریع تعقیب پیاده را میکنند.
 به تخصیص بودن موضع حمایه در پهلوئی خط رجعت برای
 قطعه مای خرد یک حال مساعد شده میتواند.

۴۸۰ - در اثنای رجعت باید که سعی بلیغ کرده
 شود که مسافت که در آنجا با دشمن محاربه آتش واقع
 میگردد زیاد کرده شود. لهذا بدون سبب روی
 گردانیدن اجزاء اقسام عسکریه خطا است. زیرا که بین
 حرکت تباعد از دشمن دشوار میآید.

۴۸۱ - اگر مسافت مابین عسکر و دشمن زیاد
 شده عسکر رجعت کند پس عسکر مذکور به نظام رقتار
 در آمده میتواند و قدرت میابد که یک ویدار میخند
 مقرر کند، تشکیل یک چند قطار رقتار موجب تسهیل
 رجعت میگردد. در خیال برای هر قطار رقتار تشکیل یک
 ویدار جداگانه باید کرد پیش از وقت از اتحاد

بین قطار؛ بیک قطار در قمار مجانبت لازم است.
 ۴۸۲ - حسن اجرای محاربه رجعت وابسته این
 امر است که سراسر اجراءات خود را دانسته اداره
 محاربه را به دقت بسیار بنماید. سراسر باید این کوا
 را مبین دارد اول حمایه از طرف کدام قطعات
 و کجا اجرا خواهد شد، دوم استقامت کافی را که
 قطارهای رفا را تعقیب خواهند کرد. سراسر بعد
 از اینکه همین تدابیر را اتخاذ کرده در خصوص اجرای
 آنها مطمئن گردد پس برای اینکه استقبال قطعات
 را با دادر جدید بنماید میدان محاربه را ترک داده
 به عقبه می رود و اتخاذ تدابیر فروغیه و وظیفه انفسران
 معیت میباشند (فقره - ۳۳۷)

۴۸۳ - اسان ترین صورت های قطع محاربه؛
 رجعتی است که در عقب موفقیت واقع میشود خواه
 بهمان رجعت بواسطه امر مافوق باشد یا بقرار ذاتی.
 هر چند که مقصد خود را از دشمن اخفا کرده توانستیم
 محاربه را نیز بهمان قدر سرعت قطع نموده میتوانیم

و هر چند که محاربه پیش رفته باشد قطع محاربه بهمان
نسبت دشوارتر میگردد.

محاربه مواقع مسکونه جنگل

۴۸۴ - مواقع مسکونه نظر بموقع و طرز ساخت
آنها یا در خط مدافعه ادخال میشوند و یا برای ستر قطعات
استعمال مییابند.

مواقع مسکونه بچشمه کاری اگر در مدافعه آنها اصرار
نموده شود محرق محاربه را تشکیل کرده میتواند با وجود
آن از وضع قطعات قوی درین چنین مواقع مجانبت
باید کرد.

۴۸۵ - خط آتش بجهت های مواقع مسکونه اکثریه
مطابق نمی افتد پس اگر وقت باشد عملیات استحکام
اجرا میشود اجزای ترتیبات باین صورت که چند لای
آتش اجرا کرده شود فایده بخشیده میتواند.
۴۸۶ - هرگاه دشمن برای دخول یک محل مسکونه
فرصت یابد باید که هر جا و هر بنای منفرد مدافعه کرده

شود و احتیاطها آن افراد دشمن را که داخل شده اند بذرین برچه اخراج نمایند .

۳۸۷ - از ابتدای تعرض گرفته پیش از آنکه متعرضین اقسام عسکریه قوی از جواسن محل سکون است . است . طوطی باید که تهیه تعرض را خوبی بنماید . استعمال آتش (بلند حرکت) در نیابا بهتر است .

۳۸۸ - بعد از ضبط محیط موقع سکون قطعاتی که داخل میشوند باید بلا فصل دشمن را تعقیب کرده تا کنار مقابلین برین اسلحه جارح برای خود راه باز کنند . و برای این مقصد قطعات مذکور تنها بگذشتن از کوه یا قنات نکرده از باغچه ها و خانه ها نیز مرور نموده پیشرفت باید کرد . برای ضبط بناها بیک دشمن بد افند آنها دوام میورزد اقسام صغیره جدا و تخصیص باید کرد .

۳۸۹ - بجز در حصول بناها مقابل موقع سکون فی الفور شروع با تخاوند ابر تدافیه باید کرد . اقسام عسکریه که بشوق تعقیب پیشرفت زیاده میکنند باید ممنوع گردند تا از دست نروند .

۴۹۰ - در محاربه جنگل، محافظه ارتباط و جنگلهای وسیع شکل مییابد.

رایج جنگل در ایامی خصوصی که با استقامت عمومی در تقاضای یک استقامت نشانه شده اند حاصل میشوند موجب سهولت تعیین جهت میباشند. در جنگلهای کثیف حرکت قطعاً تنگ در مجتمع نظام میباشند بواسطه همین راز امکان مییابد.

۴۹۱ - مدافعین حتی الامکان از نهانگاهها چپور در کنار جنگل (که با سالی شناخته شود) محاسبت باید کرد. در جنگلهای خفیف، خط آتش بدرجه که درختها مانع آتش نکردند پستر کشیده میشود. خطهای چپور در جاهای که پیش از کنارهای جنگل باشند موضع گرفته میتوانند.

هرگاه متعرضین بدخول جنگل موفق شوند مدافعین بچناهای متعرضین خصوصاً یک تعرض مقابل اجرا کرده مکرراً در بیرون کشیدن شان باید کوشید و محاربه که درون جنگل واقع میشود تیر باجبرای تعرض مقابل،

بجوانیب دشمن، بحال شدت دوام باید ورزید .
آن جا ای وسیع غیر مستور که درون جنکلی میباشند

و جبب بوجیب اصرار مدافعه را تسهیل نمایند .

۳۹۲ - متعرضین اولابهمان اقسام جنکلی که پیش

برآمده اند توجیه قرض باید نمود .

بجرددخول جنکلی فی الفور اعاده انتظام و مجدداترغیب

نظام محاربه مطلق اللزوم میباشد . بعد ازین در جنکلی باین

شرط پیشرفت میشود که درجه (که انبساط آن بسیار به تنگی

لازم باشد) خطهای کثیف خنور موجود باشد و استناد

تعییب بهمین خطها را بجمع نظام از نزدیک بنمایند و جناحها

با احتیاطها (که در عقب بوده بحال قدمه میباشند) محفوظ

باشند . در جنگلهای تنگ بسیار عمیق نباشند در حرکت پیشرفت

تا کنار مقابل دوام ورزیده میشود .

صورت حرکت در مقابل باقی صنوف

۳۹۳ - پیاده یک محاربه را تنها خود بخود بندرت

اجرا میکند و اکثریه با باقی صنوف یکجا محاربه نمایند .

۴۹۴ - در محاربه فعالیت پیاده و طوپچی در زمان
 و مکان متفرق نباید بود بلکه توجید آن لازم است .
 در وقت شروع محاربه اولاً پیاده طوپچی راستروحمایه
 نموده بعد از آن هر دو صنف محاربه را با اشتراک
 اجرا میدارند .

محاربه پیاده و طوپچی بیک محاذات ، اساساً
 مناسبت ندارد . طوپچی باین شرط که از آتش مؤثر پیاده
 دشمن محفوظ باشد و پیاده در آشنای محاربه طوپچی را آتش
 از آتش متاثر نکرده از روی قاعده موضع محاربه پیاده
 پیشروی موضع طوپچی میباشد .

۴۹۵ - در آشناییکه پیاده پیش میرود برای
 اینکه بی لزوم مانع آتش طوپچی نگردد از جناحهای طوپچی
 باید گذشت یا از فاصله نایک اکثریه در خطهای طوپچی
 موجود میباشد بگذرد .

هرگاه بجانب مرور از خط طوپچی ممکن نباشد درین
 صورت مجبور کردن بعضی اقسام طوپچی به قطع آتش
 جائز است . اجرای مرور بصورت تیت نظام یا بقطعا

دلکی موافق شده میتواند بعد از دور شدن از دهن
 طوپها بقدر (۳۰۰) متر در اراضی هموار تیر پیاده
 مانع آتش طوپچی نیکرود .

۳۹۶ - پیاده باید که عادت کرده باشد
 که هرگاه آتش طوپچی از بالای آن بگذرد خوف نکند .
 در آشنای هجوم دشمن تا آنوقت که پیاده نزدیک
 محلهای هجوم برسد دوام طوپچی با آتش در محلات مذکور
 برای پیاده مفید است .

در حالیکه اجرای ترصد خوبی ممکن نباشد چون
 خط نخستین دشمن تقریباً (۳۰۰) متر نزدیک برسد باید
 که طوپچی از اجرای آتش بر پیاده دشمن دست بردارد .
 درین زمان طوپچی برای دشواری پیش آمدن حمله
 آتش خود را بهمان اراضی که دنبال خط پنجم دشمن
 میباشند متوجه میسازد .

۳۹۷ - همیشه ارتباط داشتن طوپچی و خط نخستین
 مجاز به راه نظر باید داشت برای همین مقصد طوپچی
 از روی قاعده افسران پیشرو میفرستند . افسران

مذکور اشارات مقررہ استعمال کرده از مشاہدات
خود طوپچی را خبر میدهد، و برای اینکه طوپچی با آتش دوام
کند از درجہ تقرب خطمای خپور بدشمن، نیز او را دقت
میکرداند.

۳۹۸ - وظیفہ پیاده همین است که بلا امر خود بخود
محافظة طوپچی نزدیک را در عہدہ بگیرد. هر دو جانب
و پس پشت موضع طوپچی در مقابل تشبث ناگمانی فلکعات
صغیرہ دیر دشمن در خطر میباشند. در اراضی غیر
مستور طوپچی که در موضع خود میباشد چہ خود را با آتش
خود امین ساخته محافظہ میکند. با وجود این برای اینکه
قطارهای کشف دشمن طوپچی را عاجز سازند محافظہ پیشرو
چہ در از طوپچی بواسطہ پیادہ اندک لازم است.

برای این مقصد اخراج چنین قطعات خرد که از
ہمدیکہ فاصلہهای زیادہ ترتیب شدہ باشند کافی میباشد.
۳۹۹ - در مسافت دور آتش طوپچی با شش
پیادہ فائق میباشد و تقریباً در مسافت (۱۰۰۰) متر آتش
ہر دو نصف متوازن و برابر میگردد. لکن در مسافت

تردیک آتش پیاده با تَش طوپچی تفوق میکند لهذا
باید که بهین کیفیت در محاربه که در مقابل طوپچی اجرا میشود
ملاحظه کرده شود .

در آتشی بار کردن طوپ و فرود آوردن آن
و یا حرکت طوپچی بنا بر اینکه بدت کلان نشان میدهد آتشیکه
بر آن طوپچی اجرا میشود موثرتر میباشد .

چون تقریاً منبر از جانب مستور نمیباشند آوردن
اینها و قطعات دنبال آنها را زیر آتش مائل یا آتش
بانی نواید عظیمه دارد . در مسافت بعیده هرگاه پنا
بخواهد که با تَش خود اجرای کار طوپچی را نماید یا با آتش
طوپچی رقابت و هم چینی کند بدون اسراف جفانه فایده
ندارد .

۵۰۰ - تبدیل نوع رفتار و استقامت آن و
ترتیب خطهای خپور خفیف و غیر منظم ، اصابت مرسمهای
طوپچی دشمن را دشوار میسازد .

۵۰۱ - اگر پیاده آماده آتش باشد در محاربه
که بمقابل سواران اجرا میکند از تفوق عددی کثیر سواران

خوف نکرده مطمئن باید بود .
 هر نظامیکه به اجرای آتش مؤثر مساعد باشد
 برای مقابله سواره موافق تر میباشد .
 خطهای خپور که از بالای آنها سواران هجوم کرده
 بگذرند چندان دوچار تلفات مهم نمیشوند .
 برگاه سواران باعث برتبدیل نظام پیاده
 یا تعویق حرکت آنها شده تواند همین حال برای
 سواران کامیابی شمرده میشود . لهذا تنها همان قطعا
 پیاده که راسا دوچار تهدید شوند مقابل آنها سواران
 جائزست .
 ۵۰۲ - قطعات ضعیف پیاده نیز در مقابل سواران
 بزمین فرود آمده اند بحال کامیابی اجرای محاربه
 میتوانند .
 آتشکده حیوانات یک اجرا میشود خصوصا مؤثر
 میباشد .
 ۵۰۳ - تفنگهای ماشینی را ریرا که بدف
 صعب الاصابه تشکیل میدهند و نیز از مسافت دور

پیاپی را تلف کرده می توانست حتی الامکان از نزدیک
 زیر آتش باید آورد
 از تنگنای دراز و صومنا از سرک و راه های تنگ
 تا شیر آتش لیسنده تفنگهای ماشین را میباشند بفاصله
 غیر معین و حصه حصه باید گذشت .

مخاربه جزوهای تمام

۵۰۳ - تنها مخاربه جزوهای تمام خوردن در انواع
 است .

لوا تیرا کثریه در صورتیکه به قطعات دیگر مربوط باشد
 مخاربه میکند هر جزوهای تمام بشرط اینکه داخل دایره محدوده
 و وظیفه معینه خود بماند صلاحیت کافی دارد .

۵۰۵ - پیش از ورود امر از عقب احوال مخاربه
 تبدل یافته میتواند . برای اجرای کار کثریه در وقت
 لزوم اضطران خود بخود قرار داده می توانند با وجود
 آن جزوهای تمام ماتحت را لازم است که این امر را
 همواره مد نظر داشته باشند که اجرای وظیفه بر طبق

خیال بر افسر ضروریست .

۵۰۶ - در محاربه اگر تمامی قطعات بیک نظام
رقرار نمایند بیسج فائده بران مرتب نمیکردد . بر افسر
مسئولیت را در عهد و گرفته نظام مناسب را با لند
انتخاب باید کرد .

محاربه تولی

۵۰۷ - در اثنای پیشرفت برای دخول محاربه،
افسر تولی پیش رفته بهترین راهی تقرب را
جستجو ، انتخاب کرده اكمال کشفیات و اتمام حصول
اعینت تولی را مینماید .

۵۰۸ - اگر افسر تولی این قدر دور شود که حکم
داده تولی خود را سوق کرده نتواند تعمیل حکم را
قدم ارترین افسران تولی در عهد میگیرد .

بجز داینکه ملحوظ کردد که تولی تلفات عظیمه معروض
خواهد شد افسر تولی نزدیک تولی خود باید بود .

۵۰۹ - در انتخاب نظام چنانچه کیفیت استفاده

از اراضی لزوم دارد، بچنان بودن تولی زیر دست
افسر خود تیر ضروری است .

اگر چه قطار دولتی ، در حرکت ، خوبترین نظام است
که با حال اراضی توافق میکند اما همین امر را مد نظر باید
داشت که از نظام مذکور خپور کردن وقت بسیار
بکار دارد . در نظام تولی قطار چون فاصله ما تبدیل
یافته میتواند بواسطه هدایت افسران ، پر کما
از اراضی استفاده کرده میتواند تخصیص اکثر خپور
کردن بیک جنبه وسیع و سرعت ، لازم کرد پس
استعمال نظام مذکور بغایت موافق است . اگر چه نظام
بلوک قطار و نظام لیک ، زیر دست ، تا این اجتماع
عسکر را مینماید . اما چون عمق همین نظامها کمتر میباشد
لذا استعمال آنها در توقف بحال مستوریت بهتر
است .

۵۱۰ - هرگاه خدمات امنیت از جانب قطعاً
دیگر ایفا نشده باشد آن تولی که در محاربه در مجتمع نظام
باشد لازم است که در طرفیکه خطر ملحوظ است یک خط

چپور ضعیف کشیده خود را ایمن ساخته محافظ نماید .
۵۱۱ - قوت خط چپور و طرز تشکیل آن تابع محل
میباشد .

اگر در حال تعرض مستورا بموضع آتش رسیدن ممکن
باشد یا یک مسافت خرد قطع کرده بسرعت . وصول بموضع
مذکور میسر گردد لازم است که از ابتدا خطهای چپور
کثیف که دارای قوت لازمه باشند ترقیب یابند .
و اگر قبل از شروع محاربه آتش این مجبوری حاصل
شود که زیر آتش دشمن یک مسافت دراز قطع شود یا در آن
وقت که احوال بدرجه کافی معلوم نباشد یا تنها اجراء
محاربه اشغال لازم باشد پس درین احوال تشکیل خط
چپور خفیف و کم قوت شایان توجه است .

۵۱۲ - همان تولی که بقوت کامله خود دفعه اجزاء
کند برای اینکه قوت کامله آتش خود را در آنجا محافظ نماید .
چون از جانب قطعات دیگر محتاج تقویه میباشد پس
این کیفیت از ابتدا ای محاربه منتج محذور خلط تو لیا میگرد
مگرد و وقت تقاضای محاربه افسر تولی را لازم است

که تولی خود را کاملاً خپور کرده از ابتدا همه قوت آتش خود را بخار به ادغال نماید .

۵۱۲ - در محاربه تعرض در محلیکه برای انبساط آن تولی که هر دو جناح آن مستند باشند تخصیص میشود . تولی مذکور زیاده از یک یا دو بلوک بندرت دفعه توسیع کرده میتواند . درین حال لازم است که فاصله پر شده تقویه کرده شوند .

۵۱۳ - آن تولی که تنها یک جناح آن مستند باشد به تخصیص در وقتیکه تنها محاربه مینماید گاهی این چنین حالت داشته میباشد که از اصول تقویه به پر کردن فاصله ؛ (که موجب اختلاط بلوکها میگردد) اجتناب کرده به تمدید خط خپور تقویه میکنند . آن تولی که بهین طرز محاربه میکند لازم است که بنظر وقت ترصد جوانب خود را بنماید .

۵۱۵ - در آشنائیکه خطهای خپور یک موضع را اشغال میکنند از روی قاعده بر افسران بلوک و دلکی باشیمان لازم است که شکل موضع را تعیین کنند

مجاورت یک چند را اند که در موضع گذاشته میشوند
در عین وقت لزوم، اشغال موضع مذکور تا این نموده
میشود.

مجاورت کندک

۵۱۶ - برای اینکه کندک یک جبهه وسیع
گرفته تهیه واحضار اخطار انجامید. و اگر با دشمن
بفترت برخورد مجاری به خوبتر آماده شود. قبل از دخول
مجاورت به اکثریه نظر بحال اراضی اتساع از قطار رقرار
ضروری است.

۵۱۷ - اگر فرصت میسر گردد برای اینکه بشین
وضعیت تهیه نشان داده شود (مانند اتساع توپها
بر خط اساس) از تعقیب یک راه پدید مجانبت نباید کرد.

۵۱۸ - قبل از شروع مجاری به لازم است که
افسر کندک حتی الامکان همه افسران توپها را در یک
جا جمع کرده اوامر خود را اجرا کند.

۵۱۹ - هرگاه کندک در یک قطعه کلان بوده

مخاربه نقیحہ قطیہ اجرا میناید برای اینکه تو لیهما با هم مخلوط
نکردند از ابتدا پہلو پہلو داخل کردن تو لیهما بخار به
شایان توجه است .

برگانه برای کندک یک وظیفه مخاربه بالاستقلال
داده شده باشد . پس برای اینکه جزوهای تمام مخار
زیر دست باقی بماند تا ایفای باقی وظایف مخاربه را
بنمایند ، داخل کردن تو لیهما بخار به در عقب یکدیگر مینا
میباشد .

مخاربه های غنچه و لوا

۵۲۰ - غنچه بخاط و قانع سابقه و بیک طرز
بودن تعلیم و تربیه افراد و یک وجود بودن است
اضران و سهولت تقسیم آن عمقا بسبب انقسام آن
به سه و یا چهار کندک یک جزو است که بر اجرای
وظایف معینه مخاربه مقتدر میباشد .

۵۲۱ - لو و بندرت از سه جزو تمام مرکب
میباشد لهذا برای تفریق احتیاط اکثریه لازم میگردد

که یک غندر ایا پاره کنند .

۵۲۲ - انبساط غنند و لوا با این صورت اجرا
میاید . که برای جزوهای ماتحت و ظائف محار تقسیم
و اعطا نموده شود . احکام فقره (۵۱۷) درین جا
تیر جاریست .

۵۲۳ - یک جزو تام هر قدر کلان باشد از غلط
شدن اقسام جزوهای تا میک آ نرا تشکیل میدارند
بما قدر اجتناب باید کرد و تخصیص مخلوط شدن اقسام
غنندای مختلف خیلی مضرست . لهذا ادخال غنندای
بجاری به پهلو پهلو شایان توجه است با وجود آن ان
لوا که در ترتیب سفری میباشند وقت مقتضی توسیع
جبهه یا اتساع لوا ای ندکور ، بطرز استعمال غنندای
آن اجرای تاثیر میکند (که اگر از قطار رقتار توسیع
جبهه یا اجرای اتساع شود نیم ساعت بکارست .)

مخاربه پیاده در قطععات جسمیه

۵۲۳ - در مخاربه میدان ، مخاربه پیاده حالت
 چهاربه نامی جزو نامی تام مستقل را نباید گرفت .
 ۵۲۵ - اتحاد اجزای است و معاملات مخاربه
 بطریق ذیل تحصیل میشود . به افسران کلان اعطای
 وظایف ، تحدید کامل میدان مخاربه جزو نامی تام ، دوام
 و محافظه ارتباط مابین جزو نامی تا میکه پہلو به پہلو مخاربه
 میکنند . با این همه حصول وحدت تأثیر وابسته این
 امر است که افسران ماتحت مقصد مشترک مخاربه را
 هرگز دور از نظر نیکنند .

خاتمه

۵۲۶ - ساده کی قواعد و نظاماتیکه در تعلیمات
 اندراج یافته اند در کمال تعلیم و تربیه خدمت باید کرد .
 بیک سنق تعلیم و تربیه صنف پیاده بسادگی میسر میگردد .
 در وقت نقل اردو و بحال سفر برای اینک افرادیکه زیر

سلاح آورده نشوند در مدت قلیل باز اقتدار و معلومات
 سابقه خود را تحصیل نمایند همین سادگی ضامن کفیل است .
 ۵۲۷ - اگر یک قطعه عسکریه بذریعۀ تعلیمها نیکه اجرا
 کرده است قواعد تعلیمنامه را کاملاً بیاموزد در محاربه
 حقیقی بر ایفای وظیفه مقتدر خواهد بود . هرگاه یک قطعه
 عسکریه بر اجرای لوازم تربیه مقتدر باشد و در میدان
 محاربه به ترک هیچ یک از قواعدیکه در زمان حضر
 آموخته است مجبور نگردد اجرای تعلیم و تربیه قطعه مذکور
 بیک صورت درست شده خواهد بود .

این تعلیمات نصرت تمامه که اقتضای آن قواعد
 فتح و فیروزی و اختتام آن انتظام ظفر و بهر وسعت
 وظیفه مقدس فنون حربیه را بیانی است شافی و فرض
 منصبی قوه عسکریه را دلیلی است کافی بین توجهات
 عرفان درجات پادشاه ترقی خواه معارف آئین
 اعلی حضرت سراج الملک و الدین از برای تعلیم کردن
 مکتب فنون حربیه سراجیه و افسران عسکریان افغانستان
 مقرر گردید.

امید که اولاد وطن مقدس افغانستان از قوا
 جلیله آن فوائد جمیله فنون عسکریه را دریافته بزمیر
 سایه تربیت پایه این پادشاه معارف پرور
 دانش گستر جبهه ملت را استوار و بنای دولت
 را بنیاد گردند و بمطالب گوناگون مکنز و نتایج
 روز افزون ثروت فائز شوند تا از فاتحه رشد
 و کمال بخاتمه غر و اقبال برسند بمنه و کرمه

ن ۵ محرم الحرام ۱۳۳۳
 در مکتب سراجیه

فرهنگ لغات کتاب تعلیمنامه سیاو

۱- باب الف

- ابلاغ - رسانیدن .
- اتخاذ - گرفتن .
- اتساع - فراخ شدن .
- اثر - بکسر اول و سکون ثانی پی ، عقب .
- احراز - فرا گرفتن .
- احضار - حاضر کردن ، آماده کردن .
- اداره - گردانیدن ، چلانیدن .
- ادامه - دائم داشتن .
- ادوات استحکامیه - اسباب سنگر مانند میل ، کلند و غیره .
- ادمان - دائم کردن کاری .
- اراضی - زمینها .
- ارانہ - نشان دادن .
- ارتباط - ربط دادن یکدیگر .

- استنا - از جمع بیرون کردن
- استحصال - حاصل کردن
- استرداد - پس گرفتن
- استفاده - فائده گرفتن
- استلزام - باعث ، موجب
- استناد - تکیه کردن بخبری
- اسکات - خاموشی کردن
- اصابت - رسیدن
- اعانه - معاونت کردن
- اعتنا - غمخواری
- افراغ - خالی کردن ، یک شکل را بدیکر شکل تبدیل کردن
- افسران فخری ملحق - افسرانیکه اساساً بقطعه منسوب نبوده
 بامر ناظر حربه بقطعه مذکور مقرر میشوند
- اتحاق - پیوستن
- انشا - ساختن
- انضباط - ضبط و ربط
- اهتمام - غمخواری

۳۰۸

- اجمال - غفلت کردن
- اجمیت - قیمت و اعتبار
- ایجاب - لازم داشتن
- ایراث - باعث و موجب
- ایفا - ادا کردن ، اجرا نمودن
- ایقاف - بیدار کردن

۲- باب لبیا

- بساطت - سادگی
- بیط - ساده
- پترک ساس - همان پترک که برای حرکات دیگر پترکها است گرفته میشود

۳- باب قتا

- تاسیس - بنیاد نهادن
- تاین - امان دادن ، چیز میرایی شک و شبهه
- حاصل کردن

۳۱۰

- تلاقی - با هم ملاقات کردن .
- تفات - بلاک شدگان ، مجروحان .
- تماس - مس کردن .
- تسک - جنک زدن ، آویختن .
- تنقیص - کم کردن .
- تنوع - گوناگون شدن .
- توجیه - متوجه کردن ، رسیدن .
- توحید - واحد ساختن .
- تودیع - سپردن .
- توسل - وسیله کردن .
- تویح - فزایخ کردن .
- توصیه - وصیت کردن .

۴- باب بحیم

- جبهه - پیشانی . باصطلاح نظام پیشروی قطعه فوج .
- جدیت - عزم ، چزم .
- جلب - کشیدن بطرف خود .

جناح - پهلو ، بازو .
جنگلهای کثیف - جنگلهائیکه درختان انبوه داشته باشند .

۵- باب الحاء

حائز - فراگیرنده .

حدت - تیزی .

حذا - برابر بودن .

حزمه - دسته .

حفر - کندن .

۶- باب الحاء

خریطه ها - نقشه های زمین .

خط اساس - خط موهومی که از پایهای افرادیکه در نظام
لیک استاده میباشد میگذرد .

حقیف - سبک ، پراکنده .

خلجان - جستن دل ، وسواس :

۳۱۲

۷- باب الدال

درایت - فهم ، عقل .
دقت - باریک بینی .

۸- باب الراء

راصدان - افزا دیکه حرکات دشمن بدقت می بینند .
رخاوت - سستی .

۹- باب الزرای

زحف - بهر چهار دست و پا رفتن .

۱۰- باب السین

سکته - وقف ، تاخیر .
سوق - راندن .
سپر - آن بلندی زمین که بدان پناه برده میشود .
ستره - پناه .

۳۱۳

سریع - شتاب کننده .

۱۱- باب الشین

شاخص - علامت ، هر یک از آن دو نفر که استقامت
دقار پریت را تعیین میدارند .

شفا بی - زبانی .
شکل اهرام - سه و یا چهار تفنگ که کوش شوند آنرا شکل
اهرام گویند .

۱۲- باب لصاد

صوت - حمله بردن .

۱۳- باب لصاد

ضیائی - روشنی .
ضیاع - گم شدن .

۳۱۴

۱۳- باب اطباء

طرد - راندن ، دور کردن .

۱۵- باب العین

عقیم - بی ثمر .

علی الاکثر - اکثریه .

عمق - چتوری ، درازی قطار .

عمود - ستون .

۱۶- باب لفاء

فرغ عینیه - همان نخیره خرد که از انجا بسا فهای دور

دیده میشود .

فلاسه - بیرق خرد .

۱۷- باب لقاف

قاعدۀ - بقرار قاعده .

۳۱۵

قطر - خطیکه دائره را نصف میکند .
قطعه - پاره .

۱۸ - باب لکاف

کثیف - انبوه .

۱۹ - باب اللام

لدئی لایجاب - در حین لزوم .

۲۰ - باب المیم

مأمول - آرزو کرده شده .

مانوره - جنک مصنوعی .

ماهرانه - استادانه .

مبادله - معاوضه ، بدل کردن .

مبدل - تبدیل ، تغییر یافته .

متحدًا - از روی اتحاد .

مترقب - انتظارگسننده .

- متزلزل - مضطرب . پریشان .
- متیح - فراخ شده .
- متممه - تمام کننده .
- متنوع - گوناگون .
- متوازن - تساوی .
- متوالی - پی در پی .
- متاوبا - پی در پی .
- مجانبت - پرهنیزگردن .
- مجاور - همسایه .
- محتوی - دربرگیرنده .
- محو - خطیکه باطراف آن دور کرده میشود .
- مدافعه - دفع کردن .
- مرئیت - دیده شدن .
- مرج - بهتر .
- مرمی - کلوزه توپ و تفنگ .
- مساحه - پیمایش .
- مساعد - یاری دهنده .

- مسافه - دوری ، بعد .
- مسامحه - غفلت ، آسان گرفتن .
- مشاق - مشقها .
- مشاهدات - چیزهاییکه دیده میشوند .
- مشعر - آکابهی دهنده ، بیان کننده .
- مصادمه - باهم کوفتن .
- مصر - اصرار کننده ، محکم .
- مضر - ضرر کننده .
- مضروب - زده شده .
- مطرد - یکسان .
- معلمین - تعلیم کنندگان .
- معاینه - فوج را از نظر گذرا سیدن .
- معافی - با وجود آن .
- مقید - بند شده .
- محوظ - امکان داشته ، دیده شده .
- ملکه - توتیکه در طبیعت جا میگیرد .
- ملکات - جمع ملکه .

۳۱۸

مارسه - مهارت ، کوشیدن

ممد - دراز شده .

منج - نتیجه دهنده .

منظر - بانظام ، راست .

منطقه - پاره زمین .

مواد - اصل خیر .

موزیکه - باجه خانه .

موفقیت - کامیابی .

مهاجمین - حمله کنندگان .

مهاکن - حتی الامکان .

۶۱- باب لنون

نشر - پراکنده کردن .

نظارت - بالابینی .

نقرات - سپاهیان .

نقوذ - جاری شدن فرمان .

نواقص - کسها .

۲۲- باب لواو

وسایط - واسطه ۴ .

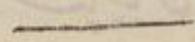
۲۳- باب لهاء

بجوم - جمله کردن .

بیولا - هرگاه خواسته شود که یک تولی، تشکیل یابد
و افراد کم باشد درین هنگام افراد را در جاهای
خود استاده فرض و تحلیل میکنیم و افسران کوچک را
بجاهای خود، حقیقی استاده مینماییم همین وضعیت را
بیولا مینامند .

بیست - شکل، جماعت .

بیجان - اضطراب، بیقراری .



فهرست

صحیفه
سن : ۱۱

۱ : ۱۷ مدخل فقره [۱ : ۲۳]

قسم اول

باب اول

۱۸ : ۱۹ نظام مجتمع : تریه منفرد ، قواعد عمومی

فقره [۲۴ : ۲۵]

۱۹ : ۲۱ ملی تفکک تعلیم و تربیه : وضعیت اساس

فقره [۲۷ : ۲۹]

۲۱ : ۲۶ رقرار فقره [۳۰ : ۳۷]

۲۶ : ۲۹ کردشها فقره [۳۸ : ۴۳]

باب دوم

۳۰ : ۴۱ بهراه تفکک تعلیم و تربیه ، وضعیت ،

پتوپک ، اوژه پک ، سلامی ، زنگون پک ،

جکر پک ، لند پک ، برچه پک ، برچه کاتر ،

	سن	الی
فقره [۴۴ : ۶۲]		
زنکون کیشو ، پروت ، ولاثرسی ،	۴۴	: ۴۱
فقره [۶۰ : ۶۳]		
تفنگ پرکردن ، اورکردن ، خالی	۵۰	: ۴۴
کردن ، تیار اوس کردن ، تفنگ پس		
کردن و قید کردن و پشوپک کردن		
فقره [۶۶ : ۷۴]		
برای تفنگ ناوهدنی تفنگ پرکردن ،	۵۶	: ۵۰
اورکردن ، خالی کردن فقره		
[۷۸ : ۷۵]		
با تفنگ رفتن و دیدن فقره [۷۹]	۵۹	: ۵۶
[۸۳]		
بجوم فقره [۸۷ : ۸۴]	۶۰	: ۵۹
حرکات کرج فقره [۹۳ : ۸۸]	۶۳	: ۶۰
سلامی دست فقره [۹۵ : ۹۴]	۶۷	: ۶۳

باب سوم

من : الی

۶۷ : ۷۳ تعلیم دکن بدو صفت ، عذا ، رفتار دکنی ،

کار و کوثر ، کار بدیل ، غیر ک قطار فقره

[۹۶ : ۱۰۱]

۷۳ : ۷۵ تعلیم پیک ، ترتیب و تقسیم پیک فقره

[۱۰۲ : ۱۰۶]

باب چهارم

۷۶ : ۸۶ تولى ، قواعد عمومی ، ترتیب و تقسیم تولى فقره

[۱۰۷ : ۱۲۲]

۸۶ : ۹۳ کردشها و حرکات تفنگ ، کوت یک ،

تول تول ، فقره [۱۲۳ : ۱۳۰]

۹۳ : ۹۶ رفتار فقره [۱۳۶ : ۱۴۲]

۹۶ : ۱۰۳ تبدیل نظامها و چرخها ، معلومات عمومی ، تصغیر

تجه ، توسیع جهه فقره [۱۴۳ : ۱۵۶]

۱۰۳ : ۱۰۴ تشکیل غیر ک قطار از یک فقره [۱۵۷]

۱۰۴ : ۱۰۷ چرخها فقره [۱۵۸ : ۱۶۴]

صحیفه
من : الی

• [۱۶۳] فخره نجوم ۱۰۹ : ۱۰۷

باب پنجم

۱۱۲ : ۱۰۹ قیت نظام یعنی خیور ، قواعد عمومی فخره

• [۱۶۸ : ۱۶۴]

• [۱۸۱ : ۱۶۹] تربیه منفرد در تعلیم خیور فخره ۱۱۹ : ۱۱۲

• [۱۸۸ : ۱۸۲] غبرک و پزک فخره ۱۲۳ : ۱۱۹

• [۱۹۶ : ۱۸۹] قوی ، افسر قوی فخره ۱۲۸ : ۱۲۳

• [۲۰۳ : ۱۹۷] تشکیل خط خیور فخره ۱۳۳ : ۱۲۸

• [۲۱۴ : ۲۰۴] حرکات خط خیور و موضع گرفتن آن فخره ۱۴۱ : ۱۳۳

• [۲۱۴ : ۲۰۴]

• [۲۲۰ : ۲۱۰] انواع اور و حکمهای آن فخره ۱۴۰ : ۱۴۱

• [۲۳۳ : ۲۲۱] تاثیر آتش ، اداره آتش فخره ۱۵۴ : ۱۴۰

• [۲۳۷ : ۲۳۴] نزدیک شدن ، بجا شدن ، جمع شدن فخره ۱۵۷ : ۱۵۴

• [۲۳۷ : ۲۳۴]

• [۲۳۷ : ۲۳۴] کندک ، افسر کندک ، خط خیور ، استناد ، ۱۷۳ : ۱۵۸

• [۲۳۷ : ۲۳۴] نزدیک شدن ، بجا شدن ، اداره کندک فخره

۳۲۴

صفحه
من : الی [۲۳۸ : ۲۶۶]

• ۱۷۳ : ۱۷۵ غنڈ و لو ا فقره [۲۶۷ : ۲۷۱]

قسم ثانی

• ۱۷۵ : ۱۸۳ ترتیب و بیان نظام معاینه فقره [۲۷۷ : ۲۸۶]

• ۱۸۳ : ۱۸۷ بیان نظام معاینه و پریت فقره [۲۸۷ : ۲۹۱]

• ۱۸۷ : ۱۹۰ ترتیب نظام معاینه و پریت بحضور شہریاری [۲۹۲]

• ۱۹۰ : ۱۹۰ علم و عقاب کمر فتن و باز بجل آن بدون فقره [۲۹۳ : ۲۹۶]

• ۱۹۰ : ۲۰۷ رسم تعظیم افراد و قطعات فقره

• [۲۹۷ : ۲۹۹]

صحنه

قسم ثالث

من : الی

- مدخل فقره [۳۰۰ : ۳۲۱]
- سوق و اداره فقره [۳۲۲ : ۳۵۴]
- استفاده از اراضی فقره [۳۵۵ : ۳۵۹]
- استعمال دوات استحکامیه فقره [۳۶۰ : ۳۶۴]
- توسیع جبهه و اصول تعرض و محاربه تصانیف فقره [۳۶۵ : ۴۱۱]
- تعرض بدشمنیکه برای مدافعه انبساط کرده است فقره [۴۱۲ : ۴۲۳]
- تعرض بیک موضع مستحکم صحرا فقره [۴۲۴ : ۴۴۱]
- اعطاء مدافعه فقره [۴۴۲ : ۴۶۶]
- محاربه اشغال و تعقیب فقره [۴۶۷ : ۴۷۵]
- رجعت قطع محاربه فقره [۴۷۶ : ۴۸۳]
- محاربه مواقع مسکونه و جنگل فقره [۴۸۴ : ۴۹۲]
- صورت حرکت در مقابل باقی صنوف و محاربه جزوئی تمام فقره [۴۹۳ : ۵۰۶]

۳۲۶

صحیفه

سن : ۱۱

- ۳۰۰ : ۲۹۶ محاربه تولى فتره [۵۰۷ : ۵۱۵]
- ۳۰۱ : ۳۰۰ محاربه کندک فتره [۵۱۶ : ۵۱۹]
- ۳۰۲ : ۳۰۱ محاربه باى غند و لوا ، محاربه پياده در قطعان
- جميه فتره [۵۲۳ : ۵۲۴]
- ۳۰۳ : ۳۰۲ خاتمه [۵۲۶ : ۵۲۷]

بقلم العبد المذنب لرحمى جلاله
قذافي كاشف كفت

حربيه سراجيه ۱۵۱۵

حرم اكرام ختام

پذيرفت

۱۳۳۲

